۱۵

الفاظ ادویه

تألیف

حکیم نورالدین محمد شیرازی

تاریخ

۱۰۳۸

هذا کتاب الفاظ الادویه للطب
فارسی وعربی وهندی ومشهور اسما
ملك الفقیر حسن محمد افندی شمسی مجاور
مدینه منوره سال ۱۱۸۶

من نعم المولی ...

کیف اقول هذا الکتاب ... الملك
لله الواحد القهار الحقیر شیخ رضا
... بحیث لا
یباع ولا ... من ابد الدهر

هذا من کتب الوالد رحمه الله
الذی اوقفها قبل وفاته
رحمة الله ... علیه
آمین

بسم الله الرحمن الرحیم

هو الله احد الله الصمد که پایه حقیقت بیچونش از ادراک [illegible] و حاجب
شناخت برترست و تفکر ادراک کنه ذاتش کاشف انوار تجلیات [illegible]
و [illegible] ذات او نشانه که فاتح ابواب [illegible] کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف
خود بخود از خود بصفات لایتناهی جلوه ظهور در [illegible] معنی را بتجلی
صورت و صورت را آینه معنی نموده و بقدرت کامله ان الله علی کل شیء قدیر
هر فردی از افراد ممکنات را تجلی خاص الخاص متجلی الاحکام و مخصوص [illegible]
و بحکمت بالغه الله نور السموات والارض هر ذره از ذرات کائنات را [illegible]
که حقایق اشیا عبارت از آنست [illegible] و هر آنی را
مخصوص بصفتی و هر صفتی را منسوب باسمی کرده نقطه هو هو مه جزء لا یتجزی را
بحسب امیزش شیونات نقوط و نقوط را بحروف و حروف را بکلمه و کلمه را
بکلام ارتباط معنوی مرحمت فرموده از کتم علم بعلم عین اورد و اقتضای
هزاران هزار اسرار بدیعه و نقوش غریبه بموجب ما شاء الله کان
و ما لم یشأ لم یکن بکاف کن مفوض داشته بر کرم ایجاد و تقدیر گردانیده
و همگی کلیات عناصر و اجرام را در جزئیات موالید ثلثه سر انجام ظهور
بخشیده بظهور واجب الوجودی استظهار ممکنات گشت تا جماد را

[illegible] مشتاقان [illegible] و [illegible] از [illegible] و نبات و
و [illegible] حرکت ارادی اثنای ن والقلم و ما یسطرون [illegible] از روی کار [illegible] و برودت
جماد لوح شد و نبات [illegible] اول ما خلق الله [illegible] از تحرک علم نقش هستی
بر گرفت و از [illegible] تا [illegible] لا مکان از امکانی بهم رسید احدی
[illegible] چون زحمت الکبد صور را آمیزش
نقوش دست داد تا [illegible] بمیان آمد آلت و سبب و واسطه صنایع
مصور [illegible] واحد بعدد الف یعنی بسانی که هزار
[illegible] اعتدال مزاج حقیقت و مجاز
استعد علم ظهور [illegible] معنی [illegible] معرفت [illegible]
[illegible] نفخت فیه من روحی [illegible]
و [illegible] لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر مرجع گفت
و [illegible] آینه [illegible] یعنی معنی علم صورت وجود
[illegible] والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا
[illegible] کنایت از حیوانست
و بحسب [illegible] حقیقی و [illegible] بظهور [illegible] مظهر اتم [illegible] مستجمع
جمیع [illegible] حضرت محمدی بختم انجامید صلی الله علیه
[illegible] جف القلم بما هو کائن [illegible] و بجنبش ظهور و
تجلیات [illegible] تجلی [illegible] خواص هر شیء شاهد
حال [illegible] اقتضای وان من شیء الا یسبح بحمده
جمیع [illegible] لباس انواع [illegible] بلفظ صورت
و [illegible] غافل [illegible] هر گاه [illegible] ظهور

وصل المسمى
سماع
معرفه
حب
الحمد

اقامت نجات باقتدوعالم و عامل و واحد واحد و سبب و سبب و حمد و مجد در نظر
مبصران وحدت کرین یکی بود کمالات ثانی و کونشی لمولفه عالم همه را طلسم حی حیم
من جائی بیرون زجسم می بینیم من اندر همه زمین کرفت اوج برین یک نقطه هزار
قسم می بینیم من سبحانه وتعالی عما یقولون علوا کبیرا از حکیم اسمی عزیز بند باید هم
اوکرد امتحان باید نظر پاکی بچنین بیند تا زبین حمد تا زکش بیند زهی شرافت
فضل وکمال وچندار رفعت مقام وحال صاحب لوای لولاک لما خلقت الافلاک
که بمفتاح وما ارسلناک الا رحمة للعالمین سبب کشاد کار و عقود ختم
الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم اند و بود ای کنت نبیا وآدم بین الماء والطین
شرف امتیاز و علم آدم الاسماء کلها با دم خاکی ارزانی داشته نیروی
حکم ولا رطب ولا یابس الا فی کتب مبین تجلیات فیوض وافیات را نسبونات
لا یتناهیا و تعینات بیحد و غایات بفیض نظار کیا زصور و معانی نموده وجهه
اختصای تفاصیل جزوی مجمل کلی بدست اورده که بدر منبر از یمن انگشت
قدرت تاثیرش باشارت وما محمد الا رسول مشرف اند گرانشق القمر و عقل
خیر از پرتو تواری صفت نمایش با بیمائی وعلی الرسول الا البلاغ در
اول ما خلق الله معتبر از لطافت کلام معجز نظامش احکام و ایات صحف
بهشتینه منسوخ و از شرافت تمام کرامت انتقالش انار و بینات ملل دیگر
مکسور کمتریش احتشام واقتدار آن را از دار اسرار کبریا دو پرده
کشای سرایرا بنیای اینکه در لباس صورت کسوت معنی را پیرایه ظاهر
و باطن انکاشته علم باطن را سرمایه صورت و معنی بنداشته و مودت جمل
اهل بیت او که بموجب کریمه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت خمخم
ویطهرکم تطهیرا بطهارت ازلی مخصوص اند و بمنطوقه قل لا اسالکم علیه

اجرا الا المودة فی القربی بشرافت لم یزلی مخصوص سرمایه نجات گم
شده کان وادی ضلالت و تیه غوایت و محبت عترت او که وآت
ذی القربی حقه در شان ایشان نازل است بلدو مراحله سرکشان
بادیه جهالت و مضیق مذلت چون حیث و بدبه رسالت و طنطنه جلالتش
کونین کارا فزو کرفته صلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین واداره اکرام
واجلال وافضال صحبه واجب التبجیل والاجلال و تبعه خیر العاقبه والمآل
که سلطان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را از هامون ضلالت و بیابان
اختلاف بدار الملک هدایت وایتلاف آورده با قاصی و دانی رسیده
رضی الله عنهم اجمعین احوط انست که رعایت ادب و پاس امر رب
عرف بر ذمه طبع و طبیعت که مودع نفاس وودایع اند لازمه دانسته برخی
از ثنا کستر خدیو کشور جهانبانی عداب البیان کردد تا در محکمه اطیعوا الله
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم از سلک مسالک اوبر سوم مراسم اسلامیت
سند بن الدنیا هندکی انصاف بیرون نباشد الملک ثم حمد الملک که اولی الامر او ان کیتی
خداوند کشورستان اورنک آرای سریر کورکان مطلع نجوم سپهر سلطنت
سنا... عرف فدر وکامکاری منبع رسوم حق شناسی ودین داری اعنی شاه جهجاه کیوان
بارکاه برجیس سعادت مریخ صولت ناهید عشرت قمر شرافت آفتاب
تاب هلال رکاب سکندر فطنت خلافت منزلت سلیمان مرتبت عالم عامل مرشد
کامل خسرو کیهان کشای جهان آرای عدالت سرای المخصوص بعنایات
سبحانی ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد شاه پادشاه صاحب قران ثانی بادت
که بهمین متابعت نبوی واطاعت طریقت مصطفوی علم دولت وانتهای
هدایت رشد و رشاد بر افراشت و رقوم مسائل دقیق و نقوش ابر

تحقیق بر صفحهٔ جان و جنان معتقدان صادق و مریدان واثق موافق نکات آمیزش بر مطابق آیین اسلام و احکامش همه موافق نص کلام و زبان حال را از شورش فتنه و آشوب حوادث نگاه داشته و معموری جهان آباد صوری جهان همت بگماشته که جمهور انام از خواص و عوام با صلاح و اتفاق در بطن امن و بسط امان مرفه الحال و فارغ البال آسوده دل و شگفته خاطر بند و نقد رایج دانش از جنس کاسد جهل امتیاز تمام دارد

بیت خدایا تو این شاه درویش دوست ٭ که آسایش خلق در ظل اوست
بسی بر سر خلق پاینده دار ٭ بتوفیق طاعت دلش زنده دار ٭ برومند دارش درخت امید ٭ سرش سبز و رویش برحمت سفید و بعد

میسر اید خادم اطبای نیازمند درگاه بی نیازی نور الدین محمد عبد الله حکیم عین الملک شیرازی عفی عنهم که چون بچندین طبقات از آبا و امهات حلقهٔ خانه زادی و بندگی بگوش عقیدت هوش ارادت نیوش دارد و درین زمان سعادت توامان که اغاز اورنگ آرای و ابتداء جلوس میمنت مانوس بجا ... ابجد ازین مصراع بر می آید ابادا ابد باد اصاحب قران ثانی نشا المعنی بجوش آمده و در بیران سالی بیان بوستان حدائق سخن از سر نو بهار جوانی مبدل گشت همگی در بحب وجوهی آن شده که بذریعهٔ دستیاری پرستاری و خانه زادی موروثی مصدر امری شود تا منظور زمرهٔ استادهای بساط انبساط عز و علا که مرجع کامیابی علما و منبع کامرانی فضلاست گشته ملحوظ الطاف بی پایان و معطوف اعطاف بیحد و کران گردد با این همه هیچ مدانی و تمام نادانی تمهید سخن را بعلم موروثی خود که بحکمت طبیعی موصوف است آشنا یافته سر رشته

معنی

وابتداء ...

معنی بدست آورده بعد ... گردد ... جوان ... جوامع ... گشته که زبان معلوم است که ... و ... البته ... و ... کتاب ... خواص ... البته ... جزو و عملی طب ... اسماء ... و ... الا ... تتبع اصطلاحات ... بزرگی فن است کسر البضاعت در تحصیل آن گماشت تا در تحقیق لغت ادویه مفرده که در کتابات شتی بلغات مختلفه یونانی و تازی و رومی و اندلسی و عبری و سریانی و بربری و ترکی و فارسی و هندی درج است مهما امکن دریافت دانی نموده السنه مصطلحه مختلفه را بوحدت معانی سنجیده و الفاظ متعارفه را بمعانی متنوعه التیام داده المؤده حی مجید تالیف نمود و مسمی به الفاظ ادویه که تاریخ انجام نگارش این تالیف شریف گردانید فرد دارد کتابی چه دوا و افادیه تاریخ و نام نیز شد الفاظ ادویه و منقسم ساخت بمقدمه و نتیجه و خاتمه مقدمه مشتمل است بر چهار فائده فایده اول در بیان علامات تصحیح اعراب فائده دوم در بیان علامات زبانهای هر دیار فائده سیوم در تحقیق طبایع و درجات آن و علاماتی که منسوب است بآن و ذکر مجملی از دو الطبع و درجه و قوت فایده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل دوا و علامات آن نتیجه در ذکر الفاظ دوا بترتیب ابتث و بیان علامات آن خاتمه در بیان ادویه بسته کثیر المنفعه که در کتب قدما کمتر است ذکر اینها چون پاد زهر و مومیائی و چوب چینی و چا و قهوه و تنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بر سهوی و خطای آگهی یابند بقلم انصاف اصلاح فرمایند و بالله التوفیق و به المستعان مقدمه مشتمل است بر چهار فائده فایده اول در بیان علامات

تصحیح اعراب پوشیده نماند که [illegible] تابع صحاح الادویه
این مولف اختیار است بدیعی [illegible] لغات سند کرده هر جا اشارت
یا دل میرود مراد از حرف نخستین لفظ است و اذ ثانی حروف دوم که
متصل به نخستین است و هر جا موحده اشارت میرود مراد از ان حرف بای است
و فوقانیه اشارت بحرف تا و مثلثه ثا یا بنا و تحتانیه عبارت از یا است
و معجمه بیان حروف نقطه دار و مهمله تعبیر حرف بی نقطه فایده دوم در
بیان علامات اصطلاح و زبان و هر دیار و سرزمین مثلا از عربی ع که حرف
اول اوست و همچنین از فارسی ف و از هندی هـ و از مشهور و معروف
و مذکور م مرقوم ساخته اسامی دیار دیگر را به اسم نقل پذیر کرده اند
فائده سیوم در تحقیق طبایع و درجات دوا و علاماتی که منسوب بان
و ذکر مجلی از دوا بطبع و درجه و قوت و خاصیت بدانکه نزد جمهور اطبا
کیفیتی است که بهم میرسد از اول استحاله اخشیجان که انرا هر گاه بر دوا
اطلاق کنند طبع نامند و طبایع بیرون نباشد از نه کیفیت چهار از ان کیفیات
اربعه بسیط که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت باشد و چهار
دیگر مرکب بکیفیات اربعه و یکی اعتدال فرحی اطبا پس از طبع ط از حرارت
ح و از برودت ب و از رطوبت ر و از یبوست ی و از معتدل
مع منقش کرده اند و نیز هر کیفیتی در اثر بچهار مرتبه منحصر و مقرر اطبا
است که انرا باصطلاح ایشان درجه خوانند و درجات موثر افزون
از چهار بر نشمرند چه هر چه احداث کیفیتی در بدن میکند اگر محسوس
از تناول ان هیچ اثر ظاهر نشود و یا اثر ضعیف ظاهر شود انرا درجه
اول گویند و اگر بالفعل و ظاهر اثر قوی میکند اما بیک نوبت تناول

هیچ ضرر و اثر ازای بدن ناقص [illegible] نشود انرا درجه دوم گویند و اگر
بیکدفعه تناول ان فعلا از افعال بدن [illegible] مختل شود انرا درجه سیوم
گویند و اگر بیکدفعه تناول بکنند یا تغیری عظیم در روح حیوانی حادث شود
انرا درجه چهارم گویند و دوای سمی و دوای قاتل نیز فی کلیه حکما است گویند
گرم و تر تجاوز نمیکند حرارت او از درجه اول از برای انکه اگر حرارت زاده
شود بر این مقدار رفانی میسازد رطوبت را پس از برای اینست که یافته نمیشود
دوای گرم در درجه دوم و سیوم الا انکه یابس باشد و هر چیز که گرم باشد در
درجه چهارم پس او یابست و در درجه چهارم بعینها و درجات را بحساب
هندی که از یکی ۱ و از دوم ۲ و از سیوم ۳ و از چهارم ۴ در حیز تحریر
اورد اکنون مجلی از دوا مرقوم میسازد بطبع و درجه و خاصیت و مراد
از قوت و خاصیت یعنی افعال آن دوا چنانکه سقمونیا مسهل صفراست و افتیمون
مسهل سودا و دارچینی منفتح و علی هذا القیاس علامت ف اشارت از وست
ادویه حار یعنی گرم در درجه اول افسنتین بابونه تمر تخم کتان حمص
رماد و حلزون بری شاهتره جبر لوف لادن گرم در درجه دوم اصل الغرب
اصل مازریون سپید و سیاه اسقاقس که نوعی از اکلیل الملک است بادرنج
بو بنجاسب بلسان بزر الانجره و برگ او جند بیدستر حلیه دردی عصاره زیتون
و بق راعی الابل زراوند طویل و مدحرج زعفران شبت تر و خشک شراب
مستحکم عسل عصاره قثاء الحمار عنصل فراسیون ه قصب الذریره قنور
شجره حبة الخضرا ورق او کافیطوس کرفس کبریت کندر لوف مصطکی
میعه لح و سنج الکواریر گرم در درجه سیوم انیسون اسارون افتیمون
بوزیدان جلبی برگ فحکشت ترب و برگ او تخم فحکشت جاوشیر حاما حا

حومل خربقین تمر وسلیخه سداب کبیخ شیح ارمنی محرق حنظل شب محرق
شراب کهنه جمیع انواع شیر حاد شیر شکر محرق صدف محرق غار فودنج
نهری قشور قصب محرق قنه مثل کرویا کرفس کوهی کرفس بری کماد ریوس
کاشم مرماخوز مرزنجوش نانخواه نعناع وج ینبوت **گرم در درجه چهارم**
انواع یتوع بصل ثوم جمیع اشیا محرق زبد البحر سداب بری فربیون قنطوریون
قطران کراث کرم **بارد یعنی سرد در درجه اول** اصل السوس اقاقیا آرد
ناشسته برک بنفشه بلوط براده برکنجاس قصب بسفایج ثمر علیق ثیل جاورس
جبن رطب خشخاش دهن ورد لب زجاج زنجفر سرفق سقز شجره بنج تخم
الزبیب کمثری ما بنات نشاسته هند **سرد در درجه دوم** اقاقیا معنول اطراف
زیتون بقلة یمانیه بطیخ برک هلیون برک بیون بزرقطونا جمار خوخ خیار
رصاص زیتون خام سماق تخم اترج طحلب عفص اخضر کدو لسان الحمل
مغز کلم ماش **سرد در درجه سیوم** بقلة الحمقا برسنا امرو جلنارجی العالم کبیر
وصغیر حماض اترج حب العلیق خام وروغن او خشخاش سیاه عصی الراعی فطر
لفاح **سرد در درجه چهارم** جمیع اشیا محذره مثل افیون وغیره شوکران بس
خشخاس **یابس یعنی خشک در درجه اول** اباغالس اصل النیل اصل السوس
بابونه بادام شیرین برسیاوشان بسفایج پوست جوز ولب تخم خرزه الحجر
حب العارجی السعالم کبیر وصغیر خرا الصنجر دکل وفلی شجر وظلی رازیانه روغن
جوز زعفران سعد سویق الشعیر صقر صمغ جوز کندر کمثری ورق سوسن
خشک در درجه دوم اصل المرا اصل اللوف بنج نیلوفر بسفایج بلسان رب
جندبید ستر حبة الخضرا ادیرک اوراعی الاهل زراوند زفت سنبل الطیب
سنبل رومی شیلم شاه ترح شراب ستمکم شجره مصطکی شهدانج عجم الزبیب

عسل قفر

عسل قفر الیهود قصب لزریوه قشور کندر قشور بیخ کر اسفو کر نب ابن جاوشیر
مرمکی مصطکی نسج العنکبوت **خشک در درجه سیوم** اقاقیا اینسون ابارون
افتیمون انیل افتیمون اصل المار زیتون اطراف کرنب خشک اصل فطالن
برک وتخم فنجنکشت بلسان پوست عرب سوخته بوره بلوط جلنار حاشا حماض
اترج حب العلیق حلتیت حمص خربقین ختمی خنثی محرق دار شیشعان دخن
رماد قشور قصب ماد حلزون بری روغن ترب زوفا سرطان محرق سلیخه
سرو سداب بستانی ساق سرکه شیح ارمنی محرق شب محرق شونیز شراب کهنه
شجر بلوط شعیر محرق جرصفر صدف محرق غار فودنج نهری فراسیون فاشرا
سنبن فطر اسالیون فاوانیا قیصوم کرویا کرفس بری کادر یوس کما مافیطوس
مرزنجوش مشکطرامشیع نانخواه نطرون وج ورق غار ینبوت **خشک در درجه
چهارم** ثوم خردل سداب بری قطران کرم کراث **محققه یعنی لدغ**
اذان الفار اصل السعد اصل قنطافلن انزروت بیاض رقیق بیض برک غرب
وکل او وعصاره برکها وباقلا بنج نیلوفر بسفایج توتیا تخم الجزره ورق او
ترمس ثلج جاورس جمیع اجزا شجر سرو جمیع انواع طین حب صنوبر دردی
عصاره زیتون سوسن قشور جوز محرق کثیرا الحبته التبس لسان الحمل **مرطب
یعنی تر در درجه اول** برک بنفشه حمص خصی الثعلب خوخ روغن کل عصاره
بوس فطر کاهو لسان الثور **تر در درجه دوم** اقاقیا انزروت بزر
قطونا برسیاوشان ابرد بقله یمانیه برک بنفشه خشک خشخاس وبقا ولب دم
الاخوین رصاص سرمق شوکران شجر جوز طحلب قطرقنا ابستانی کدو کاهو
مامیا لسان الحمل مشمش ورق علیق **ادویه میانه در گرمی و سردی** اصل ختمی
برسیاوشان باقلا حمص حب صنوبر خزیره حصی الثعلب زیت عذب

نشا الحنطا اقلیمیا ... بنفشه ... حمص ... در درجه ...

زیتون زرخش شمع شیح مصطکی طین طوس طین سامیوس عدس عصاره
سوس فاوانیا فاشرا فنتورا ترج مراد اسفنج هلیون **بیانه در تری و جنبلی**
اصل نیل جهته حما و خصی الثعلب زیت عذب **مخدرات** یعنی ادویه که بخواب
حس و حرکت را افیون اصل اللفاح اسپند اذاراقی اصل الذرب سبنج
بیخ موت جنگلی تخم و برگ تنباکو جوز ماثل سراج القطرب شیبی شوکران
قنب کاکنج کنذر لبن الخیل لونک جنگلی بروح القسم **مسهلات صفرا** اجاص
افستین بنفشه خشک تمر هندی ترنجبین خیار شنبر سقمونیا شاهتره
شیرخشت شبرم گل سرخ لبلاب مازریون هلیله زرد **مسهلات بلغم**
بسفایج تربد حرمل حب النیل شحم حنظل غاریقون فرفیون قنطریون قثاء
الحمار ماهیزهرج ماهودانه **مسهلات سوداء** افتیمون اسطوخودوس آمله
بالنگو بسفایج حجر الازورد سنا غاریقون کشوث هلیله کابلی **مقیات**
یعنی ادویه که قی آرد اصل کدوی تلخ پوست و تخم خربزه بوره تخم ترب
و برگ آن شبت تخم جرجر تخم مازریون خربق سکنجبین کنگر زد کنذش
لوسا اسرخ موبرج مار العل نمک هندی **مفتحات** یعنی ادویه که سده بگشاید
اوخرا انیسون افسنتین اسطوخودوس افتیمون ابرسا ترمس جنطیانا حاما
حاشا حرمل دارچینی رازیانه زیره زعفران زراوند شاهتره صمغ عود
غاریقون فاوانیا فراسیون قنطوریون فودنج مامیثا کرفس کبابه کرسنه
کشوث مرزنجوش نانخواه هلیون **ملطفات** یعنی ادویه که تلطیف و تقطیع
اخلاط غلیظه کند اسپل اسقیل اسطوخودوس اقحوان الجزء اوخرا
برسیاوشان بابونه بودنه جند بیدستر جعده حماض حب البان حرف
حاشا حرمل خردل دارچینی ذوفا دحسک زراوند سکبینج سداب سیر

سرکه

سرکه صعتر کافور قرحا فنجنکشت قرطم فودنج ماما کمادریوس شکاعی شیح تمام
نانخواه وج **مدرات** ادویه که ادرار بول و حیض و عرق کند ابهل
اقحوان انیسون انجدان برنجاسف بابونه برسیاوشان ترمس تخم کرز
جند بیدستر جعده جنطیانا حاجا و شیر حبه الخضرا دارچینی رازیانه رومی فاخک
سداب سلیخه شونیز عروق عود فاوانیا فراسیون فودنج ماما قنطوریون
قسط کبابه کرفس کمادریوس میعه مرزنجوش شکاعی شیح نانخواه تمام
مفتتات ادویه که سنگ بریزاند اسارون برنجاسف برسیاوشان
بادام تلخ تخم خربزه خشک حجر الیهود رازیانه سعد سکبینج صمغ آلوی سیاه
قابضات ادویه که طبیعت را ببندد او خرامرد و برنج بلوط لبد باقلا
بیخ بارتنگ بیخ تخم شاهسفرم تخم ریحان گل جوز سرو دم الاخوین زعرور سماق کبابر
طین مختوم عدس اکر باکنذر کرویا کاوریس مصطکی مورد نار دبن نشاسته
نبق نخود ورق زر **محللات** ادویه که غلظت و صلابت تحلیل برد اکلیل
الملک اشق اسقیل اوخرا اساروان اقحوان برسیاوشان بابونه برنجاسف
باقلا بودنه جعده ترمس جاوشیر حاشا خرزهره خطمی خروع روباه تربک
زفت زراوند سوس صمغ بطم غافث قنه کمادریوس کماه کبر لادن مرز
رنجوش تمام **منضجات** ادویه که اورام و صلابات را نضج دهد اکلیل الملک
ایرسا انجیر برگ خطمی زعفران صمغ بطم کرنب لادن مر میعه موم مرداسنگ
مفتتات ادویه که نفخ و ریح را بشکند و تحلیل ببرد انیسون افتیمون
بسباسه بنجنکشت تخم کرز جاوشیر حاما دارفلفل زنجبیل زیره زرا وند زرنبا
و سداب سعد صعتر فلفل فودنج ماما کندر کرفس نانخواه **مقویات دماغ** ابلج افسنتین
خان بلادر بندق بالنگو بهاریه و سیب بهار امرود دماغ حیوانات

[illegible] سعد سیب سنبل شرب نارنج عود عنبر غالیه قرنفل کندر
سرخ لحم تذرو تراج لحم دجاج لحم دراج لبن ضان ماء الورد شکر نسرین یاسمین
مقویات دل و مفرحات آن امرود انار شیرین اسطوخودوس اترج ابریشم
امله بهمنین بسفایج پوست ترنج به بسد بالنگو بادروج تمر هندی جدوار
دارچینی درونج ریباس زرنباد زعفران سیب سوسن سنبل سعد سلیخه
شقاقل صندل طباشیر طین مختوم عود عنبر فرنجمشک فادانیا قله کهربا
کافور گاوزبان کشنیز خشک گل سرخ لؤلؤ لاجورد مورد تمام نیلوفر ناز
مشک نعناع نارنج ورق نقره ورق هلیله یاقوت مقویات کبد یعنی جگر
اشنه اظفار الطیب جوزبوا حماما حب البلسان دارچینی غافت قرنفل قرفه
کثوث مصطکی ناردین مقویات معده آمله اذخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوز بوا
دارچینی زرنباد سعد سلیخه ناق سفرجل ساذج هندی طباشیر قرفه قرنفل قاقله
گل سرخ کندر کرویا مصطکی مشک نظر مثیع نعناع اهلیله مهیات انگور انجیر
رطب بسباسه بیضه کبوتر و کنجشک و کبک و باقلا پنیر مایه چرجیر جلغوزه
حب الخضرا جبه الزلم حیتث خصیة الثعلب خولنجان دارچینی زرنباد زنجبیل بوزیدان
شقاقل شیر میش فندق فستق قسط قرفه کرز کرفس کنجد کثیرا لوبیا
مغز ماغ کنجشک و بره مغز بادام مغز جوز نارجیل نخود هلیون مسکنات
اوجاع ادویه که درد دهان ساکن کند افیون اسفیداج [illegible] بیخ یبروح
تورک سعیده تخم مرغ صمغ کثیرا نشاسته مسبتات یعنی داروی که
بخواباند و بحس سازد اعضا را اقحوان اصطرک حماما زعفران شقایق
شبث شاهترم کاهو لفاح مرو قاطعات دیدان بطن و اذن
یعنی ادویه که بکشند کرمهای شکم و گوش افسنتین برنج کابلی [illegible]

خشک یعنی مانعات رعاف و نفث الدم و اسهال دم یعنی چیزهایی که حبس
خون بینی و دهان و خون اسهال کند اثمد بادروج بلوط بسد به بزر البنج
تخم گل جوز سرو حضض دم الاخوین ریوند زرشک زیره شادنه قنطوریون
بون گل ارمنی کشنیز کهربا کافور کندر گلنار لسان الحمل مصطکی مازو نعناع نشاسته
مقرحات ادویه که عضو را ریش کند و سوزاند اسقیل اهک بوره حرف
ذرایح راسن زرنیخ زاج سداب سنباده صابون فرسون قسط قلقطار
سیر لین یتوع مدملات قروح ادویه که فراهم آورد جراحات را اثمد
انزروت اسرنج ابار سادم الاخوین زراوند زیره صبر صمغ آلو طین مختوم عسل
گلنار لسان الحمل ورق بلوط اوساخ قروح مجلیات ادویه که پاک سازد چرک
جراحات ابهل الکامه ابار ساحب بلسان راتینج زفت عسل نمک اکال گوشت
زیاده قروح یعنی ادویه که خورنده و برنده زیادتیها جراحت انزروت
اشنان توبال سس زنگار صوف سوخته مردارسنگ بالیات قروح
ادویه که خشک سازد جراحات را انزروت استه خرمای سوخته آهک شسته
توتیا صبر صوف سوخته ادویه ضفدع اللسان یعنی دوائی که قامع گوشت زاید
باشد یعنی غده که در زیر زبان بهم رسد و رگهای زیر زبان سبز کرداند
پوست انار زنگار زاک سوخته با سپید مرغ سرشته سورنجان سرکه
و نمک سرکه و نوشادر صفرا ادویه ممسکه آب الی و سیب بریان کرده
آب الی ترش آب سیب کوهی اقراص الطین اقراص کندر اقراص مورد
اقراص راسن سویق حب الرمان شراب میوها صندل و گلاب مورد و گلاب 8
والله اعلم فائده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل ادویه
و [illegible] چهار عبارت از اجناس هر دو است که [illegible]

امر مستعمل اطبا جست و فواید از شربت تعیین مقدار خوردن هر دو است
واستعمال ان واق موقوفست به انشبن اوزان چند مشهور مثلا جبه مطابق
رساله یکجو میانه سنو دو جو میانه قیراط چهار جو کهونکچی که بفارسی سرخ
وبهندی رتی کویند سه جو میانه که عبارت از هشت برنج باشد ماشه هشت
سرخ توله دوازده ماشه تانک چهار ماشه دانک و دانق چهار سرخ و سدس
سرخ درم و درهم سه ماشه و یکسرخ مثقال چهار ماشه و سه نیم سرخ استار
وسیر شاه یکنیم توله و ۲ ماشه وقیه و دوقیه هفت و نیم مثقال رطل بغدادی
نوزده سیر ستاره من طبی چهل استار است مصلح داروی که ضرر
دوای دیگر باز دارد بدل انکه هرگاه در نسخه دوای ثابتا که بهم نرسد
دوای دیگر قایم مقام ان میدانند و قول کلی انست در بدل که اگر بدل باشد
شود دوای عیزا و بوزن آن بیخ وی بود و بدل ورق دو دانگ وزن
آن تخم او بس از مختار ح و از شربت ش و از مصلح ص و از بدل ل ثبت
نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه را بترتیب ابجد
ابتث بعلامت ترقیم که از ان حروف نخستین مراد است و تنسیق که از ثانی
بحرف ثانی که متصل بنخستین است مرتسم گردانیده عبارت کثیر را باشارات
قلیل رهنمون گشته مسافت دور و دراز برجوینده کان و سالکان این راه
کوتاه ساخت ترقیم الهمزه تنسیق لالف الارغیس ومشتی ومصری و
بربری بفتح اول وهمزه ثانی وسکون را مهمله وکسر غین معجمه وتحتانی و
سین مهمله یا معجمه ف بیخ درخت زرشک ط ح ای الف ولام الاکربلال
یونانی بفتح اول ومد ثانی وکسر طا مهمله و را مهمله وتحتانی ولام ثانی
وبقول علامه قطب الدین شیرازی بروزن افعیلال و در نسخه دیگر

بوزن

بوزن فاعیلال از ادر مصر حرز الشیاطین و در شام رجل الغراب گویند
ف تخم خلال خلیل گویند ه کانجنکهی دستی ط ح می گویند بیخ او ح اح
تخم وی الاسن بروزن فاعلن ف سپند سوختنی تنسیق الباء الموحده
ابوخلسا بفتح اول وضم موحده و واو و فتح خا معجمه و سکون لام و سین
مهمله و الف ف سنکار و هو حزة ط ح ی خ سیاه بسیار ورق سطر
بیخ ش تا دو درم ابرکایا بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله و کاف و الف
و کسر کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی بعضی در آخر موحده نیز می آرند ع
نسج العنکبوت بشیرازی کرتینه گویند ف کره و تنیده عنکبوت ه مکریکا جالا
ط ی ۲ ابن الماء ع ف مرغابی ابست بفتح اول و کسر ثانی و فتح نیز
و سکون سین مهمله و فوقانی ف گوشت تریج و پیه بالنک ه بجورئی کا
گودا ط ح ۲ خ گوشت بالنک و دابه که از ان ابالو خوانند و کرمسر با ن مرکب
گویند آبار ع بروزن آجار بمد اول و ثانی و الف و را مهمله ف سرب سوخته
ه نیک بفتح موحده و خفا نون و سکون کاف فارسی ط ب ی ۲ ل اثمد
القر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون را مهمله ف شوره ه باجی
ط ح ی ابرار بفتح اول و سکون ثانی و را مهمله و الف و را ثانی ع حی
العالم ابن طاهر ع ف کبک آبنوس بمد اول و سکون ثانی و ضم نون و
واو و سین مهمله ف اونوس ط ح ی ۲ ق قابض د لادع خ سیاه
املس که در آب غرق شود ص صمغ عربی با نانخواه ل چوب کنار یا تخم
خرمای سوخته ابو علس بفتح اول و ضم ثانی و واو و فتح عین مهمله و سکون
لام و سین مهمله و اباعلس نیز گویند ف کل جزی ط ح ی ا ق جاذب
خ یا زده ش اندکی ص زردی تخم مرغ ابن عرس ع بکسر اول و سکون

ثانی وضم نون وکسر شین مهمله وسکون رار مهمله ف ... ط
ح ی ق ملطف خ بسیار خوش ش گشوده جهته دفع ضررها و سموم یکدرم
ص روغنها جهته صراع نفخه آبق بزبان اکسیر ... بمد اول و فتح ثانی و
کسر نیز وسکون قاف ف سیماب ه پارا ابهرک بفتح اول وسکون ثانی
وخفا ها وفتح رار مهمله وسکون گاف م طلق ط ب ابهل ع بفتح اول وضم
نیز وسکون ثانی وفتح ها وضم نیز وسکون لام ف تخم ذهل وتخم سرو کوهی ه
هوپیر ط ح ی ۳ کویند ۲ ف مدر لطیف ومجلی اوساخ قروح ح سیاه
قریه سبز ورق ۵ ۵ ۵ وکویند بسرخ زرین ش دو درم تا سه درهم
وکویند یکمثقال ص عود الوج یا خولنجان یا حماما یا ابریا زبس ل جوز السرو
ویا بوزن آن سلیخه ویکنیم وزن دارچینی کویند بکوزن او سلیخه وثلث وزن
سکبینج آبل بفتح اول و بمد نیز وکسر ثانی وسکون لام م قافله صغار
وبضم ثانی فارسی طرائیث خ بغایت تیزبوی ایابیل بفتح اول وثالث
والف وکسر موحده وتحتانی ولام ف پرستوک ابریشم ع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح رار مهمله وسکون تحتانی وضم سین مهمله وسکون میم ف ابریشم
ه پات ط معتدل ح ی کویند ح ی اکویند ح ا مقوی ومفرح دل و ق محرق
او محقق ل بوزن او سنبل ونصف وزن او پوست اترج خ باک
مقرض ش یکدرم دو دانک ص رب اترج آبکون بمد اول وسکون ثانی
وضم کاف فارسی وواو ونون ف نشاسته ه کینهو نکاهیر آبرون
بمد اول و بی مد نیز وسکون ثانی وضم رار مهمله وواو ونون حی العالم
ابرار القطام م تخم حی العالم این حبشه ع ف نان ابرهیم ع بکسر اول
وسکون ثانی وکسر رار مهمله وفتح ها وسکون تحتانی وکسر میم وفتح تحتانی

ثانی

ثانی و ... ابراهیمیه نیز کویند ف آشیت ... ابکینه ف م
ستیشه ه کاج آبلاکه ف پوشی ... که طب در آفتاب ... ه
کالنجی آبی ف بمد اول وکسر ثانی وتحتانی ه بهی ابن آدی ع بالف مقصوره
ف شغال ه کیدر تسنیق التا الفوقانی اترج ع بضم اول وسکون ثانی و فتح
وضم رار مهمله وسکون جیم ف ترنج ه بجورا ط پوست زرد او ح ای ۲ و
کوشت سفید ح را ورسی د ط ب ی ۲ وتخم ح رق مفرح ومقوی دل د معده
وملطف ح بزرک وزرد ش از تخم او دو مثقال جهته کزندگی عقرب
باب کرم وکویند نیم مثقال ص شراب خشخاش ل آب لیمون اثار بفتح اول
وسکون ثانی ورار مهمله والف ورار مهمله ثانی ف زرشک ه ب ی ح شفاف
آنامین بفتح اول وسکون ثانی ونون والف وکسر میم وتحتانی وسین مهمله
ف بابونه بری اتیس ه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وسین مهمله ط ح ف مبهی
اثانذ ع بفتح اول وثانی والف ونون ف ماده خر ه کدیه تسنیق الثاء
المثلثه والمد بکسر اول وسکون مثلثه وفتح میم وسکون دال مهمله ف سنک سرمه
ه انجن ط ب ای ۲ ق مجفف وجالب دم خ براق متفتت ص انکرو کثیرا الباد
انلق بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون قاف ف تخم بجنکشت ه
سنبهالو کی بیج انل ع بفتح اول وسکون ثانی ولام ف کرم ه جهادو تسنیق الجیم
اجل کیا بفتح اول وجیم وسکون لام وکسر کاف فارسی وفتح تحتانی والف
م پنس ف زهر ه بس متیتها ط ح ی ف مجفف خ غیر مستعمل ش از روغن او
یکمثقال ص روغن بنفشه ل حروف اجود ه بفتح اول وسکون ثانی وضم میم
وواو ودال مهمله ع بزر الکرفس ف تخم کرفس ط ح اجاص ع بکسر اول وثانی
مشدده والف وصاد مهمله ف الو ه آرو ط ب ر ۲ ق یکین خ رسیده

بزرگ شیرین ش پانزده دانه ص کل الکبین با عسل یا عناب ل تمر هندی آجر
بمد اول وضم ثانی و سکون رای مهمله ف خشت پخته ه ایت الکوزی اجاص
ه بفتح اول و سکون ثانی و واو و الف و کسر تحتانی و سکون نون ف نانخواه
اجواین خراسانی ه ع بزرالبنج تنبیق الحاء المهملة احلیلیا ر رومی بکسر
اول و سکون حاء مهمله و فتح لام و سکون موحده و کسر اول مهمله و تحتانی
والف م شیرم احریضی بکسر اول و سکون ثانی و کسر رار مهمله و تحتانی و ضاد
معجمه ف نبات کاجیره ه کبینه و گویند افحوانست ط ح ای ۲ احداق المرضی
ع بکسر اول و سکون ثانی و دال مهمله و الف و ضم قاف و سکون لام و فتح میم
و رار مهمله و ضاد معجمه و الف مقصوره ف بابونه گاو ط ح ۳ ی ۲ تنبیق الخاء
المعجمة اخردت ه بفتح اول و سکون خار معجمه و ضم رار مهمله و واو
و فوقانی ع جوز ف جار مغز و گردکان اخکرع بفتح اول و سکون ثانی و
فتح کاف فارسی و سکون رار مهمله ف الکشت افروخته ه انگارا اخینوس بفتح اول
و کسر ثانی و تحتانی و ضم نون و واو و سین مهمله ف خردینه ه ساک تیج نباتیست
سیاه پوست کا مثل کوان در تالابها و آبها روید اخریط بکسر اول و سکون
ثانی و کسر رار مهمله و تحتانی و طار مهمله فراسیون ف کندنای بری ه بن کا
کندنا اخلع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و سکون لام م بوقلمون است
وان مرغیست که عرب ازان شوم میگیرند و بزبان اهل گیلان داوه کو گویند
اخرم بفتح اول و سکون ثانی و فتح رار معجمه و سکون میم ف مارنو اخیون
بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و واو و نون نباتیست م راس الافعی
اجروس بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم رای مهمله و واو و
فتح سین مهمله م دوسر ف گندم وحشی ه بن کهیون تنبیق الدال

المهملة

المهملة ادادا [illegible] بفتح اول و دو دال مهمله و دو الف ف درخت
کرم دانه ط ح ی ۲ اداد بمد اول و کسر ثانی و الف ف زنجبیل ترم ادرک ادرک
بکسر اول و سکون ثانی و فتح نیز و کسر رار مهمله و سکون کاف ف الوجه و بفتح اول
زنجبیل تر لیلی ادیجاره ع ف خار و از کون ه چرچرا اداراقی بفتح اول
و ثانی و الف رار مهمله و الف ثانی و کسر قاف و تحتانی ف فلوس ماهیچه ه کجلاط
ح ی ۲ ق محذر ص قی کردن بشیر تازه و روغن بادام تنبیق الذال المعجمة
اذان الارنب ع بمد اول و ذال معجمه و الف و ضم نون و سکون لام و فتح
همزه و سکون راء مهمله و فتح نون ثانی و سکون موحده م نوعی از لسان الحمل
دو ورق آن بهش تر از آذان الجدی ۲ ورقها رتنک اذان الدب ع
بضم دال مهمله و سکون موحده بو آصیر گوش خر اذان العبدع بفتح عین مهمله و
سکون موحده و دال مهمله م نوعی از عصی الراعی اذان الفارع بفا و الف و رار
مهمله ف مرزنگوش اذخرع بکسر اول و سکون ثانی و کسر خار معجمه و سکون رار
مهمله ف کورکیا و کاه مکی م کندبیل و کندراج و راج هنس و روهنس و بعضی بیخ
کاه شروالهراکو بند ط ح ی ۲ بلطف قابض محلل مقوی معده ق مفتح خ باریک
سخت خوش بو ش بیند رهم تا یکمثقال ص بگلاب سکنجبین و صندل و بو ئیدن
آن ل بیخ او با قصب الذریره یا بوزن او سنبل و ثمن وزن زعفران آذرباس
بمد اول و ضم ثانی و سکون رار مهمله و تحتانی و الف و سین مهمله ف
صمغ سداب کوهی اذان القس بفتح قاف و کسر سین مهمله و تحتانی و سین
مهمله ثانی م نوعی از حی العالم اذناب الخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و نون
و الف و ضم موحده و سکون لام و فتح خار معجمه و سکون تحتانی و لام م لحیة
التیس ف اسیلغ ه درخت سرس باد رخت برا اذان الفیل ع بکسر فا و تحتانی

ولام ف بیلکوش ملوخیه وکویند بجای مرزنکوش وآذان الفار همست
وحی العالم نیز کویند م برک درخت عساکون اذان القرنفل بکسر عین معجمه وزاء
معجمه والف ولام م نوعی از لسان الحمل اذان اذارافیون بمد اول وثانی والف
ورار مهمله والف ثانی وکسر فا وضم واو ونون ف نوعی از کف دریا آذریون
بمد اول وفتح ثانی وسکون رار مهمله وضم تحتانیه وواو ونون وادریون واذریون
نیز کویند ف نوعی از لاله کوهی وکویند نوعی از اقحوانست طح ی ۲ ف محلل
بری ش بخدر م ص عسل ا ریاس ل بارزد با بهار ازریو بمد اول وضم ثانی
وسکون رار مهمله وضم تحتانیه وواو اسمیست فارسی معرب بوکه اورا باتش نسبت
کرده اند ف کل زردیست که با فتاب میکردد وکویند چوبک اشنان طح ی ۲ س
تا یکدرم ل تخم انجره ونیم درم با داو آورد اذان الجدی ع بفتح جیم وسکون رار
مهمله وتخلدم م لسان الحمل ف ورق بارتنک تشبیه الراء المهمله ارطاماسیا رومی
بفتح اول وسکون رار مهمله وطار مهمله والف ومیم والف ثانی وکسر سین مهمله
وتحتانی والف ثالث وارطیمیا سیز کویند ف برنجاسب وبوی مادران
ارسطا رومی بفتح وکسر ثانی وسکون سین مهمله وطار مهمله والف ف نیک
سطوخیا یونانی بفتح اول وکسر ثانیه وسکون سین مهمله وفتح طار مهمله وضم لام
دواو وکسر خار معجمه وتحتانیه والف م رزاوند طویل ارمینا یونانی بفتح وسکون
ثانی وکسر میم وتحتانی ونون والف وارمیان نیز کویند نوشادر اراقو بفتح
اول وثانی والف وضم قاف وواو والف ثانی ف سرهنک کندم م کیطلا
اروساه بفتح اول وضم ثانیه وواو وسین مهمله والف م با نسا ارکا کیاع
بفتح اول وسکون ثانیه وکاف والف وکسر کاف ثانی وتحتانیه والف ثانی م
ایرکا کیا ارقب ع بفتح اول وسکون ثانیه وفتح قاف وسکون موحده ف بزکوه

ارزت

ارزنة ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح رار معجمه وسکون فوقانیه ف بربی بر ط
ح می آمرچوبدین بمد اول وکسر ثانی وتحتانی وواو الحبله وفتح موحده وکسر رای
مهمله ثانی وتحتانی ودال مهمله ثانی اسم فارسیست دوائیست مانند پیاز سکافته
که از سپستان خیزد ارشدع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون دال
مهمله م مرقشیثا وحجر النور ارند بفتح اول وسکون ثانی وفتح مثلثه وسکون دال
مهمله ف پنجنکشت م سنبهالو ارند م بفتح اول وثانی ونون ودال هندی ف
بید انجیر ارزع بفتح اول وضم ثانی وسکون زار معجمه ف کرنج وبرنج م چاول ط
ب ی ۲ کوینده ج ا ف مقوی خ سعید ص شیر تازه یا روغن یا عسل یا شکر
سرح ل ست چوبا چاورس ارزیزف بفتح اول وسکون ثانی وکسر زار معجمه
وتحتانی وزار معجمه ثانی ع رصاص م قلعی ا ط رانک وکستهیر ارماط یونانی
بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف وطار مهمله م کل کیوره ارقط ع بفتح اول وسکون ثانی
وفتح قاف وسکون طار مهمله ف پلنک ارماک درخت کیوره اراک ع بفتح اول و
ثانی والف وکاف م درخت پیلو طح ی ۱ ق مفتح خ تیز بو ش از ثمر او مستعمل
ارمال رومی بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف ولام م چوبیست خوشبو چون
قرفه از زمین خیزد وکویند ارماک ط ح ۲ ی ۱ خ بویش بوی قرفه مانند ل چوب کانی
بالادن اردم رومی بفتح اول وسکون ثانیه وفتح دال مهمله وسکون میم م
آذریون ارقم ع بفتح اول وسکون ثانیه وفتح قاف وسکون میم ف مار ابلق سپید
وسیاه ارمانیقون بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف وکسر نون وتحتانیه وضم
قاف وواو ونون ع بزر البنج ارقان بفتح اول وسکون ثانیه وفتح دال مهمله
وقاف والف ونون ف حنا م مهندی اردشیران بفتح اول وسکون ثانیه وفتح دال
مهمله وکسر شین معجمه وتحتانیه ورار مهمله والف ونون ف نوعی از مرو ارمناک ع

بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی والف نون ف ملخ دریایی هـ جهیکا ط
نمک سود اوح ی خ تازه ص روغن بادام تلخ ل ؟ اربجاع بفتح اول وسکون ثانی
وجیم والف ونون ف بادام کوهی هـ جنگلی بادام ارجوان بضم اول وسکون
ثانی وضم جیم وواو والف ونون بهار درختی است ف ارغوان ط ب ی ارمنی
رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وکسر نون وتحتانی ونون ثانی م فلفل ف
انار دشتی هـ جنگلا انار ارسانیقون یونانی بفتح اول وسکون ثانی وسین مهمله و
الف وکسر نون وتحتانی وضم قاف وواو ونون ف زرنیخ زرد هـ هرتال ارسقلونی
بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وکسر قاف وتحتانی وضم لام وواو ونون
م ارسانیقون ارزن ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون نون
نام غله ایست هـ جینا اراه رومی بفتح اول وثانی والف وها م مصطکی ارجقنیه
بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وتحتانی وکسر قاف وفتح نون وها دارچینه
بخاء معجمه وفاء نیز گویند ف زریره هـ اسیرک اردفانی یونانی بکسر اول وفتح اول و
سکون دال مهمله وفتح فا ونون والف وکسر نون ثانی وتحتانی ع قثاء الحمار
ارنب بری ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون موحده وفتح موحده
ثانی وکسر راء مهمله مشدده وتحتانی ق مخفف ف خرگوش هـ سسنا ط ح ی ح
سیاه بیابانی فربه که سگ صید کرده باشد ش قدر اعتدال ص روغن بسیار
ل ثعلب ارنب بحری ع حیوانیست دریائی صدفی شکل وار سموم است هـ سمدرکا
ارطی رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله وتحتانی درخت دورنگ
سپیدار ارغاونی یونانی بفتح اول وسکون ثانی وعین معجمه والف وضم
ومیم وواو وکسر نون وتحتانی نباتیست مانند خشخاش بری دبلون مانند
شقایق النعمان چنانچه فرقی درمیان این وشقایق نتوان کرد م ما بشا کسرخ

ب ی شنین ازار المعجمه آزاد درخت ف بمد اول وزاء معجمه والف ودال
مهمله وفتح ثانی وراء مهمله وسکون خا وفوقانی م درخت طاخک هـ نیب ط ح ۲ ی ا
ل ورد راز گردن موی ورق شهدانه آزدرد بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو
ومهمله بشیرازی اندوه قو قوموم حندقانی شنین السین المهمله اسرخا یونانی
بضم اول وکسر نیز وسکون سین مهمله وضم فوقانی وسکون راء مهمله وخاء معجمه و
الف وگویند بفتح اول ف زرنیخ سرخ هـ مثل اسموسا یونانی بفتح اول وسکون
ثانی وضم میم وواو وسین مهمله والف وبوزن فاعلوناتر نوعی از مرو د
گویند کز زبر استه خرما بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وها وضم خاء معجمه
وسکون راء مهمله ومیم والف م تخم خرما ق سوخته او مجفف قروح اسرب ع بضم
اول وسکون ثانی وضم رای مهمله وسکون موحده م سرب هـ سیسا اسفیداج ع
بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون تحتانی ودال مهمله والف وجیم ف سپیده
ارزیز وسرب هـ نیک ط ب ی ۲ گویندی ۳ ق مجفف ومسکن اوجاع خ پاک
سفید خشبو ص از اسفیده رصاص قند وصمغ عربی وشوربای چرب ل حب الرصاص
بامردار سنگ اسفلنج بکسر اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون نون وجیم
ع لحیه التیس اسفنج ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون نون وجیم
ف ابر مرده وابر کهن وگویند حیوان دریائی است بدان سبب که چون دست
بروی نهی خود را کشد وقتی که بمیرد آب دریا در ساحل اندازد هـ مُوّا بادل
ط ح ی ۲ ق مجفف خ تازه ش یکدرم ص رب حصرم بافایند ل قرطاس محرق
اسنج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون نون وجیم ف سرخ
وشنگرف زاولی هـ سندور وسیندر ط ب ای ۲ ق مجفف بسیار سرخ
ص اسفند باتجال اسفداج وگویند مع ح ب اسفاناج ع بکسر اول وسکون

ثانی وقاف الف ونون والف ثانی وخاء معجمه یا جیم ف اسپانخ ه ساک [illegible] ط
ب ا ر ۲ ق ملین ش بقدر حاجت ص فلفل ید دارچینی و آبکامه ل کوبو یا [illegible]
اسودسالخ بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو ودال مهمله وسین مهمله والف وکسر
لام وسکون خاء معجمه ف مار سیاه کلاناک اسفند اسفیدم خردل سفید
ف تخم سپندان ه اسپند ط ح ی ۲ ق محذر اسدع بفتح اول و[فتح] ثانی وسکون
دال مهمله ف شیر ه باکهه استهول کنده بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی وخفای
واو ولام وفتح کاف وخفای نون ودال مهمله ه کرام کند اسقنقور ع
بکسر اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون نون وضم قاف ثانی وواو ورای مهمله
م سقنقور ف ریگ ماهی ونهنگ دشتی ه ریت مجهلی اسیر بضم اول
وکسر ثانی وتحتانی ورای مهمله ف کاه خس ه کاندل ط ب اسمار بکسر اول وفتح
نیز وسکون ثانی ومیم والف ورای مهمله مورد اسطوخودوس رومی بضم اول و
سکون ثانی وضم طای مهمله وواو وضم خاء معجمه وواو ثانی وضم دال مهمله وواو
ثالث وسین ثانی واز جزیره ستخاوس خیزد وموقف الارواح نیز گویند
م شاهفرم رومی ه دهار وگویند مشد می ط ح ی ۲ ق ملطف مفتح مسهل سودا
ومقوی ومفرح دل خ تازه مایل بسبزی تلخ حریف ش ازجرم او دو درم
تا سه درم ودر مطبوخ تا هفت درم ص صمغ عربی باکثیرا وگویند حماما یا مازو
یاسکنجبین وگویند مقل ل فراسیون یا مردیا افتیمون نصف وزن ونصف
وزن بادر نبویه اسیوس بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی وواو وسین مهمله
م سنگیست سبک که زود زیران شود وازنم دریا نمک بروی می بندد ازا
زهره اسیوس خوانند ف نمک چینی ه چین کالون ط ح ی اسفیوس بکسر اول
وسکون ثانی وفتح فاء وضم تحتانی وواو وسین مهمله یا معجمه ع بزرقطونا ف بنگو ه

اسقول

اسقولو اسفاقس بکسر اول وسکون ثانی وقاف والف وکسر فاف ثانی
وسکون سین مهمله ثالث موعی از اکلیل الملک ط ح ی ۲ اسقولوس یونانی بضم
اول وسکون ثانی وضم قاف وواو وضم لام وواو ثانی وسین مهمله بیخی است
خنثی گیاه برشیم ه برس استطلس یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح فوقانی
وسکون طاء مهمله وفتح لام وسکون سین مهمله م قفر الیهود چیزیست چون موم سیاه
اسقوریدوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وواو وکسر رای مهمله و
تحتانی وضم دال مهمله وواو ثانی وسین مهمله ثانی ف بنزبانه استرماطوس یونانی
بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وسکون رای مهمله ومیم والف وضم طاء مهمله ثانی
وواو وسین مهمله ثانی ف اسپند اسدالارض ع بفتح الاول وثانی وضم دال مهمله و
سکون لام وفتح همزه ثانی وسکون رای مهمله وضاد معجمه ع حرباء ف بوقلمون ه گرگت
وباصطلاح کیمیاگران سیماب استرنک بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ورای مهمله
وسکون نون وکاف فارسی م سروح ف مردم گیا ه لکهنا لکهنی اسبرک ه
بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ورای مهمله وسکون کاف ع م کلیل
الملک وزریر اسقیل بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وتحتانی ولام ف پیاز دشتی
ه کانده ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مقطع محلل ملطف مفرح ن مشوی ش یکمثقال ص
حماما یا شیر تازه که در عقبش بنوشند ل بلبوس یا اسقوربون یا لوف یا قرد
مانا یا وج یا پنج کیر اسفرم بکسر اول وسکون ثانی وکسر فاء وفتح رای مهمله وسکون
میم م مورد اسقولوقندریون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وواو
وضم لام وواو ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله وسکون
رای مهمله وضم تحتانی وواو ثالث ونون ثانی م سقولوقندریون ف زنگی دارد
اسقوردیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وقاف وواو ورای مهمله وفتح دال

مهمله وضم تحتانی و واو ثانی و نون و این نوع بر لبست ع ثوم الحیه ف سیر موش
سیر دشتی ه جنگلی لهسن طح ی ۴ عنصلی کوچک یا ثوم الذکر اباردن
بفتح اول و ثانی و الف وضم را مهمله و واو و نون بج یکاهیست ه نکر طح ی ۳
ق ملطف منضج مفتت محلل خوشبو و متوسط میان باریکی و سطبری ش نیم درم
تا سه مثقال ص مویزج یا مقل ل یکسنم وزن وج یا ششش یک آن حماما یا فو ومانا
وحب بلسان با نیم وزن خولنجان یا زنجبیل یا افسنتین وگویند سلیخه و زرنباد
اسقوردون بضم اول و کسر ثانی نیز و سکون ثانی وضم قاف و واو وضم را مهمله
و واو ثانی و نون ع خبث الحدید ف ریم آهن ه کیت اسطفلین و اسطفلین
یونانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح طا مهمله و سکون فا و کسر لام تحتانی و نون
و بدل لام نیز بهر دو ف زردک ه گاجر اسطولن بضم اول و سکون ثانی وضم طا
مهمله و واو و نون ف زردک اسفناج الحصاصین ع بفتح جیم و صاد مهمله مشدده
و الف و کسر صاد مهمله ثانی و تحتانی و نون ف جونه قلعی ه کلا اسقیدولیون
یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر قاف و تحتانی وضم دال مهمله و واو و کسر
لام وضم تحتانی و واو ثانی و نون م کلکنج ف عروسک در پرده اسراق ف
دوغ آس بنکه ع بمد اول و کسر ثانی و موحده و سکون نون و فتح کاف و ها
ف مورد طب ای ۲ گویند ق قابض و مقوی دل خ خرد و ان نیز بو ش از تخم
او یکمثقال ص بنفشه تازه و نیلوفر و روغن ابنهال ل ورق توت یا عصاره
رزسک یا گل خار اکنده ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و خفا
نون و فتح دال مهمله و ها هندی و دای شهور بها طح ف مهای اسر درم
سنبل الطیب سخاره رومی بکسر اول و سکون ثانی و خا معجمه و الف و
فتح را مهمله و ها ف تودری آس بر نجاع ف مورد اسفرم تنسق الینی

المجمه

المعجمه اشموسا بفتح اول و سکون شین معجمه وضم میم و واو و سین مهمله و الف
م اشموسا اشیاف ملینا بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی و الف و کسر فا میم و
الف ثانی و کسر میم ثانی و تحتانی و ثانی مثلثه و الف ثالث م عصاره ما ملینا
طب ح ل در طلا کردن پوشش در بندی با حضض اشنا زواد ه بفتح اول
و سکون ثانی و نون و الف و کسر زا معجمه م زوفای خشک اشترغاز بضم اول
و سکون ثانی وضم فوقانی و سکون را مهمله و غین معجمه و الف و را مهمله
یا زا معجمه ف اشترخار ه بجهر و طح ی بخ رومی ص سرکه ل انجدان اشتلا
بوس بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و لام و الف وضم تحتانی و واو و سین
مهمله م دار شیشعان ه کاینهیل اشراس ع بکسر اول و فتح نیز و سکون ثانی
و را مهمله و الف و شین معجمه م غری ف سریشم ه سریس اشخیص یونانی
بکسر اول و سکون ثانی و کسر خا معجمه و تحتانی و صاد مهمله م نوعی از مازریون
اشق ع بضم اول و ثانی و سکون قاف و بفتح اول بقول صاحب مهذب م صمغ
طرائیث و گویند صمغ توت یا صمغ اشترغار طح ۱۲ ای اق محلل خ سفیدی
که دانه درشت داشته باشد و زود حل شود ش یکدرم ص زوفا و گویند بادام
و نشاسته ل وسخ الکواریر یا سکبینج یا خردل سفید اشقاقل بکسر اول و سکون
ثانی و قاف و الف وضم قاف ثانی و سکون لام م شقاقل ف گزر صحرائی ه بهارکی
کاجر اشکیل جنیم بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و سکون تحتانی و کسر لام
و فتح جیم فارسی و سکون معجمه و میم م عوسج اشنان ع بفتح اول و سکون ثانی
و نون و الف و نون ثانی ف غاسول و چوبک شویه ه چوک طح ی ۲ ق
مجلی و منقی و اکال خ سبز سفید با رنگ و بارق موضعی است نر دکوفه ش نیم درم
ص خشخاش ل صابون اشنه یکهان ف بمد اول و کسر ثانی و فتح موحده و جیم

فارسی وکاف فارسی والف ونون جند بید ستر انسلان ه میوریکها
اشنه ع بضم اول وسکون ثانی وفتح نون وها ف دواله ودوالی ودوالک
ه جهتر برا ط معح ب کوبند حای ۲ ف معوتی کبد اندک قابض ن سفید خوش
بوی مصری ودر وقت کوفتن بآب زم کرده بکوبند تا کوفته کردد ش یکدرم
تا دودرم وکویند نیمدرم ص انیسون ل قروما تا یا اوخرو سنبل تنقیة الفاد
مهمله اصل المنداباع بفتح اول وسکون صاد مهمله وضم لام وسکون لام ثانی
وکسر ها وسکون نون وضم دال مهمله وموحده والف ف بیخ کاسنی ه کاسنی کی
جرا اصل العرطنیثاع بفتح عین مهمله وسکون را مهمله وفتح طا مهمله وکسر نون وتحتانی
ومثلثه والف ع بخور مریم ف ارزبو اصل الغرب ف بیخ غرب ط ح ی ۲ اصل العقب
ع بفتح قاف وصاد مهمله وسکون موحده ف بیخ نی ط ح ی ۲ اصل الکزبرع
بیخ علف جوار ط ب ی ق محذر اصابع الفتیاتع بفتح فا وکسر فوقانی وتحتانی والف
وفوقانی ثانی ف انکشت کنیزکان وان فرنجمشک است یعنی بالنکو خورد ه
تکسی اصل الرازیانج برا مهمله والف وزا معجمه وتحتانی والف ثانی
وفتح نون وسکون جیم ف بیخ بادیان ه سونف کی جر اصل اللفاحع بضم لام
وفا مشدده والف وحا مهمله م بیروح ف سابزک ه لکهمنی ق محذر اصل
الجاوشیر بجیم والف وواو وکسر شین معجمه وتحتانی ورا مهمله ف بیخ کاوشیر
ل جاوشیر اصل الکبرع بفتح کاف وموحده وسکون را مهمله ف بیخ کبر اصل
المر بیخ مر ط ی ۲ اصل اللوز المرع بفتح لام وسکون واو وضم
زا معجمه وسکون لام ثانی وضم میم وسکون را مهمله ف بیخ بادام تلخ ه کروی
بادام کی جر اصابع صفرع بفتح اول والف وکسر موحده وعین مهمله وکسر صاد
مهمله وسکون فا ورا مهمله ف کف مریم وکف عایشه ط ح ی ۲ ل هندو هزار

جتان اصابع هرمسع بضم ها وسکون را مهمله وضم میم وسکون سین مهمله ف کل
سورنجان ط ح ی ۲ ل سورنجان اصل السوسنع بضم سین مهمله وواو وسین
مهمله ثانی ف بیخ مهک ه مهلنتی ندنتی ط معح ب رکوبند بی اس یکدرم
تا دودرم اصل الکرفسع بفتح کاف ورا مهمله وسکون فا وسین مهمله ف بیخ کرفس
ه اجمود کی جر اصل السوسن الابیضع بضم سین مهمله وواو وفتح سین مهمله ثانی
وضم نون وسکون لام وفتح همزه وسکون موحده وفتح تحتانی وسکون ضاد معجمه
ف بیخ سوسن سفید که در روم در میان بنفشه میروید ومشهور است به بیخ
بنفشه وکویند قسطنسیر اصل اللوفع بضم لام وواو وفا ف بیخ بیلکوش
ط ح ی ۲ اصل الاصیفع بمد همزه وفتح صاد مهمله وسکون فا ف بیخ کبر اصطرک
بفتح اول وکسر ثانی وسکون ثالث وفتح طا مهمله ورا مهمله وسکون کاف ف میعه وکویند
صمغی است که از درخت حاصل میشود در روم وکویند صمغ زیتون است ح ۳
ی ۱ کویند ح ی ۲ ه سلارس اصل التنبولع بفتح فوقانی وسکون نون
وضم موحده وواو مجهول ولام ف بیخ پان ه کلیجن اصل الفلفلع بکسر فاین و
سکون لامین ف بیخ فلفل دراز و فلفل مویه ه پپلا مول ل دار فلفل اصل النیل
ع ف بیخ نیل ه کوادوی کی جر ط ی ۱ اصل الراسن برای مهمله بیخ زنجبیل شامی و
کویند نوعی از فلجونس است ط ح ی ۲ وکویند ۳ اصل المازریون ف بیخ
زرد ط ح ی ۳ اصل قنطافلون ف بیخ بیخ انکشت ط ح ی ۲ اسطفینع بکسر
اول وسکون ثانی وفتح طا مهمله وکسر فا وتحتانی ونون معرب م مشهور دابسطفین
که مذکور شد اصول الاربعةع بضم اول وثانی وواو وضم لام وسکون لام
ثانی وفتح همزه وسکون را مهمله وفتح موحده وعین مهمله وها ف بیخ کاسنی
وبیخ رازیانه وبیخ کبر وبیخ کرفس اصل الکناه ف بیخ کرفس اصابع العذاریع بکسر عین

معجمه وذال معجمه والف وکسر راء مهمله وتحتانیه ف نوعی از انگور سیاه دیار نزار از
انگور زیتونی خوانند ه کالی داکه طح ر اصل النیلوفر الکشمیری ع بکسر نون تحتانیه وضم لام
وواو وفتح فاو ضم راء مهمله وسکون لام ثانیه وکسر هاو سکون نون وکسر دال
مهمله وتحتانیه ف بیخ نیلوفر هندی که فل وفاغیه است ه کنول که جر طب را
گویند ی۲ اصل السوسن الاسمانجونی ع م ابرسا اصل الخنثی ع بضم خاء
معجمه وسکون نون وفتح مثلثه والف مقصوره ف بیخ گیاه سریشم طا مع ح ب اصل
الانجدان الخراسانی ع م اشترغار اصل النبل الهندی م داراشیشعان تشبیق الضاد
المعجمه اضراس الکلب ع بکسر اول وسکون ضاد معجمه وراء مهمله والف وضم سین
مهمله وسکون لام وفتح کاف وسکون لام ثانی وموحده بسفایج ه کهنکالی اخموط
بفتح اول وسکون ثانیه وضم میم وواو وطاء مهمله م املاط تشبیق الطاء المهمله
اطمیسا بفتح اول وسکون طاء مهمله وکسر میم تحتانیه وسین مهمله والف م برنجاسب
ف بوی مادران ه مارکنده اطأ بفتح اول وثانیه والف وفتح همزه ثانی م
ارطی اخموط واطیوط واطماط بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وواو وطاء مهمله د
ثانیه ودیگر بضم تحتانیه ودیگر بمیم والف ۳ هر سه نام فندق هندی ه ریتها و گویند
ه علهٔ متسر طح ۲ رال بوزیدان اطریفل ع بکسر اول وسکون وکسر راء مهمله وتحتانی
وفتح فاو سکون لام معرب تریهلا که عبارت از هلیله وبلیله وآمله باشد اطراف
زیتون ع بفتح اول وسکون ثانیه وراء مهمله والف ثانیه وفاء ف شاخهای زیتون
طب ۲ بکسر اطریه ع اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وفتح تحتانی وهاء ف حلوای
رشته وتتماج ه سینوی ح ر اطباء الکلبیه ع بفتح اول وسکون ثانی وموحده
والف وضم همزه وسکون لام وفتح کاف وسکون لام ثانیه وفتح موحده ثانی
وهاء ف سپستان ه لهوره تشبیق الظاء المعجمه اظفار الطیب ع بفتح اول ظاء معجمه وفا

والف

والف وضم راء مهمله وکسر طاء مهمله مشدده وتحتانیه وموحده ف ناخن صدف
دیو وناخن پریان ه نکه طح ی۲ و مقوی ح کبد قا م طف خ انچه مائل بسفیدی
باشد ش ینمدرم ص گل مختوم یا فرس یا طین ارمنی ل قصب الذریره وگویند اقوان
تشبیق العین المهمله اعین السراطین ع بفتح اول وسکون عین مهمله وضم تحتانی ونون
وفتح سین مهمله مشدده وراء مهمله والف وکسر طاء مهمله وتحتانی ثانی ونون ف تخم
بیخکنت ه سنبهالو لی بیخ تشبیق الغین المعجمه اغبیرا ع بفتح اول وسکون
غین معجمه وفتح موحده وسکون راء مهمله ف توتیای که مرکب است از سیخ و توتیای
کرمانی ونبات مصری اغبرسن ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانیه وکسر راء مهمله وضم
نیز وسکون سین مهمله ف جوز رومی وگویند کهربا صمغ اوست اغبس بفتح
اول وکسر ثانیه وتحتانی وسین مهمله ف بیخکنت ه سنبهالو اغریطس یونانی
بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح سین مهمله وکسر طاء مهمله وسکون سین
مهمله ثانی م بل ف بیدگیا اغلیقی بکسر اول وفتح نیز وسکون ثانی وکسر لام وتحتانی
وکسر قاف وتحتانی ثانی ف توت‌ساب اغالوجی بفتح اول وثانی والف وضم لام و
واو وکسر جیم وتحتانی ف عود وگویند درخت هلیله خ اندک تلخ تشبیق الفاء
آفتاب پرست ف نیلوفر وبوقلمون را نیز گویند افشرج ع بفتح اول وسکون فاء
وسین معجمه وسکون راء مهمله وجیم ف معرب افشرده یعنی عصاره هر چیز افرغیغ
م کشوث آفکار بفتح اول وسکون ثانی وکاف والف وراء مهمله تک چینکی
افرنجمشک بکسر اول وسکون ثانیه وفتح راء مهمله وسکون نون وفتح جیم وکسر میم
وسکون شین معجمه وکاف ف بالنکوی خرد ه تلسی طح ی۲ ص بنفشه ل قرنفل
افاسونا بفتح اول وثانیه والف وضم سین مهمله وواو ونون ف روغن ترب
ه مولی کا تیل افلاطون یونانی بفتح اول وسکون ثانی ولام الف وضم طاء

مهمله و واو و نون م مقل ه کوکل افربیون بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله و کسر
موحده و ضم تحتانی و واو و نون م فرفیون ف شیر درخت زقوم ه سهند
کاوده افسنتین بفتح اول اول و سکون و سکون ثانی و فتح سین مهمله و سکون
نون و کسر فوقانی و تحتانی و نون ثالث ف برنجاسب کوهی و کویند نوعی از درمنه
ه مجتری و مستاروطح ای ۲ ق و مسهل صفرا و مقطع دیدان ب ح مفتح ح
تازه زرد ش از جرم او تا دو درم و طبیخ از پنج درم تا هفت درم و از عصاره
او یکدرم تا یکمثقال ص انیسون و نیلوفر ل جنده یا شیح ارمنی یا قیصوم و در تقو
معده اسارون با نیم وزن آن هلیله زرد افیلون یونانی بفتح اول و کسر ثانی
و تحتانی و ضم لام و واو و نون ف درمنه کوهی افیون رومی و فارسی بفتح اول
و سکون ثانی و ضم تحتانی و واو و نون ف شیر خشخاش ه افیم ط ب ۴ ی ۳ ق
کویند ق مخدر و مسکن اوجاع ح در آب کرم زود حل پذیرد در آفتاب کرم نرم
کردد ش یکعدس تا ۲ عدس ص فلفل و دارچینی و سکنجبین و کویند بزر کرفس و جند
بیدستر ل سه وزن وی بزرالبنج و یکوزن آن لفاح افیتمون بفتح اول و سکون
ثانی و کسر فوقانی و تحتانی و ضم میم و واو و نون ه اکاس بیل و امربیل طح ی ۳
ق مسهل سودا و مفتح منقی خ افربطی یا مقدسی سرخ تخم تازه ش از مطبوخ
پنج درم تا هفت درم و از جرم او دو درم تا سه درم ص کثیرا یا رب سیب
یا سکنجبین یا روغن بادام ل حاشا یکنیم وزن یا تربد بوزن آن یا اسطو
خودوس و بسفایج افاویه بفتح اول و ثانی و الف و کسر واو و فتح تحتانی و ها
ف داروهای کرم چون قرنفل و خولنجان و دارچینی افلنجه ع بکسر اول و
سکون ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم و ها م فلنجه تخمیست مانند خردل
و بیشتر در عطرها استعمال میکنند خ چون بدست مالند بوی سیب دهد

افنی

افنیع ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و تحتانی ف مار شاهور ط ح ی ق ملطف
خ ماده ش از کوشت وی سه مثقال ص تریاق ل مار تینیتوا العاقاقیا
بفتح اول و قاف و الف و کسر قاف ثانی و تحتانی و الف ثانی م عصاره قرظ و فلفل
معقول ط ب ۲ ی ۳ و ناشسته ب ۱ ی ۲ ق قابض مجفف ش یکدرم حل لبوب
ل حضض یا صندل ع عدس مقشر یا سواد القضاة یا دم الاخوین اقلیمیا ع
و یونانی بکسر اول و سکون ثالث و کسر لام تحتانی و میم و تحتانی ثانی و الف تعلیقت ح
یا درونیست که بالا بوطه طلا یا نقره باشد و می خسید دران و بران چیزی از طلا و نقره
چون جها ظاهر باشد ق مجفف ط مع ح ی ۳ خ چون در سرکه ساعتی رها کنند
طلا یا نقره از وجدا شود و چندان ندرخشد جهای و ثقیل زر بن سیاه مایل
بشقرت باشد و بقدر شور ص روغن بادام ل مردار سنگ سفید یا توتیا اقوسس
بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و واو و سین مهمله ثانی هو یزنج علی و دبق
اقطع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون طار مهمله م قروط ف کنکم پینو ط ب ی
اقحوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حا مهمله و واو و الف و نون ف بابونه
کاو ط ح ی ۱ و کویند ح ۳ ی ۱ ق محلل ملطف رومنوم خ سبز برک که بیرون
کلش سفید و اندرون زرد باشد و تلخ ش دو درم تا سه درم ص انیسون و کویند
حب الآس ل شیح اقوبله اسمون رومی بفتح اول و ضم ثالث و واو و دال
و فتح تحتانی و لام الف و فتح سین مهمله و ضم میم و واو و نون ف روغن بلسان
اقارون رومی بفتح اول و ثانی و الف و ضم را مهمله و واو و نون ع عود الوج
ف اکر ه وج اقطی یمنی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طا مهمله و سکون نون
ف ماش و بزرازی بنو ماش ه مونک اقاع الرمان الهندی ف تار رشک ه ناکیسر
اقر د اقاع مالی یونانی بفتح اول و ضم ثالث و واو و میم و الف و کسر لام و تحتانی

ع تخم اهلیلج ن آب شهد اقطی یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر مهمله وتحتانی
ف درخت بل هـ بل کارو که اقطالوقی یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر طاء مهمله ونون والف وضم لام وواو وکسر قاف وتحتانی ف یادآورد هـ
وهیماها اقطنا ارایقی یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله ونون والف
وفتح همزه وراء مهمله والف ثالث وکسر نون وتحتانی ثانی ف بادآورد تنبیق الفات
المکت مرابی بفتح اول کسر کاف وسکون فوقانی وفتح میم وکسر کاف ثانی
وسکون فوقانی ثانی ف خایه ابلیس هـ کرنجو ط ح ۲ ی ا الکنمنت هـ بفتح اول
وکسر ثانی فارسی وسکون نون وفتح میم وسکون نون ووفوقانی الکوثث وارنج
ط ح الکشوث ع بضم اول وسکون ثانی وضم شین معجمه وواو ومثلثه م کشوث هـ
تخم قسمی از امرسیل اکج بفتح اول وبمد نیز وفتح کاف وسکون جیم ع تفاح بری
م زعرور ف کیل اکرف بکسر اول وثانی فارسی وسکون فا وسین مهمله م کرفس
هـ اجمود اکروفس رومی بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وواو وفتح فا وسکون
سین مهمله ع جوز رومی کویند که با صمغ اوست اطیلا اموض هـ تخم انکشت
الک م بمد اول وسکون ثانی م شجر عنصر اکرودنک بفتح اول وسکون ثانی وضم راء
مهمله وواو وفتح ها وسکون کاف م انزروت اکلیل الملک بفتح اول وکسر نیز و
سکون ثانی وکسر لام وتحتانی ضم لام ثانی وسکون لام ثالث وفتح میم وکسر
لام رابع وسکون کاف ف کیای قیصر وزریره هـ اسپرک که از آن رنگ زنکاری
سازند ط ح ی ا محلل ملین منضج تازه رسیده زرد مایل بسفیدی که
بعد از شکافتن دانه زرد داشته باشد ش یکدرم تا دو درم ص عسل با طبیخ آتش
ل بنم ورثن ورق انجیر یا فراسیون یا لبان یا بود بوزن آن یا حلبه الموزان
بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وواو وفتح تحتانی وزاء معجمه والف ونون

ع ع ج هـ ارنس بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون نون وفا وسین مهمله م

نوعی

نوعی از کرسنه الاریقون بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله وتحتانی وضم
قاف ونون ف تخم زیتون دشتی اکل نفسه ع بضم اول وممدود نیز وضم ثانی
ولام وفتح نون وسکون فا وسین مهمله وها م قرفیون الاهولی هـ بمد اول وثانی و
الف وضم ها وواو وکسر لام وتحتانی دوائیست هندی واقع پرمیو یعنی سوزاک
تنسیق اللام الما بفتح اول وسکون لام وسین مهمله والف ف
نانخواه هـ اجوائن الب بکسر اول وثانی وسکون موحده ع صبر هـ اکیلوالوج بفتح
اول وتحتانی وضم ثانی وواو وجیم ف کارریک وان نوعی از مخلصه است
السنه العصافیر ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله وفتح نون وضم
فوقانی وسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وصاد مهمله والف وکسر فا وتحتانی و
راء مهمله م لسان العصافیر ف امره هـ اندرجو الماس ف بفتح اول وسکون ثانی
ومیم والف وسین مهمله ف ماس هـ هیره البانیس بفتح اول وسکون ثانی
وموحده والف وکسر نون وتحتانی وسین مهمله هـ ساک جولائی البلوط ع
بفتح اول وکسر ثانی وسکون موحده وضم طاء مهمله وواو وطاء مهمله ثانی ف کنت
برکنت هـ بهلی الط رومی بفتح اول وثانی وسکون طاء مهمله ف سیسبر الانیون
رومی بفتح اول ولام الف وکسر نون وضم تحتانی وواو ونون م رأس البو
بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وواو هـ کوکر الیه ع بفتح اول وسکون ثانی
وفتح تحتانی وها ف دنبه کوسفند هـ دنبی کی پوچه ط ح رق ملین خ ماخوذ از
حیوان فربه جوان ص زنجبیل وفلفل ودارچینی وسرکه ل سمین الله بفتح
اول وضم ثانی وها ف عقاب هـ کیده الاطی رومی بفتح اول ولام الف وکسر
طاء مهمله وتحتانی وکسر نون وتحتانی ثانی م لبلاب هـ عشق پیچان الایجی
بکسر اول ولام الف وکسر تحتانی وجیم فارسی وتحتانی ثانی م قاقله السی هـ

بفتح اول و لام الف و کسر تحتانی و جیم فارسی و تحتانیه ثانی ع بزرگتان تنبق
الميم امراه بمد اول و بی نقطه فتح میم و رار مهمله و الف م میوه هندیست مشابه
بانبه املی بنیت ه بفتح اول و ثانی و سکون لام و کسر موحده و تحتانی و خفای
نون و فوقانی م ثمره هندی است آملج ع بمد اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون
جیم ف امله ه انوارا ط ب ۲ کوینده ای ۲ ق قابض مجفف و مسهل سودا و مقوی
دماغ و معده و مفرح دل خ سیاه که بولش بسرخی مائل باشد و تیز بوی اقریطی ش
سه درم تا یکمثقال ص عسل یا شراب انجبار ل شیر امله هلیله سیاه مقلو با کشنیز و زن
بلیله امردوم بفتح اول و سکون ثانی و ضم رار مهمله و واو و دال ف ناشپاتی
آموسس بفتح اول و ضم ثانی و واو و سین مهمله ف زنیان و نانخواه ه اجوائن
امعاء الارض ع بفتح و سکون ثانی و عین مهمله و الف و ضم همزه و سکون لام و
فتح همزه ثانی و سکون رار مهمله و ضاد معجمه ف زغار کرم و خراطین ه کیچو
امامون یونانی بفتح اول و ثانی و الف و ضم میم و واو و نون م حماما امعاسین
رومی بفتح اول و سکون ثانی و عین مهمله و الف و کسر سین مهمله و تحتانی و نون
ف آب عوزه الکور ه داکه کا پانی ام غیلان بضم اول و کسر ثانی مشدده و غین
معجمه ثانی و تحتانی و لام الف و نون ف مغیلان ه درخت کیکر و ببول ط ح ع
کوینده ق قابض مجفف ش بقدر حاجت ص تبغشه تیستق النون الحقطین سریانی
بفتح اول و سکون نون و فتح حار مهمله و کسر ثانی و سکون فار و کسر طار مهمله و
تحتانی اول و ثانی و الف ع جلنار ف و گلنار انارکیوا بفتح اول و ثانی و الف
و رار مهمله و کسر کاف و تحتانی و واو و الف ثانی م خشخاش انانا بفتح اول
و سکون ثانی و سین مهمله و الف مثلثه و الف م زبیب الجبل ف مویز ه
انجا بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و ضم نیز و سین مهمله و الف ف شکار

انگارا ه بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و ضم نیز و سین مهمله و الف و کاف
فارسی و رار مهمله و الف ف انگرا انقرونا رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
و سکون رار مهمله و کسر دال مهمله و تحتانی و الف ف بلادر ه بهلاوا انومیا رومی
بفتح اول و ضم ثانی و واو و کسر میم و تحتانی و الف م شقایق ف گل لاله افطونیا
یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم طار مهمله و کسر واو و کسر نون و تحتانی و الف
ف کاسنی رومی ط ب را انله سودا سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی
و فتح لام و ها و فتح سین مهمله و سکون واو و دال مهمله و الف م ماه فروین و ه
جدوار ه نربسی انواه بمد اول و خفای ثانی و فتح واو و رار مهمله و الف ف آمله
ط ی ب الموشفاع عنب الثعلب ف روباه تربک ه مکوی و بهوتن انب
بفتح اول و سکون موحده ف بادنجان انفخة الارنب ع ف پرمایه خرگوش انزروت ع
بفتح اول و سکون ثانی و فتح رار معجمه و ضم رار مهمله و واو و فوقانی ف کنجده ه
لامی ط ح ۲ ی ا ق مدخل و اکال خ سفید مائل بزردی ش نیم درم تا یکدرم ص
صمغ با روغن جوز بکوزن نشاسته ل نیم وزن صبر انجوج بفتح اول و سکون
ثانی و ضم جیم ثانی ف عود ه اگر انکور ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف
فارسی و واو و رار مهمله ه داکه ف مبهی انجیر ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر
جیم و تحتانی و رار مهمله ع تین انبرباریس ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده
و سکون رار مهمله و موحده ثانی و الف و کسر رار مهمله ثانی تحتانی و سین مهمله
ف زرشک ه زرک ط ب ی ۲ خ بکمال خود رسیده سرخ مائل بسیاه چ تیره دار
ص جلاب ل تخم گل و چهار دانک وزن آن صندل و در بیخ سماقی انجبار رومی
بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و موحده و الف و رار مهمله بهمین نام مشهور است
انفخة الفرس ع ف پرمایه اسپ اندردوقس بفتح اول و سکون ثانی و فتح

دال مهمله وضم طاء مهمله وواو وطاء مهمله والف وکسر قاف وسکون سین مهمله
ف نوعی از نخود اناعیلن بفتح اول وثانی والف وکسر عین مهمله یا معجمه وتحتانی
وضم لام وسکون سین مهمله م مرزنکوش انفحة الخشف ع بکسر خاء معجمه وسکون فا
ف پنیر مایه بچه نرینه بز کوهی که ایل نامند اتفاق ع بفتح اول وکسر نیز وسکون ثانی
وفا والف ف روغن زیتون انجرک بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم وفتح
راء مهمله وسکون کاف ف مرزنکوش ه مردانجلک بفتح اول وسکون ثانی
وضم جیم وفتح کاف وسکون کاف ثانی م محلب ه کبهلا کنبهلا انک ع بمد اول
وضم ثانی وسکون کاف ف سرب ه سیسا انارمسک ع بفتح اول وثانی والف
وراء مهمله وکسر میم وسکون سین مهمله وکاف ف نارمشک ه ناکیسر انجل بفتح اول
وسکون ثانی وکسر جیم وسکون لام ف خطمی انفحة الجمل ع بفتح وجیم ومیم وسکون لام
ف پنیر مایه شتر ق مبهی خ از شتر اعرابی انفحة العجل ع بکسر عین مهمله وسکون
جیم ولام ف پنیر مایه کوساله انقون رومی بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وواو
ونون ف کل باده ه سد الکلال انیسون ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وضم سین
مهمله وواو ونون م ف رازیانه رومی ه رومی سونف ط ح ی ۲ ق مفتح سدد
منفخ خ رومی تازه ش نیم درم ص تخم رازیانه یا رب السوس ل تخم شبت یا کرویا
یا دو وزن رازیانه انجدان ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم ودال مهمله والف
ونون ف درخت انکوزه ه هینک کارد که ط ح ی ۲ ق محلل ملطف مدر خ معده
ش یکدرم ص خل ل پنج آن یا ده دانک وزن آن حنیت یا زوفرا یا تخم جرزیا
کمون کرمانی اندروخوردن بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وفتح راء مهمله و
وواو وضم خاء معجمه وواو ثانی وضم راء مهمله ثانی وواو ثالث ونون م کویند
دارشیشعان وقرص مرکبست که در تریاق مستعمل است که اورا هم بدین نام خوانند

اندرین

اندرین ه بکسر اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وراء مهمله والف وکسر تحتانی ونون
م حنظل حنظل انجن ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون نون ف ...
دوائی چشم انقطریون بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون طاء مهمله و
ضم تحتانی وواو ونون ف کهربا ه کیور انکبین ف ع عسل ف شهد ه مهو
انسان ع آدمی ه مانس منکه اندروبارون واندروخارون نباتیست که
در کشت کندم وجو زوید وورقش بورق نخود ماند وتخمش سرخ رنک وطعمش تلخ
تلخ انار بن فرنکارس انمیو بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم وضم تحتانی و
واو ف درختیست بزرک بقیاس خرما هندی وبوقت رستن بابرک وکل
وبار میروند ه بزبان مالوه جها یا کویند اندرجو ه بکسر اول وسکون وفتح
دال مهمله وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون واو ع لسان العصافیر انجیده
یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر تحتانی وفتح دال مهمله وهاء ف کنده نای کوهی
انفحة ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فا وفتح حاء معجمه یا حاء مهمله وهاء ف شیردان
و پنیر مایه ه جسنه ح ی ۲ ق ملطف محلل مقوی دماغ خ آنچه از وازاله تری
نموده باشد ل مراره ش دو دانق واز شیر یک دانک ص عسل یا ابنر بارس
انفحة الحمار الوحشیه پنیر مایه خرکور انجره بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم و
فتح راء مهمله وهاء ف کزنه ه انکن ط برک اوح ۲ ق ملطف ص صمغ عربی
وکتیرا ل حروف وقرد دریانا انکمه بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف وفتح
میم وهاء ف خار بار کوته ه چرچرا انالیغی رومی بفتح اول وسکون ثانی والف
وکسر لام وتحتانی وکسر قاف وتحتانی ثانی م انجیره انفحة الظبی ع ف پنیر مایه آهو
انجیر دشتی م انجیر ادم ه کولر کویند انجیر جنکلی است ه کنوهری انوت
الراعی بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وواو وضم فوقانی وفتح وراء

مهمله مشدده والف وکسر عین مهمله وتحتانی م نوعی از جی العالم ابنوت ملکی . بفتح اول
وسکون ثانی وضم موحده وواو وکسر فوقانی وفتح میم وکسر لام وکاف وتحتانی ف
بستان افروز ابنلط ه بفتح اول وسکون ثانی وموحده وکسر لام وتحتانی م تم هندی
تسیوق الوا .. ادا یونانی بضم اول وواو ومیم والف ودال مهمله والف ثانی
م عصارهٔ قثاء الحمار اوبلیخ ه کوندی اوکیخ ف سیستان اوسبید بضم اول و
ثانی وکسر سین مهمله وموحدهٔ فارسی وتحتانی ودال مهمله ف نوعی از نیلوفر هندی
ط ح ی اودبهید بفتح اول وثانی ودال مهمله وکسر موحده وخفای ها ودال
مهمله ثانی ه بالخالون اوذور یونانی بضم اول وفتح ذال معجمه وسکون رای
مهمله ف آب ه پانی وچل اوزع بضم اول وثانی وزای معجمه ف مرغابی ط
ح ی اونانیس ف شکوفه انار اشع ع بفتح اول وسکون ثانی وشین معجمه و
سکون عین مهمله م جانور بهمورا اوداسالیون یونانی بضم اول وثانی ودال
مهمله والف وسین مهمله والف ها وکسر لام وضم تحتانی وواو ثانی ونون م کرفس
کوهی اوقیمن یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون تحتانی میم و
سکون نون م بادروج اوخطاربون یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف
وطای مهمله والف وکسر رای مهمله وضم تحتانی وواو ونون غافث اورمانی
اومانی یونانی بضم اول وثانی ورای مهمله وبی رای مهمله نیز ومیم والف و
کسر لام وتحتانی ع دهن العسل ف عسل داود وآن روغنی است که از
ساخت درخت حاصل میشود مانند عسل است بسطبری وشیرینی طح رح کهنه غلیظ
صاف انومالی یونانی بضم اول وفتح نیز وسکون ثانی وضم نون وواو ومیم والف
وکسر لام وتحتانی ف شراب وعسل تسیق الهار اهلیلج الاسود ع هلیله سیاه
ه زنگی اهر طب ای ۲ ق خ مهل تهندی ش از جرم او یکدرم تا یکدرم و در

مطبوخ

مطبوخ از هفت درم تا ده درم ص عسل هلیله کابلی اهلیلج اصفر ع ف هلیله زرد
ه هریکی طب ای ۲ ق مهل صفراء مقوی دل ومعده ح فربه ش از جرم
سه درم تا پنجدرم ودر مطبوخ از هفت درم تا ده درم وتا بیست درم
ص قند یا ترنجبین یا ب کرم یا عناب ل پوست انار اهلیلج القطم نوعی از بادر
نجویه آهکفسم چونا ق مفرح وتشنه او اسمای اهلیلج کابلی ف هلیله کلان ه
انبیا اهر طب ی ق مهل بود خ فربه وکران که در آب فرو رود ش پنجدرم
تا ده درم ص عسل ل هلیله سیاه ونیم وزن آن آنکه تسیق البار النخالی
ابرسا یونانی بکسر اول وتحتانی ورای مهمله والف ف بیخ سوسن اسمانگونی گل
او رنگهار زرد وسفید وبنفش و اسمانگون امیخته است وابرسا بمعنی قوس قزح
است واین مشابه باوست طح ی ۲ ق منضج مفتح ملطف مد ر وجلا او ساخ
فروح خ بیخ سیاه صلب بسیار گره خشبو باربوت حامص ش دو درم ص
عسل ل یا ربوت حامض دو دانگ وزن آن ها ذربون وسه وزن آن
لبن اللقاح یا کرمازک وکویند نیم وزن او زراوند ودر درد سینه بوزن آن
کتیرا که بشیرهٔ انجیر سرشته باشند ابلوا ح بفتح اول وسکون ثانی وفتح
لام وواو والف ع صبر اینکر ه بکسر اول وثانی وخفای نون وضم کاف
فارسی وسکون رای مهمله ف سنکرف ابدع رومی بفتح اول وسکون
ثانی وفتح دال مهمله وسکون عین مهمله ع دم الاخوین ف خون سیاوشان
ه پرادوکهی وکویند زعفران ابل ع بکسر اول وفتح ثانی مشدده وسکون
لام ف کوسفند وکاو کوهی خ زرد رنگ که بکناره چشمها و صحراها کرد
ابیقان بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف والف ونون م جرجر یا بابی ه
جنگلی ترمرا برسون م طلق ه ابهرک و بهودل ابردن ف کوکرد زرد

ابرن م ف ورغ ابقاقین ف عود ابرقان م خیا ابرفیون ف بنفشه تر
ف البیم الموحده تسیق الالف باقلا ع بموحده والف و کسر قاف ولام الف
ه باقلا و دال دال ط ح ب ط کویندی ب ا وقسمی است هندوی که اورا سیم
کویند ف قابض منفخ محلل مهل فربه بزرک خشک ۲ شربت دو درم ص صوف
ماش باراه بموحده فارسی ۲ والف و راء مهمله والف ثانی ف سیاه
بالنکه کلکوار م بموحده والف وخفای نون وفتح والف ثالث جیم و هاء هندی
وفتح کاف اول وضم کاف ثانی و واو و راء مهمله والف ثانی دوای هندیست
بانس ع بموحده والف وخفای نون وسین مهمله والف ثانی ه اروس
باذام بموحده بالام بیخ کاندل که از ان خشخانه سازند و بر باییز کویند مادر
واف بیز زد ه بریجا باچرا بموحده والف وجیم و راء مهمله ثانی علا ابت ف
کاورس فارسی والف و دال هندی و راء مهمله والف ثانی کل درخت هندی
است م ه باذل بموحده فارسی والف و فتح دال هندی وسکون لام باد
رواف بیرزد ه ترنجابا ه بموحده فارسی ف الف و مانی هندی م ابریشم
باردست م آبنوس بادنج بموحده والف و کسر دال مهمله وفتح نون وسکون جیم
ف جوز هندی و نارکیل ه ناریل دکهوپر بالونج ع بموحده والف و ضم موحده
ثانی و واو وفتح نون وسکون جیم ف بابونه ه سونهل ط ح ی ا ق ملطف و مفتح و
محلل خ بزرک زرد کل ش یکقبضه ص عسل ا روغن کل ل برنجاسب یا اکلیل الملک
بادروج ع بموحده والف و دال مهمله وضم راء مهمله و واو وجیم از ریحانست
که در کوها میروید ف تره خراسانی ه پاتری باپری و بابجی که تلسی جنگلی است
ط ح ۲ ی ا ف محلل و مقوی و مفرح دل و حابس دم خ خوشبوی و تازه
س بقل الزهرا ل مرزنجوش بادرنبویه باد دو درم ش ارجم او او دو ف

علوکم

ع شوکة البیضا ه وهمیا ها وجوانسا ط ح ی اکوبند ب انچ او بجای ۲ ق
مجفف خ سفید ورق تازه ش یکدرم و نیم ص افسنتین ل تخم کاهو بیخ کاسنی
بارود بموحده والف وضم راء مهمله و واو و دال مهمله ف نمک چینی بار الکنده
بموحده والف و راء مهمله والف ثانی و کسر ها و تحتانی فتح کاف وخفای نون
و دال مهمله بیخ هندیست بارزدع بموحده والف و راء مهمله و فتح راء معجمه و
سکون دال مهمله م قنه ف بیرزد ه بریجا باکهان بهد بموحده فارسی والف
وفتح کاف وخفای ها والف ولون وکسر موحده وخفا ها و تحتانی و دال مهمله
م جبطانا باکر ه بموحده فارسی والف وفتح کاف وسکون راء مهمله م درخت
هندیست که قسمی از درخت بر است ط ب بادزهر ف بموحده فارسی والف
و دال مهمله و زاء معجمه وسکون ها و راء مهمله ف پای زهر ه هندوی زهر
مهرا بابوسر بموحده والف وضم لام وفتح سین مهمله وسکون راء مهمله
ف کافور مغشوش باسر بموحده والف وفتح موحده ثانی وسین مهمله وسکون
راء مهمله ف برک سنا مکی باطس بموحده والف و کسر طاء مهمله وسکون
سین مهمله ع علیق و بضم طاء م بالنک ه توت و بجورا بابلسم خشخاش
بانس ه بموحده والف وخفا نون وسین مهمله ف ب ب ط ق
ملین باط باط باد و طاء مهمله ه غله از شهر بارو ق بموحده والف وضم راء
مهمله و واو و قاف ف سفیده قلعی ه نک بالک ه بموحده فارسی والف
وفتح لام وسکون کاف ف اسفناج ط ب بای برنک ه بموحده والف و کسر و
تحتانی و موحده ثانی و فتح راء مهمله وخفای نون و کاف فارسی ف
برنج کابلی بالنک ف بموحده والف وفتح لام ونون و کاف فارسی م
ترنج ه بجاو بجوبینی بارتنک ف بموحده والف و راء مهمله وفتح فوقانی

و سکون نون و کاف فارسی ع لسان الحمل بادام بموحده و الف و دال مهمله و الف
ثانی و میم ع لوز بادان ه بموحده فارسی و الف و نون ف برگ تنبول طح
بادنجان ف ه بیگن و بهنا طح ق ی ۲ خ مخفف ح فارسی شیرین تازه ص
روغن بادان بموحده و الف و نون ه بکاین طح ی ۲ ف محلی محلل بلین ش یکدرم
ص رازیانه ل حب آن و فوه بایکنیم وزن سلیخه باده یکان ببباسه بار
سطالون یونانی بموحده و الف و کسر راء مهمله و سکون سین مهمله و طاء مهمله و الف
ثانی و کسر راء مهمله ثانی و ضم تحتانی و واو و نون م نوعی از رعی الحمام بادیان ف
ه سونف بارن پوست پنبه نرمه بارو ه بموحده و الف و ضم راء مهمله و واو
ع رمل ف ریگ طب بالو بموحده و الف و ضم فوقانی و واو م دند ع حب
السلاطین ه جمالگوتا بادرنجبویه ع بموحده و الف و دال مهمله و فتح راء مهمله و سکون
نون و فتح جیم و ضم موحده و واو و فتح تحتانی و ها بادرنبویه و بادرنگبویه ترنجان
و تعلیا ترجبه نیز گویند ه بالنگو ه رام تلسی طح ی ۲ ق ملطف محلل و مقوی دماغ
و معده و مفرح دل و مهل سودا غ تازه ش از آب و بیست درم و از خشک او
دو مثقال ص صمغ عربی یا ربالس ل بوزن او ابریشم و چهار وزن او پوست
اترج با تخم اترج بالنگو بموحده و الف و فتح لام و سکون نون و ضم کاف فارسی و
واو م بادرنبویه بابوسه بموحده و الف و ضم موحده ثانی و واو و فتح سین مهمله
و ها ه کونیل بابلم م میعه سایله ه سلارس باخرف سنگ پشت ه کچهوا
بابونه بموحده و الف و ضم موحده ثانی و واو و فتح نون م اقحوان ه دها باری
بموحده فارسی و الف و فتح موحده فارسی ثانی و کسر راء مهمله و تحتانی ف
شمشاد طرب باقلای قبطی بکسر قاف و سکون موحده و کسر طاء مهمله و تحتانی
جامه باقلا مصری بکسر میم و سکون صاد مهمله و کسر رای مهمله و تحتانی م

ترمس

ترمس باجی ه بموحده و الف و کسر جیم و تحتانی ع البقر ف سوره بابادیب
بهرد و موحده و بهرد و الف و کسر راء مهمله و تحتانی ف فلفل سیاه ه بیج
بادنجان دشتی م کنابهی بزرگ بارهی ه بموحده و الف و راء مهمله و کسر ها
و تحتانی م جدوار ه تربسی باجی ه بموحده و الف و موحده ثانی و کسر جیم
فارسی و تحتانی م بادروج تنبیق الباء الموحده بیغا بفتح اول و سکون
موحده ثانی و عین معجمه و الف ف طوطی ه توتا و سوا ببول ه بفتح اول
و ضم ثانی و واو و لام ف درخت مغیلان ه کیکر ببراله یونانی بضم اول
و سکون ثانی و راء مهمله و الف و فتح لام و ها م زراوند طویل تنبیق التاء الفوقانی
بت پاپراه بکسر اول فارسی و سکون فوقانی و موحده فارسی و ثانی و الف
موحده فارسی ثالث و راء مهمله و الف ثانی ف شاهتره طب تجیا ه بفتح
اول فارسی و سکون ثانی و کسر جیم و تحتانی و الف و واو هندیست بتهوا ه
بفتح اول و ضم ثانی و خفای ها و واو و الف ع قطف بترج ه بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون جیم م ساوج طح مح فارسی و سکون
ثانی و فتح راء مهمله و سکون جیم ساوج طح سع ع بضم اول و سکون ثانی و عین
مهمله ف شراب مست کننده تنبیق الجیم بجورا ه بکسر اول و فتح جیم و سکون
واو و راء مهمله و الف ع اترج بج ه بفتح اول و سکون ثانی فارسی
ع وج ط بجرکنده ه بفتح اول و ثانی مشدده و سکون راء مهمله و موحده و
فتح کاف و خفای نون و دال مهمله ه م سوزن بجبار ه بکسر اول و فتح ثانی
و سکون تحتانی و سین مهمله و الف و راء مهمله درخت هندیست بجرنباک ه
بفتح اول و ثانی مشدده و سکون راء مهمله و موحده و خفای ها و الف و خفای
نون و کاف فارسی م تنباکو طح ی ۳ ق مخدر بفتح ص شیر بجم ف بضم

اول وسکون ثانی ومیم ع ثمرة الطرفا ف گز مازو ه مائین تتمیق الخاء المعجمة
بخنجات ی یونانی بفتح اول وسکون خاء معجمه و فتح فوقانی وجیم والف
وفوقانی ثانی ف کسته ه رث سکا بخور مریم ع بضم اول وثانی وواو
وکسر راء مهمله وفتح هم تحتانی و سکون راء مهمله میم ثانی م شجرهٔ مریم که بیخ آن
عرطیثا است وآن نوعی از اشنان است ح ی ۳ ق مقطع محلل خ تر و نان
صی مرو حشه ل کندس تتمیق الدال المهمله بدرها ه بکسر اول و فتح دال مهمله
وخفاء ها والف وراء مهمله والف ثانی و وای هندیست طح ف طین بداری
کنده بکسر اول وثانی والف وکسر راء مهمله و تحتانی و وای هندلست بدهل ه
بفتح اول وسکون ثانی هندی و فتح ها و سکون لام میوه هندی میخوش ست
مشکل یه و برتخم طح بدم ف شکوفه درخت مغیلان ل بید مشک ق مقطع محلل
خ تر و تازه ص می و حشه ل کندش بدلیون سریانی بفتح اول و سکون ثانی
وکسر لام وضم تحتانی و واو و نون م مقل ه وکسر لام وضم تحتانی و واو
و نون م مقل ه کوکل بداسقا یونانی وکسر لام بفتح اول وثانی والف و فتح
سین مهمله و قاف والف ثانی و نون ف بدسکان ل کشت برکشت بدلون
ه بکسر اول وسکون ثانی هندوی وضم لام و واو و نون ف نک سیاه
طح تتمیق الراء المهمله برهلیا یونانی بفتح اول وسکون راء مهمله وکسر ها
وسکون لام وتحتانی والف ع رازیانه ه م سونف برهیتا بکسر اول و
فتح ثانی وسکون ها و فتح فوقانی هندی و تحتانی والف ه م کتائی بزرگ
برتا بفتح اول وسکون ثانی و نون والف م خار عشت بفتح اول وسکون
ثانی وکسر عین معجمه وسکون شین معجمه و فوقانی م قتار بری برجه کنده بکسر اول
وثانی وسکون جیم فارسی و ها هندی ه م بندالو برُ ع بضم اول وسکون
ثانی

ثانی ف کندم ه گیهون بره بفتح اول وسکون ثانی شجر معروف هندوستان م ذات
الذوائب برنجاسف بکسر اول و فتح ثانی وسکون نون وجیم والف وسین مهمله
وفاء ع قیصوم ف برنجاسف بوی مادران که قسمی از افسنتین ست ه گندباد
برقوق بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف و واو و قاف ثانی ف مشمش ه جو بانی
برواق گیاه سریش بکاف فارسی برنجشک بفتح اول وثانی وسکون جیم وکسر
میم وسکون شین معجمه وکاف ف بالنکو ه تلسی برنج ف برنج کابلی برینک ه بکسر اول
فارسی وسکون ثانی و فتح تحتانی وخفاء نون وکاف فارسی دوائی هندیست
طب پربال ه بفتح اول وسکون ثانی وموحده والف ولام ع مرجان ولسد
ه مونگا برغول بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه و واو ولام ف
ولیده گندم برنوف بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی و واو و میم ف حرمای
خشک که بیکدیگر نمی چسبد فم حرمائی هیرون برشوم ع بفتح اول وضم بیز و
سکون ثانی وضم شین معجمه و واو و میم بلغهٔ اهل هند م قصب ف نی بردم
ف شکوفه درخت مغیلان بردوسلام بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله مضموم
و فتح واو وسین مهمله ولام والف ومیم ف ورق بارتنگ برشن بکسر اول و
سکون ثانی وضم سین مهمله وسکون نون ف پنبه ه روئی پرسیاوشان
ف ع گزبره البیر اج هنس کرجام سنبل که برکناره چاه چشمها
میروید طح ی ا وکو بندح ب ق منضج ملطف مدر مصفی محلل ح سیاه
چوب سبز ورق با سیاه چوب بسرخی مائل ش سه درم تا ده درم ص
مصطکی با کتیرا ل بوزن او بنفشه با کشنیز وزن رب السوس یا دو دانگ
وزن آن زوفا برنان بفتح اول وسکون ثانی و نون والف و نون ثانی مشتی
تخم نیست که در هند در دیار اجمیر از و تسبیح سازند م سبیز و تمام و

تمام برشیعثا ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله واو م عصی الراعی ط ب ۳
ببد ص عنب الثعلب با لسان الحمل با بنیم وزن آن خرفه برده ه بکسر اول وثانی
ودال مهمله وهای هندی دوای هندیست برنج کره ه چاول جهرادوری
که جو درست برنج کابلی ع بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم ف برنگ
ه بای برنگ ط قابض وقاطع دیدان خ کوچک سرخی مایل ش ده درم با
شیر تازه ص کثیرا ل ترمس با دو وزن آن قنبیل برنهی ه بفتح اول و
ثانی وخفای نون وکسر موحده وخفای ها وتحتانی م زرنب بردی ع بفتح
اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وتحتانی نوح که در کنج می اندازد و در مصر
ازو کاغذ سازند ق تک ه پتیرا ط ب ی ۲ ق مجفف برطانیقی بفتح اول وسکون
ثانی وطاء مهمله والف وکسر نون وتحتانی وکسر قاف تحتانی ثانی ف
پستان افروز تاج خروس ه سرالی برعوثی بفتح اول وسکون ثانی
وضم عین مهمله وواو وکسر مثلثه وتحتانی ع برقطونا ه اسپغول برنی
ه ترلبی بروقی ه یکهان پهید تسیق الزای المعجمه بزرقطونا ع بفتح اول و
سکون زاء معجمه وکسر راء مهمله وضم قاف وطاء مهمله وواو ونون والف
ف بنکو ه اسپغول ط ب ۲ کوبند مع کوبند روی ی رواغ خ سرخ سیاه
مایل فربه گران که در آب فرو رود ش دو درم تا سه درم ص کثیرا ل
حب السفرجل با تخم لسان الحمل با بزر الورد در قبض تخم خرفه بزر القثاء ف
تخم خیار زه ه لکری کے بیج ط ب رح فربه ص سکنجبین ل تخم بادرنگ بزر
الهندبا ع بکسر ها وسکون نون وضم دال مهمله وموحده والف ف تخم کاسنی
ط مع ح ب ی خ سیاه فربه بستانی ش دو درم تا سه درم ص سکنجبین
بزر بقلة الحمقاء ف تخم تورک و خرفه ه لونیان کے بیج بزر السداب تخم سداب

ط ح ی ۲ ح سیاه فربه ش یکدرم تا دو درم ... بلغمی ص کثیرا یا عسل
ل سداب بزر قنب ع بکسر قاف وفتح نون مشدده وسکون موحده ف
شهدانه وتخم بنگ ه بجیاکی بیج بزر الکرنب ع تخم کلم ط ح ی خ تازه فربه
بزر الشبث ع ف تخم شوت ه سوی کا بیج ط ح ی کوبند مع ف مقی خ فربه
ش دو درم ص عسل ل دو وزن شبت بزر اللفت ع بفتح لام وسکون
فاء فوقانی ف تخم شلغم ط ح ر خ سرخ فربه ش دو درم ص بزر البطیخ ل بزر
الرطبه با تخم خربزه دو وزن بزر الفنجنشت ع ه سنبهالو کی بیج ط ح
۲ ی ۳ کوبند ح فربه ش دو درم ص شیر بزر الکشوث ع بضم کاف وشین
معجمه وواو ومثلثه ه امربیل کے بیج ط مع ح ب ی خ فربه ش دو درم ص
عسل ل بزر هندبا با چهار دانگ وزن آن افسنتین بزر الکراث ع
بضم کاف وراء مهمله مشدده والف ومثلثه تخم گندنا ط ح ی ۲ کوبند ۲ و آن
بعینه گنبد ماند وبسیار سیاه خ شامی تازه فربه ش یکدرم ص عسل ل
جرجر بزر البنج ع ف تخم بنج ه اجوائن خراسانی ط سیاه او ب ی ۳ سفید
او ب ۳ ی ۳ ق حابس خون وقابض خ سفید وبعد ازو سرخ ش یکدانگ تا
دانگ ص عسل ق ح کردن با بکرم و روغن وعسل ل افیون با لعاب خشخاش
بزر الکالنج ع ف تخم عروسک در برده بزر الرازیانج ع ف تخم بادیان
هندی سونف ل انیسون بزر البطیخ ع ف تخم خربزه کوبند ط ی ۱ ط رق
خشک وحفت ومفتی ط ح ر خ شیرین ش دو درم تا پنجدرم ص عسل
ل جلغوزه بزر الاسفاناخ ع تخم ساک پالک ط ب ر خ سرخی مایل ش یکدرم
ص طین مختوم بزر الرشاد ع ف حب الرشاد تخم تره تیزک ه ہالون بزر
القثاء ع ف تخم خیار بالنگ ه کهیرا کے بیج ط ب رح فربه خود از خیار زرد

شس از یکدرم تا دو درم ص کثیرا ل تخم خیارزه بزرالورد ع ف تخم گل که زرکو نیز
وان زردی میانه گل است ط ب ی ق قابض حابس خون خ ماخوذ از گل
فارسی شس دو درم ص کثیرا بزرالجرجیر ع ف تخم کهترک ط ترمرا طح ی ۲ گویند ۲
ق مغثی خ بستانی ل خردل ع تخم الجزره ماخصی الثعلب بزرالعصفر ع ف حکه
ه گرد کسنبه کی بیج بزرباز ع . بفتح اول وسکون ثانی وموحده ثانی والف
والف وزا معجمه تانم ب باسه ه وجوتری بزرالجس ع ف تخم کاهو ط ب ی خ
سیاه فربه بستانی شس یکدرم تا دو درم ص مصطکی ل دم الاخوین بزربلا
سقس بضم موحده وکسر زی ولام الف وفتح شین مهمله وکسر قاف و فتح زی
وتحتانی وسین مهمله ثانی ف تخم تره تیزک ه هالون بزرالحماض ع . بفتح حا
مهمله ومیم مشدده والف وضاد معجمه ف تخم ترشا ه جوکی کی بیج ط ب ی ۲ خ
فربه سیاه سرخی مائل شس دو درم ص تخم رازیانه باکرفس ل تخم لسان الحمل بزر
المطع ع بفتح میم وسکون طا مهمله م حب الفلفل ف انار دانه دشتی بزرالسرمق
ع بکسر سین مهمله وفتح زی وگول لدرا مهمله وفتح میم وسکون قاف ف تخم قطف
ه بهتوی که بیج ط مع ح ب ای اکو نیدح بزرالسلق ع ف تخم چغندر ط ب ص
سکنجبین ل تخم خطمی بزاق ع بضم اول وثانی والف و قاف ف لعاب دهن وریق
ه لار بزرک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح را مهمله وسکون کاف ع بزر
کتان ه السی بزرالعجل ع ف تخم ترب ه مولی کی بیج ط ح ۳ ی ۲ ق
مغثی ح فربه شس دو درم ص کشنیز یا سیستان وشکر ل حب الرشاد بزر
البنا الحملع ف بارتنگ ه خوب کلان ط ب ی خ فربه سیاه سرخی مائل
شس سه درم ص عسل ل تخم حماض بستانی بزرالبصل ع ف تخم پیاز ط ح ی
شس دو درم ل نیم وزن تخم شلغم ونیم وزن تخم اسپست و ۲ وزن تخم

کندنا

کندنا وشس ویک وزن آن تخم انجیر بزرالخمخم ع بضم خا معجمه وسکون میم وضم
خا معجمه ثانی وسکون میم ثانی ف شنفترک و گویند حب الفلفل بزرالقنام ع بفتح
نون ومیم مشدده والف ومیم ثانی ف تخم سپیبنر ه برنان که بیج خ سیاه
بستانی س سه درم ص کثیرا ل کتان وبادرنجبویه بزرالکتان ع ف بزرک
ه السی ط ح ا مع ری گویند مع ح ب ی اق ملین منضج خ تازه فربه شس
سه درم ص عسل ل حلبه یا عصارهٔ باقلا بزرالهلیون بفتح ها وسکون لام وضم
تحتانی وواو ونون ف تخم مارچوبه ه ناکدون کی بیج ط ح ۲ ق بستانی شس
دو درم ص عسل ل درتحریک باه حب الفلفل ونیم وزن نودری ونیم وزن
شقاقل وجهه بیاری مثانه نیم وزن تخم کاکنج و دو دانگ وزن آن محلب
مقشر و شس یکیان عنب الثعلب و گویند هلیون وحنظل بزرالکتان ع ف تخم ریحان ط ح ی
گویند مع ح ب ق قابض خ سیاه فربه کوچک خوشبوی شس یکمثقال با آب
سرد یا گلاب ص مرزنگوش بزرالمازریون ف تخم مست و جست روق
معنی بزرالمرو ع بفتح میم وسکون را مهمله وواو ف تخم مرورنگ ه مرا
وکنوجا مرواطح رخ تازه وفربه سرخی مائل شس دو درم ص کلنار ل بزر
قطونا بزرالرطبة بفتح را مهمله وطا مهمله وموحده وها ف تخم اسپست
وتخم زنجقه ط ح رخ زرد فربه ل بزراللقب بزرالخرفه ع ف تخم نورنگ
ه لونیان که بیج ط ب ۳ خ فربه شس یکدرم جهت تبهای حاده بکوبند و شیره
بگیرند س قند ل بزرقطونا بزرالهو یونانی بضم ها وفتح واو وها ی ثانی ف
توردی بزرانجره بفتح همزه وسکون نون وضم جیم وفتح را مهمله وها ف
تخم گزنه ه انگن که بیج ط ح ی ۲ گویندی ا ح فربه شس نیم مثقال تا سه درم
ل حرف وفرد ها یا بزرکرات یا بزرچرچر بزرالکرفس البستانی ف تخم کرفس

بستانی ه اجود طح ی ا ش سه درم ص حماما ل قطراسالیون یا دو ک
ان فستبن و نیم وزن آن فطراسالیون بزرالجار ع و بزرالخطمی ف تخم بزرگ
ه خطمی کی بیج ط مع ح رکو یند ب ی اخ سیاه رسیده ل از تخم خیار
تخم خیار بزرالرمان البری ع حب الفلفل ف تخم انار دشتی ه جنگلی انار کی بیج
بزرالجزرالبستانی ف تخم زردک ه کاجر کی بیج ف مدر مفتح ش یکدرم بزرالجزر
البری ع م دوقو ه تخم گزر صحرائی بزرالحندقوقی ع بفتح حاء مهمله و کویند خاء معجمه
و سکون نون و فتح دال مهمله و ضم قاف و واو و قاف ثانی و تحتانی ف تخم اندوه
قوقو طح ی ح فربه سطبر ش نیم درم جهت فربهی جانوران ص کثیرا ل
شیلم بزرالرازیانج الرومی ع ف انیسون تشبیق المهمله بسکهیرا
بکسر اول و سکون سین مهمله و فتح کاف و خفاء ها و سکون موحده فارسی
و فتح راء مهمله و الف دوای مشهور هندیست بستا ه بکسر اول فارسی
و سکون ثانی و فوقانی و الف ع فستق طح ق مبهی لسح بستیج بکسر
اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و تحتانی و فوقانی و سکون جیم م کندر بستاج
رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و تحتانی و فوقانی ثانی و الف و جیم
م خشک ه کوکهرو بسفایج م بفتح اول و سکون ثانی و فا و الف و فتح تحتانی
و سکون جیم ع اضراس الکلب ه کنکالی طح ا مع ب کویند ی ا کویند
ب ی ا ق مسهل بلغم و سودا خ سطبر قرنفل طعم و درونش بعد از شکستن
فستقی نماید ش دو درم تا بیح درم و کویند بار دیگر مسهلات از یکمثقال تا دو درم
ص هلیله زرد بادرد ل بوزن وی افتیمون و نیم دانگ وزن وی نمک
هندی و کویند سیاه قرطم بسبایج بضم اول و کسر نیز و فتح ثانی مشدده
و سکون دال مهمله م مرجان ف خرهک ه مونکا طب ا ی ۲ ق محفف قابض

مقوی

مقوی مفرح دل و حابس خون خ سرخ باریک ش نیم درم تا یکدرم ض کثیرا
ل کهربا دورحبس دم دم الاخوین بسبرع بضم اول و سکون ثانی و راء
مهمله ف غورکا خرما طب ی ۲ ق قابض ش از شراب اوقیه ص سکنجبین
ساده ل خرنوب بسباافروز م بوطائیقی ف تاج خروس طب ی
ق قابض خ درسایه خشک کرده ش دو درم تا چهار درم و کویند از
تخم او یکمثقال ص کندر بارازیانه ل حماض بسیابس ع بفتح اول و سکون ثانی
و موحده ثانی و الف و فتح تحتانی و سکون سین مهمله ثانی نزد اهل مغرب
ع رازیانه ف بادیان بسباک مکسبان ه کهوراب جو ف آرد جو
بسباسه ع بفتح اول و سکون ثانی موحده و الف و فتح سین مهمله و ها م
بزبازه جاپتری طح ی ا کویند ۲ ق ملطف مفتح مبهی خ زرد سرخی
مائل خوشبو ش دو دانگ تا سه درم ص صندل و کلاب ل جوزبویا
تشبیق الشین المعجمه بشکرانتا ه بکسر اول و سکون شین معجمه و ضم نون
و سکون کاف و راء مهمله و الف و خفای نون و فوقانی و الف ثانی
دوای هندیست بشبش بضم هر دو موحده و سکون هر دو معجمه ثانی
ف ورق حنظل ه اندراین کی پات بسترغ ع بضم اول و فتح نیز و سکون
ثانی و ضم فوقانی و فتح راء مهمله و سکون غین معجمه ع الکلیل الملک ه اسرک
بشک بکل ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و کاف و دیگر بکسر کاف
و سکون لام ف سرکین بشولیون یونانی و رومی بضم اول و ثانی و او
و کسر لام و ضم تحتانی و واو ثانی و نون ف نیکو ه اسپغول بشمه
بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و ها م تشمزج ف چشک ه چاکسو
بشلشکه یونانی بکسر اول و سکون و کسر لام و سکون شین معجمه ثانی

وفتح کاف و یا م حیطیا ا تنبیق الصاد المهمله بصل الذیب ع بفتح اول و صاد مهمله
وضم لام وبکسر ذال معجمه مشدده وتحتانی وموحده م بلیوس ف تلخ بصاق القمر ع
بضم اول لام والف وقاف ع رغوة القمر وحجر القمر وزبدة القمر ف سنک ماه ه چندر
کانت بصل الفار ع بفا والف ورا مهمله م اسقیل ف پیاز موش بصل الزیر
ع بکسر زاء معجمه وتحتانی وزاء معجمه ثانی م بلیوس بصل الزجیج ع ف پیاز نرکس
ه نرکس کے جر طح ش دو مثقال جهة قی بصاق ع ف لعاب دهن ه لار ط
ح ار ق منضج محلل خ از صابم بصل ع ف پیاز طح ی ۴ کوینده ۲ کو ینده ر ۲ کو ینده
۳ کوینده ح ۴ ر ۲ ق مقطع ملطف ح سفیدش از تخم این دو درم ص سرکه
ودوغ ل کرات شامی بصل العنصل ع بفتح عین مهمله وسکون نون وضم
ضاد مهمله وسکون لام اسقیل تنبیق الطاء المهمله بطیخ ع بکسر اول وطاء
مهمله مشدده وتحتانی وخاء معجمه ف خربزه ه خربوزا طح ر کوینده ح ب
کوینده ب ر ۲ ق مدر محلل وپوست او منفتح خ سمرقندی شیرین ص سکنجبین ل
ساده ل در جلا با قاد بزرقنا بطارس یونانی بفتح اول وثانی والف
وکسر راء مهمله وسکون سین مهمله م سرخس بطیا ط سرباینے بفتح اول وسکون
ثانی ف وموحده ثانی والف وطاء مهمله ثانی م کسته ه رت سکا ط
ح ی ۲ ق قابض خ سبز تازه ش دو درم ص کرفس ل حماض بطم ع بفتح
اول وسکون ثانی ف قازه ه هنس طح ر ق مسمن سرکه وپیاز و شیر خشک
درواندازند بطم ع بضم اول وسکون ثانی ومیم ع درخت حبة الخضرا
ف درخت طح ی ۲ ق محلل خ سبز نو ص سفرجل ل فستق بطرا
سالیون یونانی بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وسین مهمله والف
ثانی وکسر لام وضم تحتانی وواو ونون م فطراسالیون وطراسالیون یونانی
کوه

کوه وسالیون کرفس ف تخم کرفس کوهی ه پهار کی اجمود طح ی ۲ ق مفتح مدر
خ سیاه ش یکدرم ل نانخواه بلوط یا دو وزن تخم کرفس یا نیم وزن
افسنتین بطرالاون یونانی بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف ولام
الف وضم واو وسکون نون ع دهن الحجر ف لفظ بطیخ ض ع بکسر زاء معجمه
وقاف مشدده وتحتانی ف جباز کدو وهندوانه ه تربوز ط ب ر ۲ خ
شیرین آید ار ص قند یا عسل یا وی خورند یا بعد از و تنبیق العین المهمله بعر
الضب ع بضم اول وسکون عین مهمله وضم راء مهمله وفتح ضاد معجمه مشدده
وسکون موحده ف سرکین سوسمار طح ی ل زبد البحر بعر الماعز ع بمیم والف
وکسر عین مهمله وسکون زاء معجمه ف پشکل بز ه بکری کی مینگنی طح ی ق
منضج مفقص خ تازه ص روغن کل بعر الجمال ع بکسر جیم ومیم والف ولام
ف پشکل شتر بعر الضان ع بضاد معجمه والف ونون ف پشکل میش تنبیق
القاف بقلة الحمقاء ع بفتح اول وسکون قاف وفتح لام و
ضم فوقانی وسکون لام ثانی وضم حاء مهمله وفتح میم وقاف والف ف
تورک ساک ه یونیان طب ر ۳ وکوینده ر ۲ ق مصری ح لبن ورق
ص کرفس ل خس بقلة الزهراء ع بفتح زاء معجمه وسکون ها وراء مهمله
والف م بقلة الحمقا بقلة الضب ع بفتح ضاد معجمه وسکون موحده ف با لکوری
بقره ع بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله ف کاو ه بیل وبلده بقمة بفتح اول
وسکون ثانی وفتح میم وسکون راء مهمله م بکسر طح ی ۲ بقلة الانصار ع بفتح
همزه وسکون نون وصاد مهمله والف وراء مهمله ف کلم بقلة العدس ع بفتح
عین مهمله ودال مهمله وسکون سین مهمله ف پودنه بری بقبس ف درخت
شمشاد بقلة الخطاطیف ع بفتح خاء معجمه وطاء مهمله والف وطاء مهمله ثانی وتحتانی

وقاطع [illegible] بقیع بفتح اول وسکون ثانی ف پشه ع مجهر بقلة الملک
ع ف شاهتره ه پت پاپرا بقلة الغزال ع م مشکطرامشیع بقلة الفارسیه م بادر
نجبویه بقم ع بفتح اول وثانی وسکون میم ه درخت ال ومجینه که صباغان
بکار می برند طح ی ۲ ق مجفف خ تازه ش ازاب او ده درم ص سطو وخودو
ل قوه بقلة الخراسانیه ع ف تره خراسانی ه ساک چوک ط ب ی ۲ کویند ا
بقلة الزجیه ع م بادرنجبویه بقلة بارده ع ابلاب بقلة الذهبیه بفتح ذال
معجمه وسکون ها وکسر موحده وفتح تحتانی مشدده وها ه ساک بتهوا وکویند
بالک بقلة مبارکه بقلة لینه ع هردو نام بقلة الحمقا نسیج الکاف بکسمات نان دوآتشه
بکیر بفتح اول وسکون کاف وفتح موحده وسکون را مهمله ف جهارچیز ه
کرباکا بکابن بفتح موحده وثانی والف وکسر تحتانی وسکون نون ف درخت
بان پکهپ انجن ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وخفاها وفتح موحده فارسی
ثانی وهمزه وسکون نون وفتح جیم وسکون نون ثانی دوای هندیست جهت
امراض چشم طح بکچی ه بفتح اول وضم ثانی وکسر جیم فارسی وتحتانی دوای
هندیست تنبیق اللام پلاس بابرا ه بفتح اول فارسی ولام والف
وسین مهمله وموحده فارسی ثانی والف وفتح موحده فارسی ثالث ورا مهمله و
الف ثانی ف تخم درخت پله ه وهاک کی بیج بلیلج ع بفتح اول وثانی و
سکون تحتانی وفتح لام ثانی وسکون جیم ف بلیله ه بهیرا ط ب ا کویند ۲ ی ۳
ق ملطف قابض مقوی معده شح زرد رسیده ش یکدرم تا سه درم ص عسل
بالبوب ودر جلاب انیسون ودر بوییدن چیزی ومرزنکوش ل املیه یاورق
جنازی وکویند فاعیه خشک دو دانک وزن آن اس وشش یک آن هلیله
سیاه بلح ع بفتح اول وثانی وسکون جیم حا مهمله ف غوره خرما که
اندک

اندک ترشی بهم رسانده باشد ه کچی کچور ط ب ی ۲ بلادر ع بکسر اول ولام الف
وضم دال مهمله وسکون را مهمله بهلاوا طح ی ۴ ق محرق و[illegible] دماغ خ
سیاه فربه که بعد از شکستن عسل بیارد هدش نیم درم ص کنجد باروغن جوز
یا شکر ل قندق پنج وزن ان و ۲ دانک ونیم وزن آن روغن بلسان یا زیت
وخردل وکویند شش یک آن بلس بفتح اول وضم ثانی وسکون سین مهمله
ف انجیر سفید بلبوس بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده ثانی وواو وسین
مهمله م بصل الزیر وکویند پیاز تلخ طح ی ا کویند ۲ ق مقطع ن تر و تازه
ص شیر تازه دوشیده ل بصل العنصل بلاس ه بفتح اول فارسی
ولام الف وسین مهمله ف پله م وهاک طح ق ملین بلوط الارض ع م کما دریوس
بلوط م بضم اول وثانی وواو وطا مهمله مشهور بهمین نام ط ب ی ۲
کویند اکویند ی ۳ ق قابض وحابس دم ن فربه بزرگ رسیده ش دو درم
تا بیست درم ص بریان کرده با شکر خوردن ل شاه بلوط با بوزن آن خرنوب
نبطی نبضی بلنجاسف بکسر اول وثانی وسکون نون وجیم والف وسین مهمله وفا
م برنجاسف بلوط الملک ع ف شاه بلوط وکویند کردکان بلنمشک بکسر
اول وفتح ثانی وسکون نون وکاف فارسی وکسر میم وسکون شین معجمه
وکاف ثانی م تخم تخمشک ف بالنگوی خورد بل ف بفتح اول وسکون ثانی وکویند
پوست اینه را بل خوانند وشحم این را بل وتخم این را ئل ه بیل طح ی ۲ کویند ۲
خ شربت بلاس بیلدم بکسر اول فارسی ولام الف وسین مهمله ه بارس بیل
درخت هندیست پلول ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح واو وسکون
لام ثانی م ثمره هندیست که اکثر درکشت برگ تنبول میکارند ونا نخواش
نیکوست طخ بیس بضم اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وسکون نون

ه حدشس ه و مسور بلبوسیطون یونانی بفتح اول وضم ثانی ه و لو کسر سین
مهمله و تحتانی وضم طاء مهمله و واو و نون ف کلنار میوه بل بلسان ع شجره مصری
مشهور طح ی ۲ و گویند ۳ ق ملطف محلل خ خوشبو ش نیم درم ص صندل
ل زیتون و سلیخه بلاون ساک چولائی بلبون م ساوج بلیله ف ع بلیلج
بلهار نبده ه بروبتی و گویند کلتهی به ف درخت هاک تنبیق اللون
بنیدا بفتح اول وخفاء نون و دال مهمله والف دوای هندیست
وان عبارتست از درختی که بر درخت دیگر روید ریشه سبزها کور اکوفته
و نمک داخل نموده مثل مرهم بر خارک یندند روع مانده بنماید تجربه رسیده
نپیر نوار ه بضم اول فارسی و نون و سکون راء مهمله و فتح نون ثانی و واو
والف ه لس کهیرا نبجنکشت ف بفتح اول فارسی و سکون نون ثانی و فتح جیم
و سکون ثانی و فتح جیم و سکون نون ثانی وضم کاف فارسی و سکون سین معجمه
و فوقانی ه درخت سبزها کو طح اکویند ۳ ی ۲ ق محلل ملطف مغشی خ تخم تازه
ش یکمثقال ص صمغ عربی ل دو وزن آن شهد انج نبات بکسر اول و ثانی
والف و سین مهمله و فوقانی م صمغ البطم بنفسج ع بفتح اول و ثانی و سکون
فاو فتح سین مهمله و سکون جیم ف بنفشه ه بنوسا طب ۲ ر ۳ گویند ب را گویند
ق ملین و مسهل صفرا خ خشبو ش دو درم تا چهار درم از خشک و پنجدرم
از تر او ص سعر جبل ل نیلوفر و پرسیاوشان ح م بیخ نمک و بیخ و شبکران
و بزر البنج الخراسانی خراسانی اجوائن طب ۳ ی ۲ ق قابض خ سفید ش ده دانگ
ص عسل ل لفاح و خشخاش افیون نبات الرعد بفتح اول و ثانی و الف
وضم فوقانی و فتح راء مهمله مشدده و سکون عین مهمله و دال مهمله م سماروغ
ف کلاه ماران ه کگن بهول نبات النار ع م الجرة ف گزنه بنزه ه بفتح اول

ولکو

وسکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون راء مهمله م سبستان بتورا ه بفتح
اول فارسی و سکون ثانی و واو والف و راء مهمله دوای هندیست م جلب
ط ب ی بتوماش ف بضم اول و ثانی و واو و میم والف و شین معجمه ه غله
مونگ بندق بکسر اول و سکون ثانی وضم دال مهمله و سکون قاف م فندق
ف بادام کشمیری گوشه طح مع گویند ۳ راق بهی خ بزرگ مالیده ش ده درم
ص قایند ل بادام شیرین بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف م مانند قنو
از بیخ مغیلان در یمن خیزد ح ی اق قابض مجفف خ سفید فربه و زرد سبک
خوشبو ل سنبل پنزکف گل خطمی پنجه مریم ه ماتهای جوری بنطافلون یونانی
بکسر اول و سکون ثانی و طاء مهمله والف و فتح فاء وضم لام و واو و نون ف
پنجکشت طب ای ۲ ق قابض خ بیخ غلیظ ش یکمثقال ص کرفس ل جلبا
بُن بضم اول و سکون ثانی ابکامه و تخم قهوه را نیز گویند بنجشکزوان بکسر
اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون شین معجمه و کاف و فتح راء معجمه و واو والف
و نون ع لسان العصافیر نبلوجن بفتح اول و خفای ثانی و سین مهمله و ضم
لام و واو و فتح جیم فارسی و سکون نون م طباشیر طب بن کهیون ه بفتح اول
و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تحتانی وضم هاء و واو و نون م اخیر و سه جزو
نبکوف بفتح اول و سکون ثانی وضم کاف فارسی و واو ه اسپغول
بندالو ه بکسر اول فارسی و خفاء نون و دال هندی والف وضم لام
یا راء مهمله و واو م بیخ هندیست که از آن جوشانیده غذا سازند بنقع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح قاف و هام غله ایست عدس مانند اغلب غله اربهر طمع
ی بنتومه ه اکاس بیل بیخ پاپ ف خرچنگ ه کیکرا پنبه دانه ه بنولا بندق
هندی ه ریتها طح ی اش بیست مثقال از روغن او بیخ دشتی ه دهتورا تینق

ربیکی

واو بوصا یونانی بضم اول و واو وحاء مهمله و الف ... بیاه پر بوتن
بول ... نا شن ... پایان بول الکلاب ف بکر سگ بوغنج بضم
اول و ثانی و فتح غین معجمه و سکون نون و جیم ف سیاه دانه ه کلونجی بو نشاد
یونانی بضم اول و ثانی و شین معجمه و الف و دال مهمله ف شلغم بوقیضار
یونانی بضم اول و ثانی و کسر قاف و تحتانی و ضاد معجمه و الف و راء مهمله
ف درخت پنبه و سفیدار و ورار بوصیر بضم اول و ثانی و کسر صاد مهمله
و تحتانی و راء مهمله م معیلان بول البقر ع ف شاشه گاو ن از گاو تر بول الحمار ع
ف کمیز خر بول المعز ع ف شاش بز بول الانسان ع شاش آدمی طح ی ۲ ق مجلی
مدمل نمک آب بول الجاموس ع کمیز گاومیش بوریطش یونانی بضم اول و
ثانی و کسر راء مهمله و تحتانی و کسر طاء مهمله و سکون شین معجمه م مرقیشا بورق ع
بضم اول و ثانی و فتح راء مهمله و سکون قاف م بوره ف تنکار ه سهاگا طح ۲
ی ۲ گویند ح ی ۲ ق محلل مقطع مغثی ملطف مفرح لحم خ سفید ارمنی ش درهفته یکدرم
تا دو درم ص صمغ عربی و مضمضه بسرکه و بیزاب ل نمک تلخ یا نمک اندرانی
یا شب بورنگ بضم اول و ثانی و ضم راء مهمله و سکون نون و کاف م بادروج
بول الابل ع ف کمیز شتر ن شتر اعرابی بول ه بضم اول و ثانی و لام م
مرتوم ف بضم اول و ثانی و جیم ه الو بوزیدان بضم اول و ثانی و فتح زاء معجمه
و سکون تحتانی و دال مهمله و الف و نون ه بوزدان و گویند ستا در ط
ح ی ۲ گویند ح ۳ ی ای ق ملطف خ سطبر تازه سفید با خطوط ش یکدرم تا
درم ص عسل ل دو وزن بهمن سفید یا بوزن آن وج و نیم وزن زرنبا
و یا سورنجان بوبودیون یونانی بضم هر دو و موحده و هر دو واو و فتح
دال مهمله و ضم تحتانی و واو ثالث و نون م بسفایج بوغلص یونانی و رومی
بضم

بضم اول و ثانی و فتح غین معجمه و سکون لام و ضم صاد مهمله و سکون نون م
لسان الثور ف گاوزبان بولوطیخون یونانی بضم اول و ثانی و ضم لام و واو
ثانی و فتح طاء مهمله و کسر راء مهمله و تحتانی و ضم خاء معجمه و واو ثالث و نون
ف پرسیاوشان بول الصبیان ع ف کمیز کودکان بوقلوش ع حب بوجریا
ف آفتاب پرست ه کرگت بوبو بهر دو موحده فارسی و هر دو واو
م هدهد بوطانه یونانی بضم اول و ثانی و طاء مهمله و الف و کسر نون و
فتح تحتانی و ها ف سیاه دارو بودنه ف ع فوتنج بوره ارمنی م بورق
بول الخنزیر البری ع ف شاش خوک جنگلی بوشس دربندی بضم اول فارسی و واو
و کسر شین معجمه و فتح دال مهمله و سکون راء مهمله و فتح موحده و سکون نون
و کسر دال مهمله ثانی و تحتانی ف شنافیست که از ارمن و دربند می آرند و آن
نباتیست که همچنان میگویند و شیاف میسازند ط ب ی ل مامیثا یا عنب
الثعلب یا بزر الهند با حضض یا عصاره مامیثا بوی هر بضم اول فارسی
و ثانی و تحتانی ف سبزی هندیست که ریشها مثل انگور برباره می دواند
و ثمرش بعینه ثمر عنب الثعلبست و از تره های نانخواه اینست بولسری
ه بضم اول و ثانی و لام و فتح سین مهمله و کسر راء مهمله و تحتانی م درخت
مشهور هندیست که گل خوشبو دارد و هر چند گلش پژمرده گردد بسیار
بو دهد و ثمرش بعینه ثمر کنارست و دوای عظیم درد دندانست پوب منجهانی
ه ف تخم خار داز کونه ه جرجری که بیخ تسیق الما بهانتا بفتح اول
و خفاء ها و الف و خفاء نون فوقانیه هندی و الف ثانی ف بادنجان بهلادام
بکسر اول و سکون ثانی و لام الف و دال و الف ف بلادر بهتکرا ه بفتح اول
و سکون ثانی و نون و فتح کاف فارسی و راء مهمله و الف دوای عظیم النفع

هندیست م جمیز بهیرا ه بفتح اول وثانی وسکون تحتانی وراء مهمله والقشو
ف بلیله بهلیله ه بفتح اول فارسی وخفاء ثانی وسکون لام وسین مهمله والف
میوه مشهور هندیست بهاریبت کل سیب ق مقوی دماغ بهرامج ع
بفتح اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وفتح میم وسکون جیم م بید مشک ط
مع بهنج بفتح اول وثانی وسکون جیم م بوریدن بهار امرود ف کل
امرود ف مقوی دماغ بهرهد ه بفتح اول فارسی وخفاء ثانی وسکون
راء مهمله وفتح هاء ثانی وسکون دال مهمله درخت هندیست م فرهد بهار ف
بابونه وکویند کل کرنه طح ی اق محلل نه ازوتازه نس کمنقال حل زعرور ل
جعده بهق الحجر ع بفتح اول وثانی وضم قاف وسکون لام وفتح حاء مهمله
وجیم وسکون راء مهمله ع خزار الصخر ف کل سنک وان مانند رنک چیزی
برسنک می نشیند بهوج تبر ه بفتح اول وضم وخفاء ثانی وواو وجیم وفتح
موحده فارسی وفوقانی مشدده وسکون راء مهمله م درخت هندیست که
درکشمیر از قشر او اوراق سازند وبسان کاغذ بر دکتابت نمایند بهانک
ه بفتح اول وخفاء ثانی والف وخفاء نون وکاف فارسی م قنب بهودل
ه بفتح اول وضم وخفاء ثانی وواو وفتح دال هندی وسکون لام م طلق
بهانتل ه بفتح اول وخفاء ثانی والف ونون وفتح فوقانی هندی وسکون
لام م کشنیز ف کل کنده پهکر بول ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح کاف
وسکون راء مهمله وضم میم وواو ولام دوای هندیست بهرام د بهرامان ف
خسکدانه بهمن م بفتح اول ثانی وفتح میم وسکون نون مشهور است
بهمن نام وکویند اسکنده ولایتی سرخ ه بهمن سفید ه اسکن طح ی ۲ کوبند
۲ رق مسمن ومقوی ومفرح دل خ سرخ ش یکدرم ص لودری ولسان

العصافیر

العصافیر ل ایغون بهاربیف کل آبی ق مقوی دماغ بهتانه ف بضم اول وسکون
ثانی وفوقانی والف وفتح نون وها ف بوذنه وسیون ه بادر بتکری ه بفتح اول
فارسی وخفای ثانی وسکون فوقانی هندی وفتح کاف وکسر رای مهمله وتحتانی م
شب یمانی ف زاک سفید بهاربالکی ه بفتح اول وخفای ثانی والف وفتح راء مهمله
وسکون نون وکسر کاف فارسی وتحتانی دوای هندیست تبشتو الیالتحانی
بنش تیشا بکسر اول وتحتانی وشین معجمه وکسر فوقانی وتحتانی ثانی وشین
معجمه والف م ماه فرفین بیا نسا ه بکسر اول فارسی وثانی والف وموحده
والف ثانی وخفای نون وسین مهمله والف ثالث م قسمی از انسا بیکوب
طعامیست ترش که از جوز مغز وشیر وجغرات سازند بید خشت ف خشک
بینت ه بکسر اول وثانی وخفای نون وفوقانی نیجر لست خار دار که در
هند از جوش دسته جاکب سازند وجل وبنیت از دست ف خبزران
بیض مسلوق ع ف تخم مرغ جوشانده یا بریان کرده بیخ فیخ ف بضم میم و
سکون وخا معجمه م مهرشبی پسرد بکسر اول وثانی وراء مهمله وفتح زاء معجمه و
سکون دال مهمله م بریجا بیض العصافیر ع بکسر اول وثانی وضاد معجمه وسکون
لام وفتح عین مهمله وصاد وضم مهمله ف خایه کنجشک م جریاکی آنذی ق مسهی
خ تازه بید انجیر ف درخت رند بیار ه بکسر اول فارسی وتحتانی والف
وراء مهمله م میوه هندیست که ترشیش بترنجی خرما هندی ماند واز تخم او
چرونجی یعنی نقل خواجه بهم میرسد پیر ه بفتح اول وسکون وراء مهمله ف
کنار طب ی پیلامور ه بکسر اول فارسی وثانی وفتح موحده فارسی ثانی
ولام الف وضم میم وواو وراء مهمله م قلقلونه پیزر ف بکسر اول فارسی
وثانی والف وضم زاء معجمه وسکون راء مهمله ع طحلب سوال که در ابهار وید

بیض الاوز ع [illegible] ف خایه مرغابی ن [illegible] بیخ سوسن [illegible]
[illegible] و واو [illegible] مهمله یابی ف مهک ه مهرتی بیش ف [illegible]
[illegible] ف هر ه بیخ [illegible] ط بیخ [illegible] ق [illegible] ل
بیخ بکر و ورا و ند بیش موش ف حیوانیست موش مانند معروف است بقصانه
البیش و درین درخت بیش جای دارد بیلکوش ف ع اذان الفیل و لوف
بیاض البیض ع ف سفیده تخم مرغ مسکن اوجاع بیض ع بکسر اول
و ثانی و ضاد معجمه ف تخم جانور ه انڈا ط مع ح ب ق مقوی منعز ن تازه
ل لعاب اسغول بیض البط ع ف خایه قاز خ تازه بیض مسلوق ع تخم مرغ ف
بریان کرده یا جوشانیده بیخ مهک ف ه مهرتی بیض الحجل ع ف خایه کبک خ
تازه پیپل ه بکسر اول فارسی و ثانی و فتح موحده فارسی ثانی و سکون لام
م فلفل دراز و نیز نام درخت مشهور هندیست پیل پیل ه بکسر اول
و ثانی و لام م بل بیتل ه بکسر اول فارسی و ثانی و فتح فوقانی و سکون لام
ف برگ بیض الحمام ع بیضه کبوتر ق مبهی بیض النعام ع بضم نون و عین مهمله
والف و میم ف خایه شترمرغ ن تازه پیلو ه بکسر اول فارسی و ثانی و ضم لام و واو
ح آراک بینوف بکسر اول فارسی و ثانی و ضم نون و واو ف دوغ ترش تخم
م قروت بیقه بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و ها م نیقه کفته شد
بیخ شانه دشتی ف کهنگی کے جر بیخ جوجی ه جونک کے جر که بار او را کودکان
حون زلو بر جا هامی چسپلند ق محذره بیخ موت جنگلے ترقیم التاء الفوقانی
تشتی الالف تابنا ه بفوقانی و الف و خا و نون و موحده و الف ثانی ف
مس تال کهارا ه بفوقانی و الف و خفا و نون و ها و الف ثانی و را مهمله و الف
ثالث دوای مشهور هندیست تاکوب بربری بفوقانی و الف و ضم کاف

[illegible] موحده م [illegible] تاسمب بربری بفوقانی و الف و کسر سین مهمله و
[illegible] و فتح صاد مهمله و سکون فوقانی ثانی ف [illegible] تاعدت [illegible]
بفوقانی و الف و فتح عین معجمه و سکون نون و فتح دال [illegible] و سکون [illegible]
و فوقانی ثانیه م [illegible] تالیسفر یونانی بفوقانی و الف و کسر لام و سکون
سین مهمله و کسر فا و تحتانی و کسر سین مهمله ثانی و سکون را مهمله ف تخم سپندان
ه اسپند تامرم ف کل حماض ه جوکی کابهول تالیسپتر ه بفوقانی و الف
و کسر لام و تحتانی و سین مهمله و فتح موحده فوقانی مشدده و سکون را مهمله
دوائی هندیست تانبول م بفوقانی و الف و نون و ضم موحده و واو و لام
ف برگ تنبول ه پان و ناک بیل ط ب ای ۲ کو بیدح ای ۱۲ ص فوفل و
کاته و اهک مجموع ل قرنفل تشتی الباء الموحده تباشیر ه نیلوجن تبر ع
بکسر اول و سکون موحده و را مهمله ف زر و طلا ه سونا تبکال م بکسر اول و ثانی
و کاف و الف و لون ف خار ه کانتا تین مکه ع بکسر اول و سکون ثانی و نون
م اذخر تشتی التاء الفوقانی تتریکه ه بفتح اول و سکون فوقانی
و کسر را مهمله و تحتانی و کاف م سماق تتم بضم هر دو فوقانی و سکون میم
م سماق تتلی بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و تحتانی ه چوجی تشتی
الخاء المعجمه تخم اسپغول بزر الرطبه تخ بفتح اول و سکون خاء معجمه ف
کپه و کنجاره ه کهل تخم حماض ع جوکی کے بیج تخم توری ع بزر الخرفه تخم شاهترم
ف ع بزر الریحان تخم کل ف زر یعنی زردی میانه کل تخم کتان ع الیی
تخم سپندان اسپند تخم خرفه ه لونیان کے بیج تخم بنک دیوانه ه اجواین
خراسانی تخم پله ه بلاس پاپرا تخم شیرینی م تخمیست از قسم ریحان لیکن
بسیار کوچک از و تخم تیرا ف زردک و کویند ه مال کنکنی تشتی الذال المعجمه

[illegible] بفتح اول ودال [illegible]
[illegible] کوشت [illegible] ترنجبیلا [illegible] بکسر اول
وسکون را [illegible] وفتح موحده فارسی [illegible] ولام والف م [illegible] هندی
که معرب [illegible] از ترکیب بلیله وبلیله وآمله ترکتا
ترکتانه بکسر اول وسکون ثانی وضم کاف وفوقانی هندی والف نیز لفظ
هندیست که عبارت است از ترکیب زنجبیل ودار فلفل وفلفل کرد تراب
صبدا بضم اول وثانی والف وموحده وفتح صاد مهمله وسکون تحتانی
ودال مهمله والف ثانی ف خاکیست از مغاره کوهی ترمرا ه بکسر اول و
سکون ثانی وکسر میم ورا مهمله والف م چرچر ترب فا مولی ترنج ف
بضم اول وسکون نون وجیم ع اترج ه بجورا ترید ع بضم اول وسکون ثانی
وضم موحده وسکون دال مهمله ه نشوت وناکه سیتر طح ی ۲ ق مسهل بلغم
خ چینی سپید مدور مصمت مجوف ودر سودن سپید تر وزود کوفته گردد
وگهی باریک بباشد وسطبری میان خنصر وبنصر بود وبعد از کوفتن وبیختن
ریشه بر نیارد وتنگ سوراخ نباشد وقسم سیاه از استعمال نکنند ص
خراشیدن وچرب کردن بروغن بادام پس کوفتن ش نیم درم تا یکدرم
وگویند از جرم او یکدرم تا دو درم ودر مطبوخ از سه درم تا پنج درم ل بوت
توت یا نیم وزن حب النیل دو دانگ نیم وزن غاریقون و دانگ نیم وزن
صبر دو دانگ نیم وزن حنظل وگویند ترمس ترمس ع بضم اول وسکون را
مهمله وکسر میم وسکون سین مهمله م باقلای مصری وشامی ه چهار طح ای ۲ ق
محلل مفتح محلل مدر خ سپید فربه بزرگ ش ه درم ص نمک وسعتر ل برنج کابلی
دشبح ترکی وگویند فودنج یا دو وزن باقلا یا لوبیا ترفاس بضم اول وسکون

ثانی

ثانی وفا والف وسین مهمله [illegible]
والف وکسر لام وسکون کاف [illegible] سم الفار [illegible]
[illegible] خراسان وبخارا [illegible]
مع ح ی ق بلین [illegible]
باشد واز نشابور آید ش از هفت درم تا سی درم صل تمر هندی شیرخشت
ونیم وزن سکنجبین یا آب خوخ یا نبات یا نیم وزن او خیارشنبر ترنجان
بضم اول وثانی وسکون نون وجیم والف ونون ثانی م بادرنبویه تربابن
یونانی بضم اول وسکون ثانی ودو موحده ودو الف ونون م غافث تربا
روسنایان شیر ه لبس ترایمان بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی و
میم والف ثانی ونون ه انیس تریاق الحیه ف سنگیست که در گنج چشم گاو کوهی
می باشد تراب النار ده خاک جزیره ایست تراب طرق الاربع ن چهار راه تربان
فارسی م باد رهر ترلی ترکی مومیای نه اگر قدری از آن بر خون بسته
بزنند خون را روان سازد واگر در شیر زنند به بندد ترهنی بکسر اول
وسکون ثانی وضم ها وکسر فوقانی وتحتانی ه کاته سپید تراب القی ع بفتح
قاف وسکون تحتانی ع سم الفار تشبیق الین المعجبه تشمیز ع بفتح اول
وسکون شین معجمه وکسر میم وتحتانی وفتح زا معجمه وسکون جیم ف چشنگ ه چاکسو
طح یحا خ سیاه براق فربه تشتیوان یونانی بفتح اول وسکون ثانی
وفوقانی وتحتانی وواو والف ونون م بفاج تشیق الفا تفسیا
یونانی بفتح اول فا وکسر سین مهمله وتحتانی والف م ثاقسیا ف صمغ سداب
کوهی تفاح ع بضم اول وثانی مشدده والف وحاء مهمله ف سیب خ
شیرین طمع ح ب ترش ب ی ق مقوی نفس نه حلوش از شراب وگویند

[illegible] تفاح الارض بفتح همزه و سکون راء مهمله [illegible] بابونه
تفاح الجن ع بکسر جیم و سکون نون م ثمر یبروج تفاح برّی ع زعرور کیل
[illegible] م [illegible] تفاح بابلی م شفتالو تفاح ماهی م تمر هندی [illegible] تقدع
بکسر اول و سکون قاف و فتح دال مهمله [illegible] ف کشنیز تقرع ع بکسر اول و سکون
ثانی و فتح راء مهمله و هام کرویا ف زیره رومی تنبیق الکاف تکره بفتح اول و
کاف فارسی و سکون راء مهمله م اسارون تکس ف بفتح اول و ثانی فارسی
و سکون سین مهمله خسته انگور تکرک ف ژاله ه اولا تنبیق اللام تلغ ع
بکسر اول و سکون لام ف کنجد تلسی ه بضم اول و سکون ثانی و کسر سین
مهمله و تحتانی ه ف بادرنجبویه تلی ه بکسر اول و ثانی مشدده و تحتانی ف
سپرز تنبیق المیم تمساح ع بکسر اول و سکون میم و سین مهمله و الف
و حاء مهمله ف نهنگ ه بکرجته تمر ه بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله ف
خرما ه کهجور طح را گویندی ق محلی خ فربه صادق الحلاوه ص بادام و خشخاش
ل کشمش تملول بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و واو و لام ثانی م قثاء
بری تنتم ع بکسر هردو و فوقانی و سکون هر میم م سماق تمرد ه تنید و تمر
هندی ع خرمای هندی ه انبلی طب ۳ گویند ۲ گویند ب ی ۲ گویند ب ر
ق قامع مره مقوی و مفرح دل خ زردشیره دار بغایت ترش ش از طبیخ او
نیم سکرچه و گویند پانزده درم و گویند نیم رطل ص شراب بنفشه و شراب خشخاش
ل در جلاب اجاص تنبیق النون تنوب رومی بفتح اول و ضم نون
و واو و موحده م صنوبر کوچک که از و قطران و زفت سازند ه درخت
چنده طح ی ۲ ق قابض ش از صمغ او یکمثقال ص بادام شیرین ل سرو
تنکار ف بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و راء مهمله ه سهاگا تن ه

بضم

بضم اول و سکون ثانی [illegible] که صیادان [illegible]
بعینه درخت نبات تنبیق الواو توبال الحدید ع بضم اول و واو و موحده
فارسی و الف و ضم لام و سکون ثانی و فتح حاء مهمله و کسر دال مهمله و تحتانی
و دال مهمله ثانی ف چرک آهن ه کیت توتیای زرد ف [illegible] ق یابس
قروح توتیای سبز ف ه نیلا تهوتها طب ای ۲ گویند ب ی ۲ توبال النحاس
ع بضم نون و حاء مهمله و الف و سین مهمله ع خبث النحاس ف چرک مس
توت حامض ع ف توت ترش و سیاه ط ب ی ۲ گویند ی ا ق ملین
خ سیاه بزرگ ش از رب او یکوقیه ص جلنجبین ل اجاص تورک ف خرقه
ه لونیان توتیای مغالک ف سنگ بصری ه کهاپریا توتیای ملون [illegible] بضم اول و ثانی
و موحده و الف و ضم میم و لام و واو و نون م نوعی از ینبوعات یعنی درخت
شیردار تولیکن م غلیواز ه چبلیه تول ه کل سنبهالو توت حلو ع توت
شیرین و سفید طح ار ۲ گویند ب ا ق ملین خ بزرگ شیرین ش از رب او
یکوقیه ص جلنجبین ل اجاص توت وحشی م علیق و توت سه کل تودری م بضم اول
و ثانی و فتح دال مهمله و کسر راء مهمله و تحتانی طح ا ی گویند را ق مفتح محلل
خ زرد ش نیم مثقال ل سمین توریلی ه بضم اول و ثانی و فتح راء مهمله و کسر
همزه و تحتانی م تمر هندیست که ریشه میدواند و برگهاش به برگ
بید انجیر ماند و گلش زرد و بر تمرش که طولانیست به راز خطها بود نابخور
هندیست و قسمی از و بالیده و فربه و چرب ترست و خطها ندارد انرا کهیا
گویند بکسر کاف فارسی و خفاء ها و تحتانی و الف طب تونبری ه بضم اول و ثانی
و خفاء نون و فتح موحده و کسر راء و تحتانی ف کدوی تلخ شیرینیست و تلخ انکه
تخمش نیز تلخ باشد تنبیق الیاء التحتانی تین رطب و یابس ع بکسر اول و تحتانی و نون

ف انجیر تر و خشک طح ا ر ۲ ق محلل که منضج و مبهی غ وزیری پوست بار کرد
بعد از انچه میل سفیدی داشته باشد بعد از ان سیاه یا پیس رملی بش
ده دانه تا بهت دانه و از شراب او دو وقیه ص از بایس ل دام یا کرنج یا
یا سکنجبین ل و را اصلاح حب الصنوبر با زبیب ثمر تیغال بکسر اول و ثانی و
غین معجمه والف ولام ع سکر العشر ف تکرک کوهی تبندو ه بکسر اول
و ثانی و خفا نون وضم دال مهمله و واو م ثمر درخت هندیست که چوب
او آبنوس است بندی ه بکسر اول هندی ثانی و کسر دال هندی و تحتانی ثانی
ف بلخ ع جراد تیز ثمال کنکنی ه ترقیم الثاء المثلثه تسیق الالف تاقیا یونانی بمثلثه و
الف و کسر فا و سکون سین مهمله و تحتانی والف ثانی م صمغ سداب کوهی طح
محرق ق مفرح تس یکدانک ص لعاب ل حرف و چهار دانک وزن آن کثیرا و گویند
ق فوفون ثامرع بمثلثه والف و کسر میم و سکون را مهمله م لوبیا ه دودی کی
پهلی ثاقبلجرع بمثلثه والف و کسر قاف وضم موحده و سکون لام و فتح جا
مهمله و جیم و سکون را مهمله م بفلیج ثالیقیس یونانی بمثلثه والف
و کسر لام و سکون سین مهمله و کسر قاف و تحتانی و سین مهمله ثانی م حرف بابلی
تسیق الخاء المعجمه ثیخر ع بفتح اول و کسر خاء معجمه و تحتانی و راء مهمله
ف کنجار تسیق الدال المهمله ثدی ع بفتح اول و سکون دال مهمله و فتح تحتانی
ف پستان ه چوچی و چیا غ ماخوذ از حیوان معتدل تسیق العین المهمله
ثعلب ع بفتح اول و سکون عین مهمله و فتح لام و سکون موحده ف روباه
ه لوکهری و لومبری ثغام بفتح اول و ثانی والف و میم ق درمنه سپید
تسیق الغین المعجمه ثغاریر ع بفتح اول و غین معجمه والف و کسر را مهمله و تحتانی
و را مهمله ثانی ف سنجوبه ه کجری تسیق الفا ثفال ع بضم اول
وفا

وفا... و نون ف تخم تره تیزک ه هالون تسیق اللام ثلج ع بفتح
اول و سکون لام و جیم ف برف ه پالا طب ی ثمثال بضم اول و سکون
ثانی و مثلثه والف و لون ع عنب الثعلب ثلج چینی هم ستک مشفید که
در شهرها بکار می برند طب ی ق محلل ش دو دانگ ص خلاب ل سرطان بحری
تسیق المیم ثمرة الطرفا ع بفتح اول و میم و را مهمله وضم فوقانی
و فتح طاء مهمله مشدده و سکون راء مهمله و فا والف م جزمازج و عذبه ف
وکزمازه ه ماین طح ی اکو بند ب انش تا دو درم ص دوقو یا تخم کدو ل
جوز السرو یا نیم وزن پوست انار یا آمله ثمر العرعر ع بفتح هر دو عین
مهمله و فتح لام و سکون هر دو را مهمله م جوز ابهل ه هوبیر ثمرة الکبر
کوزک کوزل طح ۲ کو بند ۴ ی ۲ ق قابض نه تازه ثمرة العلیق ع بضم عین مهمله
و فتح لام و سکون تحتانی و قاف ف توت سه کل طب ا ی ۱۲ ثمر الدوام بضم
دال مهمله و واو و میم م فقل تکی ه کوکل ثمرة الشوک المصری ع کلنار تسیق
الواو ثوشن سریانی بضم اول و واو و کسر میم و کسر شین معجمه ف بودنه
کوهی ثوم ع بضم اول و ثانی و میم ف سیر ه لهسن طح ی ۳ ق مفرح
ملطف غ بزرگ دانه ش سه دانه ص ترشی و روغن و گوشت فربه ل ثوم بری
ثوم الحیه ع م اسقوردیون ف سیر دشتی تسیق الیاء التحتانی ثیل ع
بکسر اول و تحتانی و لام م نوعی از حرشف ف بیدکیا طب ی انش یکمثقال
ص بنفشه ل بیخ علیق ترقیم الجیم تسیق الالف جاب ه بجیم فارسی والف و بای ابجد
نیز و موحده دوای هندیست که بیج بیل ثمر اوست جاوزهج ع ف کاورزهر
وان حجر البقر است ه کای روهن جاوشیر بجیم والف و فتح واو و کسر شین
معجمه و تحتانی و را مهمله ف کاوشیر صمغ درختیست طح ی ۳ ق مفتح

ملطف مدر محلل مفتح ج زعفرانی تازه و تر که زود در آب حل شود و اول
که از شاخ بر آید سفید باشد و بعد از خشکی زرد گردد و هنگام گذارش بهتر باشد
ش بیندرم ص مرماخور ل سکبج دو وزن و بار زد و بکنیم بالبن التین یا دو
وزن صمغ زیتون جار نهر ع بجیم و الف و ضم را مهمله و فتح نون مشدده و سکون
ها و را مهمله ع جار النهر و سلق الماء و آن نباتیست که در آب روید و بنیلوفر
ماند و اندکی از آب بر آید باشد ط ب ق قابض ل لطباط جاویز بجیم و الف و کسر
واو تحتانی و زاء معجمه ه کای روهنی جادرس ع بجیم و الف و فتح واو و سکون
را مهمله و سین مهمله ف کاورس ه باجرا ط ب ی ۲ ق قابض مجفف ص روغن
بادام یا شیر یا روغن کنجد یا روغن گاو ل ارز ماوش جالسوس ع بجیم و الف
و ضم سین مهمله و واو و سین مهمله ثانی ف خشخاش بری جامکبس جاکمس بجیم و الف
و فتح میم و سکون کاف و فتح میم ثانی و سکون سین مهمله ه بهلی جانس ف تخم کتان
چای پهل ه بجیم و الف و تحتانی و فتح موحدهٔ فارسی و خفا ها و سکون لام
م جوزبوا جامن ه بجیم و الف و ضم میم و سکون نون م ثمر درخت هندیست
سطبر تخم مانند انگور سیاه گرد باشد و دراز و بالیده ه پهلیندا ط ی ق قابض
چارکون ف بجیم فارسی و الف و را مهمله و ضم کاف فارسی و واو و نون
م برباز ه جای بتری جاکسو ه بجیم فارسی و الف و کاف و ضم سین مهمله
و واو م تشمیزج ف چشنگ جامسه ع بجیم و الف و کسر میم و فتح سین مهمله
و ها باقلای قبطی در مصر بسیار باشد جادی ع بجیم و الف و کسر دال مهمله و
تحتانی ف زعفران جای بتری ع بجیم و الف و تحتانی و فتح موحده فارسی و فوقانی
مشدده و کسر را مهمله و تحتانی ثانی م بسباسه جالی ه بجیم و الف و کسر لام
و تحتانی و بی تحتانی سبزه ه درخت پیلو ق بلیت چای ه بجیم و الف و تحتانی

گل چنبا

ع گل چنبلی تنبیق الباء الموحده چیلنج بکسر اول و سکون موحده و فتح لام و
و سکون نون و جیم م جبلاهک و چیلهنگ ف چیراهک آن ثمر تخم زرد خار
و بیخ وی ترید زرد است و گویند ترید سیاه است ش نیم درم تا یکدرم
ل حریق جبن رطب و عتیق ع بضم اول و ثانی و سکون نون ف پنیر خود کمنه رطب
یعنی تر ط ب ا ی ۲ عتیق یعنی کهنه ح ی ۳ ق تر او مقوی و مغزی ص عسل
ناقد ما نصع جبین بکسر اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و تحتانی و نون
ع جص ف کچ تنبیق التاء الفوقانی چنجرا ه بکسر اول فارسی و سکون
فوقانی هندی و فتح جیم فارسی ثانی و را مهمله و الف ف خار داز گونه تنبیق
الثاء المثلثه حثیث ع بفتح اول و کسر مثلثه و تحتانی و مثلثه ثانی ف درخت جوز
و خرما تنبیق الجیم چجندا ه بفتح فارسی و کسر جیم ثانی فارسی و تحتانی
و خفای نون و دال هندی و الف ف سایه پرورو ثمر تر هندیست بدرازی
خیار و از روبهیات نور لتی و نان خورشی هست تنبیق الدال المهمله جدع
حمار ف خر جدوار ع بفتح اول و سکون دال مهمله و ها و الف و را مهمله م زدوار
و ماه فریقین و ماه پروین ه تربسی ط ح ی ۳ ق تریاق و مقوی و مفرح دل
ع خطائی که بعد از سودن بنفسج نماید ش نیمدرم تا نیم مثقال ص کثر خشک
ل تریاق سه وزن زرنبا و جدی ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی ف
بزغاله یعنی حلوان تنبیق الراء المهمله جرجر الملح ع بکسر هر دو جیم و تحتانی و
سکون را مهمله اول و ضم را مهمله ثانی و سکون لام و میم و الف و همزه ع
قرة العین ف کرفس آبی جراسبا بفتح اول و ثانی و الف و کسر سین مهمله و
تحتانی و الف ثانی ف آلو بالو جراتبا ه بکسر اول فارسی و ثانی و الف
و کسر تحتانی و فوقانی و الف ثانی م قصب الزریره جرلوت ف بادنجان

کوهی جربث ع بکسر اول وثانی مشدده وتحتانی ومثلثه ف مارماهی جراد ع
بفتح اول وثانی والف ودال مهمله ف ملخ ه تیدی تنتدی طح ی ۲ کویند ق
مدر عرق خ فربه ص حسن وخیار جرجر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر جیم
ثانی وتحتانی ورا مهمله ه تیرمرا وکویند کف عایشه طح ی ۱ ق ملطف ا منبه
خ بستانی کم حدت ش حودرم ص کاسنی وکافور وخرقه وسرکه ل خردل جرجر
ع بکسر هردو جیم وسکون هردو را مهمله ع باقلا جراد البحر ع اربیان ودربیان
ف ملخ دریائی ه جهنکا جرزف بفتح اول جرزف بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وزا معجمه خیاری جمدانق ع بکسر اول وسکون ثانی ومیم ودال مهمله والف
وفتح نون وسکون قاف ف کرمدانه جردان ع بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله
والف ونون ف موش ه چوها جرجر المصر ع ترمس جروبجی ه بکسر اول فارسی
وفتح ثانی وسکون واو وخفا نون وکسر جیم وتحتانی ف نعل خواجه تشیق الزا
المعجمه جرمازج ع بکسر اول وسکون زا معجمه ومیم والف وفتح زا معجمه ثانی و
وسکون جیم ع ثمره الطرفا ف کرمازو جرزع بفتح اول وثانی وسکون را مهمله
ف کزر وزردک ه کاجر طح ی ۲ را ق منفتح مبهی خ زرد شیرین ش دودرم
ل شلغم جزر البری و جزراقلیطرع شقاقل ف زردک دشتی تشیق السین
المهمله جبت ع بفتح اول وسکون سین مهمله وفوقانی ف دوح لوتیا جادار بفتح
اول وثانی والف ودال مهمله ف زعفران جبرودار و بفتح اول وسکون ثانی
وفتح را مهمله وسکون واو ودال مهمله والف وضم را مهمله ثانی وواو ثانی
م خولنجان ف جبرودار جبرودارد ه کلنجن جیمی بفتح اول فارسی و
سکون ثانی وکسر میم وتحتانی ف خشک ه کوکهرو تشیق الشین المعجمه جیمک ف بفتح
اول فارسی وسکون شین معجمه وفتح میم وسکون کاف م ه جاکسو تشیق الصاد

المهمله جبص ع بفتح اول وسکون صاد مهمله ف کچ طب ی ق قابض مجفف خ
سفید براق عمو شوربای جرب ل طین قیمولیا تشیق العین المهمله جعده جوده
بضم اول وسکون عین مهمله وفتح دال مهمله وها و نوعیست کبیر وصغیر کبیر ویرا
ف عبر بید کویند وصغیر ویرا بشیرازی کل اربه خوانند وکویند نوعی از درمنه
است طح ۳ ی ۲ ق مفتح ملطف مدر محلل قاطع دیدان خ تسامی صغیر تازه سفید
ش یکدرم ص حماما یا کزبره ل دراخراج دود اورا رجعض پوست چوب انار
ترا یا نوذیح جلیلا یا شیح تشیق الغین المعجمه جغندر ف بضم اول فارسی وفتح عین
معجمه وسکون نون وفتح دال مهمله وسکون را مهمله ع سلق تشیق الفا
جفت البلوط پوست بیرون بلوط طب ی ۲ جفزی ع بفتح اول وضم بیز
وسکون فا وکسر را مهمله وتحتانی ف کفزی یعنی پوست بهار خرما رماده خ خوشبو
ل مورد ونیم وزن پوست انار ونیم وزن کل سرخ بادنبال خود ویا جلنار
تشیق الکاف چکادک ف شرخاب تشیق اللام جلمانا سرمائی بفتح
اول وسکون ثانی ومیم والف ومثلثه والف ثانی ف خیار بالنک یعنی باردنک
جلبوب بفتح اول وسکون لام وضم موحده وواو وموحده ثانی م لبلاب
جلید ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی ودال مهمله ف برف ه بالا طب ی جلد
ع بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله ف پوست ه چمرا طمع ق معری حابس
ومدمل خ پوست شیرخواره ص سرکه وکرم دارد ل کاریخ جلنار ف کلنار
وآن کل انار برلست که بغیر از آن ثمری ندارد طب ی ۲ کویند ۳ کویند ۲ ق
قابض خ فارسی یا مصری ش از یک نیمدرم تا دودرم ص کثیرا یا روغن بادام
ل حب بلوط شکوفه انار یا طراثیث جلوز بضم اول وثانی وواو وزا
معجمه ف چلغوزه وکویند بادام کوهی طح اکویند ۲ ی جلیش ف حلبه

ع منتهی جلباق ف نخ حماض بری جلبهنک بفتح اول و سکون ثانی و فتح
موحده ها و سکون نون و کاف فارسی م جبلهنک جلوبک درخت خربزه
جل ع بضم اول و سکون ثانی ف کل ع گلال جلجلان ع بضم هردو جیم
و سکون ثانی و لام الف و نون ف کشنیز خشک جلبان بضم اول و سکون
ثانی و تحتانی و الف و نون غله ایست مانند عدس شیرازی ماش و مسو خوانند
جلنسرین بضم اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون سین مهمله و کسر راء
مهمله و تحتانی و نون ثانی ف ورد چینی جلنجبین بضم اول و فتح ثانی و سکون
نون و ضم جیم و کسر موحده و تحتانی و نون ثانی ف گل قند عسلی جلیدارد
بفتح اول و سکون و کسر ثانی و تحتانی و دال مهمله و الف و ضم راء مهمله و واو
نرجس چلغوزه بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و واو م فتح زاء معجمه و ها
ع حب الصنوبر کبار ه جلکوجا جلبجوجه بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی
و واو و جیم ثالث و ها ف پودنه بری جلته بضم اول و فتح ثانی مشدده و ها
نباتیست که در جای نمناک روید سپید دام و کدرو تخم و برگ ندارد م سمارغ
ه کمت رس و بفتح اول سرگین شتر جلباسه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و موحده
فارسی و الف و فتح سین مهمله و ها ه سیلکی جلجلان مصری ف بش جلجلان الحبشه
ف خشخاش سیاه و گویند بودنه بریست تینوم المیم حمت جنت بفتح اول
و میم و سکون سین مهمله و فوقانی ف سنگی نفیجیست و گویند یاقوت سکندیست
جمد ع بفتح اول و ثانی و سکون دال مهمله ف یخ ع بللا جمار ع بضم اول
و ثانی مشدده و الف و راء مهمله ف مغز سر درخت خرما که شیر خرما گویند ط
بی اگویند ب ا غ ترو شیرین م خرما یا عسل ل حامض جار النهر ع بفتح
نون و سکون ها و راء مهمله م جار النهر جمیر ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی

وراء معجمه ف ابجر ادم ع کوکر جمل ع بفتح اول و سکون لام ف شتر ع اد
جمجم بربری بکسر هردو جیم و سکون هردو میم ف بیخی است که بشقاقل
ماند در رنگ و گویند که از زمین زر خیزد و آن را بوزن زرین ازین زمین برنشیند
و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند از ترکستان خیزد و معروف بود خطائی
جمسفرم ع بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و کسر فا و فتح راء مهمله و سکون میم
ف ریحان سلیمانی ل مرزنجوش با نیم وزن شیح و نیم وزن عنب الثعلب جمان
بضم اول و ثانی و الف و نون م جلیدارو جمعیره ع بفتح اول و سکون ثانی و
کسر عین مهمله و تحتانی و فتح راء مهمله و ها ع سهکرا جمد چینی م ثلج چینی جمهوری ع
بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و واو و کسر راء مهمله و تحتانی ف شراب مثلث
تنسیق النون حنطیانا یونانی بکسر اول و سکون نون و کسر طاء مهمله
و تحتانی و الف و نون و الف ثانی بیخ سرخ تلخیست سطبر ترونیام باد شاهی
خوانند که او شاه حنطی گفتندی ع بکمان بهید و درخت سنبل رومی ط
خ ۲ ی ۳ ق مفتح مدر غ رومی بسیار سرخ خوشبوش نیم مثقال ص اسقولو
قندریون با ربوند ل بکنیم وزن اسارون و نیم وزن پوست بیخ کبر با زراوند
مدحرج جنبا ع بفتح اول فارسی و سکون نون و موحده فارسی و الف م
شجر هندیست که گلش خوشبوی صنوبریست و تخمیست در میان گل او که
مکرست طب ی جندرکانت ع بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح دال مهمله
و سکون راء مهمله و کاف و الف و خاء نون و فوقانی ع حجر القمر جنبد
بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی و دال مهمله جنبد بضم اول
و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی و دال مهمله م صقر جندبیدستر
بضم اول و سکون ثانی و دال مهمله و فتح موحده و سکون ثانی و دال مهمله

ثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی وسکون راء
مهمله ف کند بیدستر وخایه حیوان بحری وخصیه سگ آبی ه خایه او وبلاد
طح ی گویندی ق ملطف مدر خ هر دو خصیه بهم خسبیده ورقیق
پوست که بعد از سکشن رنگش سیاه بود و در رزرایت وسبکی میانه باشد
وبویش قوی وحرانی داشته باشد ش ربع درم تا یکدرم ل دح ویکنیم وزن فلفل
جنجر بضم هر دو جیم وسکون نون وراء مهمله ف کسنه جناح النسر ع بفتح
اول وثانی وضم حاء مهمله وفتح نون مشدده وسکون سین مهمله وراء مهمله م
باقلا جناح البیش ع بکسر موحده وتحتانی وشین معجمه م کنگر جناح مطلق ع م راسن
گویند بیلگوش جنطان م جطیانا جنبد الرمان ع بضم اول وسکون
ثانی وکسر موحده وضم دال مهمله وراء مهمله مشدده ومیم مشدده والف ونون
ف گل انار بستانی بشیرازی گلک انار گویند ه انار کلی چندن ف ه بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون نون ع صندل سفید جنطوریه
سریانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله وواو وکسر راء مهمله وفتح تحتانی
وهام م فنطوریون جنکلاهی ف علیواز تشیق الواد جوزموا بفتح اول
وسکون وواو وزاء معجمه وفتح موحده مشدده وواو والف ه جای پهل طح
ی ۳ ق ملطف ومقوی کبد ومعده خ سرخ فربه ش دو درم ص عسل صندل یا
یکنیم وزن سنبل الطیب یا سیاسه جوان ع بفتح اول وثانی والف وخفاء
نون وسین مهمله والف ثانی ه وهمیاها جوز الطیب ع بکسر طاء مهمله وتحتانی و
موحده م جوزبوا جوت ه کهوتجی جوز المرج جوز المرج بفتح میم وراء مهمله و
سکون جیم م حسب کاکنج جواکهار ع بفتح اول وثانی والف وفتح کاف وخفاء
کاو الف ثانی وراء مهمله م بطرون جوار ه بضم اول وثانی والف وراء

مهمله

مهمله م غله نبت ذرت جوز ع بفتح اول وسکون ثانی وزاء معجمه ف گردکان
ه اخروت طح ی ۲ گویند ۲ گویند ۲ ی ا ق محلل منبه خ رفیق پوست
ص سکنجبین یا خشخاش یا سرکه کان ل حبة الخضرا یا جوز هندی یا فندق جوز
الرفع جوز القی جوک منق ه بضم اول فارسی وثانی وکاف م حماض جوز الکابل
ع ه هوه پسر جوز ماثل ع بمیم والف وکسر مثلثه وسکون لام ف گوزکیا ه
دهاتوره طب ی ۴ ق مخدر ش یک قیراط ص قطن جوز الکوثل بفتح کاف و
سکون واو وفتح مثلثه وسکون لام م جوز القی جوز جندم بهمین نام مشهور است
ف بشیرازی گل گندم جوز السرو ع گوز کلاغ که ثمر درخت سرو است طح ا ی
ق قابض ایس خون خ تازه ش بنیمدرم تا بنیم مثقال ص عسل ل بنیم وزن
پوست انار بنیم وزن کوزو بنیم ابهل وبنیم وزن گزمازک جوز الرته ه ریتها
جوز هندی ف نارگیل ه ناریل وکهوراکو پرا جوز القی ع میس بهل طح ی ۲
ق مغثی ش یکدرم تا دو درم در فالج ولقوه ص رب السوس وجمعها خربق
سفید چولائی ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی ولام الف وکسر همزه وتحتانی
سبزی مشهور هندیست که نانخواتش سازند تشیق الها جهرسا ه
بفتح اول فارسی وخفاء ها وکسر راء مهمله وتحتانی وراء مهمله ثانی والف م
اشنه جهیر کند ه بکسر اول فارسی وخفاء ها وتحتانی وراء مهمله دوای است
که قسم ثانی او که سفید است ه بداری کند گویند چهر ه بفتح اول فارسی
وخفاء ثانی وسکون راء مهمله ع سنبل الطیب جهاؤ ه بفتح اول و
خفاء ثانی والف وضم همزه وواو ع طرفا ف گز جهامانسی ه بفتح اول
فارسی وخفاء ها وفوقانی هندی والف ومیم والف ثانی وخفاء نون
وکسر سین مهمله م سنبل تشیق البار التحتانی جیتا ه بکسر اول

[illegible] فوقانی و الف م [illegible] جیاف زردچوبه جیوک ع کهونکچی
جیپال هـ بفتح اول و سکون ثانی و موحده فارسی و الف و لام ع حب السلاطین
هـ جمالکوتا جیداردم خرس ل در اخراج دود برگ کابلی یا قسل جیوه
ف سیماب جینده هـ بکسر اول فارسی و ثانی و فتح دال هندی و های هندی م
صنوبر صغار ترقیم الحار المهملة بین اللام حاشا یونانی بحار مهمله و الف و شین
معجمه و الف ثانی ف نوعی از پودنه کوهی و گویند و برگ سپندان دشتی طح
ی ۳ ق ملطف مفتح محلل مقطع ش تازه و تر تا دو درم ص نعناع و گویند
طباشیر ل بکنیم وزن صعتر جبلی یا بکنیم وزن فیتمون و گویند پودنه حالوما
سریانی بحا و الف و ضم لام و واو و میم و الف ثانی شنکار حاج ع بحا و الف
و جیم م خاریست که ترنجبین از آن حاصل میشود حافر المهر ع بحا و الف و کسر فا
و ضم را مهمله و سکون لام و فتح میم و سکون ها و را مهمله و ثانی م سورنجان و
لعبت بربری ل سیسالیوس حافر ع بحا مهمله و الف و کسر فا و سکون را مهمله
ف سم هـ کهر طب ی ق مجفف نه از حیوانی که میخورند صد و غزل فرن حافر
الحمار ع سم خر حافر حمار الوحش ع ف سم گورخر حافظ النحل و حافظ
الاطفال ع ف فرقیون حافر البرذون ع ف سم خچر تنبیق البار الوحده حبا قا سریانی
بفتح اول و موحده و الف و قاف و الف ثانی م خندقوقی حب حنظلا ع بفتح حا
مهمله و سکون نون و فتح کاف و لام الف ف حب السمنه حبة السودا ع بفتح سین
مهمله و سکون واو و دال مهمله و الف ف سیاه دانه حب الرشاد ع بضم
فوقانی و سکون را مهمله و شین معجمه و الف ف تخم ترشینک هـ جوکی کے
بیج حبة الخضرا ع بفتح خا معجمه و سکون ضاد معجمه و را و الف م ثمر درخت
بطم ف ونن طح ی ۲ کویند ۳ کویند ۴ ق مدور و مبهی ص بزرگ تازه ما کثرا

ل مغز پسته

ل مغز پسته و مغز بادام حب القلقل بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و [illegible]
لام و فتح فا و فوقانی و الف مرزنگوش حب الفنا ع بفتح فا و نون و الف ف
روباه تریک حب الماء ع ف پودنه آبی حب المحلب ع بکسر میم و سکون حا
مهمله و فتح لام و سکون موحده ف پیوند مریم هـ کهیلا کهیلا طح ی گویند مع کی بنے
ب ل مغز بادام تلخ حب الزبیب ع بفتح زا معجمه و کسر موحده و تحتانی و موحده
ثانی ف تخم مویزه هـ داکه کی بیج طب ای ۲ ش بیجدرم حب القلت ع بکسر قاف
و سکون لام و فوقانی ف ماش هندی هـ پتوار و گویند کلتهی ل تخم بلبوس
حب الکاکنج ع ف عروس در پرده حب البطیخ ع ف تخم خربزه ل شونیز تا حب
الصنوبر حب التمساح ع بکسر فوقانی و سکون میم و سین مهمله و الف و حا مهمله
ف پودنه آبی حب الشوح ف مرورشک حب الیهود ع حب کاکنج حب الفقد ع بفتح فا
و قاف و سکون دال مهمله ف فنجنکشت حب الرشاد ع بفتح را مهمله و سین معجمه و
الف و دال مهمله ف تخم تره تیزک طح ی ۳ ق مفتح مقطع ملطف مسهل بلغم خ
بابلی تو ش تا دو مثقال ص شکر ل جرجر و در ضماد عرق النسا شطرح حب العرع
ع بفتح هر دو عین مهمله و سکون هر دو را مهمله ف تخم دهل هـ هوهبر حب الغار ع
بغین معجمه و الف و را مهمله مشهور بهمین نام است طح ی ۳ ل حب محلب یا مغز
بادام تلخ حب الصنوبر الکبار ع ف جلغوزه هـ جلکوجا و لوخا طح را گویند ۲
گویند مع ح ب ق مبهی ص با قند خوردن ل حب محلب مقشر یا نیم وزن بادام مغشر
یا مغز تخم خربزه یا مغز جوز هندی یا مغز بادام کوهی یا حب صنوبر صغار
حب الصنوبر صغار ع ف تخم کاج و نازو و جینده که بیج طح ی ۲ حب العصفر
بفتح عین مهمله و سکون صاد مهمله و فتح فا و سکون را مهمله ف خسکدانه حب البقر
ع ف بابونه حب العزیز بفتح عین مهمله و کسر زا معجمه و تحتانی و زا

معجمه یا بی م حب الازلم ف تخم الکنکو حب الموز بفتح واو و سکون زای معجمه مشدده ع
لسان العصافیر حب الآس ع بمد همزه و سین مهمله ف تخم مورد ط ب ی ۲ خ
بستانی نفرعیه رسیده تازه ص صمغ عربی ل آب ورق آن یا صفر حب الانبرباریس
ع بفتح همزه و سکون نون و فتح موحده و سکون راء مهمله و موحده ثانی و الف
و کسر راء مهمله ثانی و تحتانی و سین مهمله ف زرشک حب الرشاد ف تخم رشاد
ط ب ی خ تازه ل حماض بستانی حب الضراط بکسر ضاد معجمه و سکون راء مهمله و الف
و طاء مهمله م مست و دو مازریون حب الخروع بکسر خاء معجمه و سکون راء مهمله
و فتح واو و سکون عین مهمله ف تخم بیدانجیر ه ارندی ط ح ش ده دانه مقشر ل
مغز پسته و نیم وزن تخم بربز و نیم وزن مغز چلغوزه حب القرع ع ف تخم کدو ط
ب ر ۲ خ ماخوذ از کدوی که با آب شیرین پرورش یافته باشد ش سه درم ص
تخم کرفس کثیرا یا مغز تخم هندوانه حبق ع بفتح اول و ثانی و سکون قاف ف
پودنه حب العلیق ف تخم علیق ط حار و روغن او ب ی ۲ حب الملوک ع م ماهودانه
حب النیل ع بکسر نون و تحتانی و لام ه تخم کنگوتهی او کوا ما دود ی ط
ح ی ۲ کویند اکویند ۳ ق مسهل بلغم خ بستانی ش از نیم درم تا یک درم و در مطبوخ
تا هفت درم ص مالیدن بروغن کردکان یا هلیله و کویند ورد ل سقمونیا
در اسهال و دفع سودا نیم وزن پیه حنظل دو دانگ وزن آن حجر ارمنی
حب القلقل ف بکسر هر دو قاف و سکون هر دو لام تخم انار دشتی ط ح را
کویندی ق حطب ش دو درم ص عسل یا قند ل مغاث و حب الصنوبر و
تودری سفید و چهار دانگ وزن آن مغز تخم خیار و نیم وزن آن بهل و کویند
نارجیل حب الاثل ع بفتح همزه و سکون مثلثه و لام کزمازک حب
السفرجل ع ف به دانه ه بهی کی بیج ط ب ر ۲ خ ماخوذ از به ترش ش

درم

دو درم ص قند ل بزرقطونا حبق الفیل ع مرزنکوش حب المنشم ف نقل خواجه حب
الزلم ع بضم زاء معجمه و فتح لام و سکون میم م تخم کنکر ط ح ۳ را کویند ی ۲ ق
مبهی خ تازه ش دو درم ص شکر ل خشخاش و نارجیل و شقاقل حب النوم
ع حب کاکنج حب السلاطین ع بفتح سین مهمله و لام الف و کسر طاء مهمله و تحتانی و
نون ف ونده م جمال کوتا و جیپال حب المساکین ع بفتح میم و سین مهمله و الف و کسر
کاف و تحتانی و نون ف تخم لبلاب حب اللبان ع ف تخم لبان ط ح ی ۲ ق ملطف
و مقوی کبد و محلل اوساخ قروح ش دو درم ص کثیرا ل عود بلسان و بکیم و زن
سلیخه و ده یک آن بسباسه جبن بفتح اول و کسر بز و سکون ثانی و نون ف
خرزهره ه کثیر حب القطن ع بضم قاف و سکون طاء مهمله و نون ف پنبه دانه
ه بنولا ط ح ر ۲ کویند ب خ بزرگ پر مغز ش هفت درم ص خمیر نفخه
ل حب الحرسف نیم وزن حب الکراس ع براء مهمله و الف و فتح سین مهمله و
سکون نون م دانج و پر حب الرمان ع ف انار دانه ط ب ی خ ترش فربه ل
سماق حب البان ع بموحده و الف و نون ه بکائن کی بیج ط ح ی ۲ کویند
۲ را خ بزرگ خوشبوی ش دو درم ل قشور سلیخه با قوه و ده یک آن ه
بسباسه جبل المساکین ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و سکون ثانی و فتح میم و سین
مهمله و الف و کسر کاف و تحتانی و نون م لبلاب حب السمنه ع بکسر سین مهمله و
سکون میم و فتح نون و ها ف نقل خواجه ه جرونجی ط ح را کویند ۲ ق سمن
انجا از بلاد رمانا ش یکمثقال و کویند از خشک و ده درم ص قند و پسته ل
نیم وزن مغز پسته و نیم وزن مغز بادام و نیم وزن کنجد مقشر یا حب المحلب
حب خلوه ع بضم خاء معجمه و لام و واو و ها م انیسون حبه ع بفتح اول
و ثانی مشدده و ها ف سبز خ ه کهونکهی ورتی حب الکمثری ع ف تخم امرود ط

[illegible] ف [illegible] ش [illegible] ص عناب یا بوزرقطونا حباری ع
[illegible] موحده والف وکسر را مهمله وتحتانی وطایر لیست م جرز ط کوشت
او ج رجبق الراعی ع بوار مهمله والف وکسر عین مهمله وتحتانی م بر نجاسب
جب سجستانی ع بکسر سین مهمله وجیم وسکون سین مهمله ثانی و فوقانی
والف وکسر نون وتحتانی ف دانه قاقله ه الاچی کلانی جبق قرنفلی ف بالنکو
خورد وباد رنبویه جبق ترنجانی بضم فوقانی ورا مهمله وسکون نون وجیم والف
وکسر نون ثانی وتحتانی ف بالنکو جبق نبطی بفتح نون وسکون موحده وکسر
طا مهمله وتحتانی ف بودنه بستانی جبق صنوبری وجبق کرمانی م تخم فرم
ف تخم ریحان جبق خراسانی ف تره خراسانی تتنبیق الثمار المثلثه حرثما سریانی
بفتح اول وسکون مثلثه وفتح را مهمله ومیم والف ف بودنه تتنبیق الجم جرالرحا
ع بفتح اول وجیم وضم را مهمله ورا مهمله مشدده ثانی وحا مهمله والف ف
سنک آسیا جرالشب ع بفتح تحتانی وسکون سین معجمه وموحده
ف سنک یشم ه سبز جرالبهت ع بضم همره وفتح موحده مشدده و ها
وسکون فوقانی ه کربخوا جرالحوت ع ف سنکست که در سر ماهی یابند
درجایی که دماغست جرالاسفنج سنکی است که در میان اسفنج یابند جر
الافروح بفتح همره وسکون فا وضم را مهمله وواو وحا ف سنکست که
از بلاد روم خیزد وسنکی بود که بر روی آب بایستد ل جرالفضه
جراليهود ف سنک جهودان که بزیتون ماند وخطوط بسیار بر وی
ط مع کوسدت ای ۲ ق مفتت ن زیتون شکل ش بمدرم ص سکنجبین
سفرجلی ل جهة نقرس مس جراللازورد ف سنک لاجورد جرالبلور
ف سنک بلور جرالبقر ع ف سنکی است که در زهره کاو بهم رسد

وآن

وآن با زهر ستنی ع دجاجی ... ه کاوزهره ... [illegible] جرالقمر
ع ف سنکیست که در ماده بابنک بهم رسد جرالنور ع م [illegible] جر
الاحمر ع ف سنکیست ملون است وار حمایت سموم قتاله است جرالنسر ع
بفتح نون وسکون سین مهمله ورا مهمله م انکمکت ه کربخوا جرالطور جرا
جرالقمر براق القمر ه چندر کانت خ که بشب در افزونی ماه پا بند در بلاد
عرب جرالقیشور بفتح وسکون تحتانی وضم شین معجمه وواو ورا مهمله
ف نوعی از کف دریا جرالتیس ع ف پازهر شیکار کاره وپازهر
حیوانی وآن از بز صحرائی حاصل میشود که خوراکش مخلصه است ه زهر مهرا جر
المقناطیس ع بکسر میم وسکون قاف ونون والف وکسر طا مهمله وتحتانی وسین مهمله
ف سنک آهن ربا ه چمک جینک پتهر جراناغطس یونانی بفتح همزه
ونون والف وغین معجمه والف ثانی وکسر طا مهمله وسکون سین مهمله ف سنکیست
چون بسایند برنک خون نماید جرالسطربط بفتح سین مهمله وسکون طا
مهمله وکسر را مهمله وتحتانی وطا مهمله ثانی ف سنک مرمر جرالخطاطیف ع
بفتح خا معجمه وطا مهمله والف وکسر طا مهمله ثانی وتحتانی وفا ف سنک
پرستوک چون بچه نخستین پرستوک را فرزونی ماه بکشی وشکم بشکافی
دو باره سنک برآید یکی برنک ودیکری برنک مختلف جرالتفاف م
جر قیشور جر مشقی ف سنکیست زرد از بلاد مغرب میرویید میشود تو بر تو
بود خ زعفرانی زرد ریزنده شکافته تو بتو جرالدیک ع ف سنکیست که
در شکم خروس یابند جرالکرک بفتح کاف ورا مهمله وسکون کاف ثانی
ف سنکیست بغایت سفید بر ساحل بحر هند بهم رسد ط ب ی ۱ جحل ع
بفتح اول وسکون ثانی ولام ف کبک ه آتش خورا جرالطهام م سنکیست که

و... [illegible] مید حجر الدم ع ... حجر الرخام م ... سنکی سفید مشهور
... حجر البزقون ... حجر المس ع بکسر میم وفتح سین مهمله وسکون
... ف سنک ... حجر الاسالف ع بضم همزه وسین مهمله والف وکسر کاف وفتح
... ف سنکیست که [illegible] کران افزار بدان تیز کنند حجر الجبر ع بفتح
حا مهمله وتحتانی مشدده ... ف سنک تار و پازهر ه ساتب که من وان معدنی
وحیوانی را که افعی کیرند وازاینجا زهر و باد مهره و مار مهره خوانند وان بدن
مار بود وامتحانش انست که چون در آب لیمون اندازند در حرکت اید حجر منونه
ع ف کلس ونوره ه چونان کلج حجر المثانه ع ف سنکیست که در مثانه آدمی
بهم رسد ه پهتری حجر هندی ف نوعی از شادنه هندی حجر حدیدی ع ف خماهن
وصندل حدیدی حجر اللبنی ع ف سنک شیر چون اورا آب میانند شیر ماند
حجر علی ع ف سنکیست که چون بسایند رطوبت وی بغایت شیرین بود
وبقوت شادنه باشد حجر قبطی ف سنکی است مصری بغایت سست زود
در آب حل شود وکازران مصر کتان بدان شویند حجر ارمنی ف کل ارمنی ط ب ی ا
ق مسهل خ سبز مایل سفیدی باندک کبودی وبس از شکستن چشمها در وی مانند
ریح باشد وبعد از ترکردن بوی طفل یا بوی کل خوش دهد ش نیم درم تا نیم
مثقال ص مسغول ل یکنیم حجر لاژورد حجر روشنائی م رقیشیا حجر بحری م
مرجان ه مونکا وربال حجر جشمی ف حجر اعرابی ف سنکیست سبز
رنک مانند یشم حجر خزفی ع ف سنک و بشیرازی زحم سنک و بفتح خا معجمه
وزا معجمه وکسر فا وتحتانی ف سنک مصریست مانند خزف وزود از هم بشکافد
وصفایح بریکدیکر دارد تنسیق الدال المهمله حداق ع بضم اول ودال
مهمله والف وفوقانی ف موش کیر ه جوه مار و چیلبه حدح بفتح اول
وثانی

وثانی وسکون جیم م حنظل خشک حدید ع ف آهن ه لوها ط ب ی ... خ
فولاد ص مرکبا ل نحاس حدق ... بفتح اول وثانی وسکون ... ف
بادنجان تنسیق الراء المهمله خراشا ... بفتح اول وراء مهمله و
وشین معجمه والف ثانی ف خردل بری ه جنکلی کر رائی جربا ... بکسر اول
وسکون ثانی وموحده والف ف آفتاب پرست و بوقلمون ه کرکت حرف
المار ع حرفیست که در آب روید مانند قره العین ط ح ی ۲ کویند ۳
حرا وحراق نیز بضم اول وفتح ثانی والف م سداب کوهی بشیرازی
کور کور خوانند ط ح ی حرب بکسر اول وسکون ثانی وموحده ع طلع ف
بهار خرما حریر ع بفتح اول وکسر تحتانی وراء مهمله ثانی ف ابریشم حریش ع
بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وشین معجمه ف ماری که بر پوست او نقطهای سیاه
وسپید باشد وکویند کرکدن حرض ع بضم اول وثانی وسکون ضاد معجمه م اشنان
حرشف ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون فا م کنکر ط مع ح
کویند را کویند ب کویند ر ۲ ق مدر مفرح خ تر و تازه ش از ضبع او یکدرم ص
سرکه ل هلیون حرف ع بضم اول وثانی وسکون فا م حب الرشاد ف تخم
تره تیزک حرمل ع بفتح اول وکسر را وسکون ثانی وفتح میم وضم را وسکون
لام ف تخم سپندان ه اسپند سوختنی ط ح ی ۳ کویند ۴ ق ملطف
خ بالیده ش نیم مثقال ص لعوق ربوب فواکه ل تخم سداب یا قرو ماباتخم
ترب وفوتنج حرجل یونانی ملخی است بال ندارد وسبز بود حرز الشیاطین ع
بکسر اول وسکون ثانی وضم زا معجمه وفتح شین معجمه مشدده وتحتانی والف وکسر
طا مهمله ثانی ونون م آطریلال حردون سرمانی بکسر اول وسکون ثانی
ونون ف حیوانیست مانند سوسمار که بیونانی ساله مندرا خوانند واز جمله

سموم قتاله است حرفقان رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و الف و نون
ط سم الفار حرجوان یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و واو و الف و نون
م حرحل تنبیق الزاء المعجمه خزاء الضبع بضم اول و بفتح نیز و زاء معجمه و الف و ضم
ثاء معجمه ثانی و فتح ضاد مهمله مشدده و سکون خاء معجمه و راء مهمله ع زهر الحجر ف گل
سنگ و آن چیزیست مانند سبزی که از نمی آب بر سنگ پیدا شود طب ی ا
تنبیق السین المهمله خسک ع بفتح اول و سین مهمله و سکون کاف ف خار خسک
ه کوکهرو هست جنکهار طب ی اکوینوح اکوینه مع ح ب کوینوح ی ۲
ق منقی مفتح مفتت خ بستانی سبز تازه ش دو درم قابضت درم برای
حقنه ص روغن کنجد و کوینه ورد ل عصر الراعی تنبیق الشین المعجمه خشین
بزر قطونا ع ف برگ نیکو ط ب خ تازه و تر حشیش الغنام م برگ غافث حشیشة
الزجاج ع ف گیاه آبگینه نباتیست که در آبها روید ط ب ی ۲ ق رادع ش از عصاره
او ده درم ص خو تیغ ل لسان الحمل حشیش البرص ف اطریلال حشیش الطحال ع
اسقولوقندریون ف زنگی دارو خشیفل بفتح اول و سکون شین معجمه و کسر فا
و تحتانی و ضم فا ثانی و سکون لام م شقاقل حشیشة الدودیه م اسقولوقندر
یون حشیش خراسانی ف درمنه خراسانی تنبیق الصاد المهمله حصاه الکلیه حجر الاسفنج
حصرم ع بفتح اول و سکون صاد مهمله و فتح راء مهمله و سکون میم م غوره
انگور ه کچی داکه ط ب ی ۲ ق قابض خ صادق الحموضه ش دو وقیه ص
انیسون و عسل یا کلنلسین ل حماض اترج یا ریباس حصر مبیع ع ف نام طعام
تنبیق الضاد المعجمه حضض ع بضم اول و فتح نیز و ضم ضاد معجمه و سکون
ضاد معجمه ثانی ف هلل ه رسوت ط مع خ ب کوینوح و ب ا ق محلل و قبض
اندک و حابس خ جهه درد ماکی و جهه موی هندی ص ترجس ل قیلزهرج

یافوفل

١

یافوفل و صندل مساوی یا مامیثا یا اقاقیا و زعفران تنبیق الفاء خفاء ع
بضم اول و فا و الف و ضم همزه م بروی و لوخ تنبیق اللام طلبلاب ع بفتح اول
و کسر لام و سکون موحده و لام الف و موحده ثانی م لبلاب حلبیت
بفتح اول و ثانی و کسر موحده و تحتانی و موحده ثانی م سورنجان هندی ط ح گلی
گویند ۳ حتیت ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و تحتانی و مثلثه
یا فوقانی ف انگوزه ه هینگ ط ح ع ی گویند ق ملطف و مبهی و سفیدی که
زود حل شود خ منتن ش نیم مثقال ص اشق و جوز بوا و گویند انیسون بالیس
ل محروب محروث که بسیار جوشانیده باشند یا جاوشیر و سکنجبین
حلاق الشعر ع بفتح اول و لام و ضم قاف و فتح شین معجمه مشدده و سکون عین
مهمله و راء مهمله ف آهک و نوره حلوق خ زعفران حلحل و حلاحل بکسر
حاء مهمله و سکون هر دو لام و راء اول و فتح حاء مهمله و لام الف و کسر حاء مهمله
ثانی و سکون لام و راء ثانی هر دو م پیاز بلبوس حلم م قراد ف کهنه ه
کلنی کرمیست که اکثر بگوش سگ و حیوانات می چسبد حلزون بفتح اول و سکون
ثانی و ضم زاء معجمه و واو و نون ف نوعی از صدف م شنج ه سنکهه ط ب
و خاکستر بری او ح ا ق مجفف ص فواکه قابضه ل صدف حلیمو بفتح اول و کسر
ثانی و تحتانی و ضم میم و واو ف بنج حماض بری حلبه ع بضم اول و سکون
ثانی و فتح موحده و ها م شمنه و بلبت ه میتهی ط ح ی اکوینوح ۲ ق
منضج ملین ش دو درم و در حقنه تا بیست درم ص روغن قسط تلخ ل بزر کتان
و اکلیل الملک حلیفه ع بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و فتح فا و ها م
حرا ف گورخر و سداب کوهی تنبیق المیم حماما ع بفتح اول و میم و
واو و الف م بابلوح ط ح ی ۲ گویند ۲ ق منضج و مفتح مفشی و مقوی کبد

ومشموم خ آ رحمی هی خوشبوی ش دو درم ص ورد ل تمام با باهین
تک کوید سم وسنبل حمیرا ع بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی
وراء مهمله والف م بکار حماض الاترج کشوت حماض الاترج ف ترشی ترنج
طب ی ۳ ص شراب ختخاش ل حماض لیمو حماض البقر ف حماض بری حماض
نهرم حماض بستانی حمض الامیر خارخسک حمر ع بضم اول وسکون ثانی وراء
مهمله ف خرمای هندی ه ابلی حمص ع بفتح اول وکسر ثانی مشدده وسکون
صاد مهمله ف نخود ه چنی طح را کوینده ی اکوینده ۳ کوینده مع حب
ق مدر مهبی قابض طبع خ سفید بزرگ ص خشخاش ل باقلا حمض ع بفتح
اول و ثانی وسکون ضاد معجمه م اشنان حمرا الارض ع خراطین حماط ع بضم اول
وکسر نیز و ثانی والف و طای مهمله ف نوعی از حمیرا احمل ع بفتح اول و ثانی و
سکون لام ف بره ه حلوان حمحم ع بضم هر دو حاء مهمله وسکون هر دو میم
ف کاوزبان حاحم ع بفتح اول و ثانی والف و کسر حاء مهمله ثانی وسکون
میم ثانی ف بستان افروز طح ی ۲ حماض بستانی ع بفتح اول و ثانی والف و میم ف
کبوتر ه پریوا طح ر حماض بستانی ع بفتح اول و ثانی مشدده وصف وضاد
معجمه ف ترشینک وجغند صحرائی ه ساک چوکا طب ی ۲ ق قابض ملطف
خ بستانی ترش ص شراب عناب ل تخم حماض و تخم ریباس یا بارتنگ یا تخم مورد
حمار اهلی ف خر ه کدها حمار وحشی ف کورخر خسیق الیون ، خایه هندی ط ب لی
ی ۲ ق قابض خ بغایت سبز که در حال خورد کرده باشند ش جهت قولنج نیم مثقال
وازتخم این جهت دماغ ۲ مثقال ص دب السوس یا کثیرا ل آتش خناد قربنز
حرار الضحر حنظل ع بفتح اول وسکون نون و فتح ظاء معجمه وسکون لام
ف خربوزه تلخ ه اندرین کابهل طح ۳ ی اکوبندح ی ۲ ق مسهل محلل

نه تازه

نه تازه زرد و رسیده هندی ش از یک قیراط تا یک درم و از تخم نیم درم و از
عسل او یک و نیم دانگ ص کثیرا یا مصطکی و صمغ و نشاسته ل حرمل و چهار
دانگ وزن آن قثاء الحمار را جب الخروج و چهار دانگ بدل آن قند و گویند
دو وزن او حب النیل و نیم وزن محموده و نیم وزن بلح نقطی خناء مجنون ف
وسمه یعنی ورق نیل خناء الغول م ابوجلسا و شکار حنطه ع بکسر اول وسکون
ثانی و فتح طاء مهمله و ها ف کندم ه کیهون طح رامع ری ق منضج خ میان سرخ
وسفید نرم بسیار فربه حنظل رومیه خندروس ف کاکل و جو برهنه حندقوقی
بفتح اول وسکون ثانی و فتح دال مهمله و ضم قاف و واو و کسر قاف ثانی و تحتانی
ف اندوه قو قو دو بو ایست و آن سبزه ایست طح ی ۲ کوینده ۳ ق ملطف
مدر خ بستانی ش ۲ درم ص هندبا ل رطبه تسیتی العادق حوع سمک ف ماهی ه
مچهلی حوم بفتح اول وسکون واو و ضم میم وسکون راء مهمله ف تمر هندی
خور سفندار ف بستان افروز حوک بفتح اول وسکون ثانی و کاف م
بادروج حوجم بفتح اول وسکون ثانی و فتح جیم وسکون میم ف کل سرخ ه کلال
کاپهول حومانه بضم اول و ثانی و میم والف و فتح نون و ها م ذو ثلاثة
اوراق و طریفلن ه سهرکو ی حواری ع بفتح اول و ثانی والف و کسر راء مهمله
وتحتانی ف آرد کندم از حریر بیخته ه میدا حوز رومی بفتح اول وسکون
ثانی و زاء معجمه ف جوز رومی که کویند که باصمغ اوست طب ی ق مجفف ش
یکمثقال ل دلب تسیتق الیار التحانه حیضل بکسر اول و تحتانی و فتح ضاد معجمه
وسکون لام م حدق حی العالم ع کویند نوعی از سرخ مرد است و دو اثبت
که در جمیع دوا اول وی کار آمده و ظاهر شده طب ۲ ی اق رادع خ بستانی
ش از آب و پنج درم ص طین ارمنی یا پودنه ل عصاره کاهو یا عنب الثعلب

خیری بفتح اول و تحتانی مشدده ف مار ه ... یونانی طح ی ق ملطف
نافع حیات البطون ع قطران ترقیشم بخاء معجمه الالف خامالاون بخاء معجمه
والف و میم والف ثانی و لام الف و فتح همزه م مازریون خانق الذئب ع بخاء معجمه
والف و کسر نون و ضم قاف و کسر ذال معجمه مشدده و تحتانی موحده م خربق سیاه
ف خانق پلنگی و آن کشنده گرگ است طح ی ۴ خانق الکلب ع ف فلوس ماهی
ه کچلا خارپشت قنفذه ه ساهی خانق النمر ع بفتح نون و کسر میم و سکون
راء مهمله م نوعی از مازریون و آن کشنده پلنگ و یوز و گرگ و سگ و
خوک است و مانند آن طح ی ۴ خامالاون لوقس یونانی بخاء معجمه والف و میم
والف ثانی و لام الف و ضم واو و سکون نون و ضم لام و واو ثانی و کسر
قاف و سکون سین مهمله م مازریون سفید لوقس یونانی سفید خامالاون مالس
یونانی بمیم والف و کسر لام و سکون سین مهمله مالس یونانی سیاه ف مازر
یون سیاه و نیز اسم خرما است خامانیطس یونانی بخاء معجمه والف و میم و الف
ثانی و کسر نون و تحتانی و کسر طاء مهمله و سکون سین مهمله م کمافیطوس ف
ماش دارو خامادریوس یونانی بخاء معجمه والف و میم والف ثانی و فتح دال
مهمله و سکون راء مهمله و ضم تحتانی و واو و سین مهمله م کمادریوس ف زمام
داروی تلخ خانه زنبور ف کلاه ماران خالع ع بخاء معجمه والف و کسر لام و سکون
عین مهمله ف خرماهای تمام پخته خانق الملک ع م ساداوران ف ... داوران
خامالادن یونانی م مازریون ف مست رو و گویند اسم خرما است
خالیدونیون یونانی بخاء معجمه والف و کسر لام و تحتانی و ضم دال مهمله و واو
و کسر نون و ضم تحتانی ثانی و واو ثانی و نون ثانی دو نخست بزرگ آنرا
ف زردچوبه گویند و کوچک آن م مامیران خالادن یونانی بخاء معجمه

والف

والف و لام الف و ضم واو و نون ۵ ع حنظله رومیه و خندروس ف کاکل
و جو برهنه خامیامیان یونانی بخاء معجمه والف و میم والف ثانی و کسر میم ثانی تحتانی
و کسر لام و سکون نون ف بابونه خاولنجان بخاء معجمه والف و فتح واو و کسر لام
و سکون نون و جیم والف ثانی و نون ثانی ف خسرودارو ه کلیجن خایه
غلامان نوعی از انگور است که سیاه بزرگ باشد خاشه بخای معجمه والف
و کسر میم و فتح شین معجمه و ها م شیطرج ن سرخ زعفرانی مائل خرو شیرین
خار واز گونه فغ چرچر خارمارافطی یونانی بخاء معجمه والف ثانی و فتح همزه
و سکون قاف و کسر طاء مهمله و تحتانی ف مل ه پل تنسیتی الباء الموحده خبز
العبراء ع بضم اول و سکون موحده و ضم زاء معجمه و سکون لام و عین معجمه و راء مهمله
والف و موحده ثانی م اقحوان ف بابونه خبز المشائخ ع م اشنان خبث الحدید
ع بفتح اول و ثانی و ضم مثلثه و سکون لام و فتح حاء مهمله و کسر دال مهمله و تحتانی
و دال مهمله ثانی ف ریم آهن ه لوه سنگهان و کیت طح ی ۲ گویند ب ق
مجفف خ پولادی ملس ریزهای کوچک بی خشونت ش یکمثقال ص
روغنها ل اگر بر بود اطریفل کوچک اگر غیر مدبر حرف و در امراض چشم
پوست تخم مرغ خبز ع بضم اول و ثانی و زاء معجمه ف نان ه روتی ط
ح امع ق مقوی خ ماخوذ از گندم آفت رسیده پاک فربه صلب ص
شستن با آب خبث النحاس ع بضم نون و حاء مهمله والف و سین مهمله
م توبال النحاس ف ریم مس طح ی ۲ ق قابض مجفف اکال ن بسیار
ش نیمدرم در اکتحال ص کتیرا و صمغ ل روسنج خبث الرصاص ع بکسر راء مهمله
و صاد مهمله والف و صاد مهمله ثانی ف ریم قلعی طب ی ل سفیده ارزیزه
خبث الفضة ع بکسر فاء و فتح ضاد معجمه مشدده و ها ف تفل نقره ن سبز رنگ

بضم اول و ثانی والف و کسر زاء معجمه و تحتانی ف نوعی از خطمی ط
ب اگویند منضج ب ق ملین خ بری ش جته بمثقاله منقال ل خطمی
تنبیق التاء الفوقانی حترق . بفتح اول و سکون فوقانی و فتح راء مهمله
و سکون قاف م اشنتین ختم الملک بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون
و کسر لام و سکون کاف ف گل مختوم تنبیق الثاء المثلثة ختاء البقر ع بکسر اول
و مثلثه والف و ضم همزه و سکون لام و فتح موحده و قاف و سکون راء مهمله
ف سرگین گاو ه گوبر طح ر ق منضج محلل ش یک قیراط تنبیق الدال المهمله
حدرنق . بفتح اول و دال مهمله و سکون راء مهمله و فتح نون و سکون قاف
ع عنکبوت ه مکری حداع الرجال ع بضم اول و ثانی والف و ضم عین مهمله و کسر
راء مهمله مشدده و جیم والف و لام ع بزر البنج تنبیق الراء المهمله خرما ف
بضم اول و سکون راء مهمله و میم والف ه کهجور طح ر ص باوام و خشخاش و
سکنجبین و کاهو خرزهرج . بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه و سکون
ها و فتح راء مهمله و سکون جیم ف خرزهره خرو الدیک و الدجاج ع ص سرگین خروس
و ماکیان ه بیت کگری کی خربزه تلخ ف اندراین پهل خربق اسود ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف ه کٹکی طح ی ۳ ق مسهل خ متوسط
در فربهی و لاغری و گره دار مجوف و سیاه سعد مانند که درین اور
شبهای باریک باشد ش نیم درم ص باوام و کتیرا ل کندش و پوست بیخ کبر
مساوی با نیم وزن انزروت و چهار دانگ آن غاریقون و نیم وزن
ماهی زهرج یا گیلیج سرا بنست خرو الفار ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم
واو و سکون لام و فا والف و راء مهمله ثانی ف تبکل موش ه چوهی کی
مینگنی خربوز ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و واو و زاء معجمه ف بزرگ

خربوار

خربوار ف بکسر موحده و تحتانی و واو والف و زاء معجمه ف خبرک خربوز
ف ورق با رتنگ و ارتب آنیز گویند خریق ابیض ع گویند بیخی است که
پوستش مستعمل است و به بیخ کز ماند و بطعم از خربق اسود تلخ بود طح ی
۳ گویند ۲ ق معطش خ سفید زود شکننده و چون بخایند لعابی ظاهر شود
و زود زبان را گزد و بعد از ان سخت بگردش و نفی نیم درم ص مصطکی
ل جوز القی یا ماهی زهرج خردل ابیض ع م اسفند سفید خربط . بفتح اول و سکون
ثانی و فتح موحده و سکون طاء مهمله ف بط بزرگ و کلان خروع ع بکسر اول
و سکون ثانی و فتح واو و سکون عین مهمله ف بید انجیر ه ارند طح ی ۲ ق محلل
ملین خ بحری ش ده دانه مقشر ص کتیرا یا صمغ ل تخم ترب خریع ع بفتح
اول و کسر ثانی و تحتانی و عین مهمله م جتی و معصفر خرو الضفادع م طحلب جامه
خوابک حرفع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون عین مهمله ثمر درخت
عشر ه آک کی پهل خرفق . بفتح و سکون و فتح فا و سکون قاف ف تخم سپندان
خزبق ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون قاف ف بچه خرگوش
خرچنگ ف سیخ پایه ه کیکرا خرسک ف کمرجان خرمای ابوجهل کرنج خردلیع ه
را تیج طح ی ۲ ق محرق کاوی ملطف خ بستانی تازه فربه سرخ که بعد از کوفتن
زرد باشد ش و منقاله و گویند نیم درم ص صندل و گلاب و کافور و نمک هندی
ل دو وزن حب الرشاد دو وزن تخم شلغم خراطین ع . بفتح اول و ثانی
والف و کسر طاء مهمله و تحتانی و نون زعار ه کینچوا طح ی ق ملحم ش جهت
برقان ۱ درم ص روغن بادام یا رب ل ذلف خراهین ع بفتح اول
و ثانی والف و کسر ها و تحتانی و نون م ذالو ه جونک خرفطان ف بفتح اول
و سکون ثانی و فتح فا و طاء مهمله والف و نون م بنتومه ل سنبل

خرمیان بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم و تحتانی و الف و نون م جند بیدستر خرد
بکسر اول و ضم ثانی و واو م خیر و خرچکو بفتح اول و سکون ثانی و جیم فارسی و ضم کاف
و واو ه تخم کوانجه خرفه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح فا و ها م تورک خر
نهره فح فطی خرنوب شامی بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و واو و موحده
ف کرکازرونی طب ق قابض خ خشک شیرین فربه شش پنجدرم تا ده درم
ص عسل ل شاه بلوط خرنوب نبطی ط ب ی ۱ ق قابض خ بزرک شش سه درم
ص جربی ل غده مازوی بی سوراخ باطراثیت خرنوب مصری ق ط خرنوب
هندی ف خیارچنبر خردل فارسی ف تخم سپندان خزامی کل خیری بری طح ی
ق محلل ص بنفشه ل مرزنجوش و بابونه خزامی هندی ف تمر هندی تنبیق الزاء
المعجمه خزفر بفتح اول و سکون زاء معجمه و فتح فا و سکون راء معجمه ثانی ه کواجه
خزف بفتح اول و ثانی و سکون فا ه بهنکری طب ی ق مجفف خ خزف تنور ص جو
سوره جو ل قیشور تنبیق السین المهمله خسنه خزاف ه کرکج خنی
الکادم سنکار خس ع بفتح اول و سکون سین مهمله ف کاهو طب ر ۳
کویند ۲ ق منوم خ تازه بستانی سبز پهن ورق شش دو مثقال ص کرفس و نعنع ل
هندبا خسف ع بفتح اول و ثانی و سکون فا ف کردکان حسق بفتح اول و
ثانی و سکون قاف م معصفر خردادردم خولنجان خشکدانه بفتح اول و
ثانی و سکون کاف و دال مهمله و الف و فتح نون و ها م تخم معصفر تنبیق الشین
المعجمه خشکار بضم اول و سکون شین معجمه و کاف و الف و راء مهمله ف
آردی که از وی نخاله نکرفته باشند ه آنا خشب الشونیز ف چوب سیاه
دانه و کویند سیاه رون خشخاش ف کوکنار ه چهوترا ط ابیض یعنی سفید
ب ی ۲ ط اسود یعنی سیاه ب ی ۳ کویند ۴ کویند ر سفید تازه فربه

شش از سفید

شش از سفید ه درم تا پنجدرم و از سیاه تا پنجدرم ص عسل یا قند یا عصاره لسان
الحمل یا رازیانه ل بادام شیرین خشیف ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و فا
ف برف خنثل ع بفتح اول و ثانی و سکون لام م مقل خشکنجبین خشک عسل
که از کوهستانی فارس خیزد طح ی ل بکنیم وزن عسل تنبیق الصاد المهمله
خصیة الثعلب ع م طح را کویند معح ق شیرین فربه که از بوی منی آید شش
یکمثقال تا دو مثقال و کویند پنجدرم ص آمله ل بوزیدان یا تخم تربوز یا تخم جرجر
یا تخم الخیره یا تخم اسپست یا سقنقور یا شقاقل خصی الکلب بنجیب مانند
خصیة الثعلب خصیة البحر جند بیدستر خصی الفرس م جلبوب خصیة العجل ف خایه
کوساله خصیة الابل ف خایه بز کوهی خصیه ع بضم اول و سکون صاد مهمله
و فتح تحتانی و ها ف خایه ه بیلدی طح ر کویند ب ی خ خایه خروس فربه
تنبیق الضاد المعجمه خضض ع بفتح اول و ضاد معجمه و سکون فا ف خربزه نارسیده
و خربزه خورد خضلاف بفتح واو سکون ثانی و لام الف و فا م درخت مقل
تنبیق الطاء المهمله خطر ع بفتح اول و سکون طاء مهمله و راء مهمله ف وسمه
خطاف ع بضم اول و ثانی و الف و فا م پرستوک ه کنبهیاوبت و
یوری طح ی ا ق مفتت حصاة ل سرکین کاو خطبان بفتح اول و ثانی و موحده
و الف و نون م حنظبانا خطمی کل مشهور ط ب ر کویند ح ق ملین منضج خ
محلل خ سبز کوهی سفید کلی بها ص عسل یا کتان ل نیلوفر یا خبازی تنبیق الفاء
خفرج بفتح اول و سکون فا و فتح راء مهمله و سکون جیم م بقلة الحمقا خفنج
بفتح اول و سکون ثانی و جیم م خردل بری خفاش بفتح اول و ثانی مشدده و الف
و شین معجمه ف شب بره ه چمکادر طح ر خ بزرک ص خشخاش تنبیق
اللام خلد ع بفتح اول و لام و سکون دال مهمله ف موش کور دشتی

بزرک ه چلچونه به خلر بضم اول و فتح ثانی مشدده و سکون راء مهمله
حست مانند کرسنه خلاف ع فذ درخت بید طب ی ق مجفف خ کتا رخشبه
رسته باشد ش از اب او بیت مثقال ص کلاب یا مرزنجوش ل کل خا و کل کرم
خل ع ف سرکه طب ۲ ی ۲ ب ۱ ق مقطع ملطف خ خل خمر ص شکر و روغن
بادام حل العنصر ف سرکه پیاز دشتی خلال ع بفتح اول و کسر نیز و لام الف
و لام ف عوره خرما خلال خلیل درخت آطربلال خلال المومنین او خر خلبابی بفتح
اول و ثانی و موحده و الف و تحتانی م قنه ف سرزد تسیق المیم خمسه اجن
سبنهالو خمر ع ف شراب انکوری ه داکه هد طح ی ۲ ف ملطف خ ریحانی
معتدل القوام زرد رنک ل بینند خمیره فطیره طب راق منضج خ معتدل الخ
ص جلنجبین خمر انجار اشنی خمسه اوراق ه سبنهالو خمل بفتح اول و سکون
میم و لام م سورنجان خماهن بفتح اول و ثانی و الف و فتح ها و سکون نون ف
سنکست حدیدی سیاه خمانم خامانه قطی تسیق النون خندروس ع
بفتح اول و سکون نون و فتح دال مهمله و ضم راء مهمله و واو و سین مهمله ع حنطه
رومی ف کاکل و کندم صحرائی و جو برهنه طح ی کوینده ر خندریل بفتح اول
و سکون ثانی و فتح دال مهمله و کسر راء مهمله و تحتانی و لام ف کاسنی بری
خندیقون بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله و تحتانی و ضم قاف و واو
و نون ف شرابیست که از عسل و شراب کهن یا مثلث سازند طح ی خنجره
بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و راء مهمله و ها ف خرمائی هندی خنثی ع بضم
اول و سکون ثانی و فتح مثلثه و الف مقصوره ف بیخ کیاه سریش طح ی ۲ کوینده
ب ر ق محلل ش بخدرم و از ثمره و شکوفه او دو درم ص شوربای چرب ل
فوه و فقاع تسیق الواو خوست بفتح اول و واو و سکون سین مهمله

دوفانی

وفوقانی ف خربوزه خوخ ع بفتح اول و سکون ثانی و خاء معجمه ثانی ف
شفتالو ه آرو طب ر ۲ کوینده ق قامع مره خ انچه استخوان زود از وی
جدا شود ش یک کف ص زنجبیل مربا یا عسل ل مشمش خوش نظر کلکاه کوینده
مرد خوض بفتح اول و سکون ثانی و ضاد مهمله ف ورق مقل و ورق نخل
و ورق نارکیل را بدین نام خوانند خوح اقرع بفتح همزه و سکون قاف و فتح راء
مهمله و سکون عین مهمله م ساذج هندی خواتیم الملک و ختم الملک ع کل مختوم
خول بفتح اول و ثانی و سکون لام ف کبک خولنجان ع کلیجن طح ی ۲ کوینده
ق ملطف مبهی خ سرخ سطبر کم کره ش نیم درم تا یکدرم ص کثیرا و چیزهای چرب
و صندل و کافور یا ابریشم ل قرنفل یا قرفه و در دردکرده و قوة باه یکنیم وزن
دارچینی و نیم وزن بزر قریض خولان ع بفتح اول و ثانی و لام الف و نون
م حضض خون سیاوشان دم الاخوین ه هیرادوکهی کوینده بفتح و وجه
تسمیه انکه چون افراسیاب سیاوش را کشت جائی که خون او ریخته از انجا
این نبات رسته خوخ فلیق اسنه قافله خواجه کیاه ه با تسا تسیق
الیاء التحتانی خیربوا بکسر اول و تحتانی و کسر راء مهمله و فتح موحده مشدده و واو
و الف ه الایچی خیروج بکسر اول و تحتانی و کسر راء مهمله و فتح موحده ثانی و
ضم راء مهمله و واو و جیم م جازی خیشفوج بکسر اول و فتح نیز و سکون ثانی و شین
معجمه و ضم فا و واو و جیم ف پنبه دانه خیارشنبر و خیار چنبر ه کرمالا و املتاس
و دهن بهرا و باندر پوری و باندر لکری طح مع ح ب ق محلل ملین و مسهل صفرا
خ هندی سطبر سیاه رسیده بر عسل و فلوس و پوستش براق و رقیق تا ده
و در وقت استعمال از قلم بیرون او رند ش بنجدرم تا پانزده درم ص
روغن بادام و مصطکی و انیسون و عناب با آب تمر هندی ل ترنجبین و سکه

وزن آن تو بزمی و [illegible] خارف یا ورنگ ه کهیر ط ب ر ۲ خبر
زان ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم زاء معجمه و راء مهمله و الف و نون ه چوب بلبت
ط ح ر مع ی ق مفتح حصاة ش ۵ درم ص نعاف ل یخ علیق خباز کوف
هندوانه ه تربوز ط ب ر خیری نام کلست مشهور و گویند ابو علس آ ت
ط ح ی ر خ زرد شیر ازی ی روغن گل یا سرکه ل مرزنجوش خیرزان بلدی
بکسر اول و ثانی و زاء معجمه و راء مهمله و الف و نون ف دارو ه مورد صحرائی فصل الجیم
الدال المهمله مع اللام الف دارو اسکنده دار صوص و دار منصوص هر دو اسم دارچینی
دار مک بدال مهمله و الف و راء مهمله و فتح میم و سکون کاف م نوعی از مرو دار
فلفل فلفل دراز ه پلپل ط ح ی ۳ ق ملطف مفتح ن تبرزی که بطعم فلفل بو د
ش نیم درم ص صمغ عربی یا صندل و گلاب ل زنجبیل یا زرنباد و یا فلفل دا
دل ف روغن کتان دارم ف بدال مهمله و الف و فتح راء مهمله ~~و کسر شین~~ و فتح راء
مهمله و سکون میم انار دارشیشعان بدال مهمله مهمله و الف و راء مهمله و کسر شین معجمه
و تحتانی و شین معجمه ثانی و عین مهمله و الف ثانی و نون ه کا پهل ط ح ا ی ۳ ق
قابض مقوی ی خ گران سرخی مائل خوشبوی سطبر اندک تلخ ش یکدرم تا ۵ درم
ص دو قویا را زیانه ل اسارون یا ثمرة الطرفا یا چهار دانگ وزن آن
رزوانند و نیم وزن آن درونج یا رانک دار قول ه بدال مهمله و الف و فتح فوقانی
و سکون فوقانی و واو و نون ف یخ حب السلاطین جمال کوتی که جر داربرنیان
بدال مهمله و الف و راء مهمله و فتح موحده فارسی و سکون راء مهمله و کسر نون
و تحتانی و الف و نون ثانی ف چوب بقم دارفنی بدال مهمله و الف و راء مهمله
و فتح قاف و سکون نون ف شفتالو دارکبم ببباسه گویند طالیقر داکه
ه بدال مهمله و الف و فتح کاف و ها هندی ع عنب ف انگور دارصینی ه

دال چینی

دال چینی ط ح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح مدر و مفرح و مقوی قلب و کبد و معده
و مبهی خ سرخ سیلانی خوشبوی سرخ بر ضم شیرینی آمیزش یکدرم
ص اسارون یا صندل ل پوست سلیخه و نیم وزن کبابه یا اهل یا زرنب
یا خولنجان دادی رومی هو فاریقون تنبیق الباء الموحده و با ع بضم اول
و موحده و مشدده و الف ف کدو دبایب بضم اول و ثانی و الف و موحده
ثانی م سبز دیودار بفتح اول و ضم ثانی و واو و دال مهمله ثانی و الف
و راء مهمله م دیودار دیس ع بکسر اول و سکون ثانی و سین مهمله ف
دوشاب خرمائی ط ح ر خ بصری آتش ندیده که از رطب فارسی گرفته باشند
ص بادام و خشخاش و سکنجبین و کاهو دبق بکسر اول و سکون ثانی و قاف
م مویزج علے ط ح ۲ ای ۳ ق محلل ملین خ تازه املس که درونش
گرانی و بیرون سیاه سرخی مائل ص زرنباد ل نیم وزن عاقرقرحا و چهار دانگ
وزن آن جوز السرو و نیم وزن اهل دبول بفتح اول و ضم ثانی و واو و لام
ف روغن کتان دبله بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و ها ف بار درخت
کرکبز ه تیثت تنبیق الجیم دجاج ع بضم اول و جیم و الف و جیم ثانی
ف ماکیان ه کوکری ط مع ح ق مقوی و مبهی و مقوی دماغ خ آنکه بیضه
نداده باشد م تان یا ک ل دراج دج ع بفتح اول و سکون ثانی ف مرغ
بری م طما دجرج بفتح اول و کسر ثانی و سکون راء مهمله ف لوبیا تنبیق
الخاء المعجمه دخبس بضم و سکون خاء معجمه و کسر سین مهمله و تحتانی و سین مهمله
ثانی و الف ف روغن بلبان درخت مریم ه پوست درخت سبنهالو دخن ع
بضم اول و سکون ثانی و نون ف ارزن ه چینا ط ب ی ۲ گویند ی ۲ گویند ج
ق قند و مصطکے ل برنج دخان ع بضم اول و ثانی و الف و نون ف دود

دهنوان طح ی ق ملطف مجفف ص شراب خشخاش تشنیق الراء المهملة درختاریس
درخت بر درداب ع بفتح اول و سکون راء مهمله و دال مهمله ثانی و الف
و موحده ف وستنبویه ه کجری درخت افتاب پرست ه هلهل دراج بضم اول
و ثانی مشدده و الف و جیم ف تراج ه تیتر طع مع ق گوشت او مقوی دماغ
دراشنج بفتح اول و ثانی و الف و فتح شین معجمه و سکون جیم م نوعی از لبلاب
دراوخ بفتح اول و ثانی و الف و کسر واو و تحتانی و خاء معجمه ف چوب گز دردی
الخمر ع بضم اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله ثانی و ضم تحتانی و سکون لام
و فتح خاء معجمه و سکون میم و راء مهمله ف دردی شراب طح ی خ از شراب کهن
دردار بفتح اول و سکون ثانی و دال مهمله ثانی ف درخت پشه و سندار
ط ورق او ب ی ۲ ق قابض محلل دردبطا بفتح اول و ضم ثانی و واو و فتح موحده
و طاء مهمله و الف و راء مهمله ثانی ف توت سه کل درقش شامی بفتح اول و ثانی
و الف و کسر فاء و سکون سین مهمله ف شفتالو دردی الخل ع ف دردی سرکه طح ی
ق مجفف خ کهنه ص روغن ل شب با سرکه یا شراب درخت کل خطاب ه درخت مهوا
درن بفتح اول و ثانی و سکون نون م زالو ه جونک درمنه ف بفتح اول
و ثانی و سکون میم و فتح نون و ها ه جوهری جواین درونج عقربی ع بفتح اول
و ضم ثانی و واو و فتح نون و سکون جیم و فتح عین مهمله و سکون قاف و فتح
راء مهمله و کسر موحده و تحتانی ه آنوس طح ی ۳ ق ملطف و مفرح و مقوی
دل خ رومی ش نیم درم تا یکدرم ص رازیانه یا نشاسته ل زرنباد و دو دانگ
وزن آن قرنفل و گویند عاقرقرحا دو وزن سورنجان تشنیق السین المهملة
دستنبویه ف ع شمامه ه کجری تشنیق الفاء دفار بفتح
اول و فاء و الف و راء مهمله ه کنوار دفلی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و تحتانی

وخرزهره

ف خرزهره ه کنیر طح ی ۳ ق محلل خ سطبر تر برگ و ورق بسیار تلخ سرخ گل تحت
ثمر ش بیمدرم تشنیق القاف دقطامنون یونانی بفتح اول و سکون قاف و طاء
مهمله و الف و میم و الف ثانی و ضم نون و واو و نون ثانی م مشکطرامشیع
تشنیق اللام دلب ع بضم اول و سکون لام و موحده ف درخت چنار ط
جوز و پوست وی را گویند ب ا چوب او ر ق مجفف خ تازه ص عود یا دوا
ل قشور رمان دیوث بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و واو و مثلثه ف
نوعی از سوسن بری دلینس بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و کسر نون
و فتح تیز و سکون سین مهمله ف نوعی از صدف کوچک دلاع ع بضم اول و لام
مشدده و الف و عین مهمله ف هندوانه دلبک بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی
و کاف ف ثمر کلی است چون گل بریزد آن ثمر حاصل شود دلدال ف خارپشت
ه سینهالی و ساهی دلفین بضم اول و فتح ثانی و کسر فاء و تحتانی و نون
م ماهی بزرگ سیاه رنگ که سرش بخوک ماند ع خنزیر البحر ف خوک ماهی تشنیق
المیم دم الدجاج ع ف خون ماکیان خ ماخوذ از طار سلیم دم التیس
ع ف خون بز کوهی ماخوذ از بز کوهی خ چهار ساله در وقتی که انگور رنگ
گیرد حلقش ببرند و خون اول و آخر بگیرند آنچه متوسط است بستانند و در دیگ
سنگین کنند تا سرد شود پس قرصها ساخته خشک سازند و از غبار محفوظ
نمایند و در جای نمناک ننهند دم الضفدع ع خون غوک خ از ضفدع سبز
و زرد دماغ ع ف مغز سر ه بهیجا ط ب ر ق ملین و مقوی دماغ و مسهل خصوصا
مغز دماغ گنجشک و بره سیاه مبهی است خ ماخوذ از مرغهای کوهی و از فواخته
مغز بره گوساله ص بودنه فلفل و خردل و دارچینی و سرکه ل مغز ساق دم
ع بفتح اول و سکون میم ف خون ه لوهو طح ر ق مغذی ص نانخواه ل جگر دم

الحمام ع ف خون کبوتر خ از طایر سلیم دم الاخوین ع ف خون سیاوشان
م هیراد و کهی م گویند بقم ط ب ای ۲ گویند ح ای ۲ ق قابض مجفف حابس دم
مدمل خ چکیده صافی که اصلا چوب دردی نباشد س نیمدرم ص صمغ عربی
وکثیرا بابونه ل عصاره او باخس الحمار یا اقاقیا دم الانسان ع ف خون آدمی
دم الثعبان ع بضم مثلثه وسکون عین مهمله وموحده والف و نون م دم الاخوین
تسبیق النون دند ف بفتح اول وضم نیز وسکون نون و دال مهمله ثانی
ع حب السلاطین م جمال گوته ط ح ی ۴ ق مسهل خ چینی بعد از و سنجری بعد از و هندی
س یکحبه و نیم تا دو حبه و گویند ۲ دانگ تا نیم درم ص نشاسته د نقر بفتح اول
وسکون نون وفتح قاف وسکون راء مهمله ف شوره م باجی ط ح ی د نقه بفتح اول
وسکون ثانی وفتح قاف وها ف یاسمین م چنبلی تسبیق الواو دوبارج بضم اول
وواو و موحده والف وضم راء مهمله وواو ثانی مهمله م کاکنج دوسر بضم اول
وثانی وفتح سین مهمله وسکون راء مهمله کاکل وجو برهنه وگندم صحرائی ط ح را
ی ۲ گویند ب ف مسهل خ سیاه ص ۵ درم ص کثیرا و مقل ل نیم وزن حب النیل
دود الحریر ع ف کرم ابریشم دود القرمز ف کرم ابریشم سرخ ط ب ی دوقص
بضم اول و ثانی و کسر قاف وسکون صاد مهمله ع بصل دوص ع بضم اول و ثانی
وصاد مهمله ف آب است که از نافه درد انداز زند دوغ ف ه جهاجهه دواک
جهر بریا دولک ف فلفلموییه دوال بضم اول و ثانی والف و لام م طالیسفر ف
پوست بیخ زیتون دم ع بضم اول و ثانی ومیم م درخت مقل دوقوع
بضم اول و ثانی وقاف و واو ف تخم جزر بری که بیخ وی شقاقل است و گیاه وی
خرس گیاه م لالاکا ط ح ۳ ی ۱ ق منضج ملطف خ تازه زرد ش یکدرم ص تخم مورد
یا بلوط یا مصطکی یا طباشیر ل دو وزن تخم کرز یا ۲ وزن تخم کرفس و نانخواه

دوزه و

دوزه خار مرازگونه دواء المسک ع خبطیا یا دورجوبی بضم اول و ثانی و را
مهمله وضم جار مهمله و واو و کسر نون و تحتانی ف نوعی از سوسن بری دواء
الخطامی م ماهیران دونه ترکی جوهری اجواین دودنی ه بضم اول
و ثانی و کسر دال مهمله و خفاء ها و تحتانی دوای هندیست م سوسپند و کم
خورد او ه نکار جوبی جوبی تسبیق الها دهینا ه بفتح اول و خفاء ها
وسکون نون و تحتانی والف ف گشنیز دهمشت بفتح اول وسکون نون و
وفتح میم وضم نیز وسکون شین معجمه و فوقانی ف درخت غار گویند نخست
تریاق همین بود که بعسل می پرورده اند ط ح ۳ ی ۲ خ ثمر و برگ او دهنج ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون جیم سنگیست سبز دهانه خ فرنگی
شیرین دهن الورد روغن گل ط ب ا دهن اصفر ع بضم اول وسکون ثانی و
کسر نون وفتح همزه وسکون صاد مهمله وفتح فا وسکون راء مهمله ف روغن زرده
بیضه دهن الغار روغن غار ل زفت تر دهن الجوز ع ف روغن گردکان حامی ا
دهن اللوز ع ف روغن بادام دهن النرجیل ع ف روغن استه شفتالو دهن النرجس ع ف
روغن نرگس ق مقوی دماغ ل روغن یاسمین دهن الخروع ع ف روغن بید انجیر
ل روغن بادام تلخ یا روغن خشکدانه دهن الخلوق بضم خاء معجمه ولام و واو و قاف
ف روغن زعفران دهن الزنبق روغن گل زنبق ل روغن یاسمین یا روغن سوسن
دهن الحل ع بفتح حاء مهمله وسکون لام ف روغن کنجد و روغن شیرین
م میتها تیل دهن النارجیل ع ف روغن جوز هندی ل روغن گردکان دهن الفجل ع ف
روغن ترب ط ح ی ۳ ل روغن زیت کهن دهن السفرجل ف روغن آبی ل دهن
التفاح و بدل دهن التفاح دهن السفرجل دهن القرطم ع ف روغن خسکدانه
ل روغن انجره دهن ع ف بضم اول وسکون ثانی و نون روغن ط ح ر ق

ملین خ تازه دهن البلسان ف روغن بلسان تازه قوی بوی ل جوزن آن
دهن وادی یا نیم وزن دهن نارجیل و وداکه نیم وزن آن زیت
کهن وگویند حب بلسان کوفته در روغن رازقی بجوشانند یا روغن کاو یکه
در و میر پخته باشند یا هزده درم حب بلسان را ده درم روغن زیت ده
درم روغن نارجیل پنج درم عصاره ترب با هم مخلوط کرده بجوشانند تا روغن بر
آید در ظرف آبگینه نگاهدارند دهن النسرین روغن نسرین ل روغن بادام دهن
السوسن روغن سوسن ل روغن غار دهن البان روغن بکاین ل روغن فندق
دهامن م بفتح اول و خفا ثانی والف و کسر میم و سکون نون م درخت مشهور
هندیست و بیز نار سیاه دهن الاذخر ف روغن کرنه ل روغن خسکدانه دهن الخیری ف روغن
خیری ل روغن حنا دهن الکتان روغن کتان دهن عیلام اومالی دهاکی م بفتح اول
وخفا ثانی والف و فوقانی و کسر کاف و تحتانی م کل داوی تنسیق الیاء التحتانی
دیاقودا یونانی بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی والف و ضم قاف و واو و دال مهمله و الف
ثانی ف شراب خشخاش که با پوست بپزند دیواسبا م خندقوقی دیودار و بیدار یا
دآن صنوبر هندیست ف درخت نازدم جیده طح ی دینار م تخم کشوث دیوبا
قونیطس یونانی بفتح اول وضم ثانی و واو و موحده و الف و ضم قاف و واو
ثانی و کسر نون و تحتانی ثانی و کسر طاء مهمله و سکون سین مهمله م بلکوش دیفرجس
یونانی بکسر اول و ثانی و ضم فا و راء مهمله و واو و کسر جیم و سکون سین مهمله م
سه نوع است معدنی که در جزیره قبرس از جاهی بهم رسد او نوعی از طین است
لیکن چون با فتاب خشک کنند بصلبی سنگ بود و دیگر نوعی که از مس میگیرند چون
نحاس بگدازند و آب بروی ریزند و از بوته بیرون آورند در سیب او یابند
سیوم مرقیشا است که میسوزانند مانند کلس و لون وی بنفره ماند

ویدنس م

ونیدنس م بکسر اول هندی و ثانی و خفا نون و فتح دال هندی ثانی و سکون
سین مهمله م ثمره تره هندیست بنگالی با دنجان اکثر شکل دونا نخورش
است دیک ع بکسر اول و ثانی و کاف ف خروس م ککرا کوشت او ح ی دیک
بردیک ف مرک موش علم و گویند زرنیخ مصعد دبستم ف بستان افروز دیجو
بار درخت کریره م ثنیت دلبیمه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله
و سیم وهام موره دیوجه ف زالو م جونک ترقیم الذال المعجمه تنسیق الالف
ذات الذوائب ع م درخت بر تنسیق الباء الموحده ذباب ع بضم ذال
معجمه و موحده والف و موحده ثانی ف مکس م مکهی طح رق ملین ذبال ع بضم اول
و باء والف و لام ف کاسه پشت سنگ پشت ذبل ع بفتح اول و سکون ثانی
و لام ف پوست سنگ پشت تنسیق الراء المهمله ذرت ع بضم اول
و فتح راء مهمله مشدده و سکون فوقانی م غله جواری طبخ او بی ذراریح
ع بفتح اول و ثانی والف و کسر راء مهمله ثانی و تحتانی و جیم ف حیوانیست
از مکس بزرگتر بقدر زنبور سرخ اما باریکتر و نقطهای سیاه بر ان و آن
سم قاتل است م بندلی طح ی ق مفرح ش یک طسوج ص شیر تازه و روغن
بادام و جلاب و طین مختوم ل طینوت با کرم سبز که در درخت صنوبر
می باشد ذرق الخطاطیف ف سرگین پرستوک ذرق بفتح اول و ثانی و
سکون قاف م خندقوقی و نیز اطلاق میکنند بر شکل سرگین ذراتی ع
بفتح اول و ثانی والف و کسر نون و تحتانی ف مگس سپید تنسیق الفاء ذفر
بفتح اول و کسر ثانی و سکون فا و فتح کاف و سکون راء مهمله ف تخم کرفس کوهی
ذفری رومی بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله تحتانی م نوعی از سداب
بری تنسیق اللام ذلو ع بضم اول و لام و واو م جونک تنسیق النون

ذنب الفار ع ف بارتنگ ذنب الخیل ع م لحیة التیس تنسیق الواو ذو ثلاث
حبات ع م زعرور ذو ثلاث شوکات ع م غلکا غا ذو خمسة اصابع ع م سبنهالو
ذو خمسة اوراق ع ف بنجکشت تنسیق الهاء ذهب ع بفتح اول و ها
وسکون موحده ف زر ه سونا طح مع ق در قش معوی دل ش یک قیراط ص
عسل و مشک تنسیق الباء التحتانی ذیب بکسر اول وتحتانی و موحده ف گرگ
ه بهدیا ذنفاف ع بفتح اول وسکون ثانی والف نون ف زهر قاتل تنسیق
الراء المهملة تنسیق لالف ارنا یونانی براء مهمله والف ونون والف ثانی
ه انار رازیانج براء مهمله والف وزاء معجمه وتحتانی والف ثانی وفتح نون وسکون
جیم ف رازیانه ف بادیان ه سونف طح ی ۱ ق مفتح سدد مفتت و گویند
ازماز دو پوست انار وزبیب و درو دارچینی غ بستانی از پوست او ش
یکمثقال تا دو درم ص صندل و کافور یا زعرور ل تخم کرفس راتینج رومی براء
مهمله والف و کسر فوقانی وتحتانی وفتح نون وسکون جیم م صمغ درخت صنوبر
ف زنکهاری طح ی ۱ ق مفتت اللحم و مجلی قروح غ سفید زردی مائل که بوی
صنوبر باشد ص سفیداج و رهید کل ل فته وعلک البطم یا زفت کهن راح ع براء
مهمله والف وحاء مهمله ف شراب راوند ه براء مهمله والف وفتح واو وسکون
نون ودال مهمله وآن بیخ ریباس ست م ریوند ه ریوند چینی طح گویند مع
گویند ۳ ی اگویند ح ی ۲ ق مصری غ چینی که بعد از سحق زعفرانی شود وبعد از
شکستن درونش بکوها نکا و ماندو برا ریوند لحمی خوانند و مانند اسم ا ب
باشد اصلا سوراخی درو نباشد ش بیخ درم تا ۱ درم و گویند دانگی تا یکدرم ص
صمغ عربی یا مار الهندبا ل نیم وزن زراوند مدحرج و بوزن وی ورق
کل سرخ و سنبل و گویند زرشک وطباشیر وزعفران رادسن ع بفتح

اول وسکون همزه وسین مهمله ف سترم فوند راف براء مهمله والف و فا م
بستبا رامک براء مهمله والف وفتح میم وسکون کاف م مرکبیست از ماز و
وپوست انار وزاج سیاه وصمغ و شراب با عسل ط ب ی گویند ح ق قابض
غ انچه بسرخی زند ش نیم مثقال ص عسل ل اقاقیا یا سواد القضاه یا جلنار یا الله
رانک ه براء مهمله والف و خفاء نون وکاف فارسی ف انزرال ه براء مهمله والف
ولام م قیر دراسن براء مهمله والف و فتح سین مهمله وسکون نون ف زنجبیل شامی
وگویند فیلکوش طح ی ۲ گویند ۳ ق مقطع ملطف مفرح نیز تازه ش یکمثقال
ص مصطکی وحماما یا سرکه خس ل ایرسا یا وج رابیس ه براء مهمله والف و کسر
تحتانی وسکون سین مهمله وسکون نون م نام درخت هندیست روان براء
مهمله والف و کسر دال مهمله وسکون نون ف زعفران راسوف ع ابن عرس
ه بنولا راوسه م اشترغار رازیانج شامی وردم ایسون راطینج
یونانی براء مهمله والف و کسر طاء مهمله وتحتانی ونون وتحتانی ثانی م همه
علکها را بدین نام خوانند و علک یعنی انچه توان خائید و فرو نتوان برد مثل
مصطکی وسقز رازقی براء مهمله والف و کسر زاء معجمه وقاف وتحتانی ف کل رازقی.
رائی ه برای مهمله والف و کسر همزه وتحتانی ف خردل تنسیق الباء الموحده
ربیتلاع بفتح اول و کسر موحده تحتانی وفوقانی والف ف ماهی کوچک ط
ح رب السوس ع ف عصارهٔ مهک دیرق سریانی بکسر هر دو راء مهمله وسکون
موحده وقاف ع عنب الثعلب ربلد رومی م افتنین کوه تنسیق التاء
الفوقانی رتیلا یونانی بضم اول و فتح فوقانی وسکون تحتانی ولام الف
حیوانیست مانند عنکبوت ف خایه کنزک و دله وان از سموم قتاله است
رنه ه بیتها تنسیق الجیم رجل الغراب ع حشیشی است که سبزی پای کلاغ

کویند وکویند اطریلال است رجل العقاب ع بکسر اول و سکون جیم و ضم لام و سکون
لام ثانی و ضم عین مهمله و قاف والف و موحده م اطریلال رجل الجراد ع بکسر اول
و سکون ثالث و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح جیم و راء مهمله والف و دال
مهمله م زرنب ف سرد ترکستانی رجل الطیر ع رجل الغراب رجل الحمام ع ف
شنکار رجله بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و ها ف تورک تشنیق الخاء المعجمه
رخام ع بضم اول و فتح خاء معجمه والف و میم ف سنک سفید طب ی کویند
ح ق محلل نه سفید ص روغن کل ل شاخ آبل سوخته رجین ع بفتح اول و
ثانی و کسر موحده و تحتانی و نون م قروت طح ی ۲ رحمة بفتح اول و سکون
ثانی و فتح میم و ها ف مرغ مردارخوار تشنیق الدال المهمله رده ع بکسر اول
و فتح دال مشدده و ها ی هندی دوائی هندیست تشنیق السین المهمله رسوت ع
بفتح اول و سکون سین مهمله و فتح واو و سکون فوقانی دوای هندیست
که در امراض چشم بکار اید م حضض تشنیق الشین المعجمه رشاد ع بفتح اول
و شین معجمه والف و دال مهمله ف تره تیزک طح ی ۲ ق منضج محلل نه سبز
بستانی شن تا دو مثقال ص هندبا و تخم خس ل جرجر تشنیق الصاد المهمله
رصاص ع بکسر اول و صاد مهمله والف و صاد مهمله ثانی ف ارزیر و قلعی ه
رانک طب ۲ کویندی ق سوخته او مندیل نه اپخه زم تا ل اثمد تشنیق الطاء
المهمله رطب ع بضم اول و فتح طاء مهمله و سکون موحده ف خرمائی
تر بید ه کهجور طح ۲ ر اص بادام و خشخاش ماوی خوردن و بعد از ان مغز
کاهو یا خیار سبز که یا سکنجبین خوردن رطبه ع بفتح اول و سکون ثانی و
فتح موحده و ها ف اسبست تر طح ر ق منضج نه سبز تازه ص خرنوب ل
خندقوقی تشنیق العین المهمله رعاد ع بضم اول و عین مهمله والف و دال مهمله م

بحموضت

حیوانیت و رباتی ۲ به رعاده رعی الحمام ع علف ابت غالبا ه غلاء رهر طح ی تشنیق
الغین المعجمه رغث ع بفتح اول و سکون غین معجمه و مثلثه ف کلنار رغوة الملح ع بکسر
اول و سکون ثانی و فتح واو و ضم فوقانی و سکون لام و کسر میم و سکون لام ثانی
و حاء مهمله ف کف آب نمک رغوة القمر ع م حجر القمر رغوة الجامین ع ف ابر مرده
تشنیق القاف رقعا ع بفتح اول و سکون قاف و عین مهمله والف م
برخس رقاقس بضم اول و ثانی الف و کسر قاف ثانی و سکون سین مهمله م خصی
الثعلب کویند لعبت بربری رق ع بکسر اول و فتح نیز و سکون ثانی ف
پوست سنک پشت رقون ع بفتح اول و ضم ثانی و واو و نون م حنا
رقوه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین مهمله و ها ف اسم هیچی است سرخ رنگ و
مهره داروی که جبر کسر کند او را رقعه خوانند مثل انجبار و تنبوبه و خا مار اقطی
تشنیق الکاف رکت بهت ه بفتح اول و کاف و سکون فوقانی و ضم موحده
فارسی و خفا رها و سکون موحده فارسی ف خرزهره سرخ ه لال کنیر تشنیق
المیم رماد ع بفتح اول و میم والف و دال مهمله ف خاکستر ه راکه طح ی ق مجفف
نه خاکستر بلوط شن نیمدرم ص جلاب روغن کل رمان البر ع درختی است
که بدرخت انار ماند کوچکتر از وی و حب فلفل دانه و پوست متات
بیخ اوست رمان حامض ع ف بضم اول و ثانی مشدده والف و
نون و حاء مهمله والف ثانی و کسر میم و سکون خاء معجمه ف انار ترش طح ۲ ی
کویند مع ری نه بزرک شن ده وقیه از شراب او ص رمان حلو یا بخیل
مربا یا حلوای عسل با قند ل حصرم رمان السعالک ع ف خشخاش رمان حلو ع ف
انار شیرین طب را کویند ح مع ق مقوی دل نه رسیده املسی شن ده وقیه
از شراب او ص رمان حامض با او معد از و تشنیق النون رند بفتح

اول وسکون نون ودال مهمله م مورد نف بفتح اول وسکون ثانی وفات
بید مشک رنک بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی ف رنگ و هی تنسیق الواو
روح توتیا وردی توتیاه جست روباه بضم اول و واو وموحده
فارسی والف ف نقره روحبا بهم کیس روبا بضم اول وثانی وموحده
ف روباه ترک روسختج ع بضم اول وثانی وفتح سین مهمله وسکون خاء
معجمه وفتح فوقانی وسکون جیم ف مس سوخته طح ی ۳ ق اکال مجلی ومجفف غ
مصری رقیق تن بمیدرم ص صمغ وکثیرا ل توپال روخ بضم اول وثانی وفتح
نون وسکون جیم م ریوند روسخ ع بضم اول و همزه و واو سین مهمله ف
سرها طح رق مغذی غ سرهای حیوان معتدل در رطوبت ل اکارع روسی هندی
ه کندهیل ع اوخر روناس ف بضم اول و واو ونون والف وسین مهمله
ه مجیتهه روث الحمار الوحشی ع بفتح اول وسکون ثانی وضم مثلثه وسکون لام
وکسر حاء مهمله ومیم والف وراء مهمله ف سرکین کورخر روباه ترکی ف ثعلب
روبیان ع بضم اول وثانی وکسر موحده وتحتانی والف ونون م اربیان
ف ملخ دریائی ه جهیکا روبن ه مجیتهه روین بجیده ه ناک کسیر روی ع ف صفر
ه کانسی تنسیق الهاء رهج الفار بفتح اول وسکون ها وفتح نیز وضم جیم وسکون
لام وفا والف وراء مهمله ع سم الفار رهشی بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین
معجمه وتحتانی ف ارده که از کنجد سازند طح ر تنسیق الیاء التحتانی ریتها ه
بکسر اول وتحتانی وفتح فوقانی هندی وخفاء ها والف م بندق هندی ریمسعت
یونانی بکسر اول وفتح میم وسکون سین مهمله وفتح عین مهمله وسکون فوقانی م
سعد ریباج بکسر اول وثانی وموحده والف وفتح نون وجیم ف نوعی از سرطان
بحری طب ر۲ ریتایخ بکسر اول ثانی وفوقانی والف وفتح نون وسکون جیم

م رانبیج

م رانبیج ریحان داود مرزنکوش ریباس ع بکسر اول وثانی وموحده والف وسین
مهمله ف ریواس وریواج وریوند چینی بیخ اوست طب ی ۱ ق قامع مره
ومفرح ومقوی دل خ فارسی از شراب او بکو قیه ص ارج مربا ل حماض اترج
یا غوره ریش ع بکسر اول وثانی وشین معجمه ف پر ه پنکه ریحان سلیمان م
مرزنکوش ریهقان بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها وقاف والف ونون ف
زعفران ریحان ع بفتح اول وسکون ثانی وحاء مهمله والف ونون ف نازبو
ه کالی تلسی طح ی ۲ ق محلل خ خوشبوی ش از تخم او دو درم ص کلاب وکزبره
وخار ل تخم مرو ریم آهن ف ه لوه سنکهان وکیت وکیت ریه ع
بکسر اول وفتح ثانی وها ف شش ه پهپهرا طح ر۲ ق قلیل الغذا تن دو درم ص
نان میده ریکاسه ف بکسر اول وثانی وکاف والف وفتح سین مهمله یا معجمه وها ف
خار پشت ریک زاده ف ریک ماهی ترجم الزاء المعجمه تنسیق الالف زاج ع
بزاء معجمه والف وجیم ف زاک ه پهتکری م وان انواع است سفید راشب و
قلقدیس وسرخ راسوری وسبز را قلقند وزرد را قلقطار وسبز را زاک سیاه
نیز می نامند که هندی کیس و زاک زرد را هندی هیراکسیس وزاک لک و
زاک زرد را هندی هیراکسیس وزاک لک وزاک ترکی را نیز هندی کیس
خوانند طح ی ۳ ق قابض محرق مفرح خ مصری براق زرد وریزنده باک و
نوص شیر تازه رمان ومسکه یا شکر ل شخار زاوق بزاء معجمه والف وضم
همزه و واو وقاف ف سیماب وجیوه زاخل ه درخت اک تنسیق الباء
الموحده زبیب ع بفتح اول وکسر موحده وتحتانی وموحده ثانی ف مویز ه کشمش
ط کوشت اوج را دانه او ب ی ۲ ق ملین منضج تن ده درم ص خیار با لنک سبز
یا خس ل عناب یا مویز طلیعی خشی زبل الذئب ع ف سرکین کرک

خ کهٔ ازبالای خار بگیرند وسفید و درد استخوان وموی باشند واز زبل
سگ که استخوان خورده باشد ل زبل کلب زبدع بفتح اول وثانی وسکون
دال مهمله ف مسکه وبشیرازی نمشک ه مکهن طح را ق منضج محلل مرضی خ
تازه ماخوذ از شیر میش ص شکر یا ربوب حامضه ل روغن شسته زبادع
بفتح اول وثانی والف ودال مهمله ف تراوش خصیه مستی جانوریست گربه اسا
ه زبات وشاخ ومید طح ۳ مع ری خ قدری از وبر سر جوالدوزی کرده
قریب آتش دارند اگر روان شود جیدست والا مغشوش زبرجدع بفتح اول
وثانی وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون دال مهمله ف زمرد زبود کند تازه
زبد القواریرع بفتح اول وثانی وضم دال مهمله وسکون لام وفتح قاف وواو
والف وکسر راء مهمله وتحتانی وراء مهمله ثانی ف کف آبگینه ه کاج لون
زبد البحرع بفتح اول وضم دال مهمله وسکون لام وفتح موحده وسکون حاء
مهمله وراء مهمله ف کف دریا ه سمندر پهن طح ی ۳ گویند ۴ گویند رق
محلل خ وردی زردی مائل ش یکدانگ تا دو دانگ ص کتیرا و روغن کدو ل
حجر القیسور یا بورق زبد البحرع ف جزیست که گرد برگردنی جمع میشود وماند
یخ در میان نیستان وگیاه باشد مانند حجر اسیوس بود وبشکل زبد البحر
است بسیار سوراخ زبد القمرع حجر القمر زبیب الجبل م میویزج زبل ع بکسر اول
وسکون ثانی ولام ف سرگین ه لید طح رق معفن زبان بره م بارتنگ و
گویند نوعی از اسپغول تنسیق الجیم زجاج ع بضم الزاء المعجمه
وجیم والف وجیم ثانی ف آبگینه وشیشه ه کاج طح ای ۲ گویند راق ملطف
ومجلی خ سفید شفاف صاف ش بیندرم زجون بفتح اول وسکون ثانی
وضم میم و واو ولام م تخم کشوث تنسیق الدال المهمله زدوارع بفتح اول وسکون
دال مهمله وواو والف وراء مهمله ف ماه پروین ه جدوار هم حدوار ه تربسی

تنسیق

تنسیق الراء المهمله زیرا سریانی بفتح اول وکسر راء مهمله وتحتانی وراء
مهمله وتحتانی وراء مهمله والف م بقلة الحمقا زرنب بفتح اول وسکون ثانی
وفتح نون وسکون موحده ف سرو ترکستانی ه بربهی طح ی ۱ ق ملطف
خ تازه خوشبوی ش بیندرم ص جلاب نیم گرم یا صندل ل دارچینی یا کبابه
یا هال یا قشر اترج زرین درخت ف درخت اترج وگویند در حقیقت زرون است
کازرون مشهور بهمین نام م قطوریون یا ریک یا تخم خیارزه یا حب الاترج
یا نیم وزن زعفران رزاوند م زراوند گرد طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مقطع
مفتح خ زعفرانی فربه ش یکمثقال تا دو درم ص عسل یا انیسون ل زرنباد وقط
دو دانگ وزن آن بسباسه و نیم وزن ربوند وگویند بکنیم وزن درادند
طویل زرنبلج بفتح اول وثانی وسکون نون وضم موحده وسکون لام
وجیم م ریباس زرنیخ بفتح اول وسکون ثانی وفتح عین معجمه وسکون نون
وجیم ف حلبه زرنیخ سرخ ه منسل زرنبادع بضم اول وثانی وسکون نون
وموحده والف ودال مهمله ه جهور طح ی ۲ ق ملطف مفتح مفرح ومقوی
دل ومعده ومبهی خ انچه ورتری بکار رود پاره نکرده باشند وتلخ تر ش یکدرم
ص فوتنج وسنبل یا صندل ل بکنیم وزن درونج وچهار دانگ وزن آن
طرخشقون بری و نیم وزن حب الاترج یا انشطح ورا اسن یا نیم وزن سنبل
زرنیخ زرد ه هرتال طح ی ۴ ق معفن قاتل مفرح غ ارمنی توتوش بیندرم
ص قی کردن باب گرم وروغن وشیر تازه ل فوره زرسود زردچوبه زرنبع
بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وراء مهمله ثانی ه اسپرک زرشک وزرشک
م انبرباریس ه زرک زرکه بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
کاف ف آب خشق ه رنگ کسنبه زراوند طویل م زراوند دراز طح ی ۲ ق مفتح محلل

مفتح مدمل خ زعفرانی سطبر تر از انکشت زمن عسل یا انبر باریس ل
شی طرح یا زرنباد وقسط و نیم وزن فلفل و دو دانکی وزن آن لسفلیج
و نیم وزن آن زروت زرقون سریانی بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف
و واو و نون م سیرنج هر سندور زرد ذالو زرافع بضم اول و ثانی
والف و فتح فا و ها ف شترکاو پلنک زرقوی روغن بفتح اول وسکون ثانی
وضم قاف و واو وکسر را مهمله وتحتانی م رجل الغراب تنبیه العین المهمله
زعفران الحدید ع ف ریم آهن طح ی زعرور بضم اول وسکون عین مهمله
وضم را مهمله و واو و را مهمله ثانی ف کیل طب ی ۲ ق قابض خ سرخ رسیده
ش سته درم تا پنجدرم ص رازیانه ل عنبر زعفران کبیر طح ۲ ی ا ق
محلل مفتح منضج مفرح ومقوی دل ومنوم خ تازه سرخ تیز بوی ش نیم درم
تا یکدرم ص انیسون وزرشک یا جوارش سفرجل ل قسط بوزن وی
و یکنیم وزن آن پوست بلیلجه تنبیه الغین المعجمه زعبر ع بفتح اول
وکسر عین معجمه وتحتانی و را مهمله ف مرو سفید وتخم کتان ه السی زغال
بضم اول و ثانی والف لام ه کویله زغن بفتح اول و ثانی وسکون نون
ف غلیواز تنبیه الفا زفت ع بکسر اول وسکون فا و فوقانی سه قسم است
رومی ویابس طب ح ی ۲ ق ملحم محلل مجلی قروح خ براق صاف پاک
املس ش از رومی یکدرم تا دو درم ص کثیرا یا سفیداج و کافور ل جاوشیر
وعلک البطم وقطران و موم زفیزف اندسی بکسر اول و ثانی وتحتانی و
بغیر تحتانی نیز وفتح زا معجمه ثانی وسکون فا ثانی ف عناب تنبیه القاف
زقوم هر سیهند و نهور تنبیه الکاف زکال ف بضم اول وکاف
فارسی والف و لام ف انکشت نا افروخته ه کویله زکات ف خارپشت

تنبیه اللام

تنبیه المیم زمج بفتح اول وسکون میم وجیم فارسی ه بهنکری
زمج هر بکسر اول و فتح ثانی مشدده وسکون جیم فارسی م مرغیست که جزع
کویند زمرد بضم اول و ثانی و را مهمله مشدده وسکون دال مهمله ه پنات
طب ی ا ق مجفف خ سبز شفاف ش یکقیراط ص مشک ل مرجان تنبیه
النون زنجبیل الرطب ع ه ادرک و آدا زنجار ف زنکار طح ی ۲ ق جاو اکال
خ ماخوذ از معدن مس بسیار سبز ص قی کردن باب کرم و شیر تازه و روغن
وشوربا چرب ل اقلیمیا و نیم وزن زنجفر مار و سیخ رو ضنج زنجفر
بفتح اول وسکون نون وفتح جیم وسکون فا و را مهمله ف شنکرف ه اینکر
طح ی ا کویند ب ق متعسر ص روغن زرد و آب کرم ل مرداسنج یا
باسلیقون زنجبار ه نیلا تهوتها زنجرف شنکرف زنبق کلیت مشهور زنجبیل
ع هر سونته و سنتهی طح ۳ ی ۲ ق ملطف منفخ ومقوی دماغ و
مبهی خ چینی زردی مایل ش دو درم ص عسل یا قرص کافور ل دار فلفل و
فلفل یا عاقرقرحا زنجبیل العجم اشترغار زنم م معصفر زنیان ف
بکسر اول وسکون ثانی وتحتانی والف و نون م نانخواه ه اجواین زن بضم
اول وسکون ثانی م خندروس زنکار معدنی ف توتیای سبز ه نیلا تهوتها
زنجبیل شامی راسن تنبیه الواو زوفرا ع بضم اول و واو
وفتح فا و را مهمله والف ف میرک کا زردی طح ی ۲ ق ملطف خ موش
نیم و دیم ص شقاقل ل زیره کرمانی زوفا الرطب ف چرکیست که بر وبهار میش
ارمن جمع میشود بسبب کیاهی که شیر دار است آن از بتوعات بود و چون بچرند
بسبب حدت وقوت آن شیر وسخ بر و پشم میشان جمع شود باشد که
روان بود و از آن پرند و بقوام آورند و کوپند هر کاه که ابل افعی بخورد

قوة طبیعت ایل واقع سمیت است حرکت کند تا دفع ضرر سم کند عرق بسیار
پریشانی او جمع شود و کشف کرده انداز دفای زخوانند و این نوع در عاقبت
قوت بود طح ۳ ما ق منضج محلل ملین غ بسیار جرب ص درد ل مغز ساق گاو
گویند موم و روغن ولادن زد فاریابن ف گیاهی است که به برگ حنا ماند و بر
وفا مصری مشهور طح ی ۲ ق ملطف منضج مدر قاطع کرمها غ مصری که
از کوه بیت المقدس گیرند شا چهار درم ص صمغ عربی یا عناب ل فوتنج و رسماوش
و نیم وزن فرزنجوش زوق بضم اول و ثانی و قاف ف تخم خرمائی جنگلی
زواد ف بضم اول و ثانی والف و ضم همزه و واو ثانی و قاف ف سیماب
روان بفتح اول و ثانی والف و نون م یاسمین تشبیق الهاء زهرة الملح ع
بفتح اول و سکون ها و فتح را مهمله و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و حا مهمله
ف نباتیست که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آنها ایستاده و نهرها
نیز روید غ زعفرانی منش شور کرده زهر الحجر یا حجر القمر زهره النحاس چربست
که چون مس بگدازند و آب بران زنند کفی پیدا گردد و از این نام خوانند
غ سفید زهم بضم اول و فتح هزو سکون ثانی و میم م زرنباد تشبیق البا
التحتانی زیراه بکسر اول و تحتانی و را مهمله والف ع کمون زیتون الکلب ع
زیتون بری زیت ع ف روغن زیتون طح ر ۲ تر ص عسل ل از زیت کهن
روغن خروع یا روغن ترب و در ادویه قتاله زبد البحر زیتارع بفتح اول
و سکون ثانی و فوقانی والف و را مهمله ف تفل و دردی زیت زیز
بکسر اول و ثانی و زا معجمه ثانی م کتان ه النبی زیتون الحبش زیتون الکلب
زیتون الارض ع مازریون زنبق ع بکسر اول و ثانی و فتح موحده و سکون
قاف ف جیوه و سیماب یا را طح ی محرق گویند ب ر ۲ ق مغذه غ زنده

که

که استعمال کرده شنید و بغایت چسبنده و از کرباس نرود بر اید و بلغت اکسیریان
نامهائی بسیار دارد زیتون بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و واو و نون
درختیست مشهور ط رسیده او معتدل ح ی و نارسیده ب ی او گویند اطراف
و برگ او ب ۲ زیرقون بفتح اول و سکون ثانی و زا معجمه ثانی و ضم قاف و
واو و نون ف نوعی از درخت سنجد که برنمی دهد زیت السودان ع روغن
بجرک یعنی روغن بادام کوهی زیت الهرجان بفتح ها و را مهمله و جیم والف و نون
م زیت السودان زیسان اجوائن زبوه م سیماب زیت کابلی م زیت شامی
ترقیم السین المهمله تشبیق السین ع لامندا بسین مهمله والف و لام الف و فتح میم
و سکون نون و فتح دال مهمله و را مهمله والف ف نوعی از عظایاست
که چهار پای دارد و در کان نوشادر بسیار بود و دنب وی کوتاه بود
و سر و تنش سیاه و از بزرگتر و بهتر از سام ابرص باشد و گردن وی باریک
بود و لون وی ابلق زرد و سیاه بود و گویند چون در آتش اندازند نسوزد
و چون او را سنگ زنند کارگر نشود و از جمله سموم قتاله است ساندراج
ساسارکشت سرانی بهرو و سین مهمله و بهره والف و را مهمله و کسر کاف و سکون
شین معجمه و فوقانی ف انخم انجره ساوج بسین مهمله والف و کسر دال مهمله
و سکون جیم ه بسفایج طح ۳ ی ۲ گویند ح ۲ ر ق ملطف و مقوی و معده غ تازه
که بکرویش بزروی مائل روی دیگر بسبزی مائل باشد و قوی رایحه سیاه
و نقل ها نند و زود شکسته باشد ش یکمثقال ص مصطکی یا شراب و
یا صندل ل سنبل الطیب یا بلیخه یا طالیسفر ساج ه درخت سال سابزج
م بسین مهمله والف و کسر موحده و سکون فوقانی و فتح را مهمله و سکون جیم
م لفاح ساروع ف کته که دریدن می چسپد سایه پرور چندا سابزهو

...... بسین مهمله والف و فتح موحده و سکون را مهمله حیوانیست هندی
که از چرم او تنلوا ر و بند کمر و شمشیر سازند ساسر و ساور نخارک ه
سارو ساموریوم الماس ساسالیوس بهرج بسین مهمله و واو و الف و کسر لام
وضم تحتانی و واو و سین مهمله ثالث م الخدان رومی و کاشم رومی طح
ی۲ ل خردل سفید یا الخدان طیب سارس ه بسین مهمله و الف و فتح را مهمله
و سکون سین مهمله جانور مشهور هندیست سام ابرص ع بسین مهمله و الف
و کسر میم و فتح همزه و سکون موحده و فتح را مهمله و سکون صاد مهمله ف مانند
وچلپاسه ه سلکی و چهایکی و بکبکی طح ی ق مفسد خ انچه در بستن با شد ص
روغن زرد و عسل و آب گرم ل وزغ سابرکس ساتج سارو کبوتر شام ف ابنوس
ساداوران بسین مهمله و الف و دال مهمله و الف ثانی و فتح واو و را مهمله
و الف ثالث و نون م سوداة القضاة و سیهک داوران گویند چیزیست
مانند صمغ که در اندرون بیخ درخت گردکان که مجوف شده باشد یا بند و گویند
در میان درخت بطم کهنه می باشد و او را آب بن خوانند طب ۲ ی۲ ق قابض خ
مائل بسرخی ش دو دانگ ص زعفران ل فیلزهرج با دو دانگ وی زنان بیخ نی
یا آمله و اقاقیا ساطریون بسین مهمله و الف و فتح طا مهمله و سکون را مهمله و ضم
تحتانی و واو و نون م خصی الثعلب سانبرلون بسین مهمله و الف و خا ولون
و فتح موحده و ها ی هندی و سکون را مهمله و ضم لام و واو و نون م ملح
عجین و اندرانی ساکون ه بسین مهمله و الف و فتح کاف فارسی و واو و نون
م درخت مشهور هندیست که برگهاش بگوش فیل ماند و درشتی ملمس برگش
بسوهان ماند سلوان ه بسین مهمله و الف و واو و الف ثانی و نون علتیست
ف شانامخ ساقنه بسین مهمله و الف و کسر نون و فتح قاف و ها فع پریسیاوشان

ساطم

سالیوم الخدان رومی و کاشم رومی ساجی ه بسین مهمله و الف و کسر جیم و تحتانی
ف تنهار ساذج ه بسین مهمله و الف و کسر فوقانی هندی و خفا ها و تحتانی
ف قسمی از شالی برنج هندیست تنبیه الباء الموحده سبج الشوام افیتمون
سبج ع بفتح اول و موحده و سکون جیم ف شبه ط ب ی سبوسید ه جوانسا
سپبوس بفتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم تحتانی و واو و سین مهمله
ثانی ه اسپغول سبع الارض خ برسیاوشان سپرغم ف بکسر اول و
فتح ثانی فارسی و سکون را مهمله و فتح غین معجمه و سکون میم ع ریحان و ضمیران
و باد روج ببری سپستان بکسر اول و ثانی فارسی و سکون سین مهمله ثانی
و فوقانی و الف و نون ف سگ پستان ه لهسورا ط مع گویند ب گویند ح
ق ملین و منضج نه پرگوشت ش تا با نزده سی عد و ص آمله ل عناب سپندان
ه اسپند سپاری ه بضم اول و ثانی فارسی و الف و کسر را مهمله و تحتانی
ع فوفل تنبیه التاء الفوقانی ستاور ه بفتح اول و فوقانی و الف و فتح
واو و سکون را مهمله دوائی مشهور هندیست سیناک سپند سوختنی
تنبیه الجیم سجلاط یونانی بفتح اول و سکون جیم و لام الف و طا مهمله
ف یاسمین سنجل ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و سکون
لام م زعفران تنبیه الخاء المعجمه سخینوس بفتح اول و کسر خا معجمه و تحتانی و ضم
نون و واو و سین مهمله م اذخر تنبیه الدال المهمله سداب بضم اول و دال
مهمله و الف و موحده ه ساتون و ساتری ط تران ح ی۲ خشک ان ۳
گویند تر او ۴ و گویند ۳ ق مقطع محلل ریح منشی مفرح خ بستانی سبز تیز بوی
که نزدیک درخت انجیر رسته باشد ش سه درم ص انیسون یا بقلة الحمقا
ل نعناع و فودنج یا سیسنبر سدر ع بکسر اول و سکون ثانی و را مهمله

ف درخت کنار ه سرو کار و که طح ی ب اف قابض خ سبز بهن و برق
شش سه درم ص کثیرا سدی ع بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی بلغت اهل
مدینه ع خلال ف رغوه حرما تنبیق الراء المهمله سربهونکا ه بفتح اول و سکون
راء مهمله و ضم موحده فارسی و خفاء ها و واو نون و کاف و الف قسمی از جرجرا
سراج القطرب ع گویند این نام مشتق از دو چیز است یکی سراج و آن چراغ است
دوم قطرب و آن جانوریست که انرا طینوث گویند و در شب روشن است
و چون این گیاه بشب روشن است مادامی که تر است بس مشابهت
بسراج و قطرب هر دو که در شب روشن اند و گویند قطرب این گیاه را
دوست دارد و در شبها طلب کند طح ی ا ق قابض محذر ن نوشش نیمدرم ص
کثیرا ل روفا یا باد آورد سربخ ه سیا سرنج بضم اول و سکون نون
و جیم ه سندور سراد بفتح اول و ثانی و الف و دال مهمله ف بخلت
سرخ مرد ه ساک سرخ رشند ه اکاس بل سرند بکسر اول و ثانی و سکون نون
و دال مهمله ف جامه بک ه سوال سرمور ه ساک جوک سرخس بفتح اول
و ثانی و سکون خاء معجمه و سین مهمله ثانی ف کیل دارو ه سورا طح ی ا
ق مفتح مجفف ن سیاه بزرگ که بعد از شکستن در وی قسمی بود و شش
نیمثقال تا دو درم ص شیخ ارمنی یا شاهبلوط و سکر سرخ ل تخم شبرم یا کشوثا
سرخیونس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر خاء معجمه و تحتانی و ضم نون
و واو و سین مهمله ثانی م سیطرج ه چینا سرس ه بکسر اول و سکون ثانی
و سین مهمله ثانی درخت مشهور پر منفعت هندیست ع لحیه التیس سرمش
بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون شین معجمه ه خوبانی سرشف ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین معجمه و سکون فا ه سرسون سرمق ع بفتح

اول و کسر ثانی و سکون ثالث و فتح میم و سکون قاف ه ساک بتهوا طب را ق
طین ص نمک یا بازرد اسفاناج سرنک ازاد درخت سرمعون سریانی
بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و ضم قاف و واو و نون ه سندور سرسون ه
بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و واو و نون ف سرشف سرو
درختیست مشهور ط معج ر ی ا گویند ح ی ا گویند ب ق قابض ن سبز
تازه منقی ضموع ل نیم وزن پوست انار و گویند قرد مانا و انزروت سرلوم
شقاقل سرطان بحری و نهری و هندی ع ف خرچنگ ه کیکرا ط بحری یعنی
دریائی ط ب ی نهری یعنی جوئی ب ر هندی ی ب ر ق بحری مجلی ن نهری
از جوئی بزرگ شیرین آب شش یکدرم تا یکدرم ص با ماش مقشر یا طین قبرسی
ل بحری و زغ یا سرطان خشک یا صدف یا خزف چینی سرو جبل درخت
عرعر سرکه هندی ف آنجامه ه کانجی تنبیق السین المهمله سسغند یونانی
بفتح اول و سکون سین مهمله ثانی و فتح عین مهمله و سکون نون و دال مهمله
ع عود بلسان سیساکیوس بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و ضم تحتانی و
واو و سین مهمله ثالث م انجدان و کاهم رومی سسطیوس سریانی بفتح اول
و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و تحتانی و ضم عین مهمله و واو و نون ف میرک
کازرونی تنبیق الطاء المهمله سطرکا بفتح اول و طاء مهمله و سکون راء مهمله
و کاف و الف م اصطرک سطاح ع بفتح اول و ثانی و الف و حاء مهمله ف
هر نباتی که بر روی زمین گسترده شود و او را بدین نام خوانند سطراطیوس
یونانی بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله و الف و کسر طاء مهمله ثانی و فتح تیز
و ضم تحتانی و واو و سین مهمله ثانی ف نباتیست که او را بیخ نیست و بر
روی آب پیدا بود در قش مانند ورق باد رنبویه بود و کوچکتر از وواز

مقاع بزرگتر طب ر سیطوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی
وواو وسین مهمله ثانی م کلنار سطراک سریانی بفتح اول وسکون ثانی و
راء مهمله والف وکاف وسطواک نیز ف زرنباد سطرویون یونانی بفتح اول
وسکون ثانی وضم وکرا راء مهمله وواو وکسر نون وضم تحتانی وواو ونون ثانی خ
جوبک اشنان تنبیق العین المهمله سعدع بضم اول وسکون عین مهمله ودال
مهمله ه موتها طح ی اگویند ۲ ق مجفف مفتت مغشی ومقوی دماغ ودل
ومعده خ کوفی فربه خشبوی بستانی سفید بعد از آن سیرازی بعد از ان هندی
که چون سیاهی ازو بجز اشند سفید وفربه بود ش یکدرم ص قند وصندل
وانیسون وگویند حس خیار ل دارچینی وج سقر بضم اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وسکون راء مهمله ه ساتهر تنبیق العین المعجمه سغبر رومی
بفتح اول وسکون غین معجمه وفتح موحده وسکون راء مهمله م شرخس سغره سیاه
سغبین یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی ونون م سکبینج
تنبیق الفا سفنج خربوزه نارسیده سفند سغند اسپند سغزدو
مرغ سنگخوار سفادیکوس یونانی بفتح اول وفا والف وکسر دال مهمله وتحتانی و
ضم کاف وواو وسین مهمله ثانی ف نوعی از پیاز بری طح ی سفرجل ع
ف آبی ه بهی طب ی ۲ ق قابض وحابس خون ومقوی ومفرح دل ومعده خ
بزرگ رسیده ش ده درم از آب و ص رطب یا عسل ل کمثری سفندیلون و
یونانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم دال مهمله وواو وکسر لام وضم
تحتانی وواو ونون ف زیره بری تنبیق القاف سقمونیا بفتح اول
وسکون قاف وضم میم وواو وکسر نون وتحتانی والف صمغی است واز نوعات
مسهل ف محمود طح ی ۳ گویند ۲ ق مسهل صفرا خ الطاک صافی سبک

برنگ

برنگ ابریشم و بمالیدن دست خرد شود و سفید بود وچون در آب حل کنند
مانند شیر نماید ش یک قیراط تا دو دانگ ص معجون ساختن با ب تمر هندی وسیب
گلاب که در وی نقیع کرده باشند سماق واز وی قرص نمک ساخته زدو در سایه خشک کنند
وقدر شربت از معجون بداند وبعد از آنکه در به وسیب با پاره بازردک
مشوی کرده باشند مصلح کثیرا یا مصطکی وانیسون ونشاسته بروغن بادام
ودوقول ل سه وزن حب الخروع یا ماهودانه سقنقور بفتح اول وسکون
نون وضم قاف وواو وراء مهمله م ریگ ماهی گویند از نسل تمساح است وان
چنانست که نهنگ بر ساحل رود نیل خایه می نهد وکه می آرد هرچه در آب
افتد نهنگ است وآنچه بر ریگ می ماند سقنقور است ط چون تازه بود ح ر ۲
وگویند ح ۲ ی ق ماهی خ ترکه در وقت بهار و موسم هیجان ایشان صید کرده
باشند ش گوشت وی یکمثقال تا سه مثقال ص یا شوربای عدس ل خصی
الثعلب و تنها یا با خردل باد کرکا و خشک سوده ونیم وزن تخم زردک سقار
بضم اول وثانی والف وراء مهمله ه ساجی سقر بفتح اول وکسر ثانی مشدد
وسکون زاء معجمه ع علک الانباط ف صمغ درخت بن سقنقش بفتح اول و
ثانی وسکون نون وضم قاف وسکون سین مهمله ثانی م سقنقور سقاقل
بفتح اول وثانی والف وضم قاف وسکون لام م شقاقل سقن ع بفتح اول
وکسر ثانی وسکون نون ع وبس ف سیلان یعنی عسل رطب سقولوقندریون
یونانی بضم اول وثانی وواو وضم لام وواو وثانی وفتح قاف وسکون
نون وفتح دال مهمله یا معجمه وسکون راء مهمله وضم تحتانی وواو وثالث
ونون م اسقولوقندریون ف زنگی دارو طح ای ۲ ق ملین ش دو درم
ورویا مصطکی یا عسل ل غافث یا کمادریوس که با نیم وزن آن تخم کرفس

سقوروبون یونانی بضم اول وثانی وواو وراء مهمله وضم تحتانی وواو
ثانی ونون م اسقوردیون ف سیر بری وسیر موسی تنبیق الکاف
سکیرعلا یونانی بفتح اول وکسر کاف وتحتانی وفتح راء مهمله وسکون عین مهمله
ولام الف م بسفایج سکبینج یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی
وفتح نون وسکون جیم ف صمغیست مثل انکوزه ه کندل ط ح ی ۳ ق محلل ملطف
مفتت ن صافی بیرون سرخ اندرون سفید زود کدازنده وبویش میانه حلتیت
وقنه وتیز بوی باشد ش یکدرم تا یکمثقال ص رب السوس ل بازرد سفید با نیم
وزن جاوشیر یا مقل وصبر واشق وجاوشیر از هریک دانک نیم وزن
آن سکر ع بضم اول وفتح ثانی مشدده وسکون راء مهمله ف شکر ط ح را
کویندی ق مجلی ملین ن سفید شفاف هندی ش بیست درم ص رمان ترش
وسائر حموضات یا به وطباشیر ه آلوی سیاه یا مویز خراسانی یا عسل من
سکر العشر ع بضم اول وفتح مشدده وضم راء مهمله وسکون لام وضم
عین مهمله وسکون شین معجمه وراء مهمله ثانی ف صمغی است که از درخت عشر
یعنی آک بیرون می آید ودر موضع کل وی که خشک کرده جمع میشود آنرا
بدین نام خوانند م تبغال وشکر کوهی ط مع سک الکور عنب الثعلب سک
بضم اول وثانی ف مرکبیست کویند عصاره آمله ط ح ی ۲ ق مقوی دل ن
خوشبو ش یکدرم ص صندل آمله وکویند سنبل سک الملک ف مرکبیست
از مازو وقاعزه وفلنجه وبسباسه وصندل مقاصری وسنبل الطیب و
عسل ط ح ی ۲ سکنجبین ف سرکه وانکبین مساوی ممزوج ق مقسی
سلینویه رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون نون
وضم موحده وواو وفتح التحتانی وها ف تخم سپستان وکویند تخم بحکست

تنبیق اللام

تنبیق اللام سلق سلق الماء جار النهر سلتب ع بکسر اول وسکون لام وضم
تیز وفوقانی ف چوب هندی سلفات ع بضم اول وفتح ثانی وسکون حاء مهمله وفا
والف وفوقانی ف سنک پشت ه کچهوا ط مع ق مرطب ن بزرک ص ورد
سلاحته بکسر اول ولام الف وکسر جیم وفوقانی م قسمی از سلارس سلسه
ه سلسی سلور بفتح اول وضم ثانی وواو وراء مهمله ف نوعی از ماهی
است در نیل مصر سلارس ع بکسر اول ولام الف وراء مهمله وفتح راء
مهمله ثانی وسکون سین مهمله ثانی م سایله میعه سلیط ع یونانی بفتح اول
وکسر ثانی وتحتانی وطاء مهمله ف روغن زیت سلق ع بفتح اول
وسکون ثانی وقاف ف چغندر ط ح ی ا ق محلل ملطف مجلی ن شیرین سفید
ص سرکه ل شلغم سمق کثیرا سلم درخت مغیلان سلجم ع بفتح اول و
سکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم ط ح ر ۲ ق مدر ن بستانی تازه ص
توابل ل جزر سلیخه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وفتح خاء معجمه وها ف
پوست درختی است ه تج ط ح ی ۲ کویند ۳ ق مجفف ملطف مدر مفرح ومقوی
دل ومعده ن سرخ سطبر اندک تلخ تمام عضض وچون بشکنند بربو ند لحمی ماند
وور از قصبه وسوراخش مانند قرفه بجیده ش یکدرم ص کثیرا یا لک دارچینی
یا اسارون سلخ الحیة ف پوست افکنده مار ه کینچلی ن ماخوذ از مار سفید
سلاحه بفتح اول ولام الف وفتح حاء مهمله وها حا ضخ بول بز کوهی است که بهنکام
تهییج بر سنک کرده باشد وسنک سیاه میکردد مانند قیر سلافه بفتح اول
ولام الف وفتح فاو ها ف شیره انکور وکویند مزد به سلق جبلی ع ف
حلیو ط ح ر سلق بری ف نوعی از حماض تنبیق المیم سمک صیدا در چشمه بود
نزدیک بمدینه صیدا از زمین شام ومانند ریک ماهی کوچک بود وبحر فصل

بهار که هنگام هیجان انهاست صید اش نتوان کرد خ زنجبیل نمدرم سمیکاع
بضم اول و فتح میم و سکون تحتانی و کاف و الف ف ماهی خورد سم الحمار ع ف
خرزهره سم الفار ع ف مرگ موش ه سنبلکهار ستور جانوریست
مشهور که در ترکستان بسیار می باشد طلطلنک ط ح ی سمندر حیوان مشهور
که در آتش تولد کند ساروغ بفتح اول و ثانی و الف و ضم را مهمله و واو و غین معجمه
ف کلاه ماران ه ککن دهول سماق ع بضم اول و ثانی و الف و قاف ف ترشی
وتتم ه تمایستر ط ب ۲ گویند ای ق قابض و مقوی معده خ تازه و سرخ ص
مصطکی ل حماض اترج یا زرشک گویند خطمی و پرسیاوشان سمسق
بکسر اول و فتح نیز و سکون ثانی و کسر سین مهمله ثانی و سکون قاف ع اذان الفار
سماق بفتح اول و ثانی و الف و قاف ه غله کنکنی سمک ع بفتح اول و ثانی و
سکون کاف ف ماهی ه مچهلی و بین ط تازه او ب ۲ گویند ی ۲ و تمسکو ح ی
ق مقوی مبهی خ صحوری رقیق پوست کوچک فلوس متوسط در خردی و
بزرگی و لاغری و منزه از بد بوی و مسکنش آب شیرین سنگریزه یا رملی
و بر تابه بریان کرده ص عسل و روغن بادام و فلفل و سعد از و زنجبیل مربا
و شراب ل لحم سم السمک ع م ماهیر هرج سماقیل بفتح اول و ثانی و الف و
کسر قاف و تحتانی و لام م شمامه سمسم ع بکسر هر دو سین مهمله و سکون هر دو
میم ف کنجد ه تل ط ح ر گویند ۲ ق ملین محلل مبهی خ تازه بزرگ انه ش یک کف
ص بریان کردن و با عسل خوردن ل زرکتان در تملیس و در معاجین مغز
بادام یا خشخاش عید و عسل سم ع بفتح اول و سکون ثانی ف زهر دوش
ه بس سمین ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و نون ف چربی گوشت
ط ح ر خ ماخوذ از حیوان مستکمل سموریون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و

و واو و را مهمله و کسر موحده و ضم تحتانی و واو ثانی و نون ف کرفس بری
سمقسیمول بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین مهمله ثانی و فتح میم
ثانی و ضم حا مهمله و واو و نون م اذان الفار سمین ع بفتح اول و سکون
ثانی و نون ف روغن گاو ه کهو ط ح ر ق منضج محلل ملین خ تازه ص جمیع مقویات
معده و انار مزمسکن و بضم اول و فتح ثانی و سکون نون ع ورد ابیض ف گل عنبر
سمینون بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و واو و نون م سمنه
و هر ترکیبی که بدترا فربه کند آن را سمنه خوانند سمدر لون ه بفتح اول و ذال مهمله
مشدده و سکون را مهمله ع ملح محیط ف نمک دریا سمدر بهین ه بکسر موحده و فا
و خفا ها و تحتانی و نون ف کف دریا سمنع حب السمنه ف نقل خواجه سمسم بری
م جلنهک ف تخم زرد خار سمانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و تحتانی
ف مرغیست دریائی که وی را قتیل الرعد خوانند بدان سبب که چون
اواز رعد شنود بمیرد تتیق النون سناع بفتح اول و کسر نیز و
نون و الف ه سهون ترز ط ح ی ق مسهل سودا خ مکی و حجازی گیاهی مورد
مانند برگش از زهر طرف املس و حضرتش بزردی مائل و پاک از چوب و حس
ش مطبوخ از چهار درم تا هفت درم کوفته تا سه درم ص هلیله زرد و بنفشه
و ورق گل و صمغ عربی و کتیرا و با اجاص و تمر هندی ل از یکی یک وزن و نیم
سنا رنجدی یا بصری یا دو وزن سنا دیگر و گویند بسفایج و شاهتره
سنکهاراه بکسر اول و خفا و ثانی و فتح کاف فارسی و های هندی و الف
و را مهمله و الف ثانی ثمر مثلث خاردار هندیست بشکل فندق که در آبها رو
و بالای پوست ثمر او سه خار باشد سنبل الطیب ع جهره ط ح ای ۲ گویند ۳ ق مفتح
محلل مقوی دماغ و دل خ سوری تازه سبک خوشبوی چون سعد اشقر گو

خوشه و مخفف زبان وچون نخایند بویش در دهان درنگ کند حس ینمد رم ص
کثیرا یا طباشیر ل دو وزن اذخر یا یک وزن ساذج هندی یا یکنیم وزن اذخر
ونیم وزن ساذج و مصطکی سنبل الکلب میوهٔ درخت سپیدرو کوند کل لسان
العصافیر سنجاب جانوریست مشهور که از پوستین سازند گرمی وی کمتر از
سمور است طح ی سنبوت بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده و واو و فوقانی
ه زیرا سنباذج بضم اول وسکون ثانی وموحده والف وفتح دال مهمله
وسکون جیم ف سنباده ه کرندکه بروا فزارها تیز کنند ط ب ۲ ی ۳ ق مفرح
سنباد بفتح اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی والف ودال مهمله ه
جای تبری سنجرف بکسر اول وسکون دال مهمله اسنجفر بفتح اول وسکون
ثانی وفتح جیم وسکون فا و را مهمله م زنجفر سنوبر بکسر اول وفتح ثانی مشدده
وسکون واو و را مهمله ذکر به ه بلی طح ر سنکور بکسر اول وخفا ثانی
وضم دال مهمله و واو و را مهمله م سرخ سنکو بفتح اول وسکون ثانی وکاف
فارسی وکسر واو وتحتانی و زا معجمه ع زنجبیل ه سوخته سندروس بفتح اول
وسکون ثانی وضم دال مهمله و را مهمله و واو وسین مهمله ف قسمی است از
کهربا که روغن کمان ازوی سازند طح ی ۲ گویند ق مجفف خ صافی
تش نیم مثقال ص لبوزیدان ل کهربا و لک سندوقش یونانی بفتح اول وسکون
ثانی وضم دال مهمله و واو وکسر قاف وسکون سین مهمله م سرخ سندیان
الارض نام فراسیون سنک سکنی کلتهی نام غله ایست سندهان بفتح اول
وسکون ثانی وکسر دال مهمله وها والف ونون ع عود هندی ه اکر طح ی ۳
سن ه بفتح اول وسکون ثانی نباتیست مشهور که در هند ازو ریسمان
سازند ع قنب برم نباری سنکبویه رومی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر کاف

وکسر کاف وسین مهمله ثانی وضم موحده و واو وفتح تحتانی وها ف بجکشته
ل قصب الذریره سنک مثانه ف پتهری که از مثانه آدمیان بیرون می اید ه
سنکهه بفتح اول وخفا ثانی وفتح کاف وهای هندی ف سفید مهره سنبل هندی
سنبل الطیب و کویند دارشیشعان سنبل رومی تاردین سنک بصری ف
توتیای سفالک ه کهبر یا سنکهاهولی ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف
وخفا ها و الف وضم ها ثانی و واو وکسر لام وتحتانی م دوائی مشهور هندیست
طح ق ملین سنندبه ه بکسر اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وخفا
ها وتحتانی ع زنجبیل سنبالی ه موندی شنیق الواو سونا ه بضم اول
و واو ونون والف ف زر وطلا سواد القضاة ع بفتح اول وثانی والف
وضم دال مهمله وسکون لام وضم قاف وضاد معجمه مشدده والف ثانی و
فوقانی م مازو ه ماجوپهل سواریح بضم اول وثانی وفتح را مهمله و
سکون جیم ف نوعی از کف دریا سوسپند بضم اول وثانی وسین مهمله
وفتح موحده فارسی وسکون نون ودال مهمله ه دو دواهی سواد الند
و سواد السند نوعی از سلیخه است که سلیخة السودا گویند ل صدف
سواد النهر کشت برکشت سویق الشعیر ف ست جو ط ب ی ا ق
مقوی دل محلل و ملطف خ بیخ زرد سک سوسمار جانوریست ه
کوه سوسن ع بضم اول وثانی وسین مهمله ثانی ونون ف مهک ه مهر بحی ط
ح ی گویند مع گویند ب ق مقوی دل محلل و ملطف بیخ سک سن
یکمثقال و روتین و بز رحلبه و نیز جانوریست آبی مشهور است بصورت خوک
ومشک بود سونش ع بضم اول وثانی وکسر نون وسکون سین معجمه
ف براده هر چیز را بدین نام خوانند سونف ه بفتح اول وسکون ثانی

وخفاء نون وقاف بادیان سوبق ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وقاف ف
پست وتلقان ه ساتون نه باعتدال بریان کرده وکم نخاله سوسک ف بضم
اول وثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون کاف ف بهنو سورنجان بضم اول و
ثانی وکسر راء مهمله وسکون نون وجیم والف ونون ثانی ف لعبت بربری
ه سنکهار و جنکلی طح ۳ ی ۲ ق مبهی نه مصری که درون وبیرون نش سفید
وو رسکستن صلب تا بنش نیم مثقال تا یکمثقال ص کثیرا وشکر و زعفران
وفلفل وزنجبیل ل بیخ سورنجان ل تربد ودو وزن ان افتیمون ووده یک
آن خربق سفید ودر وجع مفاصل بوزن ان ورق حنا ونیم وزن مقل
الیهود وکویند بوزن ان الخ سوفیطون یونانی بضم اول وثانی وفتح فاء
وسکون طاء مهمله وضم تحتانی وواو ونون م خصی الثعلب سوسن
بضم اول وثانی وفتح سین مهمله وسکون نون ف کلیت مشهور ط
ح ی ۲ کویند مع ق ملین محلل نه آسمانکونی وکویند سفید ازو ش یکمثقال
تا سه مثقال ص کافور یا نیلوفر ل نرکس سوبخریون ه بضم اول وثانی وچهارم
نون وفتح جیم فارسی وسکون زاء مهمله وضم لام وواو ونون ف نمک
سیاه سورن ه بضم اول وثانی وفتح راء مهمله وسکون نون بیخ مشهور
هندی ه بجرکند سوتهه ه بضم اول وثانی وخفاء نون وفتح فوقانی هندی
وهای هندی ع زنجبیل سوسع بضم اول وثانی وفتح سین مهمله ثانی و
ف کرم کندم خوارک وکویند کرمی که در پشم افتد سوری بضم اول
وثانی وکسر راء مهمله وتحتانی ف نوعی از زاج سرخست که زاج کفشگران
خوانند طح ی سوم بلی بضم اول وثانی ومیم وفتح موحده وکسر لام وتحتانی
دوائی مشهور هندیست سون ماکهی ه بضم اول وثانی ونون

ومیم

ومیم والف وکسر کاف وخفاء ها وتحتانی م مرقشیثا تنسیق الیا سهاکا ه
بضم اول وها والف وکاف فارسی والف ثانی ف تنکار سهو راه بفتح
اول وضم ثانی وواو وراء مهمله والف درخت مشهور هندیست که
بالخاصیه بار کردد چوب او نکردد سهجنا ه بفتح اول وکسر ثانی وسکون نون
وفتح جیم ونون ثانی والف درخت مشهور هندیست وکویند فلفل تخم او
است سنهدیی ه بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وتحتانی وکسر
همزه وتحتانی ثانی داوی مشهور هندیست تنسیق الیا الیحا سیا
بکسر اول وتحتانی ثانی والف م نام ماهی مشهور است در نواحی بیت المقدس
سیسا ه بکسر اول وثانی وسین مهمله ثانی والف ف سرب سیاب
بکسر اول وثانی والف وموحده ملقب داود ی القرانا م خلال سیف الغراب
نوعی از سوسن م دلبوس سیت بکسر اول وثانی وخفاء نون وموحده ف قسمی از بالای
هندی شیاف ه بارا سبکران الحوت م اکبر هرج سبهند ه بکسر اول وثانی
وضم ها وخفاء نون ودال هندی م زقوم سیسبنر بکسر اول وثانی وفتح
سین مهمله ثانی وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله م سنبل
ونام ه بزبان طح ی ۲ ل در تحلیل وتلطیف باد روج سیر ه لهسن
سیسالیوس بکسر اول وثانی وسین مهمله ثانی والف وکسر لام وضم تحتانی
ثانی وواو وسین مهمله ثالث ف نوعی از صمغ است مثل انکوره وان
انجدان رومی وکاشم رومیست وکویند تخمی است مثل کمون کرمانی که لوت
برنج دهد طح ی ۲ ق محلل ملطف نه رومی کوچک ورق وبیخش خوشبوئی
وصمغش حیلتیت وتخمش کاشم ش نیم درم ص برطانیقی ل خردل سفید یا
انجدان طیب یا قطر اسالیون سیال بفتح اول وثانی والف ولام ف

بالشهین و بکسر اول اسم هندیست ف شغال سیساروک بکسر اول و ثانی
و سین مهمله ثانی و الف و ضم راء مهمله و واو و نون ف چوب سیاه
دانه طح ی ۲ سیسبان بکسر اول و فتح نیز و سکون ثانی و فتح سین ثانی
و موحده و الف و نون م حب العفار سبکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح
کاف و راء مهمله و الف و نون ع بزر البنج سبند ها لعنی بکسر اول و ثانی
و خفاء نون و فتح دال مهمله و خفاء ها و الف و ضم لام و واو و نون ف نمکنک
سیسون م بکسر اول و ثانی و ضم سین مهمله ثانی و واو و نون درخت مشهور
هندیست سیاه دانه م کلونجی ترقیم الشین المعجمة تشیق اللاف شاهلوج بشین معجمه
و الف و ها و ضم لام و واو و جیم ف شاه الو ع زرد رسیده شاهترج ع
بشین معجمه و الف و ها و فتح فوقانی و راء مهمله و سکون جیم ف شاهتره هیت
پاپرا طح ای ۱ و کویند ب ق مفتح منقی مسهل صفرا نه سبز تازه تلخ بش
از اب آن نیم رطل تا دو ثلث رطل و خشک در مطبوخ تا ده درم و در غیر
مطبوخ تا هفت درم ص لیمو و عسل ل نیم وزن سنا مکی و چهار دانگ وزن
آن هلیله زرد و در بتهای کهنه شادنج بشین معجمه و الف و کسر دال و فتح نون
و سکون جیم م شادنه و حجر الدم ط ناشسته اوح ای ۲ و شسته او
ب اکویند ۲ ق قابض مجفف حابس خون نه عدسی که از عدس نهی تر باشد
و بسیار سرخ سیاهی مائل زود شکن و مغسول ش نیم مثقال ص عصاره
زرشک ل نیم وزن روی سوخته و چهار دانگ وزن ان توتیای کرمانی
یا حجر مقناطیس سوخته ساماخ ف بشین معجمه و الف و میم و الف ثانی و خاء
معجمه هو غله سانوا البخیر ف البخیر و زیری شاه بلوط م بلوط الملک ط
مع ی ا ق قابض ع رسیده و ترش دو درم ص شکر یا عسل ل

خرنوب

خرنوب یا بلوط یا مغزه شاه زانق بشین معجمه و الف و دال مهمله و الف
ثانی و فتح نون و سکون قاف م شهدانج ف تخم بنک شالوک هو بشین معجمه
و الف و ضم لام و واو و کاف م بیخ کویل شاطل بشین معجمه و الف و کسر طاء
مهمله و سکون لام دوای هندیست مانند کات خشک ساتهل طح ی ۳
نی نیم درم شاهفرم بشین معجمه و الف و فتح ها و سکون سین مهمله و فتح فا و سکون
راء مهمله و میم ع ریحان طح ای ۲ ق تخم او قابض و منوم نه هفری که کرمانی و
ریحانی خوانند ص نیلوفر شابه رومی ف فلفل سفید شاه بوی م عنبر شاه جنبی ف
خبا شانه دشتی ه کنکی شنیق الباء الموحده شبع بفتح اول و سکون موحده
مشدده ف زاج بلور سفید و زاک ه بهتری طح ی ۲ کویند ۳ کویند ۲ ق
قابض مجفف نه یمانی سفید مائل بزردی ص مسله و شیر تازه و شکر و لعاب
ل نمک تلخ و نمک سیاه نیم وزن شبت ع بکسر اول و ثانی و سکون
فوقانی هو سودا طح ی ۱ ق منضج نه سبز تازه شکفته کل ش دو درم ص
دارچینی یا قرنفل یا لیمو یا عسل یا شلغم ل نیم وزن تخم هما یا بابونه شب الکبیر
فه خراسانی اجوائن شبلباط بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء مهمله و
موحده ثانی و الف و طاء مهمله ثانی ف کسته شبوط بفتح اول
و ضم ثانی و واو و طاء مهمله هو ماهی رو هو شبزک ف هو چمکادر شبرم
بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون میم قسمی از بنوعاتست هو سولا
طح ۲ ی ۳ ق مسهل صفرا نه سبک که رنگ ان قس مائل سرخی باشد ش دانکی
و کویند نیم درم تا یکدرم ص در سرکه حیا بندن یا در شیر تازه ل
نیم وزن مازریون یا قثاء الحمار شبوفه بفتح اول و ضم ثانی و واو و فتح
قاف و ها م خاهن شب الاسکافه بفتح اول و ضم ثانی و سکون لام و فتح

همزه و سکون سین مهمله و کاف و الف و فتح فا و ها ف قلبه م ساجی شب بازه
و شب پره ف م چکاد ر شبیبی نبجی است مشهور مخدر مکثف تشنیق
التاء الفوقانی شتره ف الکو تشنیق الجیم شجرة الدب م درخت عرعر
شجرة الحیات م درخت سرو شجرة البراغیث م درخت غافث شجرة الوز ف
درخت اهر که ثمره آن لسان العصافیر است شجرة الضفادع م کبیکج ف کبر ورکان
شجرة الخطاطیف مامیران شجرة البنج م درخت کنار شجرة البهق سفیدار ف درخت
پسته شجرة ابی مالک ف نوعی از چوب اشنان شجرة رستم م زراوند طویل
شجرة الدم م شنکار شجرة ابراهیم ف بنجنکشت شجرة مریم م بخور مریم شجرة اسد
ف درخت دیوادار شجرة حره ف ازاد درخت م شیب شجرة الکلة شجرة الله
شجرة بارزه کیلا شجرة موسی م درخت سه کل بدان سبب بموسی علیه السلام
نسبت کرده اند که گویند موسی علیه السلام آتش از آن درخت دید
تشنیق الحاء المهملة شحم الذیب ف پیه خرس ل پیه سنک شحم المرج خطمی
بری شحم البقر ف پیه کاو ل پیه بط شحم الخنزیر ف پیه خوک نا ماخوذ از
خنزیر جوان ل پیه سک شحم الارض ع کبنه وانه شحم البطیخ ف پیه فازق
مسکن اوجاع شحم حنظل م مغز اندرون ق مسهل بلغم نا از یک دانک تا دو دانک
ثلث درمی و نیم درم ص اگر از نکایت شحم او ترسی پس سحق کنند یا مثل او
کتیرا از و قرص تنک سازد و در سایه خشک کنند شحم ع ف پیه م چربی ط
ح ر گویند ب ق ملین غ ارخوان کامل ص لیمو و زنجبیل مربا ل سمین تشنیق الخاء
المعجمة شخار بضم اول و خاء معجمه و الف و راء مهمله م قلیه شخیره
بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و فتح راء مهمله و ها م شخار تشنیق الراء المهملة شراب
خمر و نیز اطلاق کنند بر شربتها شراب سربا بفتح اول و سکون راء مهمله

وفتح

و فتح موحده و سکون مثلثه م فراسیون ف کندنای کوهی شرز منم تیر خفاش
شرنک م حنظل شربتین بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی
و نون ف درخت قطران از جنس شجرة صنوبر ط ح ی ۲ ق قابض شتی نکمتال
ص استسقا ل ابهل شربتی م تخم ریحان کوچکتر شری بفتح اول و کسر
ثانی و تحتانی ف درخت حنظل تشنیق الشین المعجمة شقاقل شستره
بفتح اول و سکون سین معجمه ثانی و کسر فوقانی و فتح راء مهمله و ها نوه تشنیق الطاء
المهملة شطریه بکسر اول و سکون طاء مهمله و کسر راء مهمله و فتح تحتانی و ها
م نوعی از صعتر تشنیق العین المهملة شعیر ع بفتح اول و کسر عین مهمله و تحتانی
و راء مهمله ف جو ط ب ی اگویند ۲ ق محلل غ سفید تازه بزرگ دانه فربه
از آب او صدر رم ص ابازیر کرم ل پشش شعر ع بفتح اول و سکون ثانی
و راء مهمله ف موی م بال ط ح ی ۲ ق مجفف غ موی آدمی معتدل که سوخته
باشند ل صوف شعاریج ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مهمله و تحتانی
و راء مهمله ثانی ف خیارزه م ککری شعر الجبار ع بفتح اول و سکون لام
و کسر جیم موحده و الف و راء مهمله ثانی ف پرسیاوشان شعر الجن ف پرسیاوشان
شعور العقالیه ع بضم اول و ثانی و واو و راء مهمله و فتح صاد مشدده و قاف
و الف و کسر لام و فتح موحده و ها ف زعفران شعیر رومی م خندروس تشنیق
الفا شلیح بفتح اول و سکون فا و فتح لام و سکون جیم م ثمر کبر
شفنین بری ع بفتح اول و کسر نون و سکون ثانی و کسر نون و تحتانی و نون
ثانی ف مرغ یوتیمار نه کوچک تشنیق القاف شقایق شقار م ساجی شقراق ع
بفتح اول و سکون قاف و راء مهمله و الف و قاف ثانی ف مرغیست که کاسه
شکنک گویند و آن کلاغ سبز است شقاقل ف کزر دشتی م بهار که کاجر

برالی وودوهانی وسوالی وکالول وسیالی طح راگویند ح ۳ ی ۲
ف مبهی ومفرح ومقوی دل خ زردهندی ش دو درم ص امله یا عسل
ل بوزیدان یا چلغوزه یا دارچینی وتخم رزدک شقایق النعمان ع گل لاله
طح ی اگویند ۲ گوبند ح راق مجلی جاوس منوم ش نیم درم از گل او ص عنبر
ل شیخ شقردیون رومی بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح دال مهمله وضم
تحتانی وواو ونون م اسقوردیون ف سیرموش تنسیق الکاف شکونا
بضم اول وکاف وواو ومثلثه والف ف تخم کشوت شکرهنج بفتح اول و
ثانی وسکون راء مهمله وفتح ها وسکون نون وجیم م خسک شنک بضم
اول وسکون ثانی ع سم الفار ف مرگ موش کانی شکانغ سنگدانه مرغان
شکاعی ع بضم اول وثانی والف وعین مهمله والف مقصوره ف باد آورد ط
ح ی ۲ گویند ح ای ۲ ق مخلل خ سبز تازه ش دو درم ص عسل تنسیق اللام
شلغفار اصل السوس ه جیتهی مد شلوک ه جونک شل بضم اول و
سکون لام ثمر هندی است مانند زردالو وازاسفرجل هندی خوانند وگویند
پوست ثمر بل است طح ۳ را شلجم ف شلغم تنسیق المیم شمشرا بفتح اول
وسکون میم وکسر شین معجمه ثانی وراء مهمله والف ع اذان الفار سملیت ه
سیتهی شیح م حلزون ف سفید مهره ه سنکه شمار بفتح اول وکسر ثانی
وثانی والف وراء مهمله ف بادیان شمشار درخت شمشاد شمیشیر بضم
اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ثانی وتحتانی وراء مهمله وشوسمیر نیز م قافله
صغار شمع ع بفتح اول وسکون ثانی وعین مهمله موم ف مین طمع ق منضج
ملین خ زرد بی خلط که بوی عسل مانند شمام ع بفتح اول وثانی والف ومیم
ثانی ف دستنبویه ه کچری شمدار عناب تنسیق النون شنج بضم اول

ولکم

وسکون نون وجیم م نوعی از حلزون ف کجک وقصبک ط ب ی گویند ر
شنبلید بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وتحتانی ودال مهمله
ف گل سورنجان طح ی خ سفید تازه شنجارم ابو خلسا شنقار و شنکار
بفتح اول وسکون ثانی وقاف یا کاف والف وراء مهمله شنجار شنکسع
لسان العصافیر ه اندرجو شناک ف مشک ه مشر شنان بضم اول وکسر نیز
وثانی والف ونون ثانی م فراسیون شندله بضم اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وکسر نیز وفتح لام وها م نوردی تنسیق الواو شواصرا
بفتح اول وواو والف وفتح صاد مهمله وراء مهمله والف ثانی ف نوعی از ریحان
طح ی شویلا بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی ولام الف م بر نجاسب
شوکه بیضاف باد آورد شوغار بضم اول وعین معجمه والف وراء مهمله
ف زاک سفید شوشمیر بضم اول وثانی وفتح شین معجمه وکسر میم وتحتانی و
راء مهمله م قافله صغار شونیز ع ف بزار معجمه سیاه دانه طح ی ۲ ق مقطع
محلل مدر ش نیم مثقال تا دو درم ص کثیرا وکاسنی ل صمغ زیتون یا تخم
تره تیزک شوخط بفتح اول وسکون ثانی وفتح خاء معجمه وسکون طاء
مهمله ف خوشه ارزان شوع ع بفتح اول وسکون ثانی وعین مهمله ف درخت
بان شوکة العلک ع بفتح اول وضم نیز وثانی وفتح کاف وضم فوقانی وسکون
لام وکسر عین مهمله وسکون لام ثانی وکاف م نوعی از مادریون شوکة
الدمن ع بفتح دال مهمله ومیم وسکون نون م کنگر شوکران بفتح اول وسکون
ثانی وکاف وراء مهمله والف ونون م تخم بنگ رومی ف دورس ط
ب ی ۴ ق مخدر خ زردی ش نیم درم ص شراب حرف ل بزر البنج وتخم لفاح
شوکع م تکاعی شوی ف بکسر اول وثانی وتحتانی ه تخم لفاح بو

شکاعی بکسر اول و ثانی و تحتانی ه سودا تسبق الباء شهدانج ف
تخم بنگ طح ی ۲ ق مجفف خ بستانی سه درم ص انکه بریان نمایند ل بورن
اوکنجد و نیم وزن فلفل تسبق الباء التحتانی شیرخشت مسبست که در خراسان
چون شبنم بر درخت سیاه چوب که درختیست بی بر و بغایت صلب نشیند
ق مسهل صفرا خ شفاف باشد صمغ ش از سه درم تا سی درم ل بکنیم
وزن ترنجبین یا بکوزن شطرج ف شیره ه جیا طح ی ۲ ق مجلا منفرج خ هندی
ش بکمثقال و کوشند دو دانک ص مصطکی یا ورد و صندل ل فوه یا بیخ
کبر یا عاقرقرحا شیرج بکسر اول و تحتانی و فتح را مهمله و سکون جیم ف
روغن شیرین و روغن کنجد ه مینها تیل طح ر ق ملین ص قوا که قابضه ل
زیت مغسول شیرزج بکسر اول و ثانی و را مهمله و فتح زا معجمه و سکون جیم ف
شیر خفاش طح ی شیرآملج ف شیر امله چون امله را در شیر خیسانند
انرا بدین اسم خوانند ط ب ی ۳ کوینده ح ر ش بکمثقال شیح ه بکسر اول
و ثانی و حا مهمله ف درمنه طح ی ۳ ح ۲ ی ۲ ق مقطع محلل خ ارمنی ش
یکدرم ص ترش یا شراب ریباس یا شراب اترج یا بنفشه ل بزنک با
افسنتین شیرخشیر بکسر اول و ثانی و را مهمله و فتح موحده و سکون
خا معجمه و کسر سین معجمه ثانی و تحتانی و را مهمله ثانیه ف بیخی است زرد
رنگ از هندوستان و کشمیر خیزد ه هربی طح ی ش دانکی تا نیم شیراز
بکسر اول و ثانی و را مهمله و الف و زا معجمه معجم ریحان شیبة العجوز بفتح اول
و سکون ثانی و فتح موحده و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله
و ضم جیم و واو و زا معجمه م اشنه شتیز بفتح اول و سکون ثانی
و زا معجمه م شونیز شیرنجی بکسر اول و ثانی و را مهمله و فتح زا معجمه و سکون

واو و قاف م سیزرج شیرخشک ف بید خشک و بید المسین مسمی است یعنی
نعمتی است که چون شبنم در خراسان بر درخت بید نشیند طح کویند
مع ب ح ق ملین خ سپید شیرین ش ده درم ل ترانجبین شیلم بفتح اول
و سکون لام و ضم یز و سکون میم کویند با سیمین است طح ۳ کویندی ۲ ق
ملطف محلی محلل خ اوکن فربه ص کزبره خشک ل حنطه فومی و در دفع قوبا
کندم شیم ف ماهی شبان بکسر اول و ثانی و الف و نون ف پرسیاوشان
هشیشو و راج شیرابه بکسر اول و ثانی و را مهمله و الف و فتح موحده و ها
ف خشخاش شیح حبشی ف فلفل سیاه شیاف خوزی پوشش در هندی ترقیم
الصاد المهملة تسبق الالف صباب بصاد مهمله و الف و موحده کویند قنا ابخار
است و کویند نوعی از نبو عانست و کویند دیو دار است صابون القاف
م چوبک اشنان صابون م طح ی ۴ ق محرق خ کهنه ص قی کردن با آب
کرم و روغن کنجد و خوردن شوربای چرب یا روغن مرغ ل نوره و
اشنان صاحبه بصاد مهمله و الف و کسر حا مهمله و فتح تحتانی و ها ف
زردک تسبق الباء الموحده صبر م ایلوا و مستر طح ای ۲ کوینده ۳ ق مجفف
مدمل مسهل خ سقوطری که لونش بجگر ماند و بویش بمراد برای چون
صمغ باشد و چون بدست بمالند زود خرد شود و بلون زعفران ماند و چون
بوی روغن کوسفند دهد و مطلقا سنکریزه در وی نباشد ش تا سه درم
و کویند تنها از و دو درم و با دیکر از مسهلات از یکنیم درم تا یکمثقال ص
صمغ و کثیرا ل مراحمر صبارد بضم اول و موحده و الف و را مهمله ف
تمر هندی صیبی بفتح اول و ثانی و تحتانی م عصاره سنا یا سنا
تسبق الحاء المهملة صحناة ماهیابه طح ی ۱ کویند ح ی ۲ ق مقطع محلی

ش یکدرم تا دو درم ص کثیرا و مصطکی و ورد و مقل اگر ذر اسافل شحمی
علتی باشد بیامیزد اورا بمقل جهت مبردی و محروری بکثیرا مخلوط سازد
و اگر در جگر و معده علت باشد با مصطکی و گل سرخ بد بدل حضض و ور
نفخ معده افتیمون تنبیه الدال المهملة حدید زعفران آهن صدید بونیم
عصر الراعی صدف ه سبیج ط ب ای ا ق مجفف خ سفیدی که در ان شیرین
باشد ش از و نیم مثقال و از آب سه درم ص عسل یا عناب ل و زغ یا کهربا
تنبیه الراء المهملة صریرا بفتح اول و کسر راء مهمله و تحتانی و راء مهمله ثانی و
الف م بادروج صرب بفتح اول و سکون ثانی و موحده ع صمغ ه گویند
صرفان ع بکسر اول و سکون ثانی و فا و الف و نون نوعی از خرمای کرخ
فربه ف خرمای مکتوم و اسرب را نیز بدین نام خوانند صرد بفتح اول
و سکون راء مهمله و واو م شوکران صراب حنظل است که تر روخواهد
صرصر ع بفتح هر دو صاد مهمله و سکون راء مهمله اول و فتح راء مهمله ثانی و ها
ف جرواسک ه چتنیکر ش سه عدد یا پنج عدد تا هفت حالو تنبیه العین المهملة
صعتر ع نوعی از بود نه بریست ف او سه د کالونی طح ی ۲۴ ق مفتح ملطف
مفتی خ کوچک ورق ش نیم مثقال تا یکدرم ص سرکه ل فوتنج تنبیه الغین المعجمة
صغبین بفتح اول و سکون غین معجمه و کسر موحده و تحتانی و نون م سکبینج تنبیه
القاف صقر ع بفتح اول و سکون قاف و راء مهمله طائریست شکاری
ف چرغ طح ی صقلیق لکری تنبیه اللام طفل ع بفتح هر دو صاد و
سکون هر دو لام م علکه و عقعق صلصل حیوکا صل بکسر اول و سکون ثانی ف مار ...
که افسون پذیرنیست صلون ع بفتح اول و ضم ثانی و واو و نون م
خرنوب نبطی تنبیه المیم صمع الشدانی ل ده وزن حلتیت صمع المحروث ع

بفتح

بفتح اول و سکون میم و ضم غین معجمه و سکون لام و فتح میم و سکون حاء مهمله
و ضم راء مهمله و واو و مثلثه حلتیت صمغ القنا ر بفتح قاف و مثلثه
و الف و دال مهمله م کثیرا صمغ سفیدار ه گویند درخت کرهی صمغ الصنوبر اتبخ
صمغ الکلکرل بیخ دار شیشعان و ورقی کردن جوز الفی صمغ اللوزم
صمغ بادام خ سپید ما خود از درخت جوان ل صمغ عربی و کثیرا صمغ الاجاص
م صمغ الوق مفتت مدمل خ ماخود از درخت کهن صمغ البلاط بکسر موحده
و لام الف و طاء مهمله ف از سنگ ساخته آن چیز است که ارحام و سنگ
میا زند و گویند از معدن بهم رسد و نام مرکبت که از صبر و مر و خون
سیاوشان و علک انزروت و صمغ عربی از هر یک جزوی اصل
مرجان و زاج از هر یک نیم وزن و کوفته و بیخته باب صمغ عربی
بسرشند و بر دیوار گچی بزنند تا خشک شود و هر چند کهنه شود نیکو
بود صمغ ع صموغ جمع وی ف از دوه گویند طح ای گویند مع ق
مفری خ عربی شفاف سفید صافی بی چوب زود گداز نده در آب
ش یکدرم ص سفرجل و کمتری ل کثیرا صمغ الحرشف م کنگر صمغ البطم م
سقتر صمغ الزیتون اصطرک ل عصاره طراثیث یا شونیز صمغ عربی
ع ه گویند و درخت کیکر طمع گویند ح ب ی ش دو مثقال ص کثیرا و سراب
صندل و گلاب ل صمغ با دام و حب الاس صمغ الکمثری ف
صمغ درخت امرود خ از درخت کهن ش دو مثقال صمغ الجوز الرومی
ع ف کهربا تنبیه النون صندل احمر ع صندل سرخ ه رکت چندن
ط ب ۲ گویند ۳ ل فوفل صنوبر کبار ع درخت چلغوزه طح ا ر ۲ ق مسمن
خ تازه بزرگ سفید ش پانزده عدد ص جوارش سفرجل ل دو وزن

آن خشخاس صنوبر صغار هـ درخت حیده ط مع ح کوینلح ای ۲
کویند ا ل زفت صندل ابیض ع صندل سفید م جذن ط ب ی ۲ کویند
۳ کویند ر ق مقوی دل خ مقاصری ش سم منقال ص حلاب شکر طبرزد
ل اشنه یا موفل تنبیق الواو صوفی الارضا فراسیون صوف ع خ
پشم ط ح ی ۳ ق مسخن مجفف اکال ل شعر صوطه صوطله بضم اول و واو
و فتح طاء مهمله و لام و ها ف نوعی از چغندر ترقیم الضاد المعجمه تنبیق الالف
ضال ع بضاد معجمه و الف و لام ف کنار ر ضان ع بضاد معجمه و الف و
نون ف میش م بهیدی تنبیق الباء الموحده ضبوع جاع بفتح اول و موحده
و عین مهمله ثانی و سکون راء مهمله و ضم و الف ف کفتار ط کوشت او
ح ی ۲ ضب بفتح اول و ضم مز و سکون ثانی ف سوسمار ط ح ی ق پشکل او
مجلی خ متوسط ص حصرم ضبر درخت جوز بوا تنبیق الراء المهمله ضرب
بفتح اول و سکون راء مهمله و موحده م عسل م کویند جانور خارپشت
خرس الفجور ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و سکون لام و فتح عین مهمله
و ضم جیم و واو و راء معجمه ف خسک ضرع ع بفتح اول و سکون ثانی و
عین مهمله ف بستان م جوجی ط ب ی خ ماخوذ از حیوانی که کوشش نیکو
بود و در وی شیر بسیار بود ضریع ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و
عین مهمله ف نباتیست دریایی که بر ساحل دریا یابند ط ح ی ضرم بفتح
اول و سکون ثانی و میم م اسطوخودوس ضرو بفتح اول و سکون ثانی
واو م نوعی از حبة الخضراء ط ح ی ۳ کویند ۲ کویند ح ر ا ق قابض مجفف
خ سبز باره ص سفرجل ضروع الکلبة ع بضم اول و ثانی و واو و ضم عین
مهمله و سکون لام و فتح کاف و سکون لام ثانی و فتح موحده و ها ف

درخت

درخت زقوم تنبیق الغین المعجمه ضغابیس ع بفتح اول و غین معجمه و الف و کسر موحده
و تحتانی و سین مهمله ف خیارزه ضغبوس ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم
تحتانی و واو و سین مهمله ف خربوزه نارسیده ضغابیر الجن بفتح
اول و ثانی و الف و کسر تحتانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم و
سکون نون ف پرسیاوشان تنبیق الفاء ضفدع ع بفتح اول و سکون فا
و فتح دال مهمله و سکون عین مهمله ف غوک و بک م مندک و واو در تنبیق
الواو ضومرع بفتح اول و سکون واو و فتح میم و سکون راء مهمله م بادر وج
ضومران ع بفتح اول و سکون واو و فتح میم و سکون راء مهمله و الف و
نون ف بید مشک ل بدم یا ملیخه تنبیق الیاء التحتانی ضمیران ع بفتح اول
و سکون تحتانی و فتح میم و راء مهمله و الف و نون م ریحان ترقیم الطاء
المهمله تنبیق الالف طالیسفر بطاء مهمله و الف و کسر لام و تحتانی و سین مهمله
و فتح فا و سکون راء مهمله ف پوست بیخ زیتون هندی و آن قشور هندیست
ط مع کویند ی ۳ ق قابض ن نکمشاک ص علل ارسالسوس ل سنبل الطیب
و هم وزن ساوج یا مقل و اهل مساوی با چهار دانک وزن آن کمون
و هم وزن اهل با نوره او عذبه و هم وزن ایست طاووس ع م مبور ط
کوشت او ح ی طاخک ع بطاء مهمله و الف و فتح خاء معجمه و سکون
کاف ف بار درخت نیب م بنولی طالم فز برنج زرد طالیقون بطاء مهمله و
الف و کسر لام و ضم قاف و واو و نون ف نحاسیست مصنوعی که مدبر
کرده باشند بتوبال نحاسی که در کمیز کاخبا نیده باشند طارطقه یونانی بطاء
مهمله و الف و راء مهمله و کسر طاء مهمله ثانی و فتح قاف و ها م حب الملوک
طارقیه یونانی بطاء مهمله و الف و کسر راء مهمله و تحتانی و فتح قاف و ها م

ومنه تسیق الباء الموحده طبقا بفتح اول وسکون موحده وقاف والف م
خندروس طبیخ ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وخاء معجمه خربزه و
ادویه که باب بجوشانند وبپزند طبرزد معرب تبرزد است یعنی نبات
مصری از جنس اول م ایلوج ونمکنک ونمک سنگ را نیز بدین نام خوانند
از جهه سختی وصلبی هر دو طباشیر ع بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه و
تحتانی وراء مهمله ه تیس لوجن طب ی ۲ کویند ۳ ق قابض مجفف مقوی دل
ومعده خ سفید سبک زود خورد شونده ش دو دانق ص کلاب کوبند
رب السوس ل نیم وزن کافور با عصاره لحیة التیس با سه وزن آن مغز تخم
خیار زه وچهار وزن بزرقطونا یا گل مختوم یا کاغذ مصری سوخته یا تخم کاسنی
یا نیم وزن صندل طبار بکسر اول وثانی والف وراء مهمله ف نوعی از انجیر
سرخ بزرک طباق بکسر اول وضم نیز وثانی والف وقاف م عافت طبی
بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی ف بستان تسیق الثاء المثلثه طثج بفتح اول وسکون
مثلثه وفتح راء مهمله وسکون جیم ف مورچه کوچک ه چیونتی تسیق الحاء المهمله طحما
رومی بفتح اول وسکون حاء مهمله ومیم والف م شوکران طحلب ع بضم اول
وسکون ثانی وفتح لام وسکون موحده ف جامه خاب بک وبرزه ه سوال که
در ابهار روید طب ۲ ر ۲ ق رادع آنچه در آبها شیرین روید ص مار الرجان
ل حی العالم طحال ع بکسر اول وثانی والف ولام ف سپرز ه تلی طح ی کویند
ب خ ماخوذ از حیوان جوان فربه طحینه ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی و
فتح نون وها ف ارده تسیق الخاء المعجمه طخیقون رومی بفتح اول وسکون خاء
معجمه وتحتانی وضم قاف وواو ونون ف دوائیست سمی که اهل ارمن بکار برند
بوی زهر آلوده کنند تسیق الراء المهمله طر ع بفتح اول وسکون راء مهمله

وفا

وفا والف ف درخت کز ه جهاو طب ی ۲ کویند مع ح ب ق قابض مجفف
خ آنچه از آب دور باشد ش بجدرم ص روغن بادام یا عسل ل غذیه یا جلنار
طرانیث ع بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله اول وتحتانی ومثلثه وثانی
ف ابل شیرین طب ی ۲ ق قابض خ سفید ش یک مثقال ص کثیرا ل نیم وزن
پوست مرغ سوخته وشسته و دانگی وزن آن عفص وده یک آن صمغ
عربی یا جلنار یا جفته بلوط طرثوث بفتح اول وسکون ثانی وضم مثلثه اول
وواو ومثلثه ثانی م درخت اشق وکویند اشترغار طرسیوج بفتح اول
وثانی وسکون سین مهمله وضم تحتانی وواو وجیم ف ماهی درائی طریخ
بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وخاء معجمه ف نوعی از ماهی کوچک م شاه
ماهی طح ی خ تازه ص روغن وسرکه ل ماهی سنک طرنجومانس یونانی بفتح
اول وثانی وسکون نون وضم جیم وواو ومیم والف وکسر نون وسکون
سین مهمله ف پرسیاوشان طراغوریفاینی یونانی بفتح اول وثانی والف
وضم غین معجمه وواو وکسر راء مهمله وتحتانی وغین معجمه ثانی والف ثانی
وکسر تحتانی وسکون شین معجمه ف بودنه کوهی طرخشقون بفتح اول وسکون
ثانی وفتح خاء معجمه وسکون شین معجمه وضم قاف وواو وقاف ثانی ف کاسنی
بری طب ی ق مفتح ش یکمثقال ص سکنجبین ل زراوند طروقون یونانی
بفتح اول وضم راء مهمله وواو وضم قاف وواو ثانی ونون ف بستان
افروز طرخون ع بفتح اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه وواو ونون م ترخون
ف عاقرقرحای بستانی طب ی ح ۱ ق مخدر ن تازه بستانی ص کرفس ل وتخدیر
قم جل طرفیلن بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وفتح فا وضم نیز وفتح لام و
سکون نون م اسم مشترکست بر چند قوتی وبزبان تحصے التعلب

سهن کوهی طح ی۱۲ طریقون یونانی بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وضم
قاف وواو ونون ف بوتیمار طرنجبین ف طردبلون ترنگبین طردبلون رومی بفتح
اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وتحتانی وضم لام وواو ونون م سیسالیوس
طروقوجون یونانی بضم اول وثانی وواو وضم هر دو قاف وهر دو واو و
نون م زعرور طریغاف یونانی بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وغین معجمه و
الف ونون ف تخم معصفر بشیرازی الکر طرحامیطون یونانی بفتح اول
وسکون ثانی وفتح حاء مهمله ومیم والف وکسر طاء مهمله وتحتانی وضم
قاف وواو ونون ف نوعی از سرمه یا داروی چشم طربیله بفتح اول و
سکون ثانی وکسر موحده وتحتانی وفتح لام وهاء م طریفلن تنبیق الفاء
طفیشل ع بکسر اول وسکون فا وکسر شین معجمه وتحتانی ولام ف عدس مقشر که
با سرکه پخته باشند تنبیق اللام طلیا بفتح اول وکسر لام وتحتانی وسین
مهمله والف ف نوعی از صدف کوچک طلاع ع بکسر اول ولام الف ف
ضمر کهن ونیز بمعنی زرد نیز داروی که باب رقیق کرده بمالند طلح ع
بفتح اول وسکون ثانی وحاء مهمله م موز ه کیلا طلع ع بفتح اول وسکون
ثانی وعین مهمله ف اول میوه خرما که بهار خرما گویند طب ای ۲ ق ممسک ص
تمر وعسل ل کمثری طلق ع بفتح اول وسکون ثانی وقاف ع کوکب
الارض ه ابرک وسود ل طب ای ۲ ق قابض خ یمانی نیک براق ص
روغن وآب گرم ل طین قیمولیا تنبیق المیم طمرا رومی بفتح اول
وسکون میم وراء مهمله والف ف بیدانجیر طمطم ع بکسر هر دو طاء مهمله
وسکون هر دو میم ف سماق ه تن تینک تنبیق الواو طوط ع بضم
اول وواو وطاء مهمله ثانی ف پنبه طولیدون رومی بضم اول وکسر لام
وتحتا

وتحتانی وضم دال مهمله وواو ونون ع عنب الثعلب طوطاقاغیون
یونانی بضم اول وثانی وطاء مهمله ثانی والف وقاف وفتح همزه و
سکون غین معجمه وکسر راء مهمله وضم تحتانی وواو ونون ع سلق جبلی م حلیمو
طواره یونانی بفتح اول وواو والف وفتح راء مهمله وها ف پش تنبیق الها
طهف بفتح اول وسکون ها وفا ع ذرت یا طعامیست که ذر سازند
تنبیق الیاء التحتانی طیا یونانی بفتح اول وتحتانی والف ف
توت در طین قیمولیا سنگ رخام ل طین مصر طین الوب ع م اذخر طین الحکمة ع ف گل
حکمت ه ان مرکبست طینوس ع بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وواو
ومثلثه ف عود سنگ ل زرایح با کرم سبز درخت صنوبر طیهوج ف
تیهو ه پودنا ت فربهی که در فصل خریف بگیرند طین اصفر ع طین الصنم است
زرد تیره رنگ که هندوان در قشقه بکار می برند ه پیوری طین احمر ع ف
گل سرخ که آنرا مغره نیز گویند ه گیرو طین اخضر ع ف نیل طین شاموشی ف
کوکب ساموس ه ان قایم مقام گل مختوم است ط معج ب طین مختوم ع ف
گل مختوم گل سرخ رنگست بغایت املس ط معج ب ق قابض ومعرق ومقوی
دل وحابس دم ومدمل ش دو درم ل در زمانه بدل ندارد و در قبض خون
مغره یا طین ارمنی که بخون بز کوهی سرشته باشند طیلافیون یونانی
بفتح اول وسکون ثانی ولام الف م فتح فا وضم تحتانی وواو ونون ف
نوعی از حی العالم طیطان سریانی بکسر اول وثانی وطاء مهمله ثانی والف
ونون ف کندنای صحرائی طین ع ف گل ه مٹی ط مجموع گلها ب ق
مجفف ش یکدرم ص هندبا ل از بعضی بعضی طبقی رومی بکسر اول وثانی
وکسر قاف وتحتانی م وادی طین ارمنی ف گل ارمنی گلیست تیره رنگ

طب ی خ وردی به رمل وبعد از سحق چون بر زبان بنهند بچسبد ص کلاب
ل طین لاکی طین قبرسی کلیست سرخ گلگون چون در دست بمالند سرخی
او درو رست مالد و چون بشکند در اندرون وی رگهای زرد بود و چون
بر زبان بنهند بلعابت بچسبد ل طین مختوم طین فارسی گل سرشوی طب ی
خ مائل بسرخی ش دو مثقال طین نیشابوری گل ماکول خراسانی او از خام و
بریان کرده بخورند و بدان تنقل نمایند ش یکدرم تا دو مثقال ظرقیم الظار
المعجم سیق الباء الموحده ظبی ع آهو م هرن و مرک ظخرم بفتح طاء معجمه و سکون ظا
معجمه و سکون خا و راء مهمله والف ف بودنه بری ظلقیره العجوز ع بفتح اول
وکسر ثانی و تحتانی و فتح راء مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله
و ضم جیم و واو و زاء معجمه ف خار خسک ظعیره ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی
و فتح راء مهمله و ها ف بودنه بری تسیق اللام ظلف ع بکسر اول و سکون لام و فا
ف سم م کهر طب ی ۲ ق مجفف خ سخت ص ابد ل شاخ ظلم بفتح اول و
کسر ثانی و تحتانی و میم ف و کر انعام تسیق الباء التحتانی ظبان ع بفتح اول
و تحتانی و الف و نون ف یاسمین بری که کوچک دارد م جا هی جو ہی طح
ی ۲ ق محرق کادی س روغن گل ل دفلی و عفص ترقیم العین المهمله تسیق الالف عاقرقرحا
ع بعین مهمله والف و فتح هر دو قاف و سکون هر دو راء مهمله و حاء مهمله والف
ثانی م عود القرح نیز گویند م اکر کرها طح ی ۲ ق محلل جاذب ملطف خ تیز محرق
گزنده زبان قربه غلیظ و بعد از شکستن درونش سفید باشد ن دود اب
ص مویزج یا رب السوس ل در غرغره فودنج و در مرضهای معده را سن
یا دار فلفل و عسل و گویند شیطرج عاقر شمعا بعین مهمله والف و کسر قاف
و سکون راء مهمله و فتح شین معجمه و سکون میم و عین مهمله ثانی والف ثانی م

شنگار

شنگار علجع ف دندان فیل م ہاتهی دانت طب ی ق مجفف خ سفید یا
ش نیم درم از نشاره او ص لب الصنوبر ل شاخ بز عاقول بعین مهمله والف
و ضم قاف و واو و لام ف درخت ساج م سال تسیق الباء الموحده عبعب
بفتح اول و سکون موحده و فتح عین مهمله ثانی و سکون موحده ثانی م ثمر کاکنج
ف کجو مو عبب بفتح اول و ثانی و سکون موحده ثانی ف کجو مو عبهر ع
بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و سکون راء مهمله ف نرگس عبیر زعفران عبیط
ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و طاء مهمله ف پسته تسیق التاء الفوقانی عتم
بفتح اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کوهی طح ی تسیق الجیم عجم الزبیب
ع بفتح اول و سکون جیم و ضم میم و سکون لام و فتح زاء معجمه و کسر موحده
و تحتانی و موحده ثانی ف دانه مویز م داکه کی بیج طب ای ۲ عجب بفتح اول
و سکون ثانی و موحده م حب النیل تسیق الدال المهمله عدرنا سریانی بفتح اول
و دال مهمله و راء مهمله و نون والف م کندش عدس الماء ع ف
سبزیست مانند دانه عدس بر روی آب مثل زنگ پیدا میشود عدس مر
مسک تلخ ل نیم وزن دانه حنظل و دو وزن عدس با فودنج جونی عدس
ع ف بنوسرح م مسور طب معح ب ۲ پوست او ح امقشر ب ۲ گویند ای ۳
ق نفاخ قابض غ سپید بهن که زود پخته شود و در آب سیاه نشود ص
رازیانه و صعتر ل ماش یا باقلا تسیق الذال المعجمه عذب ع بفتح اول و سکون ذال
معجمه و موحده و ها جز نارنج و ثمرة الطرفا تسیق الراء المهمله عرطینثا
بفتح اول و سکون راء مهمله و فتح طاء مهمله و کسر نون و تحتانی و مثلثه والف
ف چوبک اشنان ل زراوند طویل یا فودنج یا دانه اترج عروق حمر اع م فوه و
روناس ع طب بفتح اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و سکون موحده

م خشک عرعر بفتح اولی هر دو عین مهمله و سکون هر دو را مهمله ف سرو کوهی و
درخت در هل طح ۳ ی ا ف ملطف ۂ سرخ توتیٔ سم مثقال ص ملوط ل جوز السرو
عرارع بفتح اول و ثانی و الف و را مهمله ثانی م بابونه عروق الصوفر بضم اول
و ثانی و واو و ضم قاف و کسر صاد مهمله مشدده و سکون فا و را مهمله م دو نوع
بزرگ او زردچوبه و جوز دوی مامیران ف دار زرد و زردچوبه ء هلدی ط
ح ی ۳ گویند ۲ ن محلل ملطف مدر ۂ سخت سکننده ش بخدر م ص قرص کافور ل نیم وزن
مامیران یا نیم وزن قاقرحا عروق الشجر کند و گویند عروق الصباغین عرق الکافور غ
زرنباد عرق یابس ء زنکهای عروق ابیض ء بوزیدان عرمض بفتح اول و
سکون ثانی و فتح میم و سکون ضاد معجمه ء اوشت کتارا عرف بخدی بضم اول
و ثانی و سکون فا قصب ف نی عروق الاصفر ف بوست بیخ کبر ط
ی ح ۂ باریک ش مثقال ص عسل ل در ادویه سبز زجها زلک و وزن ان حلتیت
یا سکنجبین عصف بفتح اول و سکون ثانی و فتح صاد مهمله و سکون فا م
کافیطوس ف ماش دارو عروق ء ف بیخها عروسک ء گرم پسر بهو تی عصم بمعنی یکسر اول
و سکون ثانی و کسر صاد مهمله و سکون میم ف بادنجان عروق داذهرم بدال مهمله و
الف و را مهمله و فتح ها و سکون ها و کسر را مهمله ثانی و سکون میم ف بیخ مهک
عرم بفتح اول و سکون ثانی و میم ف نوعی از ماهی عروق الصباغین ف زردچوبه
عرن بفتح اول و ثانی و سکون نون ف چیزیست که زیاده میشود و ظاهر
میکردد نزدیک زانو و سم است ۴ عظم ستق ء کهوری کا پر عروسک درزه
اکالکج عفص بری بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون جیم م ساوج شیق ازاد
المعجمه عزبر الصغیر و کبیر قنطوریون دقیق و غلیظ شیق البین المهمله عسل
والطبرزد ف شیر شکر و شیره نبات ء رس طح را عسل داود او ما لی عسل النحل ۴

بفتح اول و سین مهمله و ضم لام و فتح نون مشدده و سکون خا معجمه ... لام
ف شهد ء مهو و مد طح ی ا ف مدمل مجلی او ساخ ۂ صادق الحلاوه خوشبوی
سپید سرخی مائل ربیعی بعد از ان صیفی ش دو وقیه و در معجون ا برابر ادویه تا
برابر ص انار و حماض اترج و ربوب فواکه دخل ل مفتح تیخ شیرین یا من عسل لبنی
ع ف میعه سایله تسیق الشین المعجمه عشر بضم اول و سکون شین معجمه و را
مهمله از نوعات ء درخت اک ط ی ح ۴ ق محرق ش از نکراو دو درم ص
نشستن در اب سرد ل شیرم عشرق بضم اول و سکون قاف ف مرو رتک
عشقه ء بفتح اول و کسر ثانی و فتح قاف و ها ف نوعی از لبلاب تسیق الصاد المهمله
عصاره مامیثا ف شیاف مامیثا ط ب ی ۂ زرد سبک ل حضض یا پوشش در
بندی عصب بضم اول و صاد مهمله و الف و موحده ف پی ء عنس عصاره
غافث ف افشرده غافث عصاب بضم اول و صاد مهمله و الف و موحده م
سیطرج ش یکمثقال ص مصطکی ل سه وزن سماق یا سه وزن غافث عصاره طراثیث
بیخ افشرده امل ل عصاره قرط عصاره البنج افشرده بزر البنج عصاره عوسج عصاره
خشخاش اسود ف افیون عصفر ء بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و سکون را مهمله م
خشق و حسک ء کسنبه ط ح ا ی ا ف محلی ۂ سرخ نوص روغن بنفشه ل زهره
الملح یا اردسعر جل عصفور ء بفتح اول و سکون ثانی و ضم فا و واو و را مهمله
ف گنجشک ء خالی جری و بکیر ط ی ح ی ۲ ۂ فربه صید عصاره شجر الجوز ف افشرده
درخت کردکان ل مرزنجوش عصاره لحیه التیس ء افشرده درخت بیرس
ۂ تازه ل اقاقیا عصاره عنبر باریس ف افشرده زرشک ل دو وزن زرشک منقی
عصاره المثل و عصاره الکوکنار رب السوس ف بشیرازی اب خشک شده مهک ط
مع ح ر عصاره القرظ اقاقیا عصاره افسنتین افشرده افسنتین ص ا ریوند

ل سه ورزن ورق آن عصارة ثعالبي النعمان افشرده لاله ل عصاره بخور مریم عصفر
ه بضم اول و سکون ثانی و کسر فا و تحتانی و فتح را مهمله و ها ف خیر زرد عصب
بفتح اول و ضم نیز و سکون ثانی و فتح موحده و ها ف ریحان سلیمان و گویند لبلاب
عصی الراعی ع بفتح اول و ثانی و الف مقصوره و را مهمله مشدده و الف و کسر
عین مهمله و تحتانی ف کسته ه لال ساک ط ب ۲ ی ۲ گویند رغ بستانی سرخ مائل بسیاهی
ص صندل عنب الثعلب تبسق الضاد المعجمه عضاة بفتح اول و ضاد معجمه و الف
و فوقانی ف هر درختی که خارناک بود بدین نام خوانند عنصر بکسر اول و سکون
ثانی و کسر را مهمله و سکون سین مهمله ف خطمی بری عنصل بفتح اول و ثانی و سکون
لام م عنصله ف مشک و ماهک عصابه م حنب تبسق الطاء المهمله عطب ع بفتح اول
و طا مهمله و سکون موحده ف پنبه عطارد سنبل رومی عطفل ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح فا و سکون لام ف بید مشک تبسق الظاء المعجمه عظم ف استخوان
ه و ۲ د ط ب ی ق مجفف ن سخت کاواک ص بزرقطونا ل جند ف عظلم ع بکسر اول
و سکون ثانی و فتح لام و کسر نیز و سکون میم ف درخت نیل عظایه ع بضم اول
و ثانی و الف و فتح تحتانی و ها ف حیوانی است سام ابرص آسا گویند نر او را
دو ذکر است و ماده او را دو فرج تبسق الفا عفص ع بفتح اول و سکون فا
و صاد مهمله ف مازو ه ماجو بهل ط ب ۲ گویند ای ۳ گویند ۲ ق قابض و حابس
خون غ سبز بی سوراخ ش یکدرم ص لب صنوبر ل جفت بلوط و ثمرة الطرفا و
ربّ و حب الآس و قشور الرمان و اهلیلج اصفر و ردو ابی همه مانند یکدیگر
در طبیعت تبسق القاف عقید العنب ع بفتح اول و کسر قاف و تحتانی و ضم
دال مهمله و سکون لام و عین مهمله و فتح نون و سکون موحده ف دوشاب
انگور عقاب ب بضم اول و ثانی و الف و موحده ف آله ه کنده ط ح ی عقرب

کژدم

ع ف کژدم ه بچهو ط ب ی ق شکننده سنگ غ زوال ضعیف و لاغر الذ باده
باشد و نیش او تسطیر باید و سوخته ن از سوخته او بکند انق ص دوا الجیه ل حبه حصاب
حوش عقار ع بضم اول و ثانی و الف و را مهمله ف شراب ع خمر عقیق ع
سنگ مشهور ط ب ی ق مجفف یمنی غ بسیار سرخ شفاف ش بیمدرم ص تخم کدو
ه کهربا عقعق ع بفتح عینین و سکون قاف ف قالنجه ه مهوکا ط ح ی عقار ادم
ع مغاث عقربان بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مهمله و موحده و الف و نون
م اسقولوقندریون ف زنگی دارد عقارکوهان رومی بضم اول و ثانی و الف
و را مهمله و ضم کاف و واو و ها و الف ثانی و نون م عاقرقرحا عقرب بحری ع ف
کژدم آبی و آن ماهی است که بر سر وی خاری بود که بدان بگزد و بزند ه سنیکه
مچهلی تبسق الکاف عکوب ع بفتح اول و ضم کاف و واو و موحده م کنگر عکر الزیت ع
بفتح اول و ثانی و ضم را مهمله و فتح زا معجمه مشدده و سکون تحتانی و فو
ف دردی زیت غ کهن عکرع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون
را مهمله ف مومیائی بحله الشیرازی بر موذ گویند و سنج الکور همین است ش
یکمثقال تا دو مثقال عکرس ع م ارنب علک ع سعد عکنه بفتح اول و سکون
ثانی و فتح نون و ها م سورنجان تبسق اللام علیق الکلب ع بضم اول و فتح
لام و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون تحتانی
و ضم قاف و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث و موحده ف
درخت سه کل غ عصاره وی که در آفتاب خشک کنند ل شوکه المصریه
علث بکسر اول و سکون ثانی و مثلثه ف کاسنی بری علک الابنباط ع قلقونیا
و آن نوعی از راتنج است ف زنگبار علوقی ع خیاری ه جزر علک
الانباط ع م صمغ بطم ف سقز و صمغ درخت خنجک ط ح ی ۲ گویند را ق

منضج خ زرد معتدل القوام بتفتح حص مفتحه باب طبیخ مورد ل مصطکی
علیق ع بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی وقاف ف درو توت سه کل
ط ب ای ق قابض خ تازه ش از بیخ او در درم ص بیخ مهک ل شکوفه انار علق
ع بفتح اول وثانی وسکون قاف ف زالو ط ب رق جاذب خون خ انچه
در آب شیرین باشد ص باشیدن خاکستر بران عضو ل خراطین علک ع بکسر اول
وسکون ثانی وکاف ف هر صمغی که توان خایید علک البطم م سقز علقم ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح قاف وسکون ثانی وفتح قاف وسکون میم م حنظل وکویند
قثاء الحمار وهرچه تلخ بود از اعلقمه خوانند علس بفتح اول وثانی وکسر سین
مهمله وتحتانی ف حرتر علک بغدادی م مصطکی خ سفید مایل بزردی تشیبق الیم عملج ف
نوعی از خربوزه که کوشت او سرخ وسبز بود واو را همچنان بالحم خورند
م خربوزه رستان عمزد بفتح اول وسکون میم وفتح زار معجمه وسکون دال
مهمله م کرفش عمار بفتح اول وثانی مشدده والف ورار مهمله ف مورد تشبیق
النون عنقاف سیمرغ عنب ع بکسر اول وفتح نون وسکون موحده ف
انگور ه داکه پوست او ب ی وکوشت او ح ر ودانه او ب رق معدی محلل
خ سپید رقیق شیرین ص جلبجبین ل زبیب عنب الثعلب ع بفتح مثلثه وسکون
عین مهمله وفتح لام وسکون موحده ف روباه تنک ه مکوی ط ب راکویند
کوشنح راق رادع خ زرد تازه ص قند با عسل ل ساده وران یا بطباط
عناب ع بضم اول وثانی مشدده والف وموحده ف جیلان وسیلان ه
ولایتی سپر ط مع کویند ب اق ملین خ جرجانی تازه کرم نخورده شیرین
ش در مطبوخ پانزده عدد ص شکر ل کشمش یا مویز منقی یکینم وزن آن یا
سبستان عندلیب ف مرغ هزارداستان عنکبوت ع ف دیوپا ه مکری ق منشف

نخ انجه

خ انجه تنیده او سپید باشد ص سرکه وروغن گل ل اسفنج عبرود ع خاود ل عنزروت
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح زار معجمه وضم رار مهمله وواو وفوقانی ف
انزروت عنجد بضم اول وفتح نون وسکون ثانی وضم جیم وسکون دال
مهمله ف دانه مویز عنبر ع عطریست مشهور ط ح ی ق مقوی دماغ ودل
خ اشهب چرب سپید سست سبک ش دانگی ص صمغ عربی با بوشد کافور
وخیار ل دو دانگ فرزن آن مشک ودانکی زعفران بوزن ان مشک
ومراد زعفران عنقر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون رار مهمله م
مرزنکوش عناق ف بزغاله عنصل ع بضم اول وسکون ثانی وضم صاد
مهمله وسکون لام م اسقیل ف پیاز موش وپیاز دشتی وکشیده موش
ه کاندا عندم بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون میم ف بقم
عنم بفتح اول وسکون ثانی ومنم ف کلنار عنب الجب ع ثمر هزارجشان ودم
کبر رانیز کویند تشبیق الواو عود الصلیب ع م فادانیان وآن چیزیست که بکردن
کودکان آویزند عوسج ع بفتح اول وسکون واو وفتح سین مهمله وسکون جیم
ف نوعی از علیق است ونوعی از دام غیلانست وچون خشک شود ازا
صریع خوانند ط ب ۲ ق رادع غ بیابانی سبز ورق ص کثیرا یا مصطکی ل اشنه
یا فوفل جهت درمهای کرم یا علیق عود الوج ف چوب اکر ه ح عود الغالوفی شکار
عود الریح ع بکسر رار مهمله وتحتانی وحار مهمله اسمی است مشترک بزبان شام
فادانیان وبزبان مصر ماميران ونام قسر اصل انبر باریس که انرا انبر بریی و
آارعیس کویند وعود الوج رانیز بدین اسم خوانند عود الطکس ع م
کندش ه تک جکنی عود بلسان ع ف چوب بلسان ط ح ی ۲ ق املس اسمر خوشبوی ش
نیم مثقال ل حب بلسان عود الدرقه ع بفتح اول مهمله وسکون رار مهمله وفتح قاف

وا مفتح بهنا مکدان عود هندی اگر که از وجوده سازند طح ی ۲ ق مفتح مدر
مقوی دماغ ۶ مندیتی ش نیم درم تا یکنیم درم ص ورق گل سرخ ل در شکم
بستن صندل زرد و درمتعاجین دو دانگ وزن آن دارچینی و دو دانگ
وزن آن زعفران و دو دانگ وزن آن زراوند مدحرج و گویند مصطکی
و سنبل تشیتق الها عهن ۶ بکسر اول و سکون ها و نون ف صوف و پشم
تشیتق الیا التحتانیه عیوب ۶ بفتح اول و سکون تحتانی و ضم سین مهمله و واو
و موحده م اذان الفار و پادشاه زنبور را نیز بدین نام خوانند عین الدب
جسم خرس عین الهدهد اسم نباتیست با قریقنیه که معروفست با ذان الفار
رومی عین البقر نزد اهل مغرب و اندلس اجاص است و گویند انگور سیاه
کلان که صادق الحلاوه نیست عیدان البطباط و چوب گسته عیثام
۶ بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه و الف و میم ف درخت خیار عین ۶ ف چشم
عیزران یهودی بکسر اول و ثانی و زاء معجمه و راء مهمله و الف و نون م قسمی از
زعرور طب ی ۲ ق قابض ۶ انجه بوی سیب د هد ص عسل ل سفرجل عیون
الدیکه ۶ بفتح اول و ضم ثانی و واو و نون و کسر دال مهمله مشدده و تحتانی
و فتح کاف و ها ف چشمک خروس و حب سرخ ه کهونکچی و رتی طح ی ترنم التیر المعجم
تشیتق الالف غالالوطبا یونانی بعین معجمه و الف و لام الف و ضم
لام ثانی و واو و طاء مهمله و الف ثانی م باقلای قبطی غافث بعین معجمه و
الف و فاء فوقانی از کوهستان حوالی شیراز ها آورند و آن گلیست
لاجوردی رنگ و در اشکال برگ شاخ بدرازی یک گز و گل و شاخ و ورق
همه تلخ بود چون صبر طح ای ۲ گویند ب گویند مع ح ی ق مفتح و مقوی کننده
۶ فارسی که از کوهستان حوالی شیراز آرند ش نیم مثقال ص انیسون

بادرول اساروان و نیم وزن افسنتین م غار مشهور است طح ی ۲ ق
محلل ملطف ۶ ورق او و بری ش نیم مثقال قی طباشیر ل برگ سبز یا شونیز
غاسول ۶ بغین معجمه و الف و ضم سین مهمله و واو و لام م اشنان غاریقون ام
طح ای ۲ ق محلل مقطع مفتح مسهل بلغم و سوداء ۶ سپید زرد ریزنده ش از یکدانگ
تا دو دانگ و گویند از ثلث درم تا یک مثقال ص سکنجبین یا مصطکی ل در مسهلات
بلغمی و سوداوی تربد و دو دانگ وزن آن افیتمون و ده یک وزن آن حریق
سفید یا نیم وزن فرفیون یا نیم وزن صبر غاغه عمانی بعین معجمه و الف و فتح
عین معجمه ثانی و ها م فودنج غالیه مرکبیست معطر از مشک و عنبر و کافور و روغن
بان طح ۲ ی ا ق ملین و مقوی دماغ ش مثقال ص کافور ل لادن و روغن بان
تشیتق البا الموحده عبیزاء ۶ بضم اول و فتح موحده و سکون تحتانی و
راء مهمله و الف ف سنجد ط ب ای ۲ مع یحار ق قابض ۶ پر گوشت فربه
ص قایتدل بندق عبار الزخله ۶ بضم اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله اول و راء مهمله
مشدده ثانی و خاء مهمله و الف ثانی ف گرد آسیا تشیتق الدال المهمله عندد
بادنجان تشیتق الراء المهمله عرسا ریس غرب ۶ بفتح اول و راء
مهمله و سکون موحده م درختیست که از اطار خوانند و بشیرازی ورک گویند
بزرگ و سطبر بود و او را خارها باشد و قطران از آن حاصل شود ۶ اهل
ط ب ای ۲ گویند پوست سوخته او و بیخ او ق مجفف ۶ صمغ مدوی ص
جلاب ل صفصاف غریب بفتح اول و ثانی و کسر موحده و تحتانی و موحده
ثانی ف نوعی از انگور سیاه غرا الجلود ۶ بفتح اول و کسر زاء و ضم ثانی و سکون
لام و ضم جیم و لام ثانی و واو و دال مهمله ف سریشم طح ی اعرقد بفتح اول
و سکون ثانی و فتح قاف و سکون دال مهمله م نوعی از عوسج غرز بفتح

اول وثانی وسکون را، مهمله ثانی م نوعی از عصی الراعی که معروفست بماده
غزالسمک ف سرشم ماهی طح ی ۲ خ سفید خش عزم بضم اول وثانی و
سکون میم ف کشن دشتی وکوسفند غری غاغ ف سرشیم پوست گاو یا گاومیش
را در آب می پزند وصاف می نمایند وقرص میسازند طح ی ۲ ق مغری مجفف
خ سفید صافی ش بیمدرم ص طبیخ الاصول ل نعیق رفت تشبیق الزار المعجمه
غزال ع بفتح اول وزار معجمه مشدده والف ولام ف بنرجرد وبکسر اول وثانی
مخففه ف آهو بره تشبیق الشیا المهمله غباً ثلج غبا کرطینتا غاکیاه پیچان که عشقه
است عسل بفتح اول وسین مهمله وسکون لام ف خطمی تشبیق اللام علیجن
اغربا سریانی بضم اول وفتح لام وسکون تحتانی وکسر جیم وسکون نون
وفتح همزه وسکون غین معجمه ثانی وکسر راء مهمله وتحتانی والف م مشکطرا
مشیع ف بودنه کوهی علجن پودنه واعریا کوه علوقیریا یونانی بضم اول
وثانی و واو وکسر فاو تحتانی وکسر راء مهمله وتحتانی ثانی والف م اصیل
السوس غلیوازه ه حیله علیجی سریانی بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی
وکسر جیم وسکون نون ف پودنه بری تشبیق المیم عملول بفتح اول وسکون
میم وضم لام و واو ولام ثانی قثاء بری ف سوزه غمام بفتح اول وثانی و
الف ومیم م الفسح تشبیق النون عنقیلی بضم اول وسکون نون وکسر قاف
وتحتانی وکسر لام وتحتانی ثانی ف شلغم تشبیق الواو عوکب بفتح اول و
سکون ثانی وکاف ف بیک ه مندکل غوزه ف اول هر میوه غوشنه وعوشینه
بضم اول و واو وکسر شین معجمه وفتح نون وها دیگر بفتح اول وضم نیز وکسر
ثانی وتحتانی وفتح شین معجمه وها هرطر م نوعی از کمات وفطر تشبیق الیا
الیخ غنیم م غنام غیاربه م عنب الثعلب ترغیم الفا تشبیق الالف

فانبرا

فانبرا یونانی بفاوالف وشین معجمه وراء مهمله والف ثانی م هزارجشان
وهزارفشان وکرمته البیضاء وکرم دشتی ف ژوشس طح ی ۱۲ ل دروغ
وبیم وزن بسبا فافیرا ع بفاوالف وکسر فاء ثانی وتحتانی وراء مهمله والف
ثانی م برودی فاوانیا یونانی بفاوالف و واو والف ثانی وکسر نون وتحتانی
والف ثالث م عود صلیب طح ی ۲ کویند معرح ق قابض مجفف مفتح
مدر ومقوی دل خ سطبر رومی ش نیم مثقال ص کثیرا ل غاریقون وزراوند
مدحرج یا زفت یا پوست انار وفوذوتنور ومغز ساق آهو چون هرسه جمع
کنند بدل شود فادج بفاوالف وفتح دال مهمله وسکون جیم سنگی
زرد است که بسفیدی زند وسبزی ف پازهر کانی ه زهر مهره خ جنی فاذو
بانجی فانیذ بفاوالف وکسر نون وتحتانی ودال معجمه ه نبات ه طح را کویند
طح ی ۲ خ سپید فادزهر ع باذزهر و هرداروی که حفظ روح ودفع خرسم
کند بان اسم خوانند وانچه مخصوص است حجرالتیس وحجرالحیه وباد زهر
کانی فارع ف موش ه چوها فانانثش اسفلینوس یونانی بفاوالف ونون و
الف ونون ~~وشین معجمه~~ والف ثانی وکسر قاف وسکون سین مهمله وفتح همزه و
سکون سین مهمله ثانی وفتح قاف وکسر لام وتحتانی وضم نون و واو وسین
مهمله ثالث م نوعی از دوقوی کسر قالرغوش یونانی بفاوالف وکسر لام و
سکون راء مهمله وضم غین معجمه و واو وسین مهمله ف مرغ العلق فاره البیش
بیش موش کور فاغوش سریانی بفاوالف وضم غین معجمه و واو وشین
معجمه م شیطرج فاظ رومی بفاوالف وظاء معجمه م حدوار فاشرستین یونانی
بفاوالف وکسر شین معجمه وسکون راء مهمله وکسر سین مهمله وفوقانی وتحتانی
ونون یعنی واقع شصت علة ف سشبندان وسیاه دارو طح ی ۲ ق

مجلی ملطف ش نیم مثقال ص زراوند ل بوزن او درفع فنیم وزن ب سح
کافنس حم وفتو لکیو نانی بفا والف فنون والف ثانی وکسر قاف وسکون
سین مهمله وفتح حار مهمله وسکون جیم وضم رار مهمله وواو وفتح نون ثانی
وضم فوقانی وواو ثانی ونون ثالث ف نوعی از زوفرا کوچک فانافش
ایرافلیون یونانی بفتح همزه وسکون موحده ورار مهمله والف وفتح قاف وسکو
لام وضم تحتانی وواو ونون ف درخت جاوشیر فاون فیتوار فاخته بفا
والف وکسر جیم وفتح سین معجمه وها جند بیدستر فاعنه ع بفا والف وکسر
غین معجمه وفتح تحتانی وها ف کل حناط سح ب وهر نوری که خوشبو بود انیز
باین اسم خوانند م قل ف بیخ نیلوفر هندی فاغره ع بفا والف وکسر غین
معجمه وفتح رار مهمله وها ف فاخره وکبابه شکافته فاخته ف بندکی ط کوشتا و
ح ی تنبیق الجیم فجل ع بضم اول وسکون جیم ولام ف ترب ج مولی ط
برک او ح ۳ ی ۲ ق ملطف ورک ا ومفتح غ بستانی سبز تازه از مربای
او ش ده درم ص عسل تنبیق الرار المهمله فوت بفتح اول وسکون رار مهمله
وفتح فار ثانی وسکون فوقانی ف شاهتره فرفخ بفتح اول وسکون ثانی
وفتح فار ثانی وسکون خار معجمه م بقلة الحمقا فرصاد ع بکسر اول وفتح ینر و
سکون ثانی وصاد مهمله والف ودال مهمله ف توت فرفیر بفتح اول
وسکون ثانی وکسر فار ثانی وتحتانی ورار مهمله ثانی ف بنفشه فرفخیر
بفتح اول وسکون ثانی وفتح فار ثانی وکسر خار معجمه وتحتانی ورار مهمله ثانی
م بقلة الحمقا فرنجمشک بفتح اول وثانی وسکون نون وفتح جیم وکسر میم
وسکون شین معجمه وکاف م ریحان قرنفلی ف بالنکوی خورده ج تلسی ط
ح ی ۲ ق مقوی دل وملطف غ رسیده ش از تخم او نیم مثقال ص ضد او

وکلاب

وکلاب ل بادرنجبویه با نیم وزن او قرنفل با تمام فراخ الحمام ف کبوتر بچه ط کوشت
او ح روکوینه فرمنیون ل و فربیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده
یا فا وضم تحتانی وواو ونون ف شیر درخت زقوم ط ح ی ۴ کویند ح ۲
ق مفرح ملطف مسهل بلغم غ زرد صافی حاد الرایحه حریف ش یک قیراط
تا دو دانک ص با دام شیرین وکتیرا ولعابات وروغنها ل مازریون
نیم وزن و ده دانک وزن ان جند بیدستر فراسیون سریانی بفتح اول و
ثانی والف وکسر مهمله وضم تحتانی وواو ونون ف کندنای کوهی ط ح ۲
ی ۳ ق مفتح مدر مقطع غ رومی سرخ تلخ ش نیم درم تا یکدرم ص سنبل الطیب
یا صموغ ل اسارون وچهار دانک وزن ان لبان یا انیسون وانیسون فتریون
یا بوزن لاعیه یا زوفا فرفین بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا وتحتانی
ونون ف تخم تورک وخرفه فرسلون بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله
وضم لام وواو ونون فروف بوستین کرم ترین پوستین روباه
بود پس سمور فنک وقاقم بعد از ان بره فرو ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح میم وها ف بنفشه فریعه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وفتح قاف
وها ف حلبه تنبیق السین المهمله فسوة الضبع بضم اول وسین مهمله وواو
وضم ها وفتح ضاد معجمه مشدده وضم موحده وسکون عین مهمله م سماروغ
فستق ع بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون قاف ف بسته
ط ح ۳ ی ۲ کویند ق مفتح مبهی غ تازه فربه بزرک ش از پوست او نیم درم
ص زردالو یا تخم خیار ل مغز بادام ومغز بره یا نیم وزن مغز جوز بنیم
وزن مغز بن یا فندق فشتق الهادیه ع بها والف وکسر واو وفتح تحتانی وها
ع حب البان ف تخم نکابن تنبیق الشین المعجمه فقاع بکسر اول وشین معجمه والف

وعفص مهمله ف سرزم تا تیت که چون بر شاخهای انگور بچسبده شود و مفسد
بود تنبیق الصاد المهمله فصفصه ع بکسر اول وسکون صاد مهمله ثانی و ها م
اسپست چون تر بود فصفصه و رطبه گویند و چون خشک کرده و قت علف
گویند ف رنجفه تنبیق الضاد المعجمه فضا بکسر اول وضاد معجمه والف ف واو
مویز فضه بکسر اول وفتح ضاد معجمه مشدده وها ف نقره ه روپا طب ی ۲
ق مقوی دل خ خالص در جاوشی یکدانک ص مقل فیروزه تنبیق الطاء المهمله
فطر بکسر اول وسکون طاء مهمله وراء مهمله م سماروغ طب ۳ را گویند که
واو انواع است یکنوع فقع که بفارسی هیکل خوانند ودیگر نوشته و
یکنوع فیل ومجموع انواع را کمات خوانند وبدین همه فطر بود و نوعی در
شیب سرکین روید ونوعی در زیر خم شراب انچه سرخ بود زهر بود و
انچه سپید بود باد زهر و الخ در زیر خم شراب بود پوست او نیز زهر است
وگویند قسمی از وست که در کشمیر او را کته کچهو گویند خ سفید فطرا
سالیون یونانی بفتح و بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وسین
مهمله والف ثانی و کسر لام وضم تحتانی و واو و نون ف فطر اسالیون ف
تخم کرفس کوهی تنبیق العین المهمله فعیلیا اسوس یونانی بفتح اول و کسر عین مهمله و تحتانی و
لام الف وضم سین مهمله و واو وسین مهمله ثانی ف چوبک اشنان فعولیون
،،،،، رومی بضم اول وثانی و واو و کسر لام وضم تحتانی و واو و ثانی
ونون م حنا تنبیق القاف فقاح ع بضم اول و قاف والف و حاء مهمله ف
گل و شگوفه فقاح الملح م زهرة الملح فقد بفتح اول وسکون ثانی و
دال مهمله ف تخم بنجنکشت فقاح الاذخر گل اذخر خ خشبو ص بارزد ل قصب
الذریره فقع ع بفتح اول وثانی وسکون عین مهمله م نوعی از کماة ف

ایکل

ہکل قفاع ع بضم اول وثانی والف وغین معجمه ف بوته و بکنی ق ملطف
ص عسل وا فا ویه ل زایب فقاح الکرم ع ف زرد ل وان شکوفه انگور بود
طب فقلامیئون بفتح اول وسکون ثانی ولام الف وکسر میم و تحتانی و
ضم نون و واو ونون ثانی ف چوبک اشنان تنبیق اللام فلفل الاسود
فلفل سیاه ه مرج طح ی ۲ ق ملطف مفتح ش بندرم ص عسل ها را القوع
ل یکنیم وزن فلفل سپید یا زنجبیل فلفل الغزود وسمه فلفل دراز
پپیل فلفل ابیض فلفل سپید طح ۲ ی ۲ خ سبک ش از قنوجی تا نیم مثقال
ص عسل ل زنجبیل فلنجمشک ف بالنگوی خورد فل ع بضم اول وسکون لام
ف بیخ نیلوفر هندی طح ی ۳ ص عسل ل لفاح فلقلوع فلفلان بکسر فائین وسکون
لامین وضم میم و واو ونون ف بودنه کوهی طح ی فلفلمونه بکسر فائین
وسکون لامین وضم میم و واو وفتح تحتانی و ها ف بیخ درخت فلفل دراز
ه پپلا مول طح ی ل دار فلفل یا نارمشک یا ۸ دانک وزن آن سورنجان
و نیم وزن مغز خشکدانه فلفل الصقالبه ف تخم بنجنکشت فلیفله بضم اول
وفتح ثانی وسکون تحتانی وفتح فاء ثانی ولام ثانی و ها ف تخم عود وزبان
اندلسی نانخواه گویند تخم بنجنکشت فله بیوسی فلنجه افلنجه فلفل بری ف ه
تخم سنبهالو تنبیق النون فنا بفتح اول ونون والف ف روباه ترکیب
فنک بفتح اول وثانی وسکون کاف فارسی ف قسمی از پوستین
فنطافلون بکسر اول وسکون ثانی وطاء مهمله والف وفتح فاء ثانی وضم
لام و واو ونون ثانی ف بنجنکشت تنبیق الواو فودج بهکرا فوهل
بضم اول و واو وفتح ها وسکون لام ف شوره فو ل ع بضم اول وثانی و
لام م باقلا فوفل ع ه سپاری طب ی گویند ح ی ۳ ق قابض رادع خ

رزینیانج ش نیمدرم ص صمغ ل صندل سرخ دو دانک نیم وزن آن بزر البنج
فوم ع بضم اول وثانی ومیم ف کذم فو یونانی بفتح اول وسکون ثانی
بیخی است باریک خوشبو مانند سنبل بلکه قسمی از سنبل الطیب است
ه جال کری طح ی ق مفتح خ تازه خوشبو ش نیمدرم ص راریانه یا رب
السوس ل سنبل وکبابه یا فلفل سیاه فوشنه بضم اول وثانی
وکسر شین معجمه وفتح نون وها م نوعی از قطر فوه ع بضم اول وفتح بنر وفتح
ثانی وها ف رد نانس ه مجیتهه طح ی کویند ب ق مدر خ ارمنی تازه سرخ
باریک ش نیم مثقال ودر مطبوخ ۱۰ درم ص انیسون یا تخم بارتنگ ل یکنیم
وزن سلیخه یا سیطرح در طلا فوتنج نهری ف پودنه جوئی طح ی ۱۲ ق ملطف محلل
خ سبز وتر ش یکدرم تا یکمثقال ص کثیرا یا رب السوس ل نعناع یا جعده
فوتنج جبلی پودنه کوهی طح ی ۴ کویند ح ۲ خ خشبو تازه سبز کوچک ورق
ش یک نیم درم ص کثیرا ل یکنیم وزن فوتنج نهری ترقیم الفا تشبیق الالف
قاراسیا ع بقاف والف وراء مهمله والف ثانی وکسر سین مهمله وتحتانی والف
ثالث ف آلوبالو قاقیا بقاف والف وکسر قاف ثانی وتحتانی والف ثانی
م اقاقیا قاتل الکلب ع کچلا قاتل الذئب ع خربق سیاه قاقله کبار ع بقاف والف
وضم ثانی وفتح لام وها وکسر کاف وموحده والف ثانی وراء مهمله هر الاچی
بزرگ طح ی ۱ کویند مع ق ملطف ومقوی دل ومعده خ گزنده زبان تیز
بوی فربه ش یکدرم ص قند یا طباشیر ل یک نیم وزن قاقله صغار یا نیم وزن
کبابه ونیم وزن سنبل یا نیم وزن قرنفل قاقله صغار ع بکسر صاد مهمله وغین
معجمه والف وراء مهمله ف هیل ه الاچی خورد طح ی ۲ کویند ۳ کویند مع ق ملطف
ومقوی دل ومعده خ تیز بوی ش یکدرم ص قند یا طباشیر یا شیره تخم یا سکنجبین

ل قرنفل

ل قرنفل یا کبابه و سنبل قاتل النمر ع بقاف والف وکسر فوقانی وضم لام وفتح
نون مشدده وکسر میم وسکون راء مهمله م تاذریعون قلار ع بقاف والف وراء
مهمله م رال قاتل العلق ع نوعی از مرزنکوش قلقی ف کوشت خشک وهر
چیزی را که خشک سازند بابن نام خوانند قاتل النحل ع بفتح نون وسکون حاء مهمله
ولام ف نیلوفر قاطون بقاف والف وضم طاء مهمله وواو ونون ه نوشادر
قاتل نفسه م نوعی از اشق قاتل اخیه م خصی الثعلب قانصه ع بقاف والف
وکسر نون وفتح صاد مهمله وها ف سنکدانه مرغان ه پهتری طح ر ق مقوی
خ از طایر فربه ص سرکه وابازیر قاقوله ع بقاف والف وضم فوقانی وواو و
فتح لام وها ه وها توره قاتلی بقاف والف وضم قاف ثانی وکسر لام وتحتانی
نباتیست مانند اشنان وکویند مانند کشوث طح ی ا ق مسهل ش از ا تا او
نیم رطل ص کشوث ل ایرسا تشبیق الباء الموحده قبج ع بفتح اول وسکون موحده
وجیم ف کبک ه آتشخوره د کوشت او حر ر قباق بفتح اول وثانی والف
وقاف ثانی ف کدو ا تشبیق التاء الفوقانی قتب ع خاریست که صمغ وی کثیرا
بشیرازی ف بضم اول وسکون فوقانی سپست قتاد ع کم طح ر تشبیق الثاء
المثلثه قثاء ع بفتح اول ومثلثه والف ف خیار دراز ه ککری طب ر ۲ ق
مدر محلل خ نیشابوری بچه تازه ص عسل ل بادرنگ قثد ع بفتح اول وثانی
وسکون دال مهمله ف خیار بالنک ه کهیرا طب ر قثاء الحمار ع کربلا طح ی ۲ ق مسهل
بلغم منعج خ رسیده ش یکدرم تا یکمثقال وکویند از عصاره او دو دانق
ص کثیرا صمغ ودر دل ما هودانه قثاء النعام بضم نون وعین مهمله والف ومیم
م حنظل قثاء الحیه ع تراونده طویل کویند حنظل کوچک قثاء هندی ف خیار چنبر
قثاء هندی ه بری ف بل تشبیق الدال المهمله قدمیا بفتح اول وسکون

ودال مهمله وکسر میم وتحتانی والف م اقلیمیا قراح ع بفتح اول وثانی والف وحا
مهمله م قصیصه قدیم ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی ودال مهمله ثانی
ف گوشت خشک از حیوان تر مذح مریم نوعی از حی العالم قسیق الزابله
قرومانا بضم اول وسکون را مهمله وضم دال مهمله ومیم والف ونون والف
ثانی م کرویا رجبلی طح ۳ ی ۲ ق مفتح مفتح ملطف مدر خ تازه زرد فربه ش
یکمثقال ص انیسون یا صندل ل خردل وحرمل یا مسکطرامشیع قراصیا ع
بفتح اول وثانی والف وکسر صاد مهمله وتحتانی والف ثانی ف آلوبالو طح ر ۲
ق ملین نخ شیرین رسیده سیاه ش یک کف در مقوع ص جلنجبین ل اجاص
قرقومعا یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف ثانی وواو وکسر میم و
سکون عین مهمله ومیم ثانی والف م ثفل روغن زعفران طح ی ۳ خ فربه سیاه
بی چوب وبعد از که اختن در آب برنگ زعفران ماند وبعد از خایید لب
رنگ دندان کند قرطانا بضم اول وسکون ثانی وفتح طا مهمله ومیم والف
ونون والف ثانی م قروماما قرمیا توتیا فرح ع شونیز قراده هنکرا قریر
بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی ورا مهمله ثانی ه اندراین قرن البحر کهربا
قرمز بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون زا معجمه ع دود الصباغین
ف کرم رنگ ریزان که بدان ابریشم وصوف رنگ کنند قرطاس بکسر
اول وسکون ثانی وطا مهمله والف وسین مهمله م کاغذ طب ای ۲ ق
مجفف خ مصری ص کثیر ال دود زن بردی قریص بفتح اول وکسر ثانی
وتحتانی وضاد معجمه ف تخم الجزه قراص بفتح اول وثانی والف وضاد معجمه
ف بابونه قراط تخم نیل قرط بفتح اول وسکون ثانی وفتح نیز وسکون
طا معجمه م کرفس وآن ثمر درخت فلفل است و اقاقیا عصاره اوست

بی

طب ی ۲ ق قابض ش یکدرم لب تخم کدو ل جلنار قرطم بضم اول و
سکون ثانی وطا مهمله م نوعی از اسپست وبکسر اول م نوعی از گراث
قرع ع بفتح اول وسکون ثانی وعین مهمله ف کدو طب ر ق ملین خ تر و
سبز وشیرین ش از آب ونیم رطل ص خردل وسیر ل تربور قربوک
بضم اول وسکون ثانی وضم موحده وواو وکاف ف شبرک قرنفل
ع میخک ه لونک طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف ومقوی دماغ وجگر ومعده
خ تیز کم تلخ باریک چوب ش یکدرم صمغ عربی یا فوفل ل نیم وزن جوز
الطیب ونیم وزن دارچینی ۲ قرفه با نیم وزن فرنجمشک ونیم وزن خولنجان
وگویند بوزن آن فرنجمشک وبوزن آن خولنجان قرول بضم اول
وثانی وواو ولام م مرجان قرون السنبل درمیان سنبل باشد وآن از
سموم است سنبلها زهر طح ی قرفة القرنفل قرفه الطیب وپوست
هرچوب ودرخت را قرفه خوانند وآن پوستی سطبر بود بلون قرفه
وطعم قرنفل دارد عوض حلاوت ۲ دارچینی ل قرنفل قرن مفرد ایل شاخ بز
وبز کوهی خ از ایل پیر که سوخته باشند ص کثیر ال انارون وخولنجان
قرطم ع بضم اول وسکون ثانی وکسر طا مهمله وسکون میم ف خسکدانه
ه کر طح ۲ را ق منضج ملین ملطف خ سفید نو فربه ش ده درم از لب او
ص عسل ل یکوزن بادام وربع وزن تخم الجزه ق قرون رومی بضم
اول وسکون ثانی وضم قاف ثانی ورا مهمله ثانی وواو ونون م سعد
قرة العین کرفس الما طح ی ۲ ق محلل مقطع ش در مطبوخ پنج درم ص کاکنج
ل کرفس قرسطاریون بفتح اول وکسر ثانی وسکون سین مهمله وطا مهمله والف
وکسر را مهمله وضم تحتانی وواو ونون م گاو کوهی قرداس یونانی بفتح اول

وسکون ثانی و دال مهمله والف و کسر میم وسکون نون م صرف قرنفان سریانی
بفتح اول و ثانی وسکون نون وقاف ثانی والف و نون ثانی م کرویا قرد
مومن یونانی بفتح اول و سکون ثانی و دال مهمله والف و ضم میم و واو و
کسر میم ثانی وسکون نون م قردمانا قرحان بفتح اول و ثانی و حاء مهمله والف
و نون م نوعی از کاه سفید کوچک قرون ع بضم اول و ثانی و واو
و نون ف شاخها و سینک ط ب ی ق محفف خ از آیل سپرش ش بقدر م ص سدا
ل حافر الکثری قراوان کنه م کلتی که بسنک و کاو می چسپد قرقو سریانی
بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و واو م زعفران قرنفل القبانز و چمک
قرطم هندی م حب النیل قرفة الدارصینی ع دارچینی م ج طح ی ۳ ق ملطف مقوی جگر
و مبهی معده خ گزنده زبان ش نیم مثقال ل نیم وزن قرنفل و نیم وزن دارچینی
تنبیق السین المهمله قسا بفتح اول و سین مهمله والف ف سلیخه قسب
بفتح اول و ثانی و سکون موحده ف خرما رهیر دن وان نوعی از خرمای هندی
خشک است طح ی قسطریه بکسر اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و تحتانی
و راء مهمله ف قلعی قسولیدوس یونانی بفتح اول و ضم سین و ضم ثانی و واو و
کسر لام و تحتانی و ضم دال مهمله و واو و سین مهمله ثانی م کاکنج قسوس
بضم اول و ثانی و واو و سین مهمله ثانی م لبلاب بزرک طح ی ۲ ف جالی
منفتح خ تازه ص شاه بلوط قسطع بضم اول و سکون ثانی و طاء مهمله ه
کته طح ۳ ق مفتح مدر مفتتی خ تازه سفید فربه ش بقدر م ص انیسون یا کلنکر
یا خطمی ل نیم وزن عاقرقرحا یا وج قسطوریون یونانی بضم اول و سکون ثانی
و ضم طاء مهمله و واو و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و واو ثانی و نون م جند
بیدستر قسط هندی قسط تلخ قسط بحری کهکرمول قسطاس فنی ترازو تبیق

الشین المعجمة قشر الجوز العلیع ف پوست گردکان خشک قشر الاترج غرع پوست
ترنج طح ی ۲ قشر الجوز الاخضر پوست سبز زون گردکان قشعو بفتح اول
و سکون شین معجمه و فتح عین مهمله و سکون راء مهمله ف جبار درباز قشر الارز
پوست برنج و آن از جمله سموم است قشمش کشمش قشر البیض پوست
تخم مرغ طب ی ۲ قشر القصب الفارسی پوست نی فارسی طح ی ۳ تنبیق الصاد
المهمله قصب بوا قصب الذریره قصبع ع بفتح اول و صاد مهمله و
سکون موحده ف نی طح ی ۲ گویند بزرگ او ب راق ملطف خ بیخ او
ل از ورق او غب قصد بفتح اول و ثانی و سکون دال مهمله م
عوسج قصب السکر ف نیشکر کانذادا و که طح راخ شیرین ایدار قصیفر
ارزیر قصب الذریره ع بفتح اول و ثانی و ضم موحده و فتح ذال معجمه مشدده
و کسر راء مهمله و تحتانی و فتح راء مهمله ثانی و ها م چراتیا طح ی ۲ ق ملطف
خ هندی ش یکدرم و گویند دو دانک ص عرق السوس ل اظفار الطیب
یا صندل یا عدس تلخ یا سنبل و زعفران قیصومه بفتح اول و کسر ثانی
و تحتانی و فتح صاد مهمله ثانی و ها م تودری قصاعه ف سنگ آبی یعنی قندز
م اودیلاد تنبیق الضاد المعجمه قضب ع بفتح اول و سکون ضاد معجمه
و موحده ف اسپست قضیب ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و موحده
م ذکر فایر قضم ع بضم اول و سکون ثانی و میم ف پنبه کهنه قضاب
مصری ع بضم اول و ثانی والف و موحده ف کته تنبیق الطاء المهمله
قطونا اسپغول قطر بضم اول و سکون طاء مهمله و راء مهمله ف مس
ه تا بنا طح ی قطف ع بضم اول و سکون ثانی و فا م سرمق ه ساک
بتهوا قطن ع بضم اول و سکون ثانی و نون ف پنبه طح رق تخم او

ملین خ نوع بیدمشک ش از لب تخم او دو درم بدل او سوسن ل از تخم او
خشخاش و بادام قطران ف بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله والف و نون
ف روغنی است که از درخت عرعر گیرند گویند قیر است طح ی ع م گویند
۳ ق مقطع ملطف خ ماخوذ از درخت عرعر ص روغن بان ل لفظ سیاه
یا نیم وزن چوب بید یا ورق بید یا جاوشیر یا زیت و رفت تسیق
العین المهملة قعبل ع بفتح اول و سکون عین مهمله و فتح موحده و سکون لام
م نوعی از کماة طح ر تسیق الفاء قفر الیهود مومیائی آلوده طح ی ۳ ق محلل
فرقیری نقص ... ش بندرم ص ورد ل زفت قفر بفتح اول و سکون
فا و راء مهمله ف نبات کتوت قفلوط بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام
و واو و طاء مهمله م نوعی از کراث شامی تسیق اللام قلیمیا بکسر اول و لام
و تحتانی و کسر میم و تحتانی ثانی و الف م اقلیمیا قلفونیا رومی بضم اول
و سکون ثانی و ضم فا و واو و کسر نون و تحتانی و الف ف زنکباری قلب
بضم اول و سکون ثانی و موحده ع کاسر الحجر ه کلتهی طح ر ی ۲ ق مدر
منقی ش دو درم و گویند نیم مثقال ص نشاسته و کثیرا ال کبابه قلوب ف
دلها طح ر خ ماخوذ از حیوان کوچک دندان قلتع بکسر اول و سکون ثانی
و فوقانی ف ماش هندی ه بنوار و گویند کلتهی ط ب ا ر ۲ گویند ح ی
قلقند یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون
و دال مهمله م نوعی از زاج طح ی ۴ قلقطار یونانی بفتح اول و سکون
ثانی و فتح قاف ثانی و طاء مهمله و الف و راء مهمله م نوعی از زاج ف زاک شتر
دندان طح ی ۳ ق محرق کاوی مفرح خ سبز مخی ص شوربا های چرب ل
هزارچی که باشد بدل آن زاج دیگر کنند قلقدیس یونانی بفتح اول و
بسکون

سکون ثانی و فتح قاف ثانی و کسر دال مهمله و تحتانی و سین مهمله م زاج سفید
کرمانی طح ی ۴ قلقل بکسر قافین و سکون لامین و قلقلان و قلاقل
نیز هر سه ف درخت حب القلقل قلمنداروینی سریانی م دارشیشعان
قلی ع بکسر اول و ثانی و تحتانی م قلیاه ساجی طح ی ۴ ق محرق مجلی اکال
خ از اشنان ص لعابات ل زریخ قلاری م نوعی از انجیر تسیق المیم قمح
بفتح اول و سکون میم و حاء مهمله ف گندم قمل بضم اول و ثانی مشدد
و سکون لام ف شپش ه جون قمحم قصب الذریره تسیق النون قنطا
بکسر اول و سکون نون و طاء مهمله و الف م دم الاخوین قنب ع بکسر
اول و فتح ثانی نون مشدده و سکون موحده ف بنک ه بهانک و بجا و گویند
بهندی سن نامند که از و ریسمان سازند و قسمی از و نیک است ط
ح ۲ ی و گویند ب ق محذر ش بکدرم تا دو درم قنفذ ع بضم اول و سکون
ثانی و ضم فا و سکون ذال معجمه ف خارپشت ه ساهی طح ی ش از گوشت
وی ما بیجدرم ص عسل قنفهر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و سکون
راء مهمله صمغیست شفاف مانند سندروس ف لعل میرلی قنطار بکسر اول
و سکون ثانی و طاء مهمله و الف و راء مهمله م ساداوران قنابر بفتح اول و
ثانی و الف و کسر موحده و ضم نیز و سکون راء مهمله ف مرغ جکاوک ط
ح ی خ فربه بریان کرده قندس بضم اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله و
سکون سین مهمله ف کندش اسم حیوانیست که جند بیدستر خایه
اوست ه او بلاو قنبیط بکسر اول و فتح نیز و سکون ثانی و کسر موحده
و تحتانی و طاء مهمله ف کرنب رومی ط مع ب ح گویند ح ا ی ۲ ق مجفف
خ تازه زرد ل کرنب قنبل بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی

ولام ه کمنیلا طح ی۲ کویند ۳ ق مجفف نه سرخ مایل بزردی ش دو درم
وکویند در سه تیلا نیم مثقال ص صمغ عربی یا اینسون ل رازیانه یا کرفس
کابلی یا شبح ازمشی قنطوریون طح ی ۳ ق مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم
مدر حابس دم خ دقیق ش از کبیر دو درم واز دقیق یکمثقال تا دو مثقال
ص از کبیر صمغ عربی وکثیرا یا عسل وهندبا ل از کبیر حنا ودو دانک
وزن آن سورنجان وبوزن آن لبنی واز دقیق پرسیاوشان ونیم
وزن حنا یا رازیانه مدحرج قندران ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر
دال مهمله وراء مهمله والف ونون م سقز قنرع بضم اول وفتح ثانی
مشدده وها ف بسر زد کویند صمغ خلال مأمونی است طح ی ۲ کویند ح
۳ ی ق محلل ملین خ زرد زود کدازنده تند بوش در مراهم بندرم ص
بنفشه ل سکنجبین دو وزن با یک نیم وزن جاوشیر و در ضعف معده
وجگر یکنیم وزن ریوند چینی وکویند اشق قنابری طح راق حابس مقطع
ص شیرج ل کبر قنبیتی الواو قوسیا یونانی بضم اول وواو وکسر
سین مهمله وتحتانی والف م قسط قونیا یونانی بضم اول وثانی وکسر
نون وتحتانی والف ف آب چکیده خاکستر قوثیرا بضم اول وثانی وکسر
مثلثه وتحتانی وراء مهمله والف ف نوشادر قوطابا یونانی بضم اول
وثانی وضم طاء مهمله وواو ثانی ومیم والف م اذریون بری قورسیاما
یونانی بضم اول وثانی وراء مهمله وسین مهمله والف ومیم والف ثانیه
م عود بلسان قوز بضم اول وثانی وراء مهمله ع قطن قوتر بضم اول
وثانی وفتح فوقانی وسکون راء مهمله ف درخت وج قوزدیوس ف گیاهی
است که پای زاغ خوانند ه کاک جگها د مسمی قولامیوس م شجره مریم

قوناکس

قوقالس یونانی بضم اول وثانی وقاف ثانی والف وکسر لام وسکون
سین مهمله م قردمانا قونغنغ بفتح اول وثانی والف ونون والف
وکسر نون وسکون صاد مهمله ف سنکدانهای مرغان خ تا خود از مرغان
تازه فربه قوناق ف کاورس ه لکدرا قوطولیدون یونانی بضم اول وثانی
وضم طاء مهمله وفتح یزو واو ثانی وکسر لام وتحتانی وضم دال مهمله وواو
ثالث ونون م نوعی از حی العالم قوفی بضم اول وثانی وکسر فا وتحتانی
ف حیوانیست بحری قنبیتی الیا التحتانی قیمولیا بکسر اول وتحتانی
وضم میم وواو وکسر لام وتحتانی ثانی والف م طین قیمولیا طب ا ی ۳
ق مجفف رادع ل طین ارمنی قینا نوعی از بقله الحمقا قیشور بفتح اول
وسکون ثانی وضم شین معجمه وواو وراء مهمله ف نوعی کف دریا ط
ح ی ق حابی منقی خ سفید سبک سوخته ل در جلاب خزف چینی قیر
ه رال قیطس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله وسکون
سین مهمله ف مورد قیرس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله
وسکون سین مهمله ف موم قیلوط یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم لام
وواو وطاء مهمله ف ورق کندنای شامی قیل قیر قیصوم ع بفتح اول و
سکون ثانی وضم صاد مهمله وواو ومیم ف برنجاسب که قسمی از افسنتین است
طح اکویند ۲ ی۲ کویند ۳ کویند راکویند ح ۲ ی ا ق مفتح ملطف محلل مدر مفتت
خ تازه زرد س یکمثقال تا دو درم ص اینسون ل بابونج یا شبح ودر صداع
بارد بابونه یا افسنتین قیقهن یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح فاء
ثانی وکسر ها وسکون نون م قنفر قیطافون بفتح اول وسکون ثانی وطاء مهمله
والف وضم قاف ثانی وواو ونون م ترمس قیردطی بفتح اول وسکون ثانی

وضم راء مهمله و واو و کسر طاء مهمله و تحتانی ف مرهمی که از موم و روغن
گل و صندلین و زرق گل سرخ و اکلیل الملک و زعفران و کافور سازند
قیصوب ت خردل و آهری قیصی بفتح اول و سکون ثانی و کسر صاد
مهمله و تحتانی ثانی ف زردآلو ترقیم الکاف تسمیة الالف کاه ربا ه
کبور بجای حکبا بکاف و الف و کاف فارسی ثالث و خفاء ها و الف ثانی م
دواله هندیست م سبی کاکنج م بکاف و الف و فتح کاف ثانی و نون و
سکون جیم ف عروس در پرده و حجو قوط بسع کویند بی اکویند ۳ ق
مخدر ع حب بزرگ کوهی سرخ رسیده ش دو درم و گویند ۳ دانه
ص معجون کل ل عنب الثعلب با حب القثا یا بابونج سفید کا در هج بکاف فارسی
و الف و فتح دو واو زاء معجمه و سکون ها و فتح راء مهمله و سکون جیم ع جر البقر
کافور عطر یست مشهور ط ی ۳ ق مبرد مسکن مقوی و مفرح دل و حابس
خون ع قیصور سفید بزردی زند ش قیراط ص بنفشه و نیلوفر یا زعفران یا
معجون گل یا مشک و عنبر ل دو وزن طباشیر و یکوزن صندل سفید و گویند
کهربا کاسرجه بکاف و الف و کسر سین مهمله و ضم راء مهمله و سکون لام
و فتح حاء مهمله و جیم و سکون راء مهمله ع بزر القلب ه کلتهی کا جره بکاف
فارسی و الف و فتح فا و سکون راء مهمله ف زردک کافر بکاف و الف و فتح
فا و سکون راء ه لکرونده کا درس بکاف فارسی و الف و فتح واو و سکون راء
مهمله و سین مهمله ع جاورس ه غله باجرا کافنس ه بکاف و الف و خفاء نون
و سین مهمله م قسمی از کاه است که کلش در اخر برسات مثل پنبه سفید می برآید
کاکه بکاف و الف و کاف فارسی ثانی ف زاغ و بکاف عربی ثانی م
کفک کابیلا بکاف و الف و کسر تحتانی و فتح موحده فارسی و خفاء ها و سکون لام

م دار شیشعان

م دارشیشعان کالف بکاف فارسی و الف و لام ه کنکهی کاوچشم ف
بابونه کاشم بکاف و الف و کسر شین معجمه و سکون میم م الجذان روی
ط ح ی ۳ ع زرد تر بزرگ ورق ص تخم را زیانه ل درادرار تخم الجزر یا تخم کزر
کاوزبان ع لسان الثور ه کاتهه مانند کاکیان بکاف و الف ثانی و
تحتانی و الف ثانی و نون م قرطم کاهوف ع خس کاجیره ف بکاف و الف و کسر
جیم و تحتانی و فتح راء مهمله و ها ه گر کاغنه بکاف و الف و فتح عین معجمه و نون
و ها ف عروسک ه بسر بهوتی کانو بکاف و الف و فتح لام و دو واو و ها
م عاقرقرحا کانجنه ه بکاف و الف و خفاء نون و فتح جیم فارسی و ها هندی
ف آبگینه کادی بکاف و الف و کسر دال مهمله و گویند واو و تحتانی
ه گل کبوره ط ح ی ۱ ق محلل ع خوشبوی ص روغن گل ل روغن بان کاشنی
بکاف و الف و فتح شین مهمله و کسر نون و تحتانی م هندبا کاسمری ه بکاف و الف
و سین مهمله و فتح میم و کسر راء مهمله و تحتانی م درخت هندیست کینهار
کاکناج ه بکاف و الف و کاف ثانی و میم و الف ثانی و کسر جیم و تحتانی ع
عنب الثعلب کانکی ه بکاف و الف و خفاء نون و ضم کاف فارسی و کسر
نون و تحتانی ف ارزن کاکوی ف بکاف و الف و ضم کاف ثانی و واو و
کسر فوقانی و تحتانی م سفر تنسیق الباء الموحدة کبد الذباب ف جگر کرک ل نیم وزن
ریوند و نیم وزن دارفلفل کبریت ع بکسر اول و سکون موحده و کسر راء مهمله
و تحتانی و فوقانی ف کوگرد ه گندهک ط ح ۲ ی ۳ ق ملطف جاذب ع زرد یا
ش یکدرم تا دو درم ص بطیخ هندی ل زرنیخ جهت انتشار و ختن کبث
بکسر اول و ثانی و سکون سین مهمله و فوقانی م حنظل کبیکج سریانی بفتح اول و کسر
ثانی و تحتانی و فتح کاف ثانی و سکون جیم نوعی از کرفس بری بشیرازی ف

ف کهن و بریان ه کوانچه طح ی ۴ ق محلل نا نو ص روغن کل ل انجره کبد ٤
بفتح اول وکسر ثانی وسکون دال مهمله ف جگر ه کلیجا ق مغدی نا از مرغ
یا مرغابی فربه جوان کر بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله مشهور است
طح ی ۱ ق مقطع ملطف محلل غ بلیغ نی ازیخ او نیم مثقال ص اسطوخودوس
وگویند سرکه وچنار ل حب ورق آن بازاوند کباس ه بفتح اول و
ثانی فارسی والف وسین مهمله ف درخت پنبه کبابه بفتح اول وثانی والف
وفتح موحده ثانی وهاء م فاغره ه تخم تمر طح ی ۲ وگویند ۱ ق مفتح سدد محلل
قابض غ چینی خوشبوی زبان گزنده ش دو دانگ تا نیم درم ص صندل وکلاب
یا تخم کاهو یا مصطکی یا کاکنج ل بهیل بوا و دارچینی یا اساروں تشبیق التا الفوقانی
کت ه بکسر اول وسکون تا فوقانی هندی ٤ خبث الحدید کتهو بیز ه
بفتح اول وضم ثانی هندی وخفا ها و واو ونون و فتح موحده وسکون راء
مهمله قسمی از انجیر دشتی کنکر سیب بری کته بادل ه بفتح اول
وثانی هندی دها و هندی وموحده فارسی والف و فتح دال هندی وسکون
لام ف میوه مشهور هندیست مشابه سکبنه کتم بفتح اول وسکون
ثانی ومیم م وسمه یعنی ورق نیل کتان ٤ بفتح اول وثانی والف ونون
ه الکتی طب ی کنکی ه بضم اول وسکون ثانی هندی وکسر کاف ثانی و
تحتانی م خربق اسود کناته بفتح اول وثانی هندی والف وکسر همزه وتحتانی
م دوای مشهور هندیست که کل او را بفارسی کل خار گویند تشبیق التاء
المثلثه کثیرا بفتح اول وکسر مثلثه وتحتانی وراء مهمله والف ه کثیرا طمع
ق مقوی مبهی ومسکن نا سفید پاک ش نیم مثقال تا یک درم ص انیسون یا
کرفس ل صمغ عربی یا بادام یا مغز دانه کدو کثیر الاصناع ٤ بفتح اول

وکسر

وکسر ثانی وتحتانی وضم راء مهمله وسکون لام و فتح همزه وسکون خاء معجمه ولام الف
وعین مهمله ف کاوزبان کثیر الارجل ٤ بفتح همزه وسکون راء مهمله وفتح جیم
وسکون لام م بسفایج کتاه بفتح اول وثانی والف وها ف تخم جرجیر تشبیق الجیم
کجور ه بفتح اول وضم جیم فارسی و واو و راء مهمله ٤ زرنباد کجنار ه
بفتح اول وسکون ثانی فارسی ونون والف وراء مهمله م درخت مشهور
هندیست که بهار ارغوانی دارد وشکوفه اش نانخورش نیکو است کج
پیپل ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده فارسی وتحتانی و فتح
موحده فارسی ثانی وسکون لام م ثمر چاب کجلون ه بفتح اول وسکون ثانی
فارسی وضم لام و واو ونون ٤ زبد القوارير ف نمک شیشه تشبیق الحاء
المهمله کحیلا و کحلا بفتح اول وکسر حاء مهمله وتحتانی ثانی و لام تحتانی نیز والف
م اسمیست مشترک بر لسان النوره و شنجار کحل فارسی م انزروت
کحل ٤ بضم اول وسکون ثانی و لام ف سرمه ه الجن کحل جولان ٤ بفتح حاء
مهمله و واو و لام الف ونون م حضض کحل السودان ٤ بفتح سین مهمله وسکون
واو و دال مهمله والف ونون م تشمیزج تشبیق الدال المهمله کدر سالحقه
تونبری کدر بفتح اول و دال مهمله وسکون راء مهمله م کادی ه کیوراطی
ق مسکن نا یک مثقال ص عناب ل شربت فواکه وصندل کدم ٤ بفتح اول وثانی
وسکون میم م درخت مشهور هندیست که گلش زرد مشابهت بگلهء برگ
وکوی جوزو کدو شیرین ف ٤ قرع کدیه ف پوست خربزه تشبیق الراء
المهمله کرنب النبطی نیلوفر کرمه بیضاء بفتح اول وسکون راء مهمله و فتح میم وها و فتح
موحده وسکون تحتانی وضاد معجمه والف م فاشرا کرمه سودا بفتح سین مهمله
وسکون واو و دال مهمله والف م فاشرستین کرداج بضم ~~بی معجمه~~

اول وثانی و واو وتحتانی والف ف قسمی از زیره ه کالی زیری طح ی ۲ کویند
۳ ق ملطف قابض مقوی معده نه تازه بستانی ش دو درم ص سفر بری
یا شیر تر ش ل نیم وزن کمون نبطی و نیم وزن انیسون یا رازیانج
کردارا بکسر اول وسکون ثانی و واو والف و راء مهمله والف ثانی ف
خیار چنبر کراه بضم اول و ثانی والف ف درخت لسان العصافیر کرونداه بفتح
اول و ثانی وسکون واو وخفاء نون و دال مهمله والف میوه مشهور
هندیست کرنب ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون موحده
ف کلم طح ای ق ملین منفخ نه نبطی که بکرنب بستانی مشهورست ص
دهن کراث ع بضم اول و ثانی مشدده والف مثلثه ف کندنا طح ی ۱۲ ق
منفخ مقطع ص سرکه و روغن ل بصل کرداناج بفتح اول فارسی وسکون ثانی
و دال مهمله و نون والف وجیم ف کردانیده کباب خ از مرغ فربه که بر آتش
افروخته کردانند و روغن بادام میریخته باشند کرج ه بضم اول فارسی
وسکون ثانی وجیم فارسی م کلوی کرنخ ه بفتح اول و ثانی وخفاء نون
وسکون جیم م اکیمکت کرام کنده بکسر اول فارسی و ثانی والف و میم وفتح
کاف ثانی وخفاء نون و دال مهمله م استهول کند کرک بفتح هر دو کاف
وسکون هر دو راء مهمله ع صنوبر صغار ف کاج کربز بضم اول وسکون
ثانی وضم موحده وسکون زاء معجمه ع قثاء الحمار کرفس بفتح اول و ثانی
وسکون فا وسین مهمله ه اجمود طح ی ۲ ق مفتح مدر منفشی مبهی نه بستانی
ش از تخم او نیم مثقال ص کاهو یا معجون کل و مصطکی ل رازیانه یا نیم وزن او
فطراسالیون کرش بضم اول وسکون ثانی وشین معجمه ف شکنبه او
ط ب نه ماخوذ از حوالی میش یا مرغ فربه کرنفع بضم اول وسکون ثانی
وضم

وضم سین معجمه وسکون فاف ف بنبه کرکدن بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی
ثانی م کرکدن ه کبندا و بضم اول فارسی ه بهدها کریل ه بفتح اول وکسر
ثانی وتحتانی ولام م نبات خار رواربی برک هندیست که ثمر او را در هند
ه تیت کویند بکسر فوقانی هندی وتحتانی وخفاء نون و فوقانی هندی
ثانی و از و آچار سازند کرم ع بفتح اول وسکون ثانی و میم ف رز درخت
انکور طح ی ۳ ق قابض نه بستانی ص کثیرا و صمغ عربی وکویند سکر
کرکم بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی وسکون میم م زعفران
کردوشل الغنم ع بضم اول و ثانی و واو وضم شین معجمه وسکون لام وفتح
غین معجمه ونون وسکون میم م فرفیون کرودین بفتح اول وسکون
ثانی وکسر دال مهمله وتحتانی وکسر لام وسکون نون م نوعی از اسپانیون
کرکرهن بربری بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وفتح ها و
سکون نون م عاقرقرحا کریون رومی بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی
و واو و نون م قنطوریون دقیق کرکروهن بفتح اول وسکون ثانی و
فتح کاف ثانی وضم راء مهمله ثانی و واو وفتح ها وسکون نون م سک المسک
مرکبست طح ی ۲ کرکرهو بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله
وضم ها و واو م عاقرقرحا کرمهشانیک بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم
و ها و شین معجمه والف وکسر تحتانی وفتح کاف و ها ثانی م قثاء کرسنه ع
بفتح اول وسکون ثانی وسین مهمله وفتح نون و ها ف کسنک ه منر طح ا
کویند ۳ ی ۱ ق حابس منفخ مدر نه دمشقی یا مصری سپید ش دو درم ص
شاه بلوط ل دو وزن آن لوبیا کرو با فارسیه و شامیه هر سه اسم قردونا
کرم دانه بکسر اول وسکون ثانی و میم و دال مهمله والف و فتح نون

وهام نوعی از تخم بازریون طح ی ۴ ق مجفف غ سیاه بزرگ ش ده دانگ
ص صمغ وکتیرا ل سعد وفلفل کربه بفتح اول و
سکون ثانی وفتح موحده وسین مهمله وها جلباسه کراث جبلی ف وابشون
کرکسی ع بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف ثانی وتحتانی ف کلنک
ه کونج غ صید کرده باز که بعد از کشتن پس از چند روز ببرند بسرکه و
اباز برکرم ادچی ه بفتح اول فارسی وضم ثانی وواو وکسر جیم فارسی
وتحتانی کلوی تنسیق الزاء المعجمه کزنبع بضم اول وسکون زاء معجمه وموحده
ف جزوه وکنجاره ه کهل کزف بفتح اول فارسی وثانی وسکون راء
مهمله م جو رف زردک کزبرة البر ع بضم اول وسکون ثانی وکسر
موحده وفتح راء مهمله وضم فوقانی وسکون لام وکسر موحده ثانی وفتح
تحتانی وراء مهمله ثانی ف پرسیاوشان کزمازک بفتح اول فارسی
وسکون ثانی ومیم والف وفتح زاء معجمه ثانی وسکون کاف م جز مازج
ف بار درخت کز ه مابین کزمازون بفتح اول فارسی وسکون ثانی و
میم والف وضم زاء معجمه ثانی وواو ونون م کزمازک کزانجبین ف
طلبست یعنی منست مانند ترنجبین که بر ورق طرفامی افتد ش هفت
درم کزدان بکسر اول وسکون ثانی وواو والف ونون م بادرنبویه
کزبره ع بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وفتح راء مهمله وها ف کشنیز
ه دهنیا ط تر اوب ر خشک اوب ۲ ی ۳ ق رادع وخشک او مقوی
دل وحابس دم غ بستانی تازهٔ فربه ش از خشک نیم درم ص عسل
کزنه ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی وفتح نون وها ف تخم انجره تنسیق
السین المهمله کیلا بفتح اول وکسر سین مهمله وتحتانی ولام الف م دو لو عست

کیلا

ه کهیلا کهیلی طح ای کویند مع ح رف معری غ باریک مایل بسرخی ش
سه درم وکویند نیم مثقال ص کتیرا یا تخم کرفس ل مغاث کسب ع
بضم اول وسکون ثانی وموحده ف کنجاره کسبر بضم اول وسکون
ثانی وضم تحتانی وسکون راء مهمله م زفت خشک کسننک بفتح اول
وسکون ثانی وفتح نون وسکون کاف ثانی م کرسنه کسیرة الجام نوعی
از شاهترج کسیقون یونانی بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وضم قاف
وواو ونون ف نوعی از سوسن بری م دلبوث کیرو ه بفتح اول
وکسر ثانی وتحتانی وضم راء مهمله وواو ف بیخ رستنی هندیست
که در آبها مثل نیلوفر بروید ط ب کمربره بضم اول وسکون ثانی و
فتح موحده وراء مهمله وها ف کشنیز کسنبه ه بضم اول وثانی وخفا
نون وفتح موحده وها هندی ع معصفر کستوری ه بفتح اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وواو وکسر راء مهمله وتحتانی ف مشک کشنوثا بالشین
المعجمه کشوثا بضم اول وشین معجمه وواو مثلثه والف ه امربیل طح ا
ی ۲ ق مفتح منقی مسهل سودا ومقوی کبد غ انچه بر خار پیچیده باشد
ش دو درم ص بلوط ل تخم کاسنی وافسنتین کشت برکشت
بکسر اول وسکون ثانی وفوقانی وفتح موحده وسکون راء مهمله و
کسر کاف ثانی وسکون شین معجمه ثانی وفوقانی نباتیست بر هم پیچیده
مانند ریسمانی تافته ف پیچک ه بهیلی طح ی ۲ ق بوزیدان یا
کافور وسه وزن صبر سیاه کشوت بضم اول وثانی وواو
مثلثه م کشوثا کشنج بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون
جیم م نوعی از کماتست در ریکها وکنار دریا روید ف کل کندم ه بهانتل

طب کنک الشعیر ف پشره جو ط ب رکشمش بکسر اول وسکون ثانی
وکسر میم وسکون شین معجمه ثانی م مویز انکور بیدانه کشط بضم
اول وسکون ثانی وطاء مهمله م قسط کشف ع بفتح اول وثانی وسکون
فاء ف باخه وسنک پشت ه کچهوا کشک بفتح اول وسکون ثانی
وکاف ثانی ف پینو وقروت کشی حربزه کشمه بکسر اول وفتح ثانی
وها م اسطوخودوس کشیفه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وفتح
فاوها ف پوست افکندهٔ مار کشوت ومی م افسنتین کشنیم کرسنه تسمیق
الفا والمعجمه کضبثون یونانی بفتح اول وسکون ضاد معجمه وفتح
نون وسکون مثلثه وضم موحده وواو ونون ثانی ف بادنجان بری
تسمیق العین المهمله کعب ع بفتح اول وسکون عین مهمله وموحده
ف پاشنه ه ایدی ط ب ی ف مجفف غزال نس بیمذرم ص رب السوس
ل استخوان ساق کعک ع بفتح اول وسکون ثانی وکاف ثانی ه کاک
نان بزرک خواجه قطب الدین کاکی که در دهلی دیار معمور بست تسمیق الفا
کف مریم ف سمدر یهن کف الکلب م اشنان کف الذئب ع جنطیانا کف
الاسد ع م عرطیثا کفر الیهود بضم اول وفتح فاء وضم راء مهمله
وسکون لام وفتح تحتانی وضم ها وواو ودال مهمله م قفر الیهود کفتانقس
بفتح اول وسکون ثانی ونون والف وضم قاف وسکون سین مهمله
م دفلی ه کیز کف الضبع بفتح صاد معجمه وضم موحده وسکون عین مهمله
م کبیکج کف بفتح اول وسکون ثانی ع بقلة الحمقا کفری بفتح اول وسکون
ثانی وکسر راء مهمله وتحتانی ع حصری ف پوست بهار خرما تسمیق الکاف
ککورا ه بفتح اول وضم کاف ثانی وواو وراء مهمله والف م نبات

هندیب

هندیست که ثمر اسپ بیروس در پرده بماند و بخش ه کنتول ککروندا
بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون واو وخفاء نون ودال
مهمله والف م کافر ککرا ه بضم اول وسکون ثانی وراء مهمله والف
ف خروس ه وبکسر راء مهمله وتحتانی ف ماکیان ککری ه بفتح اول و
سکون ثانی وکسر راء مهمله وتحتانی ف خیار دراز ککراسینکی ه بفتح اول
وسکون ثانی وراء مهمله والف وکسر سین مهمله وخفاء نون وکسر کاف
فارسی وتحتانی م دوائی مشهور هندیست تسمیق اللام کلبندا م
بفتح اول وکسر لام وتحتانی وخفاء نون ودال مهمله والف ف ترب کلج
بکسر اول وسکون ثانی وحاء مهمله ف پسر زد کلوح بفتح اول وسکون ثانی
وضم میم وواو وحاء مهمله م راسن کل سرخ ف بضم اول فارسی
ه کلال وبکسر اول فارسی ه کیرو کلهار ه بفتح اول وثانی مشدده وخفاء
ها والف وراء مهمله ه کل کونل کلس ع بکسر اول وسکون ثانی وسین مهمله
ف نوره کلاغ ف بفتح اول ولام الف وغین معجمه ف زاغ ه کرال و
کاک وکوا کلف ف ه کیز کلینک بفتح اول وثانی وخفاء نون وفتح موحده
وسکون کاف ثانی چوب خوشبوی صندل اسای بسرخی مائل کلقند
اصل ف کلنکری که در افتاب ترتیب یافته باشد نه در آتش کلکل
خراسانی بفتح هردو کاف وسکون هردو لام م مقل کلم بفتح اول وثانی
وسکون میم م کرنب کلیکان بکسر اول وثانی وتحتانی وکاف ثانی والف
ونون م طرخون کلبکرون سریانی ورومی بکسر اول وثانی وتحتانی وفتح
کاف ثانی وسکون لام ثانی وضم راء مهمله وواو ونون م جرجر کلیجن ه
بضم اول وکسر ثانی وتحتانی وفتح جیم وسکون نون م خولنجان کبیخ برک

تنبول نامند کلیه ع بضم اول وسکون ثانی وفتح تحتانی وها ف گرده طمع
ح ب گویند ی گویند کلیانی رومی بکسر اول وسکون ثانی وتحتانی و
الف وکسر نون وتحتانی ثانی م اشق کلنهی ه بضم اول وسکون ثانی
وکسر فوقانی وها تحتانی غله مشهور هندیست ع کاسر الحجر کمون اسود
کمون برست وتونیز را نیز گویند تشیق المیم کمات ع بفتح اول ومیم والف
وفوقانی م قطر ط ب ر۲ ق ردی الغذا المحلل ص مویز وفلفل کماشیر بفتح
اول وکسر شین معجمه وتحتانی ورا مهمله م صمغ کرفس کوهی که قطر اسالیون
تخم اوست طح ی۱ گویند ع ق مذیب محلل غ زرد تیز ش دو دانک ص
کل وصندل ل جاوشیر کمبزف بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وزا معجمه ع بول
ذ بیشاب ه موت کمافیطوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر فا
تحتانی وضم طا مهمله وواو وسین مهمله ف ماش دارو طح ۲ ی۳ ق مفتح
مجلی غ بستانی ش یکمثقال ص انیسون یا زعرور ل نیم وزن سیساکیوس
ودانک نیم وزن آن سلیحه یا کمادریوس یا جعده کمادریوس
سریانی ویونانی بفتح اول وثانی والف وفتح دال مهمله وسکون را مهمله
وضم تحتانی وواو وسین مهمله ف زنام دارو طح ی۲ گویند ق ملطف
مفتح مدر محلل غ تازه بری که بعد از ادراک تخم برگیرند ش یکمثقال
ص سفرجل ل غافث یا اسقولوقندریون یا تخم حماض بری یا تخم شلغم
بری کمرک ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح را مهمله وسکون کاف
ثانی م میوه مشهور هندیست ط ب کمکام ع بفتح اول وسکون
ثانی وکاف ثانی والف ومیم ثانی م صمغ درخت بطم کمون ع بفتح
اول وضم ثانی وواو ونون وان انواعست کرمانی وفارسی وشامی

وبنطی

وبنطی ه زیرا طح ی۲ گویند ۳ ق محلل ملطف معطش مفتح حابس دم مدمل غ
کرمانی ش دو درم ص کثیرا گویند خل ل نانخواه یا از کرمانی یک نیم
وزن بنطی واز فارسی نیم وزن کرمانی یا تخم کرنب کمالیون یونانی
بفتح اول وثانی والف وکسر لام وضم تحتانی وواو ونون م نوعی ازمازریون
سیاه کمون حلو انیسون کمون حبشی کمون بری کمون ارمنی گرویا
کمون بری شاهترج کمثری ع بضم اول وثانی مشدده وسکون مثلثه
ورا مهمله والف مقصوره ف امرود ط مع گویند ب ر گویند ب ای۲ ق
قابض ومفرح ومقوی دل غ شاه امرود ش از شراب او یک وقیه
ص ماء العسل ل سفرجل تشیق النون کنبلا ه بفتح اول وسکون نون
وکسر موحده وتحتانی ولام الف م فیل کنب بفتح اول وثانی وسکون
موحده ف تنک ه بهانگ بجای کنکرزد وکنکری نیز گویند وان صمغ کنکرست
طح را گویند ب ق مفتح کنارف بضم اول وثانی والف ورا مهمله
ه سر کندسه ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله وسکون را
مهمله م لوبان طح ۱ ی اگویند ۳ ق مدمل ومجفف قابض مفتح ومقوی
دماغ ومعده وحابس خون غ سفید کرد حب ش یکدرم ص از ریا عنب
ل مصطکی با بهمن کنکر بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی ثانی
وسکون را مهمله م حرشف کبهار ع بفتح اول فارسی وخا ثانی
وفتح موحده وخا ره والف ورا مهمله درخت هندیست م کماس
مری کیز ه بفتح اول وثانی وسکون تحتانی ورا مهمله ف حز زهره
کندش بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله وسکون شین معجمه
ف چوبک اشنان ه چوک طح ۴ ی۳ ق معطس مفرح مفتح غ

بنج دی شی داکی وهم ص کبر ال بوزن او جوز القی وثلث وزن ان فلفل
کندمکه ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح دال مهمله وخفاء ها وسکون
کاف ف کوکرد کنگول ه بفتح اول وسکون ثانی ~~وفتح دال مهمله وخفاء~~
وواو ولام وهای هندی کذف بفتح اول وثانی وها ه کلتی که بر کوش
سک وچهار پا می چسپند کنجائی ه بکسر اول فارسی وسکون جیم والف
وکسر همزه وتحتانی اسمی است هندی کرمیست بسیار بلد در برسات
وجاهای نمناک بهم رسد تشیق الواو کوروچنا ه بفتح اول فارسی
وسکون واو وضم راء مهمله وواو ثانی وفتح جیم فارسی ونون والف
م کای روهن کوشاد بفتح اول وسکون ثانی وشین معجمه والف
ودال مهمله م جنطیانا کوکرد ف بضم اول فارسی وثانی وکسر کاف فارسی
ثانی وسکون راء مهمله ودال مهمله ه کندهک کوند ه بضم اول
فارسی وثانی وخفاء نون ودال مهمله ع صمغ کوکنار ع خشخاش ه کوت
جهوترا کور کورخر کوبر بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون
راء مهمله م فلفل کواه بضم اول فارسی وثانی وفتح لام وسکون
راء مهمله ف انجیر آدم کوجهر ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم
جیم فارسی وخفاء ها وسکون راء مهمله م کوکهر وکوبدار ه بضم ثانی
وکسر موحده ودال مهمله والف وراء مهمله م قسمی از کچنار کوز بضم
اول وزاء معجمه م مقل کوزن بفتح اول فارسی وسکون ثانی وزاء
معجمه جوز ه اخروت کورموشج جهچوندر کوکب الارض ع طلق کوالع
ع بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله وسکون عین مهمله ف وشید
وبابچه کوجپ بضم اول وثانی وفاف جغد کوالف بفتح اول

وثانی

وثانی والف وکسر لام وسکون فا م باداورد کوک بفتح اول وضم
ثانی وسکون کاف ف کاهو کولم بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام
وسکون میم م فلفل کوزن ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون زاء
معجمه ونون ه باره سینگا وجهانک کومان ه بضم اول فارسی و
ثانی ومیم والف ونون دوای مشهور هندیست کودوده بضم اول
وثانی وفتح دال مهمله وسکون واو ثانی غله هندیست کوکهرو ه
بضم اول فارسی وثانی وضم کاف ثانی وخفاء ها وضم راء مهمله وواو
م خسک کوکله هدهد کونهه ه بضم اول وثانی وفتح فوقانی هندی
وهای هندی م قسط کوابچه بکسر اول وثانی والف وخفاء نون و
فتح جیم فارسی وهای هندی دوای مشهور هندیست کوبهی ه
بضم اول فارسی ثانی وکسر موحده وخفاء ها وتحتانی دوای هندی
مشهور هندیست کوتل کلکری ف ه نیلوفر کوشاهی ف صدف
تشیق الهاء کهرباف بفتح اول وسکون ها وضم راء مهمله وموحده
والف ه کپور طب ی ا کوبنج ۳ ق قابض مجفف مقوی دل ع
صاف سرخ مائل زردی ش نیم مثقال ض نیم وزن او زیر یا لعاب حل
ل طباشیر ودو دانگ وزن ان سندروس ویا دو وزن طین
ارمنی ودو دانگ وزن آن بلیجه ونیم وزن نیلوفر بریان کرده
کهیانا بفتح اول وسکون ثانی وتحتانی والف ونون والف تا لی م
فاوانیا کهابریاه بفتح اول وخفاء ثانی والف وفتح موحده فارسی
وسکون راء مهمله وتحتانی والف ثانی ف ستوتیای سفالک کهجور ه
بفتح اول وخفاء ثانی وضم جیم وواو وراء مهمله ف خرما کهیره بفتح

اول وخفاء ثانی وتحتانی وراء مهمله م درخت هندیست که از فنزا او
کاسه سازند کهار ه بفتح اول وخفاء ثانی والف وراء مهمله نمکیست که
بعضی از اشجار را مثل بلاس و نهال کنند و کوکهر و کیله و صحرا داک
و زقوم میسوزند خاکستر انها قسمی از نمک باشد که به زبان هندی کهار
گویند کهیکوار ه بکسر اول فارسی وخفاء ثانی وتحتانی و واو وضم کاف
ثانی و واو ثانی والف وراء مهمله م نبات صبر کهیلم سریانی بفتح اول
وسکون ثانی وفتح لام وسکون میم ف بادنجان کهاری لون ه بفتح اول
وخفاء ثانی والف وکسر راء مهمله وتحتانی وضم لام و واو و نون ف
نمک شور کهوه بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو و ها ف مغز جوز مهوا
ه کلونذی که کهتلی کهرهنی ه بکسر اول وخفاء ثانی وفتح راء مهمله وسکون
ها وکسر فوقانی هندی وتحتانی م کتابی بزرگ کیهتیکی ه بضم اول فارسی
وخفاء ثانی و نون وفتح کاف فارسی ثانی وکسر جیم فارسی وتحتانی ع
عیون الدیک ف سرخ کهیا توری ه بکسر اول فارسی وخفاء ثانی وتحتانی
والف وفتح فوقانی وسکون واو وفتح راء مهمله وکسر همزه وتحتانی ثانی
قسم بزرگ توری است که مالیده وچرب و فربه از وست وار خطوط
معروفست تنبیهی الیاء التحتانی کیلا ه بکسر اول وتحتانی ولام الف م
موز کیسیر ه بکسر اول وثانی وفتح سین مهمله وسکون راء مهمله م زعفران
کیجرنسی بفتح اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه وسکون راء مهمله
وسین مهمله م جادرس کیلاس بکسر اول فارسی وثانی والف وسین
مهمله وبکسر اول عربی نام میوه خوشبوی ه سبکلی کیل ف بکسر اول
فارسی وثانی وسکون لام م زعرور کیلکان بکسر اول وثانی وفتح لام

دکاف

وکاف ثانی والف و نون م نوعی از کرات کیگندارو سرخش کیبو
بکسر اول وثانی وضم سین مهمله و واو م جعده کیه بکسر اول وفتح
ثانی وها م مصطکی کیسرکونه بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وسکون
راء مهمله وضم کاف فارسی و واو وفتح نون وها م جعده تنبیهی اللام
تنبیهی الالف لالا کیاهی است که از جانب کرمان اند طح لازورد
لام الف و زاء معجمه و واو وسکون راء مهمله و دال مهمله م لاجورد ه
راوت ط ب ی ا کوبند ح ۲ ی ۲ ق سوداء و معقوی دل خ بدل شی
ش یکدرم و کوبند یکمثقال ص مصطکی جرا رمنی بالذاق الذهب
لابوریدوس یونانی لام الف وضم تحتانی و واو وکسر راء مهمله و
ثانی وضم دال مهمله و واو ثانی وسین مهمله م حب ماهودانه و شجره معنوی
نیز لادن لام الف وفتح دال وسکون نون ف قسمی است از
عنبر زیون طح ا ر ۲ ق ملطف منضج محلل خ چرب خشبوی مایل بزردی
رمل ... ثقل که در روغن حاصل شود ش یکدرم ص صندل و کلاب
لبنی لاغیه لام الف وکسر غین معجمه وفتح تحتانی وها ف نوعی از بوعات
که کلش زرد مانند کل شبت و ورقش بزرگ زردی زند و درو
کوهها رویند طح ی ۳ کویند ۴ م فرفیون ق مهرج خ بسیار سردار
ش دو دانک ص صمغ و کثیرا ال بتوع لاخشه لام الف وخاء معجمه وفتح
سین معجمه وها ف تماج ه سنبوی لاکهه ه لام الف وخاء معجمه وفتح
کاف دها هندی ف لک ط ب تنبیهی الباء الموحده الباء بکسر اول
وموحده والف ف ذهک ه بیوسی ط ب ر ببلاب بفتح اول و
سکون ثانی ولام الف وموحده ثانی م عشق پیچان طح ی ۲ کویند

ق محلل ومسهل صفرا خ سبز ش آب ان از نیم رطل تا دو ثلث رطل
وگویند سی درم ص قند یا تمر هندی ل ورق خطمی یا خبازی یا شاهتره
لباب القمح ع بضم اول وثانی والف وضم موحده ثانی وسکون لام
وفتح قاف وسکون میم وحاء مهمله ف نشاسته لباب البر ع بضم موحده
وسکون راء مهمله ف نشاسته لبن المعز ف شیر بز ل شیر گاو ولبن
الحلیب ش ف افیون لبن حامض ع ف ماست ه دهی طب ی خ
انچه مسکه وی بسیار بود لبن الخیل ع ف شیر اسپ ق محذر لباب القرطم
ع ف نشاسته لباب القرطم ع بضم قاف وسکون راء مهمله وضم طاء مهمله
وسکون میم ف مغز خسکدانه طح لبن ع بفتح اول وثانی وسکون نون
ف شیر ه دوده طب ر گونه بذج ق مغذی مسخن ش نیم رطل ص عسل ل لباء ع
بفتح اول وثانی وسین مهمله والف ونون م خردل بری طح لبن الضان
ف شیر میش ق مبهی ومقوی وباه لبن الاتان ع ف شیر خر ل لبن الماعز
یا لبن اللقاح لبان ع بضم اول وثانی مشدده والف ونون م کندر
لبنی سریانی بفتح اول وثانی وکسر نون وتحتانی م میعه سائله ه
سلارس تشیق الجیم الجهنا ه بفتح اول وسکون جیم فارسی وحاء
ها وفتح میم ونون والف ع سروح الصنم لجالوه بفتح اول وثانی
والف وضم لام ثانی و واو دوای مشهور هندیست تشیق الحاء
المهمله لحام الذهب گویند اشق طح ی ق معدی خ وارمنی لحام الفضه م
اشق لحم النعاج ع بفتح اول وسکون حاء مهمله وضم میم ونون مشدده
وعین مهمله والف وجیم ف گوشت میشینه گرمی وی کمتر از گوشت
بره است لحم البقر ع ف گوشت گاو خ از گاو جوان لحم الخنزیر
گوشت

گوشت خوک خ بری لحم الجزور ع بضم جیم وزاء معجمه و واو و راء مهمله ف
گوشت شتر بچه طح لحیه الحارس ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح تحتانی
وضم فوقانی وسکون لام وکسر حاء مهمله ومیم والف و راء مهمله ف
پرسیاوشان لحیه التیس ع بفتح اول فوقانی وسکون تحتانی وسین
مهمله ه درخت سرس ط ب ای ۲ ق قابض خ تر و تازه ش یکمثقال تا
دو درم ص رازیانه یا طباشیر ل تخم گل یا گلنار یا طراثیث یا نیم وزن عصاره
ان یا ابطر لحم ع بفتح اول وسکون ثانی ومیم ف گوشت ه مانس وسکون
وسیر طح ها گویندی ق مغذی خ میانه در فربهی ولاغری وعضله ولحم
خصی لحم الحملان ع ف گوشت بره طح خ گوشت حولی یعنی یک ساله
لحینسل الکلیه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وکسر نون وضم سین مهمله
وسکون لام وکسر همزه وسکون کاف وکسر لام وتحتانی وفتح لام
ثالث وها ف نوعی از خیری جبلی م خزامی خ ازدانه تشیق الخاء المعجمه
لخلخ سلیمانیه بفتح اول وسکون خاء معجمه وفتح لام ثانی وخاء معجمه ثانی وضم
سین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی ومیم والف وکسر نون وفتح تحتانی
مشدده وها ف ثقل روغن زعفران تشیق الذال المعجمه لذاق الذهب ع
بضم اول وزاء معجمه والف وضم قاف وفتح ذال معجمه مشدده وها وسکون
موحده م گویند اشق لزبه جو تشیق السین المهمله لسان الکلب بکسر
اول وشین مهمله والف وضم نون وسکون لام ثانی وموحده م لسان
الحمل ونیز حماض لسان الثور ع بفتح مثلثه وسکون واو و راء مهمله ف
گاو زبان ه کاتهه مانند طح را ق مفرح دل خ شامی یا خراسانی غلیظ
ورق که بر وی نقطها گرد ش دو درم ص صندل سرخ یا هلیله مربی یا

سماق ل بوزن آن ابریشم سوخته وچهار دانک وزن آن پوست اترج
یا بادرنجبویه وهندبا یا دو وزن پوست اترج یا بوزن او درونیم
وزن ابریشم لسان العصافیر ع بفتح عین مهمله وصاد مهمله والف وکسر
فا وتحتانی وراء مهمله ف تخم ارهر ه اندرجو طح ۲ رق مبهی خ سطر ش
نیم مثقال ص کدو مربا ل در تحریک باه مغز جوز وتودری سرخ یا نیم
وزن بهمن سرخ لسان البحر ع بفتح موحده وسکون حاء مهمله وراء مهمله
م سبیبا لسان الحمل ع بفتح حاء مهمله ومیم وسکون لام ف ورق بارتنک
طب ی ۲ ق قابض رادع مدمل حابس دم ش از تخم او یکمثقال ص
مصطکی وسلیخه یا بنفسج ل ورق حماض بستانی تتمیق الصاد المهمله لصف
بفتح اول وصاد مهمله وسکون فا م کبر لصیق بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی
وکسر فا وتحتانی ثانی ف نوعی از لسان الحمل کوچک تتمیق العین المهمله
لعاب بضم اول وعین مهمله والف وموحده ف آب دهن ه تهوک ولا
لعبت مطلق بیخ بروج لعبت بربری بضم اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون
فوقانی وفتح موحده ثانی وسکون راء مهمله وفتح موحده ثالث وکسر
راء مهمله ثانی وتحتانی م سورنجان ل جوز مقشر یا تودری زرد یا رد
یا نیم وزن فلفل تتمیق الفا لفت بکسر اول وسکون فا وفوقانی ف شلغم
لفاح ع بضم اول وثانی مشدده والف وحاء مهمله ف ثمر تاترج دآن
ثمر بیروح است طب ر ۳ کوبیدح ی ۲ ق مخدر منوم خ بزرک تیز بوی
زرد ورسیده ش نیم درم ص عسل ل جوز ماثل یا نیم وزن بزرالبنج و
دو دانک وزن آن خشخاش یا جوز القی وبوزن آن بزرالبنج یا
تتمیق الکاف لکع بضم اول وسکون کاف ه لاکه طح ی اکوبید ۲ ق

مفتح

مفتح خ معمول ش یکدرم تا یک مثقال ص مصطکی بعد از اینک معمول بود
ل نیم وزن ریوند چینی ونیم وزن اسارون دکوبید سنبذروس
لکنتا لکهنی ه بفتح اول وسکون ثانی وخاء ها وفتح میم ونون والف
وبکسر نون وتحتانی هر دو اسم اسندیست ع پروح الصنم تتمیق المیم
لما بفتح اول ومیم والف ع عنب الثعلب تتمیق الواو لوبیاع
بضم اول وواو وکسر موحده وتحتانی والف م غله ایست مشهور ط
ح امع ری ق مدر مقشر مبهی خ سرخ ل نخود سیاه لوفا بضم اول
وثانی والف م نوعی از حی العالم لوا بکسر اول وثانی والف ف علیواز
لوهاه بضم اول وثانی وها والف ف آهن لوح بضم اول وثانی و
خاء معجمه م بروی لوزهوور ع بفتح اول وسکون ثانی وزاء معجمه ف
بادام شیرین وتلخ ط شیرین معح ب ر ۲ قلخ ی ی ۲۵ ق شیرین
مبهی وتلخ او مفتت ومفتح خ بزرک روغن دار ش ده درم ص شکر
ل از تلخ محلب لوطس سریانی بضم اول وثانی وضم طاء مهمله و
واو وسین مهمله م حندقوقی ه وبشین معجمه نوعی از نیلوفر است که در
مصر ودریاچه بری کوبند وان نیلوفر بریست لوف ع بضم اول
وثانی وفا ف پلکوش طح ی ۲ ق مقطع مفتح خ سپید تازه وچون
نخایند طعم قرنفل دهد وچون با مصطکی بخایند بوی بنفشه دهد و
کویند عربی سرخ باریک خشبوی ش یکدرم ص کاسنی ل یکوزن کبر لونک
ه بفتح اول وسکون ثانی وخاء لون وکاف فارسی ع قرنفل ف میخک
لونیان ه بضم اول وثانی وکسر نون وتحتانی والف ونون ثانی ف
خرفه لوفابین بضم اول وثانی وقاف والف وکسر موحده وتحتانی

ولون ف اسپند لوبان هـ بضم اول وثانی و موحده والف ونون
م کندر دکر لولو ع بضم هردو لام وهردو واو ف مروارید هـ
مونی طب ی ق ملطف ومقوی دل نا سفید بزرک پاک شیرین شش دو
دانک ص بسد یا معجون کل ل یکنیم وزن صدف صاف یا خطمی سفید د
بنفشه لوهو هـ بضم اول وثانی وضم ها وواو ع دم ف خون طح ر
لوز البربر ف بادام کوهی م نجرک لوره هـ بضم اول وثانی وفتح دال
مهمله وخفا ها دوای مشهور هندیست طب لونک جنکلی هـ ق محذر
تنبیق الهالیهورا لهوه بفتح اول وسکون ها وضم سین مهمله و واو ورا مهمله
والف م سپستان لهنی هـ بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله
وسکون نون ف سیر تنبیق الیا التجا لیلنج سریانی بکسر اول وتحتانی
وفتح لام وسکون نون وجیم م نیل لینج سریانی بکسر اول وثانی و
فتح نون وسکون جیم ف نوعی از اقلیمیاست که در جزیره قبرس در
معدن نحاس یابند لبنوفر بکسر اول وثانی وضم نون وواو وفتح فا
وسکون را مهمله م نیلوفر لیموه بکسر اول وثانی وضم میم وواو و ینبو
عن
ط پوست ورق ایچ ی او حامض او ب ق قامع مره ص عسل ورو
ل اترج لبنو فرهندی هـ اسپند ترقیم الیم تنبیق الالف ماء ع بمیم و
الف وهمزه ف آب هـ جل ویانی وبااوست حیات وزندکانی ط
ب رق مرطب نا آب چشمه که از جانب مشرق بشده بیرون اید مقابل
شمال وبر سنگ روان بود وبراق وصافی وسبکوزن وچون
آفتاب بروتابد زود کرم کردد وچون زائل شود زود سرد کردد
مامیثا بمیم والف وکسر میم ثانی وتحتانی ومثلثه والف ثانی م شیاف

مامیثا

مامیثا طب ی اق رادع نا نوص مرل حی العالم ماست ف جیزات
ماهیزهرج بمیم والف وکسر ها وتحتانی وفتح زا معجمه وسکون ها وفتح را مهمله
وسکون جیم ع سم السمک ف ماهی زهره از بیوغانست هـ مکولنا طح ی
ق مسهل بلغم نا سطبر زرد ونوش ش با نبات یکمثقال ودر مطبوخ
دو درم تا سه درم واز چوب او یکدانک تا دو دانک ص کثیرا ونشاسته
ل سه وزن او ریسا ودو دانک وزن ان مقل الیهود وکویند ح
وزن تربد ماراهیج بمیم والف ورا مهمله ومیم والف ثانی وکسر ها و
مار
تحتانی وجیم ف ماهی هـ بادام مجهلی مار اللح بکسر میم وسکون لام وحا مهمله
ف آب نمک ق مفتی ومجلی اوساخ مار الورد ع بفتح اول وسکون را مهمله
ودال مهمله ف کلاب طبع ق مقوی ودماغ خ تیز بوی تلخ طعم ماء الحدید ع
بفتح حا مهمله وکسر دال مهمله وتحتانی ودال مهمله ثانی م دوص ف آبی که
در وآهن تافته سرد سازند مان کنده بمیم والف ونون وفتح کاف
وخفا نون ودال مهمله م قسمی از استهول کند مار الشعیر ع بفتح شین
معجمه وکسر عین مهمله وتحتانی ورا مهمله ف جو آب دکشک ط ب رشی
صد درم مار الکافور ع ف آب کافور خ انکه بروغن بلسان ماند ماس بسین مهمله
ف الماس هـ هیرا طب ی کوینده ی ماش بمیم والف وشین
معجمه ف بنوماش هـ مونک طب الکویند مع ری کویندی اق معدی
خ سبز بزرک فربه ص خلکدانه ل با فلای مقشر مار القرع ع ف آب کدو ق
آب کدوی تلخ مفتی ماورنک بمیم والف وواو ودال مهمله ورا مهمله وسکون
نون وکاف ف ترنج مار العسل ع بفتح عین وسین مهمله وسکون لام
ف آب شهد طح ق مفتی مار اللحم ع ف آب کوست وان مرکبست

طح رنة ازبره حولی مازریون بمیم والف وفتح زاء معجمه وسکون راء مهمله
وضم تحتانی وواو ونون ف مست رو دکویند برک هلیله زرد است
وان ازبتوعات است طح ی م ق محذر منقی ومسهل صفرا وتخم او معیی ن
نه بسیار ورق شن بقدر تا یکدرم ص در سرکه جنبا بندن ل شیرا
ماهستان بمیم والف وفتح میم ثانی وسکون ها وکسر سین مهمله وفوقانی و
الف ثانی ونون م ساوج هندی مامیرانج بمیم والف وکسر میم ثانی و
تحتانی وراء مهمله والف ثانی ونون م بیخی است مشهور بهمین نام طح
ی ۲ کویند ۴ کوینج ای ۳ ق مجلی ومنقی شن بقدر رم ص عسل ل طباشیر
وورن عروق الصفر یا نیم وزن مردو یک وزن عروق الصفر مامون
بمیم والف وضم میم ثانی وواو ونون م حاشا ماالجبن ٤ بضم جیم وفتح
موحده وسکون نون ف آب پنیر وان مرکبیست ماالنون ٤ بضم نون
وواو ونون ثانی ف آب ماهی نمکسود طح ی ما القراطن سریانی بفتح قاف
وراء مهمله والف وکسر طاء مهمله وسکون نون ف شرابیست که از اجند نقول
کویند وکویند شرابیست که از خمر یا از مثلث وعسل وداروهای کرم زند
وکویند ماء العسل است ماالسولفن بمیم والف ولام وضم سین مهمله وواو
وفتح فا ولام ثانی وسکون نون ف مادر بویه ماطرینون رومی بمیم والف
وضم طاء مهمله وواو وکسر نون وضم تحتانی وواو ونون ثانی ف درخت
قنه ه جیده ماه فرفین بمیم والف وها وفتح فا وسکون راء مهمله وکسر فا
ثانی وتحتانی ونون م جدوار مایین ه بمیم والف وکسر همزه وتحتانی ونون
ف کرمازو ماذو بمیم والف وضم زاء معجمه وواو ٤ عفص ه ماجو سل
ماهودانه بمیم والف وضم ها وواو ودال مهمله والف ثانی وفتح نون

دهار

وبا ثانی م حب الملوک ط ح ی ۲ ق مقیی ومسهل بلغم شن از نیم درم
تا یکدرم وکویند یازده حبه ص انیسون وکثیرا ل نیم وزن وند یا حب
الخروع یا یکنیم وزن حب النیل یا شبرم مارجوبه ف بمیم والف وراء
مهمله وضم جیم فارسی وواو وفتح موحده وها م هلیون ف مارکیاه تا کدون
ماراجمه بضم جیم وفتح یاء وفتح میم وها ف ابکامه ه کانجی ماکهه ه
بمیم والف وفتح کاف وهاء هندی ف ماش سیاه ه اورد و کلاهی
وبرهی ماش هندا قلت ه هوار مال کنکنی ه بمیم والف ولام
وفتح کاف وسکون نون وضم کاف فارسی وکسر نون وتحتانی م دوائی
مشهور عظیم النفع هندیست طح ق بلین مالی بمیم والف وکسر
لام وتحتانی م عسل تسبنی التا با التحتانی متر بفتح اول و فوقانی هندی
وسکون راء مهمله ف کرسنه متک بفتح اول وسکون فوقانی و کاف
ع ارتج تسبنو التا ر المثلثه مثلث بضم اول وفتح مثلثه ولام مشدده و
سکون مثلثه ثانی ف آب انکور است که بجوشانند وکف وی بکیرند تا دو
حصه بسوزد ویک حصه بماند طح ل خمر که هر دو قائمقام یکدیکرند متل بفتح
اول وسکون ثانی وکاف ف سوسن متنان بفتح اول وسکون ثانی
ونون والف ونون ثانی ف درخت کرم دانه وان نوعی از مازر
یونست وکرم دانه تخم ویست تسبنی الجیم مجیج بضم اول وسکون
جیم وفتح نون وسکون جیم ثانی ف خوش نظر ه کلکا ط ب ی ۲
کویندر ج بضم اول وسکون ثانی م ، ش مجکنند ه بضم
اول وسکون فارسی وفتح کاف وخا ، نون ودال مهمله م دوائی
هندیست مجینه ه بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وفتح فوقانی اهندیست

وهای هندی م بقم مجهجهی ه بفتح اول وکسر هر دو جیم فارسی وخفا هر دو
ها وسکون هر دو وتحتانی ن دوای مشهور هندیست تتمیتق الحاء المهمله
محلب ع بفتح اول وکسر تیز وسکون حاء مهمله وفتح لام وسکون موحده
ه کیتهلا طح مع ی محلی ملطف محلل ف سپید ش نیم مثقال ص صندل ل بادام
تلخ سفید کرده محروث بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وواو ومثلثه
ف بیخ انکوزه طح ی ۲ ق ملطف غ سفید سبک ش نیم درم ص عصاره
زرشک ل انجدان مح ع بضم اول وسکون ثانی ف زردی تخم مرغ
محاجم ع بفتح اول وثانی والف وکسر جیم وسکون میم م مخلصه محمود ه
بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وواو وفتح دال مهمله وهاء م سقمونیا
تتمیتق الخاء المعجمه مخ ع بضم اول وسکون خاء معجمه ف مغز ه کود
طح رق ملین غ از ساق کوساله واول بعد از ان کاو پس کوسفند ص
نمک وصعتر ل نخاع مخیض ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی وضاد معجمه ف
دوغ ه جهاجهه طب ی غ از شیر کاو جوان مخلصه ع بضم اول وفتح ثانی
وکسر لام مشدده وفتح صاد مهمله وهاء م واین نام از ان کویند که تریاق
همه زهرها است واز همه زهرها خلاص دهنده است طح ی غ از
کوهستان ش بانکاره ش یکمثقال مخاط ع بضم اول وثانی والف
وفتح طاء مهمله وهاء ف سپیتان تتمیتق الدال المهمله مداد ع بکسر اول
ودال مهمله والف ودال مهمله ثانی ف سیاهی ومرکب ه مس طح
ی ق مجفف غ سبکوزن بسیار سیاه ص روغن کل ل خاکستر خسته
خرما مائده ه بفتح اول وسکون ثانی ف شراب وعسل تتمیتق الراء المهمله
مرقشیثا بفتح اول وسکون راء مهمله وفتح قاف وکسر شین معجمه وتحتانی

وشین

وشین معجمه ثانی والف م انواع بهت ذهبی وفضی ونحاسی وحدیدی
وشبهی وهر جنسی مشابه بود بجوهری که با ومنسوب بود م حجر
البهود وحجر الروشنایی ه سون ماکهی طح ی ۳ ق قابض غ ذهبی
ص عسل ل سعنیا با اقلیمیا وروسنجج مراو اصحر ع بفتح اول وکسر
ثانی والف وضم راء مهمله ثانی وفتح صاد مهمله مشدده وسکون حاء
مهمله وراء مهمله ثالث والف ثانی م حنظل مردم کیاف ع لکمنا الکمهی
مردا ه بفتح اول وسکون ثانی وواو والف وفوقانی جمع مراره ن
زهرها وتلخها ه پتا طح ی ۴ کویند ۲ ق حاد محلل غ از مرغ ودراج وکبک
ولوتش زرد طبیعی واز کامرد از ایل جوان واز کفتار سر واز شیر جوان ص صمغ
عربی ل وسخ الاذن مرج ه بکسر اول وسکون ثانی وجیم فارسی ف فلفل
کرد مرداسنج بضم اول وسکون ثانی ودال مهمله والف وفتح سین مهمله وسکون
نون وجیم ف مرداسنک طب ای ۱ مع ح ق مجفف الحال غ اصفهانی
براق سرخی مایل ص شیر تازه دوشیده ل اقلیمیا مرقدع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح قاف وسکون دال مهمله م جوز مایل ه دهتورا وکویند
افیون مرع بضم اول وسکون ثانی ه بول طح ی ۱۲ ق مفتح ملین منفتح
غ مایل سرخی جنبونز بن صافی بسیار تلخ ش نیم درم ص عسل ها کافور
وآس ل صبر مرار بفتح اول وثانی والف وراء مهمله ثانی م نوعی
از نسکاعی وباداورد مرمره ع بفتح هر دو میم وسکون هر دو راء مهمله
سنکیست مشهور غ از معدن چرخ مراخوز بفتح اول وسکون ثانی
ومیم والف وضم حاء مهمله وواو وزاء معجمه م نوعی از مرزکه بفارسی
مرزنجوش کویند طح ی ۳ ق ملطف محلل غ بستانی سبز ش دو درم

مرداسنج بفتح اول وسکون ثانی ... الف

بنفشه ل مرزنجوش واکر از جهه سکر بود که در شراب بکسی دهند
بوزن ان اشنه و دانکی زعفران وکویند ریحان مرزنجوش بفتح
اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون نون وضم جیم وواو وشین
معجمه م مرداطرح ی ۲ ق ملطف محلل ن بستانی سبز نو تازه ش بکدرا
ص تخم خرفه ونیلوبریان کرده یا نیلوفر یا ورد ل افسنتین رومی
یا دو وزن مرمار حوریا شاه بابک یا ورق یاسمین یا نیم وزن فلفل و
مرزنجوش ومرمار حوز وجمسقرم وبادرنجویه وفرنجمشک همه قایم
مقام یکدیکرند در ابدان مردقوش بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله
وضم قاف وواو وشین معجمه م مرزنکوش مریق بفتح اول وکسر ثانی
وتحتانی وقاف ع عصفر مرق ع بفتح اول وثانی وسکون قاف ف
شوربا مرورشنک بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو وراء مهمله وسکون
شین معجمه وکاف م مروق منضج منوم مزنک بضم اول وکسر نیز وسکون
ثانی وفتح فوقانی وسکون کاف م مرداسنک مرداسنج بفتح اول
وسکون ثانی ودال مهمله مرو با مشک وکسر همزه وسکون سین
مهمله وکسر فا وفتح راء مهمله وسکون میم ثانی م آس بری مرجان ع
بفتح اول وسکون ثانی وجیم والف ونون ه مونکا طب ای ۲ ق
مجفف ن احمر ش بجذرم ص صمغ وکثیرا ل کهربا مرسین بفتح اول وسکون
ثانی وکسر سین مهمله وتحتانی ونون ف مورد مرد بفتح اول وسکون
ثانی وواو م وان النوعست که در مراسر مذکور است مرو زیه
بفتح اول وضم ثانی وفتح واو وکسر زاء معجمه وفتح تحتانی وها م نوعی از
کاسنی بری تلخ وکویند نوعی از کاهو مرانیه بفتح اول وثانی والف

وکسر

وکسر نون وفتح تحتانی وها ف درختی است مانند درخت یاسمین النوع خو شبوی
وبرا مرماخور خوانند وانچه بویش کمتر است شموسا خوانند که آن
مرد رنکست ونوع دیکر او را دار ماو دارمک خوانند و وی مرد سفید
است وکویند لسان الثور است ونوع دیکر او را آرد شیر دارو
شیران نیز کویند وآن مرد تلخست مری ع بضم اول وکسر ثانی و
تحتانی ف آبکامه ه کانجی طح ی ۲ ق مجلی ملطف مش بجذرم ص روغنها
ل ماهیانه تسنیة الزاء المعجمه مزج بضم اول وفتح نیز وسکون زاء معجمه
وجیم ف درخت بادام تلخ مزر بفتح اول وسکون ثانی وراء مهمله
ف بنبذیست که از کندم وجو وجاورس سازند واز ابوزه
وبکسیم کویند مزمز بکسر هر دو میم وسکون هر دو زاء معجمه فارسی
ف خرنکس مزمار الراعی ع بکسر اول وسکون ثانی ومیم والف
وضم راء مهمله وفتح راء مهمله ثانی مشدده والف ثانی وکسر عین مهمله
وتحتانی م عصی الراعی تسنیة السین المهمله مسحقونیا سریانی بفتح اول
وسکون سین مهمله وفتح حاء مهمله وضم قاف وواو وکسر نون وتحتانی
والف ف کف آبکینه ه کاج لون ل ابکینه سفید وقلی کازران موک
العزورع بکسر اول وسکون ثانی وواو والف وضم کاف و
سکون لام وضم قاف وراء مهمله وواو ودال مهمله م اشنه
مسقمور بربری بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وواو و
راء مهمله م رزاوند طویل مسطار بکسر اول وسکون ثانی وطاء
مهمله والف وراء مهمله ف شراب بدست افشرده زود مست کنند
موره بفتح اول وضم ثانی وواو وراء مهمله ع عدس ف نبوخ

مس ف بکسر اول وسکون ثانی ع نحاس ه تا بنا مسک ع بکسر اول
وسکون ثانی وکاف ف مشک ه کستوری طح ی ۲ ق مفتح ملطف
ومقوی دماغ ۂ تیز ش یک قیراط ص کافور ل مرزنجوش خشک یا عنبر
مستعجل ع بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون عین مهمله
وکسر جیم وسکون لام م بوزیدان مسقاطون رومی بکسر اول وسکون
ثانی وقاف والف وضم طاء مهمله وواو ونون ف عود هندی ه
اکرمس ع بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون ف شکست که کارد و
شمشیر وافزار بدان تیز کنند ه سان طب ق حالی ۂ سبز ه
با نونه ل طین قیمولیا سواک الراعی ع براء مهمله والف وکسر عین مهمله وتحتانی
شیطرج وکویند زوفا مسی ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی کا انجکنک
وبکسر اول سنون دندان تسیتوالشین المعجمه مشمش ع بکسر هر
دو میم وسکون هر دو شین معجمه ف زردالو ه خوبانی طب ر ۲ ق قابض
مره ۂ ایرمنی زرد بزرک رسیده ش یک کف ص سکنجبین ل خون
مشکطرامشیع یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر کاف وضم طاء مهمله
وراء مهمله والف وفتح میم ثانی وکسر شین معجمه ثانی وتحتانی وعین مهمله
م بود نه بری ف رنک طح ی ۲ کویند ع ۳ ق مفتح مدر ملطف مقوی معده
نور سیده ش نیم درم ص سرکه یا صمغ ل فرومانا و درادراو
عدس مرو ورزن یا اکلیل الملک یا شقایق وکویند بودنه مشک
ف بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وکاف فارسی م عدس مشک
ف بضم اول وسکون ثانی وفتح کاف وسکون کاف ثانی ع
سعد مشک الرامک ع رامک کبیر مشک هندی م سعد تسیتوالصاد المهمله مصبر ه

بضم اول

بضم اول وفتح صاد مهمله وبسین مهمله نیز وموحده مشدده وسکون راء
مهمله ه ابلوا مصغ بفتح اول وسکون ثانی وعین معجمه م ثمر عوسج
مصباح الروم ع بکسر اول وسکون ثانی وموحده والف وضم حاء مهمله
مشدده وواو ومیم ثانی ف کهربا مصطکی ه بفتح اول وسکون ثانی و
فتح طاء مهمله وکسر کاف وتحتانی ف کندر رومی طح ی ۲ کویند ر ق
ملطف قابض محلل مقوی کبد وحابس خون ۂ رومی ش نیم درم ص
سبر که خیسانیده وخشک ساخته یا کثیر استعمال نمودن وکویندور
ل یکنیم وزن کندر ذکر یا اسپست که بپخته باشند ودر تقویت معده
اذخر تسیتوالضاد المعجمه مضیره بفتح اول وکسر ضاد معجمه وتحتانی وفتح
راء مهمله وها ه مهیری نام طعامی است که از جغرات وبرنج سازند
ق منضج اورام وماسیل تسیتوالطاء المهمله مطمنا یونانی بفتح اول
وسکون طاء مهمله وفتح حاء مهمله ومثلثه والف م مرکبست که اورا
لعوق نوزکویند مطبوخ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده و
واو وخاء معجمه ف دوشاب وهرچه پخته شود وباتش مط ع بفتح
اول وسکون ثانی م جلنار تسیتوالعین المهمله معاع بکسر اول وعین مهمله و
الف ف روده ه انتری طب ی ق ملین ۂ از جوئی کوسفند معد
بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله م حضی الثعلب معصفر ع بفتح
اول وثانی صاد مهمله وفتح فا وسکون راء مهمله ه کسنبه معقار بکسر
اول وسکون ثانی وقاف والف وراء مهمله م صمغ اجاص مشمق
ع م از اجاز نام جست وازنبات ماهودانه معین ع بضم اول
وکسر ثانی وتحتانی ونون م مازریون معد ه ع بکسر اول وسکون

ثانی وفتح دال مهمله وهاف شکم ه اوجهری ط ب ی تسبق الغین المعجمه
مغاث بضم اول وغین معجمه والف ومثلثه ف بیخ انار دشتی که در حب
الفلفل باشد ط ح ر۲ کویندی ق معری حار خ بغدادی سفید مائل
بزردی ش دو درم ص عسل ل درطلا قلت یا نیم وزن رزاوند
مغد بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله ف بادنجان وکویند لفاح بری
وکویند نوعی ازکیاه کوچک مغیلان ع بضم اول وکسر ثانی وتحتانی ولام
الف ونون ه درخت کیکر وببول مغره ع بضم اول وسکون ثانی
وفتح راء مهمله وهاف کل سرخ ه کیرو ط ب ی۲ ق قابض مجفف خ سرخ
روشن ش نیم مثقال ص عسل ل شادنج معمومه بفتح اول وسکون
ثانی وضم میم ثانی وواو وفتح میم ثالث وهاف قلیه بادنجان تسبق الفا
مغرح ع بضم اول وفتح فا وکسر راء مهمله مشدده وسکون حاء
مهمله ن کاوزبان مغرود بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله و
دال مهمله م نوعی ازکات کوچک مقرح قلب محزون ع بفتح قاف
وسکون لام وضم موحده وسکون لام ثانی وفتح میم وسکون حاء
مهمله وضم زاء معجمه وواو ونون م ریحان وبادرنبویه تسبق القاف
مقلیاثا ن سریانی بفتح اول وسکون قاف وکسر لام وتحتانی والف
ومثلثه والف ثانی ف تخم سپندان مقد بفتح اول وسکون ثانی
وراء مهمله م نبات صبر ه کمبوکوار مقدونس یونانی بفتح اول وسکون
ثانی وضم دال مهمله وواو وکسر نون وسکون سین مهمله م فطراسالیون
مقناطیس ع بکسر اول وسکون ثانی ونون والف وکسر طاء مهمله
وتحتانی وسین مهمله ف سنک آهن ربا ه چمک پهتر ط ح ی ق جالی

منقی

منقی خ سیاه سرخی مائل رو وآهن ربا بنده ش دو درم ص بدل السن
ل مسهل ولادت کف دریا مقل ع بضم اول وسکون ثانی ولام
م کویند صمغ درخت مازوست ه کوکل ط ح ی۲ ق محلل ملین خ تلخ فتح
با لزوجت وشکننده خوشبوی ش یکدرم ص زعفران یا کتیرا ل
بوزن آن کندر فارسی ونیم وزن کندر دریائی تسبق الکاف
مکنسة اللاذن بضم اول وفتح کاف ونون مشدده وسین مهمله وضم
فوقانی وسکون لام وفتح همزه وسکون نون ثانی وفتح دال مهمله
وسکون راء مهمله م سبکران الحوت ف ماهیزهره مکنه قرشیه بفتح میم
وسکون راء مهمله وکسر شین معجمه وفتح تحتانی مشدده وهاء م مخلصه تسبق
اللام ملوخیا بضم اول ولام وواو وکسر خاء معجمه وتحتانی والف
ن نوعی از خطمی کوچک ط ب ا ر۲ کویند ب ر۳ ق ملین خ سبز تازه
ص کشنیز خشک ملح العرب بکسر اول وسکون ثانی وضم حاء مهمله و
سکون لام وفتح غین معجمه وسکون راء مهمله وموحده م نمک درخت
غرب ملح الصناعت ع بکسر صاد مهمله ونون والف وفتح عین مهمله
وسکون فوقانی م تنکار ملح ویاختم شوره باروت ه ساجی دجهبا
ملح ع بکسر اول وسکون ثانی وحاء مهمله ف نمک ه لون ط ح ی ۲
ق مجلی محلل مفتح خ اندرانی سفید طبرزد ص سقر ل نیم وزن
نوشادر یا نیم وزن بورق ملخ ف بفتح اول وثانی وسکون خاء
معجمه ع جراد ف تیدی ملح طبرزد بفتح طاء مهمله وموحده وسکون
راء مهمله وفتح طاء مهمله وموحده وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه و
سکون دال مهمله ف نمک سنک ه سیندلون ملح محیط بضم میم

وکسر حا مهمله و تحتانی و طا مهمله ن کف دریا م سمندر بهین ط ف بضم اول و
وسکون ثانی ف باده ه ید یلح عجیبع بکسر عین مهمله وجیم و تحتانی و
نون ه نمک سباهی یلح بونبه بضم موحده و واو وکسر فوقانی وفتح
تحتانی مشدده و ها م نوشادر ملوکیه ع بضم اول و ثانی و واو و
کسر کاف وفتح تحتانی و ها م خطمی یلح بسنج ع بفتح سین مهمله وسکون نون ثانی
وکسر جیم و تحتانی ف نمکشنک یلح اندرنبا بکسر همزه وسکون نون وفتح
دال مهمله و را مهمله والف وکسر نون ثانی و یا موحده و تحتانی ف
نمک سفید یلح نفطی ع بفتح نون وسکون فا وکسر طا مهمله و تحتانی ف نمک
سیاه ه یا والون تشبیق الیم مسک الارتام ع بضم اول وسکون میم ثانی وکسر
سین مهمله وضم کاف وسکون لام وفتح همزه وسکون را مهمله و
واو والف وحا مهمله م اسطوخودوس ممیران بفتح اول وکسر ثانی
وتحتانی و را مهمله والف ونون م مامیران تشبیق النون منکر یلح
بفتح اول و لام الف ف قسمی از زیره وگویند سیاه دانه مند داه
بفتح اول وسکون ثانی و دال هندی و واو والف م غله مشهور هندست
مبنج ف بفتح اول وسکون ثالث جیم م بزرالبنج و بضم اول زنبور عسل
منج بضم اول وسکون ثالث وفتح جیم وسکون خا معجمه ف مرکبیست
که او را برده وکا فوری گویند منثور ع بفتح اول وسکون ثالث وضم
مثلثه و واو و را مهمله ف خیری ونوعی از خشخاش منداب ع بفتح اول
وسکون ثانی و دال مهمله والف ف درخت اگر منل ه بفتح اول
وسکون ثانی وفتح سین مهمله وسکون لام ف زرنیخ منغ ع بفتح
اول و ثانی مشدده ف مهرطلی یعنی شبنمی که بر درخت یا بر سنگ افتد

ازابدین نام خوانند مانند ترنجبین و گزانگبین و شیرخشت و بید خشت ط
حامع ی رق مجلی وملین غ صافی لون ش ده درم ص سکنجبین ل سکر
مبنج زراوشان بضم اول وسکون ثالث وکسر جیم و زا معجمه و را مهمله والف
وفتح واو وشین معجمه والف ثانی ونون ف تخم خیری منجوشه رومی بضم
اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وضم جیم و واو وفتح شین معجمه و ها م
سنبل رومی یعنی ناردین مندغوره رومی بضم اول وسکون ثانی وفتح
دال مهمله وضم عین مهمله و واو وفتح را مهمله و ها م بیروج مندلی ه بفتح
اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر لام وتحتانی ف عود هندی
تشبیق الواو موی کیاه درخت سنبل مونجاه بضم اول و واو وخفا نون
وکاف فارسی والف ف مرجان موتهاه بضم اول و ثانی وفتح فوقانی وخفا
ها والف ا سعد مونجه بضم اول و ثانی وخفا نون وجیم ف پوست
پسرون سرکنده و ورهنداز و ریسمان سازند مورد بضم اول و ثانی
و را مهمله و دال مهمله م آس موسر بضم اول و ثانی وفتح سین مهمله وسکون
را مهمله ف زنبور موزنع بفتح اول وسکون ثانی و زا معجمه ه کیلا طح را
گویند مع ق ملین غ بزرگ شیرین رسیده ص مصطکی ل سکر و عسل
موجرسه بضم اول و ثانی وجیم فارسی وفتح را مهمله وسکون سین مهمله م
صمغ درخت سنبل مونکه بضم اول و ثانی وخفا نون وکاف فارسی
ف بنو ماس مودیکه بضم اول و ثانی وفتح دال مهمله وخفا ها و
سکون کاف م دوائی مشهور هندیست مورد اسفرم بضم اول و ثانی
و را مهمله وکسر دال مهمله و همزه وسکون سین مهمله وفتح فا وسکون
را مهمله و میم م مورد بری طح ی ٢ ف ٢ رومی مومف بضم اول و ثانی

ومیم ؏ شمع ه وهین موراموں یونانی بضم اول وثانی وراء مهمله والف و
ضم میم و واو ثانی و نون م شقاقل مو بضم اول وثانی مشهوراست
بهمین نام بیخ حشیشی است تیز بو چون شبت طح ی ۲ ق ملطف مدر
ن یم منقطع ص تخم کرفس وکوبند صندل وکلاب ل نیم وزن جوز الطیب
و نیم وزن سنبل یا نیم وزن فلفل سیاه یا اسارون و سلیخه مومنه ه
بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ؛ هندی وهای غلط است هندی ط
ح مومیائی ف بضم اول وثانی وکسر میم ثانی وتحتانی والف وکسر تحتانی
ثانی م مشهور است بهمین نام موم یعنی شمع ویا نام دریست که دران
موضع منبع او است وآن کانیست وحشی وحجری طح ۲ ی ق ملطف
محلل مجبر مبهی ند کانی ش ربع درم ل قفر الیهود موشش دربندی ف بضم اول و
ثانی وکسر شین معجمه وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله وفتح موحده وسکو
نون وکسر دال مهمله وتحتانی م بوشش دربندی مولی یونانی بضم
اول وثانی وکسر لام وتحتانی ؏ جرمل وبزبان هندی ف ترب مونده ه
بضم اول وثانی وخفاء نون وکسر دال مهمله هندی وتحتانی م دوای مشهوراست
عظیم النفع هندیست که کلش بکمه اساد رتا لا بهار ر وید طح موتی ه
بضم اول وثانی وکسر فوقانی وتحتانی ف مروارید ؏ لولو تخبنی الهامها
بفتح اول وها والف ف سنگ بلور ومهی نیر مهواه ه بفتح اول وسکون
ثانی و واو والف ف درخت چکان مهامیداه بفتح اول وثانی والف
وکسر میم وتحتانی ودال مهمله والف ثانی م دوائی مشهور هندیست
طب مهادره ه بفتح اول وثانی والف وفتح واو وسکون راء مهمله
ف زنگیست که از لاکه میسازند مهک ف بفتح اول وثانی وسکون

کاف

کاف ه مهملی مهره کادف ف کانی وهن وکروجن مهدمه بفتح اول وسکون
ثانی ودال مهمله وفتح میم ثانی وها ف نوعی از چوبک اشنان مهلتی
ه بضم اول وسکون ثانی وفتح لام وکسر فوقانی هندی وتحتانی ه بختهی
تخم الیار التی ان بهیداه بکسر اول وتحتانی ودال مهمله والف م
دوائی مشهور هندیست میورسکهاه بفتح اول وضم ثانی و واو و
راء مهمله وفتح سین مهمله وکاف وخفاء ها والف داروی مشهور هندیست
م اشلان میوزنج بفتح اول وسکون ثانی وکسر واو وتحتانی وفتح زاء
معجمه وسکون جیم ع زبیب جبلی ف میویزک ه لیداح ی ۳ ق محرق اکال
مقتی ف مصری سیاه رسیده ش سرخبه ص کبرال عاقرقرحا میخنج بفتح
اول وسکون ثانی وضم موحده فارسی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی
وسکون جیم ف بختج ش و دوشاب میشبهاری بکسر اول وسکون ثانی و
شین معجمه وفتح موحده وها والف وراء مهمله م اقحوان مین بهل ه بفتح
اول وسکون ثانی ولون وفتح موحده فارسی وخفاء ها وسکون لام ؏
جوز القی میوسن ف شراب سوسن میهن ه بفتح اول وسکون
ثانی وسکون نون اسمیت هندی ف مسکه میعه ؏ بکسر اول وثانی وفتح عین
مهمله وها و و نوعست سائله را لبنی کو بند وتقل وی را میعه یابسه ه
سلاراس طح ی ۲ ی کو یندی ۲ ق ملین منضج منوم مدر ف سائل خوشبوی
سفید مائل بکبودی ش دو دانگ تا مثقال ص مصطکی یا بلو فر یا راز یانه
یا کافور ل چند بید ستر وروغن یاسمین یا جاوشیر یا زیبق ولادن
می ف بفتح اول وسکون ثانی ؏ خمر ه مد مبتهی ه بکسر اول وثانی وکسر
فوقانی وخفاء ها وتحتانی ؏ حلبه میدهاسنبکی ه بکسر اول وثانی وخفاء نون

بفتح دال الهندبی بود بالف وکسر سین مهمله وتحتانیه ثانی وخفار نون وکسر
کاف فارسی وتحتانیه ثالث قسمی از دودهی ترقیم النون تحت اللالف ناض
وناف دو ع نا اطفار الطیب ه نکه نارکیوا بنون والف وراء مهمله وکسر کاف
وتحتانی وواو والف ثانی م ختنجاش سیاه ناک بالا ه بنون والف
وکاف فارسی والف ثانی ولام الف ه کنکری باب الکلب ع ن دندان پش
سک نارنج بنون والف وفتح راء مهمله وسکون نون وجیم ف نکرنک
اندکی از نارنکی بزرکست وازو ترشتر ط پوست او ح ۲ ترشه او ب ی ۲ تخم
او ی ح ق پوست او ملطف ومقوی دل شن از حب او نیم مثقال ص عسل
وحرما لا ترج نافوج بنون والف وضم فاو واو وجیم م نوعی از سوسن
بری که از او لبوث کویند ناک کیسر ه بنون والف وکاف فارسی وکسر کاف
ثانی وتحتانی وفتح سین مهمله وسکون راء مهمله ف نارمشک ناغس ف
بربری بنون والف وکسر غین معجمه وتحتانی وسین مهمله م نارمشک
ناف بنون والف وفاف کرم صدف نارمشک ف بنون والف وراء
مهمله وکسر میم وسکون سین معجمه وکاف ه ناک کیسر ط ح ای اکویند ح ی ۲
ف ملطف ومقوی دل خ خوشبوی ش نیم درم ص طباشیر ل یکنیم وزن
وآن سنبل ونیم وزن پوست پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن اقط
نارجیل بنون والف وراء مهمله وکسر جیم وتحتانی ولام ف نارکیل وجوز
هندی ه نارمل وکهو برا ط ح ری کویندی ق مبهی شن یکدرم ص فانیذ
نابهاتی ه بنون والف وسین مهمله وموحده فارسی والف لام ف پوست
بار انار ناریل ه بنون والف وراء مهمله وفتح تحتانیه وسکون لام ع جوز
هندی ناردینی رومی بنون والف وراء مهمله وکسر دال مهمله وتحتانی و

نون

ونون م سنبل رومی ط ح ای ۱ کویند ۳ ق قابض طبع ذ فربه خوشبوی
سفید مایل ص کثیرا یا عسل ل سنبل هندی ناکدونا ه بنون والف وکاف
فارسی وفتح دال مهمله وسکون واو ونون ثانی ف مارچوبه نازوف
بنون والف وزاء معجمه فارسی وواو ف درخت دیودار نارجو بنون
والف وزاء معجمه وضم جیم وواو ف کل انار نامی دیوی ه نکه ناخواه بنون
والف ونون ثانی وضم خاء معجمه وواو والف ثانی وها ف زنیان ه
اجواین ط ح ی ۳ کویند ۲ ق مفتح ملطف مدر مغثی ذ زرین تازه خوشبوی
مایل بسرخی ش یک مثقال ص عناب ل زیره ناک بیتی ه بنون والف وکاف
فارسی وفتح موحده وکسر فوقانی وتحتانیه ه لجالو نادی ه بنون والف
وکسر واو وتحتانیه م نای تسبیق البار الموحد نبات الجلاب ع بفتح اول وموحده
والف وضم فوقانی وسکون لام وضم جیم ولام الف مشدده وموحده
ه مصری طبع ق ملین جالی ذ سفید شفاف پاک سبک حب دار ص
دبوب ترش ل شکر طبرزد نبات الرعل ع بفتح راء مهمله وسکون عین مهمله
ودال مهمله م کمات نبیذ ع بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی ودال معجمه ف
شراب ذ از سیلان رطب تسبیق الحاء رطب و یابس ع بکسر اول وسکون ثانی وفا ف
کنار تر وخشک ه سپر ط تر او ب ا ر ۲ کویندی اخشک او ب ی ق
قابض مجفف ذ بزرک رسیده ش سه درم ص عسل ل عنبرا تسبیق
الجیم نجبت بفتح اول وسکون جیم وموحده ف هر قشر را بدین
نام خوانند اما مخصوص است بسلیخه تسبیق الحاء المهمله نحاس ع بضم
اول وحاء مهمله والف وسین مهمله ف مس ه تانبا ط ح ی ۲ ۳ جاذ محرق
ذ رقیق الملمس سرخ از هر دو طرف زود کداز نده ش نیم درم ص

کبیر ال ارده بنالی منه وسیخ نخامین ع بضم میم و فتح کاف ولام مشدده و
سکون بس فحیه ف مس کشته نخاس محرق ع بضم اول و سکون حا مهمله و کسر
را مهمله و سکون قاف م روسختج نخل ع بفتح اول و سکون ثانی و لام ف
مکس عسل نخام ع بضم اول و ثانی و الف و میم ف مرغابی تتسیق الخاء المعجمة
نخاع ع بکسر اول و خاء معجمه و عین مهمله ف پشت مازه و حرام مغز طب ی
ق قابض غ تمر تازه ص سکنجبین ل از طلع کنتری نخل ع بفتح اول و سکو
ثانی و لام ف درخت خرما نخاله ع بضم اول و ثانی و الف و فتح لام و ها
ف سبوس م بهوسی طح ی ا ق مجلی و ملین نخ از گندم ص نشاسته ل آرد جو
تتسیق الدال المهمله ند بفتح اول و سکون دال مهمله ف عطریست مرکب از
عود و عنبر و مشک و نبات که او را کشته گویند ندغ ع بفتح اول و
سکون ثانی و غین مهمله م صعتر بری ندک بفتح اول و سکون را مهمله ف
اورک طلائیست مرکب از صندل سرخ و کل ارمنی و فوفل و اقاقیا و
حضض و اسفیداج و مرداسنگ نرجس ع بفتح اول و سکون ثانی تتسیق
الراء المهمله نردن بفتح اول و سکون راء مهمله و دال مهمله و کسر جیم و سکون
سین مهمله ع عبهر ف نرکس ط معح ی گویند ح ی ۲ گویند ۳ ق محلل
غ هفت روزه ص نیلوفر ل نسرین یا خیری نرکندی بکسر اول و سکون
ثانی و ضم کاف فارسی و خاء نون و کسر دال هندی مشدده و تحتانی ف
بجنگشت تتسیق السین المهمله نسج العنکبوت ع بفتح اول و سین مهمله
و ضم جیم و سکون لام و فتح عین مهمله و سکون نون و فتح کاف و ضم موحده
و واو و فوقانی م ابر کاکیا نسوت بکسر اول و ضم ثانی و واو و فوقانی
م ترید نسر ع بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله ف کرکس ه کید و ط گوشت

ح ی نسک غله ایست ه مثر نسترن بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
و راء مهمله و سکون نون ثانی کلیست مشهور نسرین ه بفتح اول و
سکون ثانی و فتح فوقانی و راء مهمله و تحتانی و نون ثانی م ورد صینی
ه کل سیوتی یا کوجا طح ی ا گویند ۲ گویند ۳ ق مسمن مقوی دماغ
نش یکدرم ... تا سه درم ص کافور ل نرجس یا یاسمین تتسیق الشین المعجمه
نشاع بکسر اول و شین معجمه و الف ف نشاسته ط مع گویند ی اگویند
ب ر ق حابس دم مسکن قابض مغری نه سفیدش دو درم ص عسل
یا گرد آسیا یا برنج مغسول یا لوز المقشر نشارع بضم اول و ثانی و الف
و فتح راء مهمله و ها ف بوره هر درخت و براده هر چیز ن لباب القمح نشی ف
روباه ترکی ه ساهی تتسیق الضاد المعجمه نضار بفتح اول و ضاد معجمه و الف
و راء مهمله ف درخت گز که بر کوه روید و انچه بر زمین روید آنرا اثل گویند
تتسیق الطاء المهمله نطرون بفتح اول و سکون طاء مهمله و ضم راء مهمله و واو
نون م بوره ارمنی ه جوا کهار طح ی ۲ ق مجلی ص صمغ عربی یا طباشیر ل
نمک تلخ یا نمک اندرانی یا شب تتسیق العین المهمله نعنع ع بفتح هر دو
نون و سکون هر دو عین مهمله ف پودنه طمع گویند ح ی ۲ گویند ح ۳ ی ۱
ق ملطف و مقوی دل و حابس دم نه بستانی و تازه و انچه در سایه
خشک سازند ص کرفس یا حب السفرجل ل پودنه جوئی یا دو وزن صعتر
نعام ع بضم اول و ثانی و الف و میم ف شتر مرغ طح ق پوست بیضه او مجلی
نش از سنگدانه او دو درم ص مثلث ل از قشر او بعر الضب
تتسیق الفاء نفط ع بفتح اول و سکون فا و طاء مهمله م سیاه بود
و سفید طح ی ۳ ق ملطف محلل نه سفیدش دو درم ص لعاب اسبغول ل

ارسیاه قطران تنبیه القاف نعد بفتح اول وسکون قاف و دال مهمله
م عصفر تنبیه الکاف نکه ه بفتح اول وکاف مشدده وهای هندی ع
اظفار الطیب تنبیه اللام نلک بکسر اول وسکون لام وکاف م شجر
زعرور تنبیه المیم نمر ع بفتح اول وکسر میم وسکون رار مهمله ف پلنگ
ط به اوح ی نمل ع بفتح اول وکسر سکون ثانی ولام ف مورچه ومور
ه چیونتی ط ح ی ق معض خ طبارش ده عدد ص روغن مورد نمام ع
بفتح اول وثانی مشدده والف ومیم ثانی م سیسنبره ط بزمان ح ی ۲
گویند ۲ ق مفتح محلل ملطف مدر مقوی دل خ سبز تیز بوی ش دو درم ص
بنفشه ل بادروج یا نعنع نمبقن بفتح اول وضم ثانی وسکون تحتانی
وفتح سین مهمله وکسر قاف وسکون نون ثانی م کرسنه نمک شیشه
ف کاحلون تنبیه النون نخل بفتح اول وسکون نون ثانی وحار مهمله
والف ف بوونه تنبیه الواو نوح بضم اول وواو وحار مهمله م لبلاب
نوشادر بفتح اول وسکون ثانی وشین معجمه وضم دال مهمله وسکون رار
مهمله م معدنیست و عملی ط ح ی ۳ ق ملطف خ خراسانی صاف بلور مانند ل شب یا
اندرانی نوی التمر ف خسته واستخوان خرما ه کهجور کی کتهی ط ح ی نوق رحمه
نوره ۴ م کلس ف آهک ط ح ی ۴ ق محرقه خ سفید سخت آب ندیده
ص روغن گل ل زرنیخ نواری ه بکسر اول وثانی والف وکسر رار مهمله و
تحتانی م نام گل هندیست نوی الهلیلج الکابلی ف استخوان هلیله کابلی خ
بزرگ ش یک مثقال تنبیه الها نهق بفتح اول وها وسکون قاف م جرجر
الماء وگویند جرجیر البر نهنک ف بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی
ه مگرمچه نهشل بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون لام

مثقال

م مثقال تنبیه الیاء الیتن ازنبغا رومی بکسر اول وتحتانی وسکون میم ...
والف م نیلوفر نیلا نوتهاه بکسر اول وثانی ولام الف وفتح فوقانی و
خفار ها وسکون واو وفتح فوقانی ثانی وخفار ثانی والف ف نوتیا سیر
ینب ه بکسر اول وثانی وخفار نون وموحده ف ازاد درخت نیلج
بکسر اول وثانی وفتح لام وسکون جیم م عصاره نیل ف نیله خ سبز و رق
مائل بسرخی ل نامیشا وآردجو نیلوفر کبود ه نهال سالک وسپند هه نیلوفر
بکسر اول وثانی وضم لام وواو وفتح فا وسکون رار مهمله ف کینو فر دریائی
کرنب الماء وبیونانی نیمفا وحب وبراحب العروس گویند ه کنول ط
ب ر ۲ وگویند ی ۱ ق منوم ومسکن ومقوی دل خ بغدادی اسمانگونی تازه
خشبوش ش نهت گل ص جزرمربا ل خطمی سفید یا بنفشه نشوق بفتح اول
وسکون ثانی وضم شین معجمه وواو وقاف ف اکوچه نیل ف حشیشیست
که عصاره ویرا نیلج گویند وشجر ویرا عظلم واز ان رنگ سازند وصباغ
بکار برند ط ح ای ۲ گویند ب اگویند مع ر ی ق قابض مجفف خ هندی
که زود حل شود ص رب السوس ل صندل سرخ ومقل ازرق نیپال ه
بفتح اول وسکون ثانی وموحده فارسی والف ولام ه قسمی از جراتیا
نیل من ه بکسر اول وثانی ولام وفتح میم وسکون نون م نیلم ف یاقوت
کبود نیهو ه بکسر اول وثانی وضم موحده وواو ف لیمو تنبیه الواو
تنبیه الالف واجد یعنی بواو والف وکسر جیم وسکون دال مهمله م لبلاب
والان خورد بواو والف ولام الف ونون ع شبث والان بزرک ف
ه سولف تنبیه الباء الموحده وبرالارنب ع بفتح اول وموحده وضم راد
مهمله وسکون لام وفتح همزه وسکون رار مهمله ثانی وفتح نون وسکون

موحده ثانی ف بشم خرکوش طح ی ق مجفف دبر اللقاح بضم لام و قاف
[illegible] وه والف و مهمله ف پشم شتر دبر ع بفتح اول و ثانی و سکون
راء مهمله ف پشم ه اول تشبیق الجیم وج ع بفتح اول و سکون جیم ف اگر ترکی
گح طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف خ ز به سطر خوشبوی پر کرده ش
بخدرم تا یکدرم ص تخم رازیانه ل زیره بکوزن و ووانک وزن آن
رزاوند یا زیره بکوزن دربو ندیکوزن قسط تشبیق الخاء المعجمه وخیز ق بفتح
اول و سکون خاء معجمه و کسر شین معجمه و تحتانی و فتح زاء معجمه و سکون قاف
ف ورمنه خراسانی طح ی تشبیق الدال المهمله و دح بفتح اول و دال
مهمله و سکون حاء مهمله م زوفا تر و د ع بفتح اول و ثانی و سکون
عیم مهمله ف کبجاک بزرگش سفید مهره و کوچکش کوش ماهی دو سنکه خ
پهن پیچیده ل صدف تشبیق الراء المهمله درطار بوند چینی ورد و فرا بفتح اول
و سکون راء مهمله و کسر دال مهمله اول و فتح دال مهمله و سکون فاء و راء مهمله
ثانی و الف ع شقایق النعمان ف گل لاله ورد الحب کبیکج ورد الزنج بکسر زاء
معجمه و تحتانی و فتح نون و فوقانی ف گل خطمی درناج بفتح اول و سکون ثانی
و فوقانی و الف و جیم ا نیلوفر ورد ع بفتح اول و سکون ثانی و دال
مهمله ف گل ه گلال طب ای ۳ گویند ۳ ق مسهل صفرا و مقوی دماغ و دل
خ تازه فارسی تمام شکفته قوی بوی سرخ نش تازه او درم ده مجلس
اسهال کند ص قند یا عسل ل جهة دفع زکام بوییدن کافور یا بنفشه ورد
الحمار ع گلیست که درونش سرخ و بیرونش زرد است ف گل قحبه ط ب ۱
ورد الحمیر ع بضم حاء مهمله و فتح میم و سکون تحتانی و راء مهمله م نوعی از
عود الصلیب درس طح ۲ ق قابض ملطف خ تازه سرخ که بزردی معصف

زند

زند و بگل ما بونه مانند ش بخدرم ص عسل ل مفلفل ورق بفتح اول و ثانی
و سکون قاف ف برک ه پات نه از طرفها تازه و از سرو کهن ورکرف
کرایه ورل بفتح اول و ثانی و سکون لام م قسمی است از سقنقور
که ورای سقنقور است طح ی ق ملطف ورد منتن ع بضم میم و سکون نون
و کسر فوقانی و سکون نون ثانی ف گل سرخی که بو ندارد و ویرا البقون
خوانند طح ی درشان ع بفتح اول و ثانی و شین معجمه و الف و نون
ف مرغ آبی و گویند کبوتر دشتی است وردو فلی ه کبر کا بهول ل
ورق آن ورد الزوان بفتح زاء معجمه و واو و الف و کسر نون و تحتانی
ف گل خطمی ورد چینی گل نسرین تشبیق الزاء المعجمه وزغ بفتح اول
و زاء معجمه و غین معجمه و ها ف نوعی از سام ابرص را گویند حربا گویند
صفدع ل کرم صدف تشبیق السین المهمله وسج بکسر اول و ضم نیز و فتح
سین مهمله و سکون جیم م اشق ویخ ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و
خاء معجمه ف لیمو و اردوان نهایت کے در کوه روید و بوی لیمو دهد ط
ح ای ۲ وسخ الاذن ع بفتح اول و ثانی و ضم خاء معجمه و سکون لام و ضم
همزه و دال معجمه و سکون نون ف چرک گوش ط ح ی ق محلل بلین
وسخ الکواره ط ح ی ۲ ق محلل بلین ص روغن گل ل لادن وسمه ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح میم و ها ف ورق نیل طح ای ۱ تشبیق الشین
المعجمه وشق بضم اول و فتح شین معجمه و سکون قاف ف پوستین ط
ح ی وشکل ف دانه انگور تشبیق العین المعجمه وغد بفتح اول و عین معجمه
و سکون هم و دال مهمله ف بادنجان تشبیق القاف وقل بضم اول و سکون
قاف و لام م مقل خشک تشبیق اللام ولیع بفتح اول و کسر لام و تحتانی

و [illegible] ف عورة [illegible] کویند تتمة الیاء التحتانی دیوی بکسر
اول و [illegible] و نون ف انگور سیاه دیره بفتح اول و سکون ثانی
و فتح تحتانی و راء مهمله ف گل سپید ه کوجا طب ۲ر دیحه بفتح اول و سکون
ثانی و فتح جیم و ها ف نهال خربزه تم الهاء تتمة الالف هاورا اشنه
هال بها والف ولام م فاقله صغار ص کبیر ل قرنفل یا کبابه هاکول
بها والف و ضم کاف و واو ولام م سنبکها ر تتمة الباء الموحده هبید
بفتح اول و کسر موحده و تحتانی و دال مهمله ف تخم حنظل تتمة الدال المهمله
هدهد بضم هر دو ها و سکون هر دو دال مهمله ف مرغ سلیمان هدل
بفتح اول و سکون ثانی و لام ه رائی هدیه بفتح اول و سکون ثانی
و فتح موحده و ها ف کرمیست کوچک و کلان سرخ و سیاه و بسیار
باد ارد و در برسات و جایهای نمناک بهم رسد ه کیحائی هدل زنگی ه
منوت تتمة الراء المهمله هرقلوس بضم اول و سکون راء مهمله و ضم
قاف و لام و واو و سین مهمله م بقلة الیهودیه ف نوعی از کاسنی بری
هرتال بفتح اول و سکون ثانی فوقانی و الف و لام ف زرنیخ زرد
هرتوم بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و واو و میم ف تخم اسپغول
هرقولیون رومی بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و واو و کسر
لام و ضم تحتانی و واو ثانی و نون م نمام هرنوه بفتح اول و سکون
ثانی و فتح نون و ها ف میوه درخت عود ط مع کویند ح ر تتمة الزاء المعجمه
هزار اسفند حرمل هزار جشان یعنی هزار کرم قاثرا تتمة الشین المعجمه هشت
برج ف م مازریون هشیفل بفتح اول و سکون شین معجمه و کسر
فا و تحتانی و ضم فا و سکون لام م شقاقل هشت دهان ف عود هندی تتمة

اللام

اللام هلیغفا بفتح اول و سکون لام [illegible]
م هندبا هلاب م جوز بوا هلموت بفتح اول و سکون لام [illegible]
و واو و فوقانی م حلیموع سلق جبلی هلیلج ع بفتح اول و ثانی و سکون
تحتانی و فتح لام ثانی و سکون جیم ع اهلیلج ف هلیله ه هرا هلد ه بفتح اول
و ثانی و سکون دال مهمله ف زردچوبه هلیونج بفتح اول و سکون ثانی
و ضم تحتانی و واو و نون ف خربزه و بکسر اول مارچوبه ه ناکدون ط
مارچوبه ر کویند مع ح ب کو نیدبر کـ و ب ۲ ق
بستانی تازه ش از تخم او دو درم ص مری و خل ل حرشف هلیانه
بضم اول و سکون ثانی و تحتانی و الف و فتح نون و ها ف شاهتره تتمة
النون هندباع بکسر اول و سکون نون و دال مهمله و موحده و الف
ف کاسنی ط ب را کویند ب ی ا ق مفتح رادع ع شامی بستانی ش
از لعاب او نصف درم ص سپند یا کرفس ل کشوث یا شاهتره هنکوت
ه بکسر اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و واو و فوقانی هندی
دوائی هندیست تتمة الواو هوطا بضم اول و واو و طاء
مهمله و الف ف ماش هوه بیره بفتح اول و سکون ثانی و ها و ثانی و کسر
موحده و تحتانی و راء مهمله م ابهل هوقیطداس یونانی بضم اول و ثانی
و فتح فا و سکون سین مهمله و کسر طاء مهمله و تحتانی و دال مهمله و الف و
سین مهمله ثانی م عصارة لحیة التیس ل پوست درخت مصطکی یا اقاقیا
هوفلیوس یونانی بضم اول و ثانی و کسر فا و تحتانی و ضم لام و واو ثانی
و سین مهمله م شنکار هوم المجوس یعنی م مشهورست ل حرمل هو
فاریقون بضم اول و ثانی و فا و الف و کسر راء مهمله و تحتانی و ضم قاف

وواو ونون م وادی طح حی اق ملطف ۶ گلکن بفتح تازه خوشبو
شی ورمطبوخ ما بمقال ناوود رم ص بو و نه ل بیخ اذخر یا تخم شبت
وامیسون ذکونیخاسا و لو بیدیم وزن ابهل یا مغز بادام هوطون بجیل
هوفریقون م فریقون هوجوه بفتح اول وثانی وها وضم جیم وفتح واو
ثانی وهام شنکار هوجره بضم اول وثانی وفتح جیم ورا مهمله وها
ابوخلسا وکویند عصی الراعی تشبیه الیاء التحتانی هیل بوا بکسر اول
وتحتانی وکسر لام وفتح موحده وواو مشدده والف ع قافله صغار هیراز
ما بکسر اول وثانی وزاء معجمه والف ورا مهمله ومیم الف م نعنع هیراه
بکسر اول وثانی ورا مهمله والف ف الماس هیشر بفتح اول وسکون
ثانی وفتح شین معجمه وسکون را مهمله م هال وبکسر اول کنگر بری هینکه
بکسر اول وثانی وخفا نون وکاف فارسی ف الکوزه هیموم بفتح
اول وضم ثانی وواو ومیم ع لحیة التیس هیضمان بکسر اول وثانی وفتح
ضاد معجمه ومیم والف ونون ف ترب بری هیرون بکسر اول وثانی وضم
را مهمله وواو ونون ع بشب ونسب قب ترقیم الیاء التحتانی تشبیه
الالف یاقوت جواهر معروف ه مانک طب ی ق مجفف ومقوی دل ۶
سرخ رمانی شی قیراط ل دوبرابر طلا ماسیون ویا سبهه کل چینی طح تا
ق ملطف مقوی دماغ ۶ سپید خوشبو ص کافور ل زجبی وفیرن یا
زنبق یا سوسن تشبیه الیاء الموصل بیروح بفتح تحتانی وسکون موحده
وضم را مهمله وواو وحا مهمله ع بیخ لفاح وبیروح الصنم وبیخ سک کتی
ومردم کیا اینهمه نام دارو ه لکهنا لکهمی ط ب ی ۲ ق مخدر ۶ وبه نشی
بیندرم ص عسل ودارچینی ل بزر البنج یا لفاح فارسی تشبیه التاء الفوقانی

یبتوع

یبتوع بفتح اول وضم فوقانی وواو وعین مهمله م هر نباتی که شیر دارد و
محرق بود بدین نام خوانند طح ی ۴ ق محرق مقطع مفرح ۶ شبرم بیخ بس و
اوشی دانق ص اسفناج وروغن گل ل یبروح سگبینج یا نیم وزن ایرسا
تشبیه الخاء المعجمه یخمص بفتح اول وسکون خاء معجمه وکسر میم وصاد مهمله وسکون صاد
مهمله ثانی ف نوعی از کرفس بزرگ که انرا شرفی خوانند یخجه ف بفتح اول
وسکون ثانی وفتح جیم فارسی ووحا مهمله وها ف نکرک وزاله ه اولاق تشبیه
الذال المعجمه یذق یونانی بفتح اول وذال معجمه وقاف وها م
خاخار اقطی تشبیه الراء المهمله یرنا بفتح اول وسکون را مهمله ونون والف
ف حنا یربوع بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وواو وعین مهمله ف
موش دشتی ه جنگلی چوها یراع ع بفتح اول وثانی والف وعین مهمله
ف نی یرامع بفتح اول وثانی والف وکسر میم وتحتانی وعین مهمله م هیلیون
تشبیه الشین المعجمه یشب ویشف ع بفتح اول وشین معجمه وموحده یا فا ف
سنگ یشم تشبیه العین المهمله یعقوب بفتح اول وسکون عین مهمله وضم قاف
وواو موحده ف کبک یعضید بفتح اول وسکون ثانی وکسر ضاد مهمله و
تحتانی ودال مهمله ف کاسنی بری تشبیه الغین المعجمه یغمیصا رومی بفتح
اول وسکون غین معجمه وکسر میم وتحتانی وصاد مهمله والف م ریباس تشبیه
الفاء یفتنج بفتح اول وسکون فا وفتح فوقانی وسکون خاء معجمه ف
مازریون که ورکر ونابها وباغها باشد وزهر کم دارد یا ندارد تشبیه القاف
یقطین ع بفتح اول وسکون قاف وکسر طاء مهمله وتحتانی ونون ف
کدو و هر نباتی که ویرا ساق افراشته نبود مانند کدو وخربزه وخیار کدو
وامثال انرا بدین نام خوانند تشبیه اللام یلنجوج بفتح اول ولام وسکون

نولنا و واو وضم ثانی ف ... هندی تنبیق الملیح یام بفتح اول و میم و الف
و میم ثانی ف مرغ ... تنبیق حنون ا میبو بفتح اول و سکون نون و ضم
موحده و واو و موحده ثانی یا فوقانی م وخر نوب نبطی طح ی ۳ ل عفص
غیر مثقوب نیق اندلسی بفتح اول و ثانی و سکون قاف م انفحه نیتون
بفتح اول و سکون ثانی و ضم مثلثه و واو و نون م نافیا خسیق الواد
یون بضم اول و واو و نون م بقشه خاتمه در بیان ادویه ستة خاتمه
کثیر المنفعه که در کتب متداوله قدما کمتر است ذکر انها چون پادزهر و مومیائی
و چوب چینی و چای و قهوه و تنباکو و چگونگی استعمال انها در سبب تسمیه
پادزهر در کتب معتبره حکما منقولست که در ایام حکومت خرم زاد که یکی از
احداد بهمن بن اسفندیار بود اخوس نام مردی که بصلاح حال و صدق
مقال اشتهار داشت و وجه معیشتش از صیدیست یعنی چندین ادویه از حجر
و غیره الک و شناختن ان میگذشت و بهر روز بصحرای ان دیار و کوههای
ان ولایت میرفت و ادویه و عقاقیر جمع میکرد و بشهر اورده بعطاران
می فروخت روزی در اثنای سیر و سیاحت و تفحص ادویه نظر اش
بر کوزن کوهی افتاد که بر قله ایستاده فریاد میکرد و گاهی دست و گاهی
دم بر زمین میزد و حرکات عجیبه و اصول غریبه از رفتار او مشاهده می نمود
و گاهی در چین جست و خیز نگاه بجانب اسمان میکرد و از روی نشاط
و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از و سر میزد چون اخوس این حالات
ازان کوزن دید حربه برداشته در کمین او شد و نزدیک او رسیده
چنان حربه بر او انداخت که بیک حربه از قله بایین افتاد و اخوس در ساعت
او را ذبح کرد و در اثنای ذبح نظرش افتاد که در دهن او سرافعی
برگشت

برگشت که نیم حاویده در دهن مانده اخوس ...
زیاده شد فی الحال شکم او را شکافت و از روده بزرگ فارسی ...
خانه گویند سنگ املس هموار یافت اخوس سنگ مذکور را بر چوب
زده ستانده بخدمت ملک خرم زاد آورد و حقیقت کوزن تمامه انچه
مشاهده کرده بود مذکور ساخت ملک خرم زاد حکیم ارستاسیوس
را که از احداد حکیم بقراط و از تلامذه حکیم ابرقلیدس صاحب تریاق
صغیر و برادر زاده او بود و در مملکت فارس منصب وزارت ملک
خرم زاد داشت طلبیده انچه از اخوس صدائی شنیده بود تقریر
کرد حکیم ارستاسیوس از تامل از اخوس پرسید که دهن آن
کوزن کف داشت یا نه او گفت دهن کوزن بسیار پر کف بود پس حکیم
از اخوس سوال کرد که در دم او جراحتی هم بود یا نه جواب داد که
در جانب او گرهی بود سبز رنگ و چنان مرئی می شد که پوست ازان
موضع کنده اند پس حکیم بملک گفت که خوراک این کوزن همیشه افعی
بوده چنانچه از علامات او معلوم شده و در دودهای او دو سنگ
متولد میشود یکی ازانها تریاق زهرها رست و دیگر خاصیت زهر
هلاهل دارد ملک تبسم نموده فرمود که این را بحک تجربه امتحان باید
نمود حسب الحکم هشت نفر از بندیخانه حاضر ساختند ملک بانها
همزبانی نمود که ایا شما واجب القتل هستید یا نیستید جواب دادن
که بمقتضای شرع قتل ما را واجبست پس ملک فرمود که نزد ما سنگیست
که مشتبه است در میان زهر و تریاق بشما میدهیم از مردید بجزای خود
رسیده اید و از عقوبت اخروی خلاص شده اید و اگر چنانچه از قبیل

[illegible] حاصل خواهد و بعد ازان ازاد خواهید
[illegible] پول ابجعی نمودند حکیم ارسطاسوس
سنگ [illegible] را که وزنش چهار درم بود در میان هشت نفر تسویه نموده
قسمت کرد و بهر هشت نفر خورانید جماعتی برانها کماشت که هیچ روز
حفظ انها نمایند تا حقیقت حال روشن کردد اتفاقا وقتی که ارمجلس
ملک بیرون میرفت خستگی ازانها نا رنجی ازدست شخصی کرفته بتمامه
مکید و هفت نفر دیکر بالای ان چیزی دیکر نخوردند بعد از پنج روز
ملک خرم زاد انهارا طلبید بحکیم امر نمود که تحقیق حال انها نماید حکیم
هرکدام را طلبیده حقیقت احوال پرسش نمود یکی ازایشان
کفت که مدت یکسال شده است که مرا خفقانی بهم رسیده بود
و به نهجی شده داشت که من بهلاکت خود عزم جزم کرده بودم اکنون
بمجرد خوردن این سنگ ان بیماری بالکلیه برطرف شد دوم کفت که
مرا درد سر کهن بود دمی ازان رام نداشتم از تناول این سنگ
بیکساعت آن درد من ازمن زائل شد و هیچ اثری ازو درین پنج
روز در خود نیافتم سیوم کفت که چشم من بسیار ضعف داشت
الکنون بخوردن ان سنگ در باصرهٔ من قوة عظیم پیدا شده که
در جوانی آن حالت نداشتم چهارم کفت که مرا ذرب و تشنج قدیم
بود اکنون بمجرد خوردن این سنگ ان مرض بالکلیه بصحت مبدل شد
پنجم کفت که مدتی از درد زانو متالم بودم اکنون آن درد مطلقا
زایل شد ششم کفت که مرا بواسیر مولم بود الحال ان الم همکی
برطرف شده و در من نشاط و قوت پیدا شده هفتم کفت که
مدت

مدتی پدید است که [illegible]
متعفن ازان جاری بود اکنون همه [illegible]
نهاده مندمل شده و رنک اصلی برانها ظاهر میشود هشتم کفت که
مدت دو ماه شد که مرا درد سر عظیم حادث شده بود اکنون بعد از
خوردن آن سختی ان درد بیشتر شد حکیم پرسید که تو بعد از
خوردن آن دیکر چه خوردی کفت آب یک نارنج تمام مکیده بودم
حکیم کفت که این شدهٔ درد فعل آن نارنج بوده نه فعل سنگ چرا که
ترشی نارنج بارد یابس است و برودت مستلزم جمع و قبضیت است
چنانکه یبوست موجب استمساک و حفظ است و این هردو صفت
مانع اند از انتشار حرارت این حجر و ظهور اثار آن و لهذا حکما بعد
ازان از ترشیها بالکلیه منع فرموده اند و نیز در هیچ دوای بجاصیت
مثل پادزهر و تریاق و غیرآن بخو یز هیچ قسم ترشی نکرده اند وجه تسمیه
سنگ پازهر با عنقا و حکیم مذکور انکه چون شخص هشتم نارنج مکیده
بود بخانه خود رفت درد سر بسیار اشتداد بهم رسانید بردر
ملک خرم زاد آمده فریاد بر اورد که مرا پای زهر بدهید چون آواز
او بکوش ملک رسید فرمود که نام این سنگ را پای زهر
قرار دهند و معرب ان باد زهر است در اختیارات بدیعی حجر التیس
فاد زهر است و از تریاق بیش کفته اند و ان بهیات بلوط است
و دراز و کرد و بهن نیز می باشد و بر یکدیکر طبقات دارد و در میان آن
چیزیست که کویا مغز است و ان چوب مخلصه یا دانه و بست صاحب
مغز ده آورده که در خراسان آورند و این بصحت پیوسته

[illegible] هیچ موضع دیگر حاصل
[illegible] هندوستان در بعضی محلها بهم رسیده چنانچه
مذکور خواهد شد و چون غذای این گوسفندان مارها و مخلصه و بسبب
عدم آب این [illegible] بسته گردد بدین سبب او را
تریاق طبیعی گویند و گفته‌اند که در زهره وی یافته‌اند و آنچه محقق است آنست که از
شیردان او یابند و بغایت عزیز بود و باطراف برند و گویند چون
بسایند سبزرنگ و زردرنگ باشد و این رنگها بسودن معلوم شود
بقول ارسطاطالیس الوان حجر فادزهر بسیار است بعضی از آن اغبر
و بعضی برنگ خال و نسلی و بعضی بسفیدی مایل و بهترین انها زرد است
و بعد از آن اغبر و بقول رازی حجر بازهر سنگ زرد است و
آن عدیم الطعم است و فایده دهد زهرها را و برای دفع ضرر نیش
در او تاثیر و قوة عظیم دیدم و ابن جمیع نقل کرده که حیوان او را از دیه
املها یابند و از همه اصناف از آنجا بهتر است بمرتبه که امروز نیم دانگ
بصحیح دهند و باز سمی از سموم قتاله باو دهند از آن مضرتی و غایله باو
نرسد و حرارتی انگیزد و خلطی برهم زند بخلاف مثرودیطوس و غیر آن
جهة آن بخاصیت تاثیر میکنند صاحب جامع آورده که فادزهر
را بر دو معنی اطلاق میکنند یکی بر هرچه معاونت بر جبری کند
و دفع مضرت آن نماید بواسطه خاصیتی که در آن چیز باشد و دیگر
بر سنگی معلوم بالخاصیه دفع سموم حاره و بارده کند شربا و تعلیقا
و حکیم عماد الدین محمود شیرازی میگوید که آن سنگی که من دیدم مایل
بزردی و سفیدی بود و با وجود این رشته رشته بود مانند

ریشه‌ها

ریشه‌های شب یمانی و در هند افواه [illegible] پنج چیز از دواهای مفرده و
مرکبه بقوة او ندیدم و نیز از معالجات بقراطی نقل نموده که از بلاد [illegible]
چیزی می آرند که آنرا حجر التیس میخوانند و میگویند که در معده این حیوان
متولد میشود و صورت آن صورة حیوانیست در خشونت و مغاره
جبلی بلاست چون بشکنند پوست بر توبر مانند پوست پیاز
و اندرون پوستها بجای مغز گیاه سبز بود که آن پوستها و طبقها
گویا بر گرد آن پیچیده اند و از آن فادزهر کیاهی گویند چون از آن بآب زیاد
بسایند و بر موضع نیش هوام طلا نمایند در ساعت ورم تسکین
یابد و اخراج سم کند و نیز نقل میکنند که در هندوستان در کوهکنده
از اعمال تلنگانه در چند موضع انجا پیدا میشود و خصوصا در کسورد
حوالی آن چنانچه فادزهر انجا سه توله و چهار توله بسیار دیده اند و
همچنین در ولایت درنکل باشد و در اکثر او سفید انجا چنانچه اگر گوسفندی
را بکشند پنج توله و شش توله از شیردان او بدر می آید و در اکثر مواضع
آن مرزبا چنانچه فرنگیان بسیار را از انجا خریده بجانب آچین و ملاقه می
برند و در جانب اچین فادزهر میمون می باشد که دانه از آن چهار
توله و پنج توله داده اند که یکی از آن بپانصد هون که بعبارت اینجا
تومان عراق و هزار و پانصد روپیه اینجا باشد خریده و فروخته در سرکار
پادشاهان شده که خریده بجواهر مرصع ساخته اند و بادزهر تلنگانه
بر غیر چوب مخلصه بسته میشود چنانچه بر تخم تمر هندی و کجله و پارچه سفال
و سنگ بسته میشود و این گوسفندان از قسم ترینه اند و اهل
اند بصحرائی و کوهی چنانچه در شباکاه از بز کوهی حاصل میشود و اکثر

[illegible] شده شوید [illegible] ازرجال اصطبهانات می شمارند
[illegible] دیدم شخصی راکه زنبور گزیده بود و موضع
لسع متورم گشته وحمرة بسیار ظاهر شده قدری ازپادزهر کیاهی با آب
سائیده بران موضع مالیدند هرکجا که اثر بان میرسید درحال نیکو
خود می‌اید واماس تخفیف یافت وبعضی ازاوقات شخصی را
مارگزیده بود ودر آنوقت تریاق کبیر حاضر نبود قدری ازفادزهر بوزن
قیراطی بشراب سائیده بملسوع دادند که بیاشامد وقدری شیر بخورد نش
دادند پس بر نسق ابله کرد چون بجا امد خلاص یافت امتحان حجرالتیس بون آن
اغبر بود یعنی سیاهی که بسرخی زند انچه نیک باشد چون باشیر بر سنک
بسایند سرخ رنگ کردد وانچه بد باشد چون باشیر بر سنک بسایند
سبز رنگ بود وانرا ازشکم بزکوهی یابند ودر شیروان وی بود و
دیکر انکه سوزنی را در اتش نهند تا سرخ شود در وفرو برند اگر وضوعی باشد
چون سوزن در و رود دود سیاه ازو براید واکر فادزهر خالص بود
دود دخانی بر نیاید ونوک سوزن را زرد سازد ودیکر انکه کویند
پادزهر را در انکشترین نشانند وکربا سه را جسم بکنند وا و را بان انکشتری
در کوزه نهند وبعد از هفت روز برارند اگر جسم بر امده باشد نیکست و
الانیک نباشد واین ازتعجبات است ودیکر چون پادزهر حیوانی صحیح
الامتحان را بر موضع که زنند کی بکذارند بان موضع بچسبند و تا زمانیکه تمام
جذب سم نماید از ان محل جدا نشود دیکر اختلاف در وزن می باشد
ازدانکی تا بیست مثقال شنیده ام وانچه بزرکتر است بهتر است
پادزهر کانی بهترین او برنک ساق چغندر است بعد از ان زرد

سفید فام وامتحانش بر بن طریقست [illegible]
بندد ودیکر انکه چون بردم عقرب بمالند عقرب [illegible] واکر کزد او را
نکند ودیکر چون مقدار دو جو سوده به حلق افعی دیزند افعی بمیرد و
اکر قدری ازان بجوجه مرغ دهند وافعی بر او کمارند که او را بکزد جوجه
سلامت بماند واکر پادزهر کانی سفید را سائیده باب وبر عضوی
که بواسطه سقط متالم شده باشد طلا کنند زایل کند الم ومنع ورم نماید
وچون زهر خورده را بخورانند زهر بطریق عرق بیرون ارد فادزهر
حجری فی الجمله نرمی دارد نه بافراط ودر لمس ان محسوس میشود و
انرا ریشهای باریک باشد بهم پیوسته شده وحرارت ان مفرط باشد
وفائده دهد جمیع سموم حیوانیه ونباتیه را ولسع هوام را کاهی بوزن دو ارزه
جو ازان بسایند یا کوفته بخورند سم او را بدن بعرق ودفع بیرون کنند
وازموت رهائی دهد واکر او را در قلاده بیاویزند یا در انکشترین نهند
ودر حین شربت زهر انرا در دهن کیرند نفع بخشد واکر ان خاتم را
بر موضع لسع عقرب وهوام وطبارات ودواب سموم مانند
دراریح وزنابیر دوارند نفع ظاهر شود واکر سوده ازرا بیاشامند و
بر موضع لسع هوام ارضیه در حین لسع دهند جذب سم کند وبترشح
اخراج نماید واز قبل از انکه بد وتدارک کنند وموضع لسع متعفن شود
ازین فادزهر بر دارفشانند از اصلاح می آورد و دفع سم میکند
واکر انرا بر نیش عقرب بمالند سمیت نیش او زایل شود واکر ازین
بقدر دو جو بسایند وباب ممزوج ساخته در دهن افاعی وحیات
ریزند رفع حس از انها کند وبکشند دیکر نوعی از حجر است که بدان

...وجود انکه ... باشد و بعینه سه جزو مذکور
... شود و چون او را بزر و چو به صلایه کنند سرخ شود مانند
خون ... و چون او را در موضع لسع هوام گذارند غیر افعی و مارها و عقرب
در ساعت وجع ساکن شود **طبع و شربت و منفعت و طریق استعمال**
بقول احمد یوسف فادزهر حارست و حرارت ان قویست اگر کسی را
که دلش جهة بسیاری غم ضعیف شده باشد ثلث مثقال بخوراند نفع دهد
و دلش قوی گرداند **شربتی** جهة سموم و ملدوغ و ملسوع دوازده
جو و جهة ضعف دل و قوة باه دو دانگی و هر که هر روز دو دانگی بخورد ایمن باشد
از همه افعیهای زهرها و محرور مزاج را نیز مفید است جهة انکه عملش بخاصیت
است نه بطبیعت او بغایت گرم است و هر که او مدام بخوردن فادزهر کند
باید که در هر هفته دو روز ترک کند و دیگر منع نموده اند که در حین
خوردن بدندان نرسانند که دندانرا بالخاصه میریزاند **طریق خوردن**
آن چنانست که در تنقیه معده و بدن از اخلاط و استراحتی مناسب
سه روز هر روز دو دانگ بشیر یا بگلاب بسایند تا شش دانگ
بسه روز آخر شود و از عقب آن بساعتی مدید شربت نبات و گلاب بیاشامد
و قریب بظهر بخورد آب یا نان رغبت نمایند و اکثر از کیفیات و لبنیات
و حموضات و مسدودات ملاحظه نماید هر شخصی که از اول بهار تا اول
پاییز باین طریق ملاحظه کند خاصه کسانی را که اهل و پیر باشند قوة حرارت
غریزی ایشان بیفزاید و قوة بدن تمام یابد و از سموم ضرری چندان نیابد
و امراض بلغمی و سوداوی را بغایت نافع بود **نقل از عماد الدین محمود**
شیرازی چون حکمای ما تقدم در خوردن پادزهر اشارهٔ کامل

نفرموده

نفرموده اند هر کس در خوردن او از خود اجتهادی نموده اند و اکثر مردم
از خوردن او ازار رها میکشیدند داین ترکیب خاطر خواه ... اکثر ...
مردم ازین ترکیب منافع تمام یافتند بلکه جوانی از سر یافتند و مطلقا ضرری
ملحوظ نگشت **صفت آن** فادزهر دو و نیم مثقال عنبر اشهب یکمثقال مشک سه
طسوج سنبل الطیب یکمثقال و ربعی قرنفل ... دانگ مجموع را بر سنگ
سماق صلایه نموده حب کنند و مجموع را سه روز متوالی بخورند و از شیرینی
و ترشی و سفیدی بغایت گریزان و غذا نخود آب بگوشت بره دارچینی
و قرنفل داشته بخورند و از تنقلات بادام قندی و شربت نبات یا گلاب
و عرق بیدمشک تناول نمایند و بعد از خوردن ترکیب بنوشیدن آب
سرد راضی نشوند که مبادا قولنج شود و درین ترکیب قدری زعفران نیز
تجویز کرده اند که داخل سازند که ازان تفریح تمام حاصل شود **نوع دیگر**
پادزهر حیوانی یکمثقال یاقوت سرخ رمانی دو جو لعل بدخشان دو جو مروارید
بلغه سه جو زبرجد سه جو صندل سفید سوده یکجو عود هندی یکجو ورق
طلا یکجو ورق نقره یکجو مصطکی یکجو سنبل یکجو مشک نیم جو عنبر نیم جو مجموع
این از یکنیم مثقال زیاده نیست باید که هر کدام علیحده صلایه کنند و وزن
کرده ترکیب کنند و سه حب بسازند و هر روز یکی ازان ناشتا فرو برند
و گلاب گرم کرده با آب عرق بیدمشک ازپی بخورند و میان روز مرغ فربه
در نخود آب پخته بخورند و آخر روز شربت یا عرق بیدمشک بیاشامند
و یک هفته قبل از خوردن احتراز کنند از حموضات و بقول و مباشرت
و غموم و هموم و اگر سالی دو بار احتیاج افتد یکمرتبه اول نوروز
بشروط مذکور بخورند و دیگر در پاییز و خوراک ان دو دانگ و نیم مثقال

نوع دیگر فادزهر نیم مثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی از هر یک
نیم دانگ زبرجد یک دانگ و ورق طلا چهار ورق نقره مشک یکجو و
همین قدر عنبر و قرنفل و مصطکی نیم دانگ عود هندی کوفته و بیخته بگلاب
سرشته حب بمقدار ماشی سازند و هر روز یک حب فرو برند بعد از آن
دو قاشق گلاب بنوشند و قریب بظهر نخوداب مرغ فربه و قدری
برنج با افاویه بخورند و اجزا و نوشربت عرق بید مشک بنوشند و مربای
سیب شیرین و جوارش عود هندی و جوارش مصطکی و پسته قندی
و بادام قندی بنقل کنند و یکهفته پیش از آن و یک هفته بعد از آن
و یک هفته در اثنای آن از ترشیها و سبزیها و روغن و شیر
و ماست و پسته و مباشرت اجتناب کنند که فائده تمام کمال یابند نوع
دیگر که باتفاق حکمای متاخرین مرتب شده و فادزهر شبانکاره
شش دانگ یاقوت احمر لعل بدخشی زمرد زبرجد مشک عنبر اشهب
مصطکی عقیق یمنی از هر یک نیم دانگ عود یکدانگ جواهر را با فادزهر بر
سنگ سماق صلایه کنند و بگذارند که بر همان سنگ خشک گردد باز
بگلاب سرشته چهل حصه کنند و هر روز یکحصه با شربت از قند
و گلاب و عرق گاوزبان و تخم بالنگو بیاشامند و از میوهای تر و لبنیات
و حموضات پرهیز کنند یک هفته قبل از و و یکهفته بعد از و و نیز از مباشرت
دو هفته اجتناب نمایند والله اعلم بالصواب در سبب بهم رسیدن مومیائی
مومیا
منقولست که بعضی از ملوک زادگان روزگار افریدون قریب داراب
جرد فارس که نام موضعی است بشکار بر آمد ناگاه بزی را تیر زدند
و آن بز تیر خورده از نظر ایشان غایب شد چندانکه جستند نیافتند پس از هفته
دیگر

دیگر بهمان سرزمین رسیده جست و جوئی مذکور می نمودند اتفاقا
بغاری رسیدند که چشمه آب در وست و آب آن کمی بر سر آورده
و آن صید تیر خورده را بر ساحل آن چشمه یافتند تیری که بر پهلوی او رسیده
بود دیدند که بجانب پوست او باز گشته است یا مدنی او نجه و جراحت
اندرون تنش مطلقا مندمل شده و ازین حال تعجب نموده رسانیدند و کس
پیش ملک افریدون فرستاده از حقیقت احوال خبر دادند ملک
جماعه را که در علوم طبیعی ماهر و دانا بودند جهة استفسار این واقعه
تعین فرمود آن جماعه بحکم ملک بدان موضع رسیده تفحص وافی نمودند
و هر چه بر روی آن آب و کنارهای آن بود از آن جوشیده جمع کردند
و بر جراحتها و کوفتها اعضا و کسر استخوانها بیازمودند بغایت سریع
النفع یافتند و از ین حقیقت حال ملک افریدون را آگاه ساختند ملک شکر
حکیم علی الاطلاق بجا آورد که چنین تریاقی بدین نیکوی و بسیاری منافع در
عهد من بروی کار آمد فرمود که بر آن غار دری نهادند و حوضی اساس
کردند و در پیش او از آهن باریک شکل غربالی ساخته نصب کردند تا آب
صافی از ره گذر آن سوراخها بدر رود و مومیائی بازماند و معارف و
مشاهیر وقت را که قضات و حکام باشند مامور گردانید تا بدان
موضع رفته هر یک مهر خود بر آن در نهادند تا سال دیگر مستحفظان
و صاحبان مهر بدان موضع میروند و آن در بحضور ایشان گشاده میشود
و هر چه مومیائی حاصل شده باشد بحضور ایشان بر ستانند و باز بمهر
این جماعه مختوم ساخته بحضور ملک می برند اکنون نیز بهمین ضوابط
محفوظ و مضبوط است و سالی بود که صد درم سنگ حاصل شود و

سالی بود کمتر از ین **وجه تسمیهٔ مومیا** این چشمه بر کنار دهی است که پای
موسوم است چه موم یعنی شمع و پای نام آن ده به این وجه تسمیهٔ مومیا
خوانند و چون مومیائی از جواهرات بزرگست و در و منافع بسیار
ملوک پادشاهان بر ملوک دیگر بهمه چیز فخر میکنند اول بپادزهر دوم
بمومیائی و مومیائی دوائی معروف است که قائم مقام ادویه مرکب تریاق
شود و هرگاه با مرکبی ترکیب کنند قوتها و زیاده شود و آن چهار نوعست
معدنی در کوه فارس در اصفهانان بهم میرسد و آنجا را غار موم
میگویند و هر سالی سه قطعه یا چهار قطعه بهم میرسد بر شکل زبان گاو و
آنجا نگاهبانان ملک می باشند و بعد از سه ماه اندرون غار میروند
و میگیرند و باز درش مقفل میسازند و حوالی آن غار جاهای بسیار است
که مومیائی بیرون می آید بصورت زفت **و حجری** را از ولایت روم
می آرند از جبال شهررود و جبال اکراد و این قوی از حشری و ضعیف
از معدنی است و این را بعمل از سنگ بیرون می آورند نافعست جهت
دهن و کبر او رام بلغمیه و عضوی که ضرر از سردی یافته باشد خصوصا
بشراب کدر خته و نافعست جهت حدری که از برد واقع شده باشد و نیز
نافعست سقط ضربه را چون بزیت بمالند **و حشری** که مشهور است
بجوانی چون پادشاهان قدیم مرده اند مومیائی حجر را با صبر سوده بعسل
بر تمام بدن آنها می مالیده اند و جمی بر عسل کرده آنرا در آن می انداختند
و در زمین میگذاشتند و سرش می پوشیدند چون پانصد سال یا زیاده
برین میگذشت این میت جمله مومیائی میشده از ین جهت او را حشری میگفته
اند و اکثر در زمین مصر میگرفته اند و خاصیت این جهة کوفت عضو از جهة

عضو

عضو باطن جهة باطن و از عضو ظاهر جهة ظاهر بعمل آرند و بهترین این مغز
دماغ و مغز استخوانها است **و فرنگی** مستعمل معمول از او میان میسازند
باین طریق که بعد از مردن بقطران و صبر آلوده در خم عسل می اندازند و
پس از صد سال آن میت جمله مومیائی میشود و جای دردی هر موضع چون
بنوشند نفع تمام دهد و مجربست و آنچه از آب جرد آن قفر بود و منافع
او نزدیک بمنافع بمومیائی است **نیکوترین مومیائی** معدنی بود که
از ولایت داراب جرد فارسی خیزد **طبع او** گرم بود در سیوم و لطیف
و محلل باشد بنا بر قول دیسقوریدوس و بقول شیخ الرئیس گرم بود در
آخر درجهٔ دوم و خشک بود در اول و مقوی روح بود بخاصیت و
مومیائی معدنی زود بگداز و در طعمش زفارت و حدت و مرارت
باشد و آنچه خوب است مایلست بعطریت و حجری کوفته میشود و چون
تر سازند حماد لازق باشد و حشری قبول سحق و اداوات نمیکنند
امتحان جودت مومیا بقول ارسطاطالیس اگر خواهی که او را بیازمائی
بگیر جگر گوسفند و یا اشکاف پس فی الحال مومیائی بمال چون بهم چسبید نیکو است
و الا بد و نیز پای مرغی بشکنند و بشب قدری مومیائی در خمیر کرده بکوبند بخورانند
و نو بر بندا اگر نیک است روز دیگر پای شکسته او درست شود **خاصیت
و منافع و قدر شربت آن** بدانکه مومیائی هم از ادویه تریاقست و هم
در انواع علل نفعش بحد است و او سم جمیع حشرات زمین را نفع کند
بطلا و شربت و استخوان شکسته را بپیوندد **بقول شیخ الرئیس بو علی سینا**
اگر حبه مومیائی در آب مرزنگوش حل کرده در بینی چکانند و در شقیقه
و درد سر که از سردی بود و صرع و سرگشتن را نیز سودمند بود و همین قدر

اگر در روغن یاسمین حل کنند و در گوش چکانند زنبور در گوش
بمیرد. و اگر کسی را از گوش ریم آید نخود از او در روغن گل و آب غوره
حل ساخته فتیله بدان آلوده کرده و آلوده در گوش نهند ریش گوش را درست
سازد و نخود از او و مثل آن جند بیدستر در روغن حب البان حل کرده
در بینی چکانند درد سر کهن را زائل کند و چون نخود از او با شیر خر بدهند
خونی که در مرض سل بیرون آید باز دارد و نخود از او چون با آب زیره
و نانخواه کرده بدهند خفقان معدی را ببرد و رطوبتی را که در خم معده
جمع شده باشد و سازد و هر سقط که بر معده و سینه و جگر افتاده باشد
نافع آید و نخود از او با کشکاب که عناب و سپستان و بیخ سوسن در او
جوشانیده باشند حل کرده سه روز ناشتا بدهند همه انواع سرفه را
ببرد و نخود از او با سکنجبین غرغره کنند خناق بگشاید و نخود از او
با شراب مورد و آبی که در او جوشانیده باشند غرغره کنند همه انواع درد
حلق را سودمند باشد و نخود از او و دو دانگ گل ارمنی و دانگی زعفران
با آب سک انگور یا با آب خیار چنبر بدهند درد و کوفتگی را سود کند و نخود
با شیر و شکر چون بکسی بدهند انواع دردها که در مثانه و احلیل بود
زائل کند و اگر کسی را گمان افتد که چیزی بزهر آلوده خورده است
خار خسک و انگدان در آب بجوشانند و دو حبه سنگ مومیائی در آن
حل کرده بدهند دفع آن کند و جهة دفع زهر عقارب و رتیلا نیم دانگ
با شراب صرف یا روغن گاو بدهند دفع مضرت آن کند و اگر کسی
را سپرز بزرگ شده باشد پوست بیخ کبر و تخم بجکنت در آب بجوشانند
و نخود مومیائی در آن حل کرده بدهند سپرز بزرگ شده را بحال خود

آرد

آرد و ورم دندان ببرد و بول و عسر را جهت نخود از او با روغن گاو بدهند باد
بشکند و چون آب بپشت بگیرد و دوغ و دجاج اخر در آب بجوشانند
و نخود مومیائی در آن حل کرده بدهند ادرار بول نماید و برای جرب
و جذام و داء الفیل هر روز نیم دانگ در آبی که در او افتیمون جوشانیده
باشند متوالی هفت روز بدهند از آن علتها امان یابد و جهة ارتعاش
نیم دانگ در آبی که در او سعتر فارسی و راسن کوهی جوشانیده باشند
با او بدهند ارتعاش ببرد و اختناق رحم را دو حبه سنگ مومیائی با آبی
که در او سج هندی جوشانیده باشند بدهند نجات یابد و تپ
ربع را با آبی که در او افسنتین و بادآورد جوشانیده باشند نیم دانگ
مومیائی بدهند آن تب را دفع سازد و حبه از آن فواق را زائل کند
چون بطبیخ کرفس بیاشامند و جهة کسر چون بیاشامند زود نفوذ کند
تا موضع کسر و نیم دانگ در آبی که انیسون جوشانیده باشند حل کنند
و بر شکم مستسقی طلا کنند دفع آید و برای غشی بر سینه طلا کنند بسیار
قوی گرداند و دل را طریق نفوذ بگلاب و بقول ارسطاطالیس بچه خوک
که شکسته کرده باشند با مومیائی آمیخته در گوش اصم چکانند
اگرچه اصم شده باشد در زاد باشد و محمد زکریا در کتاب باه نقل کرده که اگر
کسی را منی جرخ شده باشد و خواهد که حالی بجای او باز شود در اخر حرکت
دو جو یا دو نخود مومیائی در بیحدرم سنگ عسل سفید حل کرده بخورد
و اگر محروری باشد با شراب ترانگبین بنوشد که بسیار مجربست در این
کار و این از اسرار است حب مخترع صاحب مفرح النفس که نقل
کرده بعد از جماع تجربه نموده ام سستی که بعد از جماع طاری میشود مطلقا

درک نشود و نیز این حب جهة سقط و ضربه نافع است و همچنین نافع است
جهة دهن و خلع صفت آن ... باتی کلی سه جز صمغ عربی کثیرا و نیم درا
هر دو نبات بگلاب حل نموده حب بندند و نیم مثقال ازین حب تناول
نمایند و اگر ... لای او شراب صرف بیاشامند انفع خواهد بود و یا با عسل
نیز والله اعلم بالصواب در سبب بهم رسیدن چوب چینی و استعمال آن و از اسم چینی وجه
حیات نیز نامند و در زمان سابق معمول نبوده و درین چند سال پیدا شده
و سببش آنست که دران دیار قحطی عظیم بهم رسید و مردم بصحرا برآمده
بخوردن نباتات و بیخها مشغول شدند چون این بیخ خالی از طعمی نبود
بیشتر میخوردند و هر کدام که امراض مزمنه سودا و به دفروح عفنه و بواسیر
و مانند آنها داشتند از خوردن این شفا یافتند و از آن تجربها بظهور
آمد و نفع آن منتشر شد و مشهور گردید اما چون دران صحرا نمک بهم نمیرسید
بهر جا که می بردند بدل نمک میدادند گرم و خشک گویند بالطبع طبع بیخ چینی
حار رطبست بدلیل آنکه دفع سوداست و آن بارد یابس است و علاج
مرض بضد است و چون حرارت بین ندارد پس در درجه اولی است
و چون تقطیع و تذویب و تسهیل میکند می باید که رطب باشد و این امر چون
ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه ثانیه باشد لیکن جمهور برانند که خشک است
و این که دافع سودا است بالخاصه باشد نه بالطبع و این بیخ را خواص بسیار است
از بس آنکه آثار خواب ازین مشاهده کرده اند گفته اند که گویا این بیخ از
ابحیات پرورش یافته است و روش خوردن آن بطریق تعریف مشهور
است و چون اکثر بعد از تنقیه بدن بجلاب مناسب بکار می برند و
پرهیز خوب میکنند از نمک و لبنیات و حموضات و ترشیها و غذاها بسیار میخورند
نفع

چوب چینی

نفع کلی می بینند و این بیخ در دفع مرض آتشک و داء الثعلب و التیام جراحات
جسته و تذویب اورام نظیر ندارد چنانچه تجربه اکثر حکما شده و در
اسهال مزمن و سحج امعاء و بعضی از اقسام استسقا نیز مفید است
و از اخواص بسیار خواهد که هنوز تجربه نرسیده که در علم طب مهارت
تمام داشت منقولست که بچندین طریق بمجلس استعمال نمودم از آنهاست
خود مشاهده کردم نخستین در دفع مرضی که مناسب دانستم دو توله
ازان مثل صندل سائیده با نیم توله خصیة الثعلب صلایه کرده با شیره
نبات و گلاب بقدر حاجت و یکدانگ زعفران پالوده پخته دادم و اگر
نیم دانگ عنبر اضافه کنند هم خوبست و این یک شربت است و اگر مزاج
شخصی که حار باشد بجای خصیة الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بهدانه
یا لعاب بزرقطونا یا نشاسته پالوده بپزند و مداومت کنند جارست
نوع دیگر نیم سیر بیخ چینی کوفته و بیخته و دو سیر شیره نبات و
نیم سیر گلاب بقوام آورده و یک توله عنبر با نبات صلایه کرده بعد
از آنکه حرارت شیره فی الجمله کم شود برزند و با شیره بر هم زنند بعد ازان
از چوب چینی دران ریخته و تیره زده و خمیر ساخته بردارند و ازان
هر روز بقدر دو نیم توله چوب تخمین کرده بدهند نوع دیگر طریق قهوه
یکسیر آب با دو سیر از بیخ چینی در قهوه دان کرده بجوشانند و بطریق
قهوه بیاشامند نوع دیگر سفوف کرده با نبات خورند نوع دیگر
با عسل سرشته بخورند نوع دیگر قدری ازان با دندان جاویده
بخورند شخصی را دیدم که میگفت ... است که هر روز باین طریق
میخورم قوة تمام در خود مشاهده میکنم و تعریف منافع بسیار میگفت که

[illegible]

یافته ام نوع دیگر عرق این مثل دارچینی کشیده می نوشند نوع دیگر مربای
این نیز سازند و آن نیز نفعی تمام دارد نوع دیگر معاجین است با ادویه مناسب
ترکیب میکنند چنانکه حکیم عماد الدین محمود و حکیم صدر الشریعه و حکیم علی رحمهم الله
ترکیبات ساخته اند بعد از این مذکور خواهد شد و این ترکیب مخترع
همان عزیز است اثرهای خوب دارد و شربت اقل این دو مثقال
و اکثر تا سه مثقال است صفت آن چوب چینی هفتاد مثقال مصطکی
عود زعفران سنبل ساذج تودری سرخ و سفید دارچینی فلفل دراز
فلفل قرنفل زنجبیل گل سرخ شقاقل قاقله جوزبوا اسعد کوفی از خربوزه
فرنجمشک بهمن درونج ابیسون بادرنجبویه خصیة الثعلب جدوار طباشیر
اشنه وج اسطوخودوس خولنجان زرنباد چینی از هر یک دو
مثقال مشک خالص عنبر اشهب از هر کدام یک مثقال قند سفید
کوفته بوزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از
مخترعات حکیم عماد الدین شیرازی صفت آن زرنباد جدوار زرواند مدحرج خولنجان
ماهیزهرج ریوند چینی افتیمون هلیله سیاه شمط معسول تربد سفید
موصوف دارچینی سنبل مصطکی جوزبوا زعفران بسباسه
قرنفل هیل از هر یک دو مثقال بیخ چینی پانزده مثقال کوفته و بیخته
به چندان عسل سرشته شربتی هر روز پنج مثقال نسخه دیگر
چوب چینی شصت درم سیاه دانه هفت درم قرنفل نیم درم سنبل
نیم درم زنجبیل صمغ عربی زعفران از هر یک نیم درم مشک قدری کوفته
و بیخته با سه چندان عسل معجون کنند نسخه دیگر چوب چینی اثنا زفلفل
دراز فلفل گرد زنجبیل عاقرقرحا بزر بارجوزبوا قرنفل سیاه دانه

نانخواه

نانخواه از هر یک بیست مثقال عسل مصفی پنج اثنا را ادویه کوفته و بیخته در
عسل معجون سازند شربتی موافق برداشت طبیعت نسخه دیگر هلیله
کابلی و هلیله زرد بلیله مجموعا منقی از دانه هلیله زنگی دارچینی بزر بار بسفایج
اسارون قرفه زعفران سورنجان مصری خولنجان سعد کندر دار فلفل
زنجبیل بادیان رومی نانخواه تخم زردک تخم سلغم بوزیدان شقاقل جوز
بوا عود هندی اجزا برابر چوب چینی بقدر مجموع داروها عسل صاف
بقوام آورده معجون کنند و در ظرف چینی نگاهدارند شربتی دو مثقال
از برای دفع درد استخوان و اشتها و هضم طعام بغایت بی
نظیر است و فواید دیگر بسیار بخشد نسخه دیگر از صدر الشریعه که در معجون
سورنجان زیاده و کم کرده صفت آن چوب چینی تازه هفتاد مثقال سورنجان
شش درم ماهیزهرج بوزیدان پوست بیخ کبر شیطرج از هر یک
دو درم پوست هلیله زرد هفت درم تخم کرفس تخم رازیانه فلفل
شغزا از هر یک یکنیم درم ملح هندی یکدرم دارچینی انیسون گل سرخ
زنجبیل قاقله قرنفل از هر یک سه درم تربد موصوف مصطکی روغن
بادام از هر یک ده درم زعفران پنج درم عسل سه وزن ادویه
شربتی سه مثقال جهة وجع مفاصل سودمند است بسیار نسخه دیگر
از صدر الشریعه گیلانی جهة آتشک کهنه و تفتیح معده و درد پهلو
و مفاصل و قوة باه و قوة اعضای توالد و تناسل نافع و مجربست
صفت آن بیخ چینی از موده هشتاد مثقال سلیخه کبابه چینی بهمن دارچینی
سنبل اسارون عود هندی مصطکی قرنفل ساذج از هر یک سه
مثقال زنجبیل زعفران از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون

سازند و هر روز دو مثقال ناشتا بخورند نسخه دیگر از بوضیای بن سرابیون
که نافعست ضیق النفس را صفت آن عنصل مشوی ابرسا و اسون رومی
خشک سورنجان مصری رب السوس شونیز از هر یک دو مثقال
قند سفید معصوف چهار مثقال میعه یا بسه میعه سائله پودنه بری بالچ
هندی سداب خشک سکبنج عفص از هر یک سه مثقال بیخ الجذان عنبد
از هر یک چهار مثقال ریوند چینی پنج مثقال چوب چینی بیست مثقال
و بعضی سه مثقال پنج کبر نیز اضافه میکنند اجزا کوفته و بیخته دو شبانه
روز در سرکه کهنه بخیسانند و در سایه خشک کنند و روغن بادام
تلخ بیست مثقال و روغن نارجیل ده مثقال چرب کرده با سه وزن
عسل کف گرفته معجون سازند شربتی یک توله با این سکنجبین بدهند
عنصل مشوی که در سرکه پرورده باشند یک استار یا دو سیر عسل
کف گرفته سکنجبین سازند انکباب چوب چینی در ظرفی شش سیر آب
کنند و نیم سیر شاهی چوب چینی سوده و بیخته دران اب ریخته یکساعت
رها کنند بر اتش که بجوش دراید چون یکدو جوش بخورد دیگ
فرود آرند و سران دیگ را سرپوش کرده بخمیر بگیرند بربالای دیگدان
و هر گاه بخواهند بخار دریابند کرسی که در میان آن سوراخی باشد و راه
دیگر نداشته باشد آورده اول دیگ را بالای انگشت افروخته گذارند
پس کرسی مذکور بالای ان نهند و چیزی بران روزن کرسی گذارند
که راه بدر رو باد نباشد پس از ان بر کنار کرسی نشسته چادری یا لحافی
برسر کشند چنانکه باد نباشد خمیر از روزن کرسی دور سازند
و دو سه گهری یا هر قدر وقت که خواهند بنشینند تا بخار آن بر

جمع

جمیع اعضا رسد و بعرق دراید بعد از ان برخاسته آهسته آهسته
ان جا در را از خود دور سازند که بسیار نفع بخش است والله اعلم
بالصواب دربیان چای خطائی جای وانرا در بعضی از کتب قدیمه
بعنوان صای دیده شد بصاد مهمله والف و تحتانی وان گرم در اول
بدرجه دوم و محلل و مسخن و مذوب و هاضم و مقوی قوی و مروح
ارواحست مداومت آن رنگ را سرخ و بدن را نرم میکنند و قوة
دل و دماغ و معده و جگر میدهد و اشتهای طعام می ارد و هضم
میکند و حقنه را علاجی نیکو است و در دفع بواسیر و قولنج و سل و
سرفه و ضیق النفس بسیار محمد است و نفع بالخاصیه جوشیده چای
آنست که اگر آب جوشیده وی محل زخم شیر را بشویند معاینه میکند
و ازاله سم ان مینماید طریق طبخ آن قدر نیم توله از ان در میان پنج
سیر آب صاف باتش نرم بجوشانند و هر گاه آب کمی کند دیگر اضافه
نمایند تا پنج شش گهری چنین بجوشانند و بعد از ان همین قدر بادیان
خطائی و یا دو توله دارچینی داخل ساخته دو سه گهری دیگر بجوشانند
و دیگر پنج شش قرنفل و اندکی مشک و عنبر اضافه کرده بکار برند
دربیان قهوه قهوه بقول حکمای متاخرین بارد است در درجه سیوم و
یابس است در درجه دوم و قابض است و احداث سودا میکند و
مورث قولنج است و جمیع امراض سوداوی را قوة میدهد جلا
خشک و درست میسازد و بواسیر و سل و سرفه و تنگی نفس را زیان
دارد و رنگ را سیاه و تباه میسازد و وهم و توحش می افزاید
و سبب کابوس میشود و برای سوداوی مزاجان بسیار بد است

لیکن برای بلغمیان و مرطوبیان بد نیست بجوانی می آرد و طبیعت را
بیدار می دارد و استرخای معده که از حرارت و رطوبت بهم رسیده
باشد نفع میکند و قاطع شهوه است و مانع نوم است و عربان که
قهوه بسیار میخورند و مع هذا بکثرت جماع مشهور اند بواسطه آنست که
عمدهٔ غذائی ایشان خرما است و آن ماده تولد منی و انبعاث نفخ
است از جهة قهوة ضرر نمیرسانند و الا قهوة قاطع شهوه است
منقول از عماد الدین محمود شیرازی طبع قهوه هیچ شبهه نیست که بارد
یابس است چون دو کیفیت این ظاهر است و بسر حد اضرار نمیرساند
غالبا در درجه ثانیه باشد اما آنکه دو کیفیت مساوی اند کی یا یکی غالبست
موقوفست بتاملی و این ثمره ایست بقدر حب الغار و دو پاره است
مغز او در یک غلاف و او سیاه رنگست و آن پوستیست تنکتر
از پوست پسته و غلیظ تر از پوست حب الغار در پوست و مغز او
هیچکدام تلخی و تیزی نیست مگر اندک تلخی با قبض و تفاهت محسوس
میشود و در مغزش جلبتی و صلابتی هست و اکثر پوست او را میجوشانند
و آب آن میخورند و در مکه معظمه چنین معمولست و در بسیاری مواضع
مغز را برشته میکنند چنانکه نزدیک باحراق شود و آنرا با پوست مخلوط
ساخته میجوشانند و در مکه معظمه مغز او را بریان کنند هم سوخته چنانکه
طعم آن تلخی سوختگی گراید چون جوشیده پوست او بنوشند با آن
مغز بریان کرده تنقل نمایند و گاه باشد که صرف مغز را بریان کرده تنقل
نمایند چه مقصود ایشان بیداریست غیر مضر طبیخ او بعضی جوشانده
او در تسکین اوجاع و افاده نشاط دخل تمام دارد و زیاده وجهة

قیام

قیام لیل بدان راغب می باشند و تسکین سوزان یعنی حرکت و غلیان
خون میکند و حدهٔ صفرا و لدغ آن را می نشاند و احتراق سودا و غلیظ
از آن کم میکند لهذا در حمیات دمویه و صفراویه و بخاصیه حصبه و جدری
را مفید است و در یرقان نافعست و اکثر انواع صداع را سودمند
است خاصه وقتی که بسبب احتراق باشد و آنچه بسبب غلظی اخلاط
باشد و انجماد خون تصفیه و ترقیق میکند و تب ربع را نفع تمام دهد
و پندارم که مجذوم را نیز سودمند خواهد بود و دفع گرسنگی و تشنگی
میکند پختن آب یک شربت آن که پنج مثقال تا ده مثقال باشد
در بیست و دو مثقال آب بجوشانند تا سی مثقال بماند صاف سازند و گرما
گرم بیاشامند و سروان عظیم بد نشاید و ضرر کلی بدلی میرسد و الخفقان را
مضر است اصلاح آن بدوار الشک و نبات و گلاب و امثال آن
کنند یا زعفران داخل طبیخ او سازند و قبل از آنکه سرد شود او را صاف
سازند تا اثقال قوة او را جذب نکنند و ثقل از آن در میان آن نگذارند
و بسیاری بجوشانند و طبیخ او که بطبخ بسیار غلیظ شده باشد مضر است
و یکبار خوردن آن عنار یعنی یکرو در میان نکوست و ناشتا خوردن
بهتر است و اکثر بالای طعام نیز خورند که از تعطیش آن اندیشه داشته
باشند و بر بالای آن دیگر چیزی نخورند در سبب بهم رسیدن تنباکو که تنباکو
بزبان هندی بجرهنگ گویند بفتح موحده و جیم و سکون راء مهمله و فتح
موحدهٔ ثانی و خفا ها و سکون نون و کاف فارسی درین جزء او آن
بزور کرده و آغاز ظهورش در هند انتهای سلطنت عرش آشیانی
جلال الدین محمد اکبر پادشاه است و ابتدا از اورنگ نشینی جنت

مکانی نور الدین محمد جهانگیر پادشاه که سال هزار و چهارده هجری باشد
وبیشتر از جانب فرنگ درین دیار آمده واکنون در جمیع اماکن و
هندوستان گشته و کار او میشود و از ارتکاب کشیدن دخانش
شعارکه ومه گشته و مشغوف و مرغوب جهانیان گردیده طبع آن
حار و یابس است و بعضی برانند که جوهر آن بارد و یابس است و از
سموم قتاله است و دخانش حار یابس مجرب مکدر حواس و مقوی
است و محلل مسخن جمیع اعضا و مضعف دماغ است و در مزاج هر
عضوی رطوبت زیاده از قدر حاجت باشد نافع است و بمزاج معتدل
مضر بود و بواسیر که از کثرت رطوبت باشد نافع است و در معده که
رطوبت بسیار باشد تحلیل آن می نماید و اعانت هضم میکند و ضعف
بصر که جهت اجتماع رطوبت با بخار باشد سود کند و تنگی نفس که بسبب
کثرت و غلظت بلغم سینه و ششها بسبب کثرت اجتماع بخار
باشد نفع دارد و در مزاج هر عضوی که پوست زیاده از قدر دهر
حاجت باشد بسیار مضر است و هر چشمی راکه رطوبت و بخار زیاده
از مقدار ضروری باشد تحلیل آن میکند و بصارت می فزاید و انکه
از مقدار ضروری کمتر باشد یا زیاده باشد نقصان تمام دارد و رطوبت
کبد را تحلیل میدهد و مجاری را خشک میکند و از آن قوة جاذبه کم میشود
و از کیموس باز میماند و خشکی و درشتی جلد و هزال بدن بهم میرساند
و سبب تب و دق و نحوخت میشود و امراض چند پیدا میشود و که
علاج آن متعسر بل متعذر باشد شخصی را قولنج بهم رسید بنصب شب
پیش فقیر آمد و هیچ دوا در آن وقت حاضر نبود و نزدیک بمردن

بود

بود اجازت دادم که تنباکو بکشد و دود را فرو برد با اندک استعمال
خفت ظاهر شد و چون دود فی ذاته محلل است پس هر دود هر محلل
قوی بجای تنباکو با مثال این مرض کار او میکند و هر نفعی از تنباکو می آید
از هر دود می آید چه ادخنه کلها مسخن و مجفف و مفتح اند پس اگر دخان
ادویه که بتقلیب کبد و دماغ و معده و سائر اعضا قوی مناسب باشد
بکشند یقین که باعضاء مذکوره ضرر کمتر میرسانند و از ضرر تنباکو محفوظ
می مانند شخصی استسقاء است از پس دوا و از معده او شده بود
چنان ضعیف گشته بود که هیچ دوا را قبول نمیکرد و فقیر بعد از تفکر
بسیار باین ملهم گردیده که دوائی که درین مرض استعمال میشود مقدار
از اده بیست اضافه کرده دوا نرا در رنگ تنباکو کشیدن حکم کرد
نفع عظیم ظاهر شد و شیخ الرئیس در قانون چه دفع اسهال من من فرمود
که رزاوند و میعه و بارزد از هر کدام یک مثقال تا سه مثقال زرنیخ ترکیب
کرده و با روغن گاو خمیر نموده و حب ساخته دود انرا بکشند و نیز
بتجربه فقیر رسیده که دخان حب مذکور دفع سرفه کهن میکند دعزیزی را
از عارضه چشم بصارتش کمتر شده بود چنانچه مطلقا از حس بینایی بر
افتاده بود پس از عهد بعید باو رسیدم و دیدم که کتابت میکرد
از ان عزیز استفسار این معنی بعید الوقوع نمودم پاسخ داد که
یکسالی برگ تنباکو را با برگ سنبهالو که او را در کتب فنجنکشت
گویند خشک ساخته بالمناصفه تنباکو کشیدم از جا صحبت آن حق
تعالی بینایی بمن ارزانی داشت و این از عجائب اسرار است
و نیز بحدس دریافته شد که مصلح تنباکو بجز نیشکر نباشد که بعد از و بنوشند

و دلیلش انکه هرگاه پارچه بدو دو قبا کو رنگ پذیرد بجز شیر از انتو دن زدو این بتجربه راقم رسیده وجمعی برکهاهی سبز اورا در شربت برنج میجوشانند و بعد از ان بکار می برند وگروهی با سرکه جوشانیده میکشند وبرخی با قند آمیخته استعمال میکنند وفرقه باب لیمو شسته جذب می نمایند وجماعه قدری کافور بر وافزوده بکار می برند و این گزیده روستی است و همچنین است اگر دو دانه ازکبابه چینی در حلقش داخل ساخته بکشند ادفق الکمیهیچ منفسی دل با این ابتلای و حالی اخر از مانی نه بند و ومتبلای استیلای چنین غایله ناکهانی نگردد سد هیچ افزیده را نشو و خوردنش نصیب • ای افزید کارتم بس است افزید نتش سه در تاریخ اتمام تمیق • مستیا جز دجر د نسخه کل • هست آخر همان همان اول • از لغت کر برون کنی مشکل • سال ختم رقوم کرد حل

تمت بحمد الله تعالی وعونه و توفیقه فی ١٥ شهر
ذی القعدة الحرام من شهور سنه ١١٨٦
فی المدینة المنوره علی ساکنها افضل الصلاة
واکمل التحیة • علی ید الحقیر الخلیل الی ربه الغنی
بدر الدین محمد بن المرحوم السید نصیر الدین
الرضوی الحسینی النقشبندی
عفی عنهما وعن المسلمین
آمین • تم

خط بود در دفتر بماند یادگار

نوشتم من صرف کردم روزگار • من نمانم این بماند یادگار